



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الرحمن  
علیهما صلی

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

# امامت و ولایت

حضرت

## امیرالمومنین علی

دراماتی شیخ صدوقی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# امامت و ولایت حضرت علی علیه السلام

نویسنده:

محسن کمالی تقوی

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۹	امامت و ولایت حضرت علی علیه السلام
۹	مشخصات کتاب
۱۶	فهرست مطالب
۲۴	مقدمه آیت الله خرازی
۲۶	پیشگفتار
۲۶	اشاره
۲۶	۱ - تاریخچه جمع آوری و تدوین حدیث
۲۶	الف) نقل روایت در زمان پیامبر صلی الله علیه وآله
۲۷	ب) جلوگیری از نقل و نوشتن حدیث در زمان پیامبر صلی الله علیه وآله
۲۹	ج) ادامه ممنوعیت ها پس از پیامبر صلی الله علیه وآله
۲۹	د) احادیث ساختگی
۳۰	ه) احادیث پیامبر صلی الله علیه وآله و اهل بیت علیهم السلام
۳۰	و) رفع ممنوعیت تدوین حدیث
۳۱	ز) نقش اصحاب ائمه در تدوین حدیث
۳۱	ح) نقش ایرانیان در تدوین حدیث
۳۲	۲ - املا و امالی
۳۳	۳ - نگاهی به زندگی شیخ صدوق رحمه الله
۳۴	۴ - اثر حاضر
۳۷	ولادت، والدین و ازدواج حضرت
۳۷	ولاده علی "علیه السلام"
۴۰	پدر و مادر حضرت علی "علیه السلام"
۴۳	زواج علی علیه السلام
۴۴	ازدواج حضرت علی "علیه السلام"

٤٥	.....	على عليه السلام در قرآن
٤٥	.....	على عليه السلام فى القرآن
٤٦	.....	حضرت على عليه السلام در قرآن
٧١	.....	رواياتى پيرامون غدیر
٨١	.....	وصايا رسول الله "صلى الله عليه واله" الأخيره
٨٢	.....	آخرين وصيت هاى پیامبر "صلى الله عليه وآله"
٨٧	.....	اتصال الوصيه
٨٨	.....	اتصال وصايت
٩١	.....	امامه على "عليه السلام"
٩٢	.....	امامت حضرت على "عليه السلام"
٩٧	.....	منزله على "عليه السلام"
٩٨	.....	منزلت حضرت على "عليه السلام"
١٠١	.....	ثواب ياد و كتابت، ولايت حضرت ، كشتى نجات
١٠١	.....	ثواب ذكر و كتابه و... فضائل على "عليه السلام"
١٠٢	.....	ثواب بيان و نوشتن و... فضائل حضرت على "عليه السلام"
١٠٣	.....	ولايه على "عليه السلام"
١٠٤	.....	ولايت حضرت على "عليه السلام"
١١٠	.....	على "عليه السلام" سفينه النجاه
١١١	.....	حضرت على "عليه السلام" كشتى نجات
١١٢	.....	على "عليه السلام" ميزان الحق
١١٣	.....	حضرت على "عليه السلام" ميزان حق
١١٤	.....	علم على "عليه السلام"
١١٥	.....	دانش حضرت على "عليه السلام"
١١٨	.....	على "عليه السلام" باب مدينه العلم
١١٩	.....	حضرت على "عليه السلام" دروازه شهر علم
١٢٢	.....	فى على "عليه السلام" خصال الأنبياء

- ۱۲۳ ..... ویژگی همه انبیا "علیهم السلام" در علی جمع است
- ۱۲۶ ..... علی "علیه السلام" اَوَّلِ مَسْلَمٍ
- ۱۲۷ ..... علی "علیه السلام" نخستین مسلمان
- ۱۲۸ ..... سدّ الأبواب
- ۱۲۹ ..... بسته شدن درب ها
- ۱۳۰ ..... حلقه باب الجَنَّة
- ۱۳۱ ..... حلقه در بهشت
- ۱۳۲ ..... سیره علی "علیه السلام" فی نفسه
- ۱۳۳ ..... زندگی شخصی حضرت علی "علیه السلام"
- ۱۳۸ ..... شجاعه علی "علیه السلام"
- ۱۳۹ ..... شجاعت حضرت علی "علیه السلام"
- ۱۴۲ ..... نبذه من کرامات علی "علیه السلام"
- ۱۴۳ ..... گوشه ای از کرامات حضرت علی "علیه السلام"
- ۱۵۲ ..... فضائله الجامعه
- ۱۵۳ ..... فضیلت های متعدد حضرت علی "علیه السلام"
- ۱۷۵ ..... نبذه من فضائله الأخری
- ۱۷۶ ..... فضایی دیگر از حضرت علی "علیه السلام"
- ۱۸۱ ..... مناقب علی "علیه السلام" فی کلام له
- ۱۸۲ ..... علی "علیه السلام" از زبان خودش
- ۱۸۹ ..... علی "علیه السلام" فی کلام الغیر
- ۱۹۰ ..... علی "علیه السلام" از زبان دیگران
- ۱۹۳ ..... حب علی "علیه السلام" وبغضه
- ۱۹۴ ..... دوستی و دشمنی با حضرت علی "علیه السلام"
- ۲۰۱ ..... منکر علی "علیه السلام"
- ۲۰۲ ..... منکر حضرت علی "علیه السلام"
- ۲۱۰ ..... عقوبه سبّ علی "علیه السلام"

- عواقب بدگویی از حضرت علی "علیه السلام" ..... ۲۱۱
- طیب ولاده محب علی "علیه السلام" ..... ۲۱۴
- حلال زادگی دوست دار حضرت علی "علیه السلام" ..... ۲۱۵
- نبذه من فضائل شیعه علی "علیه السلام" ..... ۲۱۶
- گوشه ای از فضائل شیعیان حضرت علی "علیه السلام" ..... ۲۱۷
- شفاعه علی "علیه السلام" ..... ۲۲۸
- شفاعت حضرت علی "علیه السلام" ..... ۲۲۹
- لزوم الموالاه لأولیاء علی "علیه السلام" ..... ۲۳۲
- لزوم دوستی با دوستان امیرالمؤمنین "علیه السلام" ..... ۲۳۳
- اخبار النبی بما یجری علی أهل بیته "علیهم السلام" ..... ۲۳۴
- پیش گویی پیامبر درباره مصایب اهل بیت "علیهم السلام" ..... ۲۳۵
- نبذه من فضائل أهل البیت "علیهم السلام" ..... ۲۳۶
- گوشه ای از فضایل اهل بیت "علیهم السلام" ..... ۲۳۷
- امامه أئمه المعصومین "علیهم السلام" ..... ۲۵۰
- امامت ائمه معصومین "علیهم السلام" ..... ۲۵۱
- الخلفاء بعد النبی صلی الله علیه وآله اثنا عشر ..... ۲۵۴
- جانشینان پیامبر "صلی الله علیه وآله" دوازده نفرند ..... ۲۵۵
- فهرست آیات ..... ۲۵۹
- درباره مرکز ..... ۲۶۱



سرشناسه: ابن بابویه محمد بن علی ۳۱۱ ۳۸۱ق.

عنوان قراردادی: امالی فارسی - عربی برگزیده

عنوان و نام پدیدآور: امامت و ولایت حضرت علی علیه السلام تلخیص امالی شیخ صدوق رحمه الله تدوین و تلخیص محسن کمالی تقوی با مقدمه محسن خرازی ویرایش احمد سعیدی

مشخصات نشر: قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۵.

مشخصات ظاهری: [۲۳۹] ص.

شابک: ۱۲۰۰۰ ریال ۷-۷۶-۸۴۸۴-۹۶۴-۹۷۸-۲-۷۶-۸۴۸۴-۹۶۴-۹۷۸ : چاپ دوم

وضعیت فهرست نویسی: فایا

یادداشت: عنوان روی جلد: امامت و ولایت حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام در امالی شیخ صدوق رحمه الله.

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس

یادداشت: نمایه.

موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ق -- اثبات خلافت -- احادیث

موضوع: احادیث شیعه -- قرن ۴ق

شناسه افزوده: کمالی تقوی، محسن، ۱۳۴۴ -

شناسه افزوده: خرازی محسن ۱۳۱۵ -

شناسه افزوده: مسجد جمکران (قم)

رده بندی کنگره: BP۱۲۹/الف۲الف۱۷۴۲۱۷۸۰۴۲۱۷ ۱۳۸۵

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۲۱۲

شماره کتابشناسی ملی: م ۸۵-۳۶۳۸



امامت و ولایت حضرت علی علیه السلام تلخیص امالی شیخ صدوق رحمه الله

محسن خرازی

ص: ۲



قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

إنَّ اللهَ تبارك وتعالى جعل لأخى على بن أبى طالب فضائل لا يحصى عددها غيره.

فمن ذكر فضيله من فضائله مقرّاً بها غفر الله له ما تقدّم من ذنبه وما تأخّر ولو وافى القيامه بذنوب الثقلين.

ومن كتب فضيله من فضائل على بن أبى طالب عليه السلام لم تزل الملائكه تستغفر له ما بقى لتلك الكتابه رسم.

ومن استمع إلى فضيله من فضائله غفر الله له الذنوب التي اكتسبها بالاستماع.

ومن نظر إلى كتابه في فضائله غفر الله له الذنوب التي اكتسبها بالنظر...

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

خداوند تبارک و تعالی برای برادرم، علی بن ابی طالب، آن قدر فضیلت قرار داده که شمارش آن را فقط خدا می داند. هر کس فضیلتی از فضایل او را بازگو کند و به آن اعتراف نماید، خداوند گناهان گذشته و آینده اش را ببامرزد، هر چند به اندازه جنّ و انس گناه کرده باشد.

و هر کس فضیلتی از فضایل علی علیه السلام را بنویسد، تا آن نوشته باقی است، فرشتگان برای او طلب آمرزش می کنند.

و هر که به فضیلتی از فضایل علی علیه السلام گوش دهد، خداوند گناهانی را که به وسیله گوش انجام داده می آمرزد.

و هر کس به نوشته ای از فضایل علی علیه السلام نگاه کند، خداوند گناهانی را که با چشم انجام داده، می آمرزد.

«أمالی صدوق، مجلس ۲۸، حدیث ۱۰»

ص: ۵







## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۱	مقدمه آیت الله خراسانی
۱۳	پیش گفتار
۲۲	ولادة علي عليه السلام
۲۳	ولادت حضرت علی عليه السلام
۲۴	والدا علي عليه السلام
۲۵	پدر و مادر حضرت علی عليه السلام
۲۸	زواج علي عليه السلام
۲۹	ازدواج حضرت علی عليه السلام
۳۰	علي عليه السلام في القرآن
۳۱	علی عليه السلام در قرآن
۴۰	نصوص من الله في علي عليه السلام
۴۱	سخنانی از خداوند درباره حضرت علی عليه السلام
۵۴	أحاديث حول الغدير
۵۵	روایاتی پیرامون غدیر
۶۴	وصايا رسول الله صلى الله عليه وآله الأخرية
۶۵	آخرین وصیت‌های پیامبر ﷺ
۷۰	اتصال الوصية
۷۱	اتصال وصایت

۷۴	..... امامة علي <small>عليه السلام</small>
۷۵	..... امامت حضرت علي <small>عليه السلام</small>
۸۱	..... منزلة علي <small>عليه السلام</small>
۸۲	..... منزلت حضرت علي <small>عليه السلام</small>
۸۴	..... ثواب ذکر و کتابة و .. فضائل علي <small>عليه السلام</small>
۸۵	..... ثواب بیان و نوشتن و .. فضائل حضرت علي <small>عليه السلام</small>
۸۶	..... ولاية علي <small>عليه السلام</small>
۸۷	..... ولایت حضرت علي <small>عليه السلام</small>
۹۲	..... علي <small>عليه السلام</small> سفينة النجاة
۹۳	..... علي <small>عليه السلام</small> کشتی نجات
۹۴	..... علي <small>عليه السلام</small> ميزان الحق
۹۵	..... علي <small>عليه السلام</small> ميزان حق
۹۶	..... علم علي <small>عليه السلام</small>
۹۷	..... دانش حضرت علي <small>عليه السلام</small>
۱۰۰	..... علي <small>عليه السلام</small> باب مدينة العلم
۱۰۱	..... علي <small>عليه السلام</small> دروازه شهر علم
۱۰۴	..... في علي <small>عليه السلام</small> خصال الأنبياء <small>عليهم السلام</small>
۱۰۵	..... ویژگی همه انبیا <small>عليهم السلام</small> در علی <small>عليه السلام</small> جمع است
۱۰۸	..... علي <small>عليه السلام</small> أول مسلم
۱۰۹	..... حضرت علي <small>عليه السلام</small> نخستین مسلمان
۱۱۰	..... سدّ الأبواب
۱۱۱	..... بسته شدن درب ها
۱۱۲	..... حلقة باب الجنة
۱۱۳	..... حلقه در بهشت



۱۱۴	سیرة علی <small>علیه السلام</small> في نفسه .....
۱۱۵	زندگی شخصی حضرت علی <small>علیه السلام</small> .....
۱۲۰	شجاعة علی <small>علیه السلام</small> .....
۱۲۱	شجاعت حضرت علی <small>علیه السلام</small> .....
۱۲۴	نبذة من کرامات علی <small>علیه السلام</small> .....
۱۲۵	گوشه‌ای از کرامات حضرت علی <small>علیه السلام</small> .....
۱۳۴	فضائله الجامعة .....
۱۳۵	فضیلت‌های متعدّد حضرت علی <small>علیه السلام</small> .....
۱۵۶	نبذة من فضائله الأخرى .....
۱۵۷	برخی از فضایل دیگر حضرت علی <small>علیه السلام</small> .....
۱۶۲	مناقب علی <small>علیه السلام</small> في کلام له .....
۱۶۳	علی <small>علیه السلام</small> از زبان خودش .....
۱۷۰	علی <small>علیه السلام</small> في کلام الغير .....
۱۷۱	علی <small>علیه السلام</small> از زبان دیگران .....
۱۷۴	حبّ علی <small>علیه السلام</small> وبغضه .....
۱۷۵	دوستی و دشمنی با علی <small>علیه السلام</small> .....
۱۸۲	منکر علی <small>علیه السلام</small> .....
۱۸۳	منکر حضرت علی <small>علیه السلام</small> .....
۱۹۰	عقوبة سبّ علی <small>علیه السلام</small> .....
۱۹۱	عواقب بدگویی از حضرت علی <small>علیه السلام</small> .....
۱۹۴	طیب و لادة محبّ علی <small>علیه السلام</small> .....
۱۹۵	حلال زادگی دوست‌دار حضرت علی <small>علیه السلام</small> .....
۱۹۶	نبذة من فضائل شيعة علی <small>علیه السلام</small> .....
۱۹۷	گوشه‌ای از فضایل شیعیان حضرت علی <small>علیه السلام</small> .....



۲۰۸	شفاة علی <small>علیه السلام</small> .....
۲۰۹	شفاعت حضرت علی <small>علیه السلام</small> .....
۲۱۲	لزوم الموالاتة لأولیاء علی <small>علیه السلام</small> .....
۲۱۳	لزوم دوستی با دوستان امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> .....
۲۱۴	اخبار النبی <small>صلی الله علیه و آله</small> بما یجری علی أهل بیته <small>علیهم السلام</small> .....
۲۱۵	پیش گوئی پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> درباره مصایب اهل بیت <small>علیهم السلام</small> .....
۲۱۶	نبذة من فضائل أهل البيت <small>علیهم السلام</small> .....
۲۱۷	گوشه ای از فضایل اهل بیت <small>علیهم السلام</small> .....
۲۳۰	امامة أئمة المعصومین <small>علیهم السلام</small> .....
۲۳۱	امامت ائمه معصومین <small>علیهم السلام</small> .....
۲۳۴	الخلافة بعد النبی <small>صلی الله علیه و آله</small> اثنا عشر.....
۲۳۵	جانشینان پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> دوازده نفرند.....
۲۳۹	فهرست آیات.....



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِهِ نَسْتَعِينُ

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على سيد الأنبياء والمرسلين حبيب إله العالمين ابي القاسم محمد وآله الطاهرين ولعنه الله على اعدائهم إلى قيام يوم الدين

خداوند سرشت انسان ها را بر فطرت، عقل و گویش باطنی آفرید تا به راحتی بتوانند حق و حقیقت را بشناسند و آن را بپذیرند.

آنان که این فطرت خدادادی را در زیر ظلمت اعمال و رفتار زشت نپوشانده اند، حقایق را زودتر و بهتر از دیگران در می یابند.

مسأله ولایت امیرمؤمنان و امامان معصوم علیهم السلام از جمله مسائلی است که سرشت انسان های آزاد و پاک پذیرای آن است و به آن اذعان دارند و همین ولایت است که انسان را در صراط مستقیم قرار داده و از انحراف به چپ و راست باز می دارد و او را دارای عالی ترین نوع معرفت و بهترین گونه های اخلاقی و رفتاری می نماید.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند می فرماید: ولایت علی بن ابی طالب دژ و قلعه محکمی است که انسان را از آتش جهنم محفوظ می دارد.

و نعمت ولایت در حقیقت همان نعمت هدایت است که شایسته سؤال از آن است «وَلْتَسْئَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ».

علمای اسلام در طول تاریخ اهمیت این مسأله را به خوبی درک کرده و روایات



و احادیث فراوانی را در جوامع اولیه نقل کرده اند و پیرامون موضوعات مختلف آن کتاب های ارزنده ای تألیف نمودند و سعی فراوانی در این زمینه مبذول داشتند. از جمله آنان مرحوم شیخ صدوق رحمه الله است که با کتاب های زیادی که تألیف کرده، نقش مهمی را در این زمینه ایفا نموده است، شکر الله مساعیه الجميله.

مؤلف محترم کتاب جناب مستطاب آقای حاج سید محسن کمالی تقوی - زید عزه - به جهت علاقه وافری که به نشر فضایل ولایت دارند، اقدام به گزینش و نشر روایاتی از کتاب شریف «مجالس» تألیف شیخ صدوق قدس سره نموده اند آن را تورق اجمالی نمودم، ترجمه آن آزاد و رساست و استفاده از آن برای فارسی زبانان سهل و آسان است.

امید دارم خداوند ایشان را در زمره ناشرین معارف اسلامی قرار دهد و مضمول این حدیث شریف باشند:

قال النبي صلى الله عليه وآله: «من نقل عني الى من لم يلحقني من امتي اربعين حديثاً كتب في زمره العلماء وحشر في جملة الشهداء.»

والسلام على من اتبع الهدى

سید محسن خرازی

ص: ۱۲

حمد و سپاس بی پایان خدای متعال را سزااست که انسان را آفرید و راه کمال و سعادت را رهنمونش شد، و آنچه نمی دانست به او آموخت. درود بی کران بر خاتم پیامبران محمد مصطفی صلی الله علیه و آله که پیامبری خود را با واژه قرائت و خواندن آغاز نمود و سلام بر نخستین جانشین و دروازه شهر علوم او حضرت علی علیه السلام و بر فرزندان معصوم آن حضرت که پیشوایان نور و هدایتند، بخصوص آخرین ذخیره الهی و احیاگر سنت محمدی حضرت مهدی علیه السلام.

به عنوان پیش گفتار، ابتدا به تاریخچه جمع آوری و تدوین حدیث پرداخته، پس از آن توضیح مختصری در باره املا و امالی ارائه می کنم، سپس خلاصه ای از زندگی شیخ صدوق رحمه الله را از نظر گذراننده و در پایان در باره اثر حاضر مطالبی ذکر می شود.

### **۱ - تاریخچه جمع آوری و تدوین حدیث**

#### **الف) نقل روایت در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله**

طبق نقل تاریخ، در زمان پیامبر خداصلی الله علیه و آله، نقل گفتار و رفتار ایشان، در بین مردم امری متداول بود. مسلمانان مشتاقانه آنچه را که از پیامبر خداصلی الله علیه و آله می دیدند یا می شنیدند، برای یکدیگر بازگو می نمودند.

به عبارت دیگر: روایت از پیامبر خداصلی الله علیه و آله یعنی بازگو کردن گفتار و رفتار ایشان، بسیار رواج داشت. به تدریج روایات شفاهی به شکل مکتوب و نوشته در آمد. این کار با توصیه، تأکید و تشویق حضرتش انجام می گرفت. در روایتی از آن حضرت نقل شده که فرمودند: علم و دانش را به بند آورید.

پرسیدند: راه و رسم به بند کشیدن آن چیست؟

فرمودند: کتابت و نوشتن آن. (۱)

و بدین سان طالبان دانش های الهی پیرامون مدینه علم پیامبر خداصلی الله علیه و آله گرد می آمدند و در طول دوران پیامبری ایشان به فراخور فکر و اندیشه خود از گفتارها و رفتارهای حضرتش توشه می گرفتند و آن ها را ثبت و ضبط کرده، برای دیگران باز گو می کردند.

### ب) جلوگیری از نقل و نوشتن حدیث در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله

همان گونه که بیان شد، نقل حدیث در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله، امری متداول بود، ولی در همان زمان با دسیسه عدّه ای و با هدف های خاص از این امر جلوگیری به عمل می آمد.

عبداللّه بن عمر می گوید: «من هر آنچه از پیامبر می شنیدم، می نوشتم، اما قریش مرا از این کار باز داشتند و گفتند: تو هر چه از رسول خدا می شنوی، می نویسی و حال آن که او بشری است که گاه از روی خشم و غضب سخن می گوید (ولذا سخنان او قابل اعتماد نیست).

عبداللّه بن عمر در ادامه می گوید: از آن پس از نوشتن حدیث خودداری نمودم و این مطلب را با پیامبر صلی الله علیه و آله در میان گذاشتم.

ایشان به من فرمودند: بنویس؛ و در حالی که به دهان خود اشاره می کردند، فرمودند: «سوگند به آن کسی که جانم در دست اوست! چیزی جز حق، از این خارج نشده است.» (۲)

جلوگیری از نقل و نوشتن احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله در تمام طول حیات ایشان ادامه داشت. حتی هنگامی که حضرتش در آخرین لحظات عمر خویش درخواست قلم و دوات کردند، به بهانه این که با وجود قرآن، نیازی به کلام پیامبر نیست و با شعار «حسبنا کتاب الله»، از حاضر کردن قلم و دوات جلوگیری به عمل آمد. (۳)

ص: ۱۴

۱- ۱. شهید ثانی: منیه المرید، مکتب الاعلام الاسلامی، ص: ۳۴۰.

۲- ۲. ابو داوود: سنن، تحقیق سعید محمد اللحام، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۰ ه. ق. ج: ۲ ص ۱۷۶.

۳- ۳. در صحیح بخاری - از کتب معتبره غیر شیعیه - از ابن عباس نقل شده است که گفت: آن گاه که زمان احتضار پیامبر فرا رسید، به کسانی که نزد او حاضر بودند، فرمود: {قلم و دوات} بیاورید تا برای شما نوشته ای بنویسم که پس از من هرگز گمراه نشوید. بعضی از حاضرین گفتند: درد و بیماری بر او غلبه کرده، قرآن پیش ماست، کتاب خدا برای ما کافی است. در آن هنگام بین اهل خانه اختلاف به وجود آمد، عدّه ای گفتند: قلم و دوات را بیاورید، تا آنچه مورد نظر پیامبر است، نوشته

شود، تا این که هرگز گمراه نشوید، و برخی از آن ها غیر از این را می گفتند. وقتی که نزاع و گفت و گو بالا گرفت، پیامبر فرمودند: برخیزید (و بیرون بروید). ابن عباس گوید: تمام مصیبت های پیش آمده به واسطه آن چیزی است که بین رسول خدا صلی الله علیه و آله و نوشته و وصیت او فاصله ایجاد کرد. محمد بن اسماعیل بخاری: صحیح بخاری، چاپ افست، دار الفکر، بیروت، ۱۴۰۱ ه. ق. ج: ۵ ص ۱۳۸.

## ج) ادامه ممنوعیت ها پس از پیامبر صلی الله علیه وآله

پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه وآله، جلوگیری از نقل و انتشار حدیث شدت گرفت. عایشه در این زمینه می گوید: پدرم ابوبکر، پانصد حدیث از پیامبر جمع آوری نموده بود، شبی را تا به صبح از این پهلو به آن پهلو می گشت و نمی خوابید. صبح روز بعد، از من خواست تا احادیث را نزد او ببرم. احادیث را نزد او حاضر کردم و او تمام آن ها را با آتش سوزاند. (۱)

و همچنین نقل شده است: ابوبکر به مردم اعلام کرد که آنچه احادیث نوشته شده در اختیار دارند، پیش او آورند. مردم به گمان این که ابوبکر قصد جمع آوری و تدوین آن ها را دارد، احادیث را نزد او گرد آوردند. آن گاه ابوبکر دستور سوزاندن آن ها را داد. (۲)

## د) احادیث ساختگی

همزمان با این ممنوعیت ها که برای نقل احادیث صحیح نبوی اعمال می شد، نقل احادیث ساختگی آزاد بود. عدّه ای برای خوش خدمتی به حاکمان جور و یا با دستور مستقیم آنان، به جعل و ساختن احادیث دروغین می پرداختند. و گروهی نیز با استفاده از همان روایات ساختگی، کتاب هایی را تالیف کردند.

به عنوان نمونه، در فضایل معاویه ویزید به اندازه ای حدیث ساخته شده بود که برخی از نویسندگان، تمام یا بخشی از کتاب خود را به ذکر روایات دروغین در فضایل آن دو اختصاص دادند. (۳)

ص: ۱۵

---

۱-۴. ابو عبدالله شمس الدین الذهبی: تذکره الحفاظ، ج ۱، ص ۵.

۲-۵. شیخ علی کورانی: تدوین القرآن، دار القرآن، قم، ص ۳۷۱.

۳-۶. مراجعه شود به الغدیر {علامه امینی} ج ۵، ص ۲۹۱ و...

علاوه بر این، داستان های ساختگی اهل کتاب - بخصوص یهودیان - نه تنها آزادانه وبدون هیچ ممنوعیتی بازگو می گردید، بلکه ترویج آن ها مورد تأیید و تأکید قرار داشت.

### **(ه) احادیث پیامبر صلی الله علیه وآله و اهل بیت علیهم السلام**

در این میان، تنها اهل بیت پیامبر صلی الله علیه وآله و پیروان آن ها بودند که حافظ احادیث نبوی بوده و از بیان سنت پیامبر صلی الله علیه وآله خودداری نمی نمودند.

پر واضح است که آنچه ائمه اطهار علیهم السلام نقل می کردند، تماماً صحیح و یقینی بود؛ چرا که آنان هم معصوم بودند و هم خزانه دار علوم پیامبر صلی الله علیه وآله، حتی بسیاری از روایات به املای پیامبر صلی الله علیه وآله و خط امیرالمؤمنین علیه السلام منحصرأ نزد آنان نگهداری می شد.

### **(و) رفع ممنوعیت تدوین حدیث**

به هر حال جلوگیری از ضبط و تدوین حدیث، مشکلات متعددی را برای عامه - غیر شیعه - ایجاد کرده بود. مشکلاتی که حل آن ها جز با مراجعه به روایات ممکن نبود. چرا که حکم بسیاری از مسائل، تنها از روایات به دست می آمد. تا این که در زمان عمر بن عبدالعزیز - خلیفه اموی - پس از حدود ۹۵ سال، ممنوعیت حفظ و تدوین حدیث برداشته شد و از آن پس جمع آوری و تدوین احادیث در میان عامه آغاز گردید.

اما متأسفانه از ابتدا، خشت اول این کار به صورتی نادرست نهاده شد؛ چرا که در میان مردم غالباً کسی که پیامبر صلی الله علیه وآله را درک کرده و مستقیماً از ایشان روایت نقل کند وجود نداشت و ناگزیر تدوین حدیث با استفاده از منابع دست دوم و سوم، صورت می گرفت. عالمان وابسته به حکومت برای جمع آوری حدیث، حاضر بودند روایات منسوب به پیامبر صلی الله علیه وآله را از هر کسی - به غیر از خاندان وحی - بشنوند و به ضبط و تدوین آن پردازند.

در نتیجه، بسیاری از آنچه که آنان به نگارش در آوردند، روایات جعلی و اسرائیلیاتی بود که در میان مردم رواج پیدا کرده و به پیامبر صلی الله علیه وآله نسبت داده شده بود و بدین ترتیب، غالب احادیث صحیح نبوی که همچنان در اختیار اهل بیت پیامبر علیهم السلام و شاگردان مکتب آنان قرار داشت، مورد استفاده نگارندگان کتب حدیث عامه قرار نگرفت.

## ز) نقش اصحاب ائمه در تدوین حدیث

ائمه اطهار علیهم السلام پس از رفع ممنوعیت مذکور، با شدت بیشتری به نشر و گسترش احادیث صحیح، اهتمام ورزیده و به تربیت شاگردان پرداختند. این امر در زمان امام باقر علیه السلام و بخصوص امام صادق علیه السلام به بالاترین سطح خود رسیده بود، تا جایی که تعداد شاگردان امام صادق علیه السلام را چهار هزار نفر گفته اند. اصحاب و شاگردان آن حضرت، بیشترین نقش را در ترویج روایات صحیح داشته اند و اکثر روایات شیعی از زبان ایشان نقل شده است. حسن بن علی و شاء گوید: در مسجد کوفه، نه صد دانشمند را دیدم که همگی می گفتند: «حدّثنی جعفر بن محمد». (۱)

در زمان امامان بعد نیز در هر زمان و مکان که فرصتی پیش می آمد، شیعیان و دوستداران اهل بیت، به شنیدن و حفظ و ضبط سخنان ایشان همت می گماشتند. به طوری که وقتی امام رضا علیه السلام در نیشابور حدیث معروف «سلسله الذهب» را بیان می فرمودند، بنا بر برخی نقل ها، هفتاد هزار قلم برای نوشتن آن از قلمدان بیرون آمد.

به تدریج احادیث نزد اصحاب ائمه علیهم السلام جمع آوری می شد و هر کس مجموعه ای از روایات را نزد خود نگهداری می کرد و بدین ترتیب، نخستین جوامع روایی شیعه به وجود آمد و همین ها زمینه ساز کتاب های مفصل روایی و از جمله کتب معروف چهارگانه شیعه، یعنی «کافی»، «من لا یحضره الفقیه»، «تهذیب» و «استبصار» شدند.

## ح) نقش ایرانیان در تدوین حدیث

آنچه در این زمینه قابل توجه است، شدت اهتمام ایرانیان به امر تنظیم و تدوین احادیث می باشد. گرچه شنوندگان مستقیم روایات بیشتر غیر ایرانی بوده اند، اما در نهایت، در حفظ و ضبط و ترتیب دادن به آن ها، ایرانیان بیشترین تلاش را کرده اند. تا جایی که نویسندگان کتاب های چهارگانه شیعه همگی ایرانی هستند. حتی کتاب های حدیثی مهم غیر شیعه نیز، غالباً توسط ایرانیان تألیف شده است.

ص: ۱۷

واژه «أمالی» جمع «املا» است، و «املا» تقریباً به همان معنای متبادر در ذهن؛ یعنی بیان کردن مطالب از سوی کسی برای این که دیگری آن را بنویسد، می باشد.

این کار از زمان های دور رایج بوده است. چنان که کتابی به املاى حضرت موسى عليه السلام و به خط هارون عليه السلام نسبت داده شده است (۱) همچنین کتابی به املاى حضرت عيسى عليه السلام و خط شمعون عليه السلام منسوب است. (۲) در نزد ائمه عليهم السلام نیز کتاب هایی به املاى پیامبر خداصلی الله علیه وآله وفاطمه زهراعليها السلام و به خط امیرمؤمنان حضرت علی عليه السلام موجود بوده است. (۳)

صحیفه سجّادیه به املاى امام سجّادعليه السلام و خط امام باقرعليه السلام و در حضور امام صادق عليه السلام، نوشته شده است. (۴)

بسیاری از اصحاب ائمه عليهم السلام در محضر آن بزرگواران، شنیده های خود را می نوشتند. حدیث معروف «توحید مفضل» به املاى امام صادق عليه السلام و خط یکی از اصحابشان به نام مفضل می باشد. (۵)

بیشتر روایات در بین روایان احادیث، به صورت املا- دست به دست می شد. چه بسیار که در سند روایات به این مطلب تصریح شده است.

به هر حال، شاید مطمئن ترین راه انتقال مطالب، روش املا باشد که در علوم و فنون مختلف، بین دانشمندان و شاگردان آن ها، مرسوم بوده است. شیوه کار به این صورت بوده که دانشمندی، در مجالسی، دانسته هایش را بیان می کرده و دیگران گفته های او را می نوشتند و گاه مجموعه مطالب نوشته شده به صورت کتاب و به نام «امالی» یا «مجالس» تألیف می شد.

در میان کتاب های شیعی که به این شیوه نگارش یافته، سه کتاب که توسط سه تن از دانشمندان بزرگ شیعه به نام های: شیخ مفید، شیخ صدوق و شیخ طوسی «رحمهم الله» تألیف شده است، معروفیت بیشتری دارند.

ص: ۱۸

۱- ۸. علامه مجلسی: بحار الأنوار ج ۱۰، ص ۲۰.

۲- ۹. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۳۸، ص ۴۹.

۳- ۱۰. کلینی: کافی، ج ۱، ص ۱۳۸ تا ۲۴۱.

۴- ۱۱. مراجعه شود به ابتدای صحیفه سجّادیه.

۵- ۱۲. علامه مجلسی، بحار الأنوار: ۳ ص: ۵۷.



«أمالی» یا «مجالس» شیخ صدوق رحمه الله مجموعه ای از حدود هزار روایت است که ایشان طی نود و هفت جلسه، در خلال سال های ۳۶۷ و ۳۶۸ ه. ق، هفته ای دو روز، و بیشتر در روزهای سه شنبه و جمعه، املا فرموده و شاگردانش، آن ها را نوشته اند.

موضوع روایات این کتاب متنوع و گوناگون است، امّا غالباً پیرامون ذکر فضایل اهل بیت علیهم السلام، مطالب اعتقادی، تاریخی، اخلاقی و پند و اندرز می باشد.

این کتاب بارها توسط ناشرین مختلف به چاپ رسیده است و در بسیاری از چاپ ها، متن اصلی با ترجمه آیت الله کمره ای قدس سره همراه می باشد.

چاپ دیگری از کتاب «امالی» شیخ صدوق رحمه الله بدون ترجمه با مزایای فراوان توسط بنیاد بعثت، در سال ۱۴۱۷ ه. ق، منتشر شده است. این نسخه مشتمل بر تحقیق و تطابق نسخ مختلف، و چند فهرست می باشد.

در سال های اخیر، کتابی به نام «ترتیب الأمالی» توسط آقای محمد جواد محمودی تألیف و به وسیله مؤسسه معارف اسلامی، چاپ و منتشر شده است. در این کتاب، هر سه امالی فوق الذکر با یکدیگر تلفیق و موضوع بندی شده اند. (۱)

### ۳ - نگاهی به زندگی شیخ صدوق رحمه الله

أبو جعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، مشهور به «شیخ صدوق» در حدود سال ۳۰۶ ه. ق با دعای امام عصر علیه السلام در شهر قم پا به عرصه وجود نهاد. شیخ طوسی رحمه الله، در کتاب «غیبت»، ماجرای ولادت ایشان را این گونه بیان می کند:

علی بن حسین بن موسی بن بابویه قدس سره (پدر شیخ صدوق)، همسری داشت که از او دارای فرزند نمی شد. از این رو نامه ای به شیخ حسین بن روح (از نواب اربعه امام زمان علیه السلام) نوشت و از او خواست تا از امام عصر علیه السلام بخواهد که دعا فرماید، تا خداوند فرزندان فقیهی روزی او گرداند.

ص: ۱۹

پس از مدتی پاسخ آمد که تو از این زن دارای فرزند نخواهی شد، اما بزودی مالک کنیزی از دیلمیان می شوی و از او صاحب دو فرزند فقیه خواهی شد. (۱)

شیخ صدوق رحمه الله خود نیز این ماجرا را در کتاب «کمال الدین» بیان می کند. (۲)

وبدین سان به برکت دعای حجت حق حضرت امام عصر علیه السلام، کودکی به نام «محمد» متولد شد که بعدها به شیخ صدوق ملقب گردید. او در بیت علم و تقوی رشد کرد. پدر ایشان علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی قدس سره، معروف به صدوق اول - از برجسته ترین علما و فقهای زمان خویش و پرچم دار مرجعیت و فتوی بود.

شیخ صدوق رحمه الله حدود ۲۲ سال از حیات پدر بزرگوارش را درک نمود و در این مدت از محضر او کسب علم و دانش کرد. علاوه بر این از خرمن علم و دانش علمای بزرگ دیگر قم نیز خوشه چیده و بهره مند شد. آن گاه برای شنیدن و اخذ حدیث به شهرهای متعددی؛ نظیر ری، خراسان، بلخ، سمرقند، بغداد، مکه و مدینه بار سفر بست و بدین ترتیب، بسیاری از اعظام و بزرگان شیعه و غیر شیعه را درک کرد.

شیخ صدوق رحمه الله، کتاب های زیادی از خود به یادگار گذاشت. تألیفات او را تا ۳۰۰ عنوان ذکر کرده اند که کتاب «من لا یحضره الفقیه» از کتاب های چهارگانه شیعه از آن جمله است.

سرانجام شیخ صدوق؛ پس از حدود ۷۵ سال عمر با برکت، در سال ۳۸۱ ه. ق در شهر ری وفات کرد و در همان جا به خاک سپرده شد. هم اکنون آرامگاه او در شهر ری معروف و زیارتگاه مردم است.

#### ۴- اثر حاضر

پر واضح است که مهمترین وظیفه جوامع انسانی توجّه صحیح به امر امامت و پیشوایی و ولایت و هدایتگری است. اگر پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، مردم به این امر حیاتی و حساس توجّه می نمودند، و از جانشین به حق ایشان؛ یعنی امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام پیروی می نمودند، به یقین در راه راست گام برداشته و به سوی کمال حرکت می کردند. روی گردانی از آن حضرت، ایجاد انحراف در این امر خطیر بود.

ص: ۲۰

۱- ۱۴. شیخ طوسی: الغیبه، مؤسسه معارف اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۱، ص: ۳۰۸.

۲- ۱۵. شیخ صدوق: کمال الدین، دار الکتب الاسلامیه، چاپ دوم ۱۳۹۵، ج: ۲، ص: ۵۰۳.

این جانب با توفیق الهی پس از مطالعه برخی از کتاب های شیخ صدوق علیه السلام، از آن جمله کتاب «امالی»، بر آن شدم تا از این کتاب، به ملاحظه اهمیت موضوع، روایاتی را در ارتباط با حضرت علی علیه السلام برگزیده و به صورت مجموعه ای مستقل در اختیار علاقه مندان قرار دهم.

بحمد الله این خواسته، با همکاری جمعی از دوستان و با طی مراحل تحقیق پذیرفت. امید است مورد قبول مولای متقیان امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام و امامان معصوم علیهم السلام بوده و موجب حصول معرفت بیشتر نسبت به صراط مستقیم گردد.

برای تحقق این اثر، ابتدا احادیث مورد نظر، از نسخه ای از کتاب «امالی» شیخ صدوق رحمه الله، با ترجمه آیت الله کمره ای رحمه الله گزینش (۱) و سپس موضوع بندی شدند. ترجمه روایات نسبتاً روان و مناسب بود، ولی در عین حال، تماماً مورد تجدید نظر قرار گرفته و تغییرات زیادی در آن ها به وجود آمد.

اسناد روایات، گرچه مورد استفاده بسیاری از خوانندگان نمی باشد، اما به منظور تکمیل فایده و برای آگاهی برخی که علاوه بر متن روایت، خواهان دانستن سند آن ها نیز هستند به صورت خلاصه آورده شده است. تلخیص اسناد روایات غالباً با استفاده از کتاب شریف «بحار الأنوار» صورت پذیرفته است.

در پایان از کلیه کسانی که در مراحل مختلف انجام کار و در به ثمر رساندن این اثر، نقش داشته اند، به خصوص از برادر احمد سعیدی که زحمت اصلی کار برعهده ایشان بود و از حجت الاسلام حسین احمدی و سید محمد حسین تقوی سپاسگزاری نموده و برای یکایک آنان آرزوی موفقیت می کنم.

الامامه والولایه لأمیرالمؤمنین علی علیه السلام

من الله التوفیق

والسلام علی من اتبع الهدی

شهر مقدّس قم - سید محسن کمالی تقوی

ص: ۲۱

---

۱-۱۶. گفتنی است که در چاپ های مختلف «امالی» شماره روایات یکسان نیست و این موضوع ناشی از این امر است که گاه شیخ صدوق رحمه الله دو یا چند روایت را که اسناد و روایات آن ها دقیقاً مانند هم بوده اند، به دنبال هم ذکر فرموده و در بسیاری از چاپ ها، در هنگام شماره گذاری، به این گونه روایات مجموعاً یک شماره اختصاص داده شده است. اما در برخی چاپ ها - از جمله، چاپ بنیاد بعثت - این دسته از احادیث از هم تفکیک شده و به هر یک از آن ها شماره جداگانه ای تعلق گرفته است. با این که روش اخیر درست به نظر می رسد، اما از آن جا که شماره گذاری روایات در غالب چاپ هایی که در

دسترس خوانندگان است، به روش اول صورت گرفته است، در این مجموعه نیز، آدرس ها، بر همان اساس ذکر شده اند.

۱ - حدَّثنا الدقاق عن الأَسَدِي عن موسى بن عمران، عن الحسين بن يزيد، عن محمَّد بن سنان، عن المفصَّل، عن ثابت بن دينار، عن سعيد بن جبیر قال: قال يزيد بن قعنب:

كنت جالساً مع العيّاس بن عبدالمطلب وفريق من عبد العزى بإزاء بيت الله الحرام، إذ أقبلت فاطمه بنت أسد أم أمير المؤمنين عليه السلام وكانت حامله به لتسعه أشهر وقد أخذها الطلق، فقالت: رب! إنى مؤمنه بك وبما جاء من عندك من رسل وكتب وإنى مصدّقه بكلام جدى إبراهيم الخليل عليه السلام وأنه بنى البيت العتيق، فبحق الذى بنى هذا البيت! وبحق المولود الذى فى بطنى! لَمّا يسّرت على ولادتى. قال يزيد بن قعنب: فرأينا البيت وقد انفتح عن ظهره، ودخلت فاطمه فيه وغابت عن أبصارنا والتزق الحائط. فرمنا أن يفتح لنا قفل الباب، فلم يفتح. فعلمنا أن ذلك أمر من أمر الله عزّ وجلّ.

ثمّ خرجت بعد الرابع وبيدها أمير المؤمنين عليه السلام، ثمّ قالت: إنى فضّلت على من تقدّمنى من النساء، لأنّ آسياه بنت مزاحم عبت الله عزّ وجلّ سرّاً فى موضع لا يحبّ أن يعبد الله فيه إلا اضطراراً، وأنّ مريم بنت عمران هزّت النخلة اليابسه بيدها حتّى أكلت منها رطباً جنيّاً، وإنى دخلت بيت الله الحرام، فأكلت من ثمار الجنّه وأوراقها. فلَمّا أردت أن أخرج هتف بى هاتف:

يا فاطمه! سمّيه عليّاً فهو على، والله العلى الأعلى يقول: «إنى شققت اسمه من اسمى، وأدّبته بأدى، ووقفته على غامض علمى، وهو العدى يكسر الأصنام فى بيتى، وهو العدى يؤذّن فوق ظهر بيتى ويقدّسنى ويمجدنى، فطوبى لمن أحبّه وأطاعه، وويل لمن أبغضه وعصاه.»

با عیاس فرزند عبدالمطلب و گروهی از طایفه «عبدالغزّی» برابر خانه کعبه نشسته بودیم، ناگاه فاطمه بنت اسد، مادر امیرالمؤمنین علیه السلام که به آن حضرت حامله بود وارد شد و در حالی که درد زایمان داشت در مقابل کعبه ایستاد و گفت: پروردگارا! من به تو و به پیامبران و کتاب هایی که از جانب تو آمده ایمان دارم، سخن جدّم ابراهیم خلیل علیه السلام را تصدیق می کنم، همو که این بیت عتیق را ساخته است. پس به حق کسی که این خانه را ساخته و به حق مولودی که در شکم من است ولادت او را بر من آسان کن. یزید بن قعبن گوید: ما به چشم خود دیدیم که دیوار خانه از پشت شکاف برداشت و فاطمه علیها السلام وارد کعبه گشت و از دیدگان ما پنهان شد، سپس دیوار به هم آمد. خواستیم قفل درب خانه را باز کنیم ولی باز نشد، فهمیدیم این کار از جانب خدای بزرگ است. فاطمه علیها السلام پس از چهار روز، در حالی که امیرالمؤمنین علیه السلام را روی دست داشت از خانه بیرون آمد و چنین گفت: من بر همه زنان پیشین برتری داده شده ام، از آسیه بهترم؛ چون او خدا را به صورت پنهانی در جایی می پرستید که پرستش در آن مکان جز در موارد ناچاری پسندیده نبود. (از مریم نیز بهترم) چرا که او درخت خرماي خشکیده را با دست خود تکان داد و خرماي تازه از آن خورد؛ ولی من در خانه محترم خدا «کعبه» وارد شدم و از میوه ها و خوردنی های بهشتی خوردم و چون خواستم بیرون آیم یک منادی آواز داد: ای فاطمه! نام این مولود را علی بگذار، که او علی است و خداوند علی اعلا- می فرماید: نام او را از نام خود گرفتم، به آداب خودم ادبش کردم، و او را از پیچیدگی های علوم خودم آگاه ساختم، اوست که بت هایی را که در خانه من قرار دارد می شکند. هموست که بر بام خانه ام اذان می گوید و مرا تقدیس و تمجید می کند. پس خوشا به حال کسی که او را دوست بدارد و از او اطاعت کند و وای به حال کسی که با او دشمنی ورزد و از فرمان او سر پیچی نماید. (۱)

والدا علي "عليه السلام"

٢ - حدّثنا ابن مسرور عن محمّد الحميري، عن أبيه، عن البرقي، عن أبيه، عن خلف بن حمّاد، عن أبي الحسن العبدى، عن الأعمش، عن عبايه بن ربعي، عن عبد الله بن عباس قال:

أقبل علي بن أبي طالب عليه السلام ذات يوم إلى النبي صلى الله عليه وآله باكياً وهو يقول:

«إنا لله وإنا إليه راجعون.»

فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: مَهْ يا علي؟

فقال علي عليه السلام: يا رسول الله! ماتت أمي فاطمة بنت أسد.

قال: فبكى النبي صلى الله عليه وآله، ثم قال: رحم الله أمك يا علي، أما إنها إن كانت لك أمّاً فقد كانت لي أمّاً، خذ عمّامتي هذه وخذ ثوبي هذين فكفّنها فيهما ومر النساء فليحسن غسلها ولا تخرجها حتّى أجيء فألى أمرها.

قال: وأقبل النبي صلى الله عليه وآله بعد ساعه وأخرجت فاطمة أمّ علي عليه السلام فصلّى عليها النبي صلى الله عليه وآله صلاة لم يصلّ علي أحد قبلها مثل تلك الصلاة، ثم كبر عليها أربعين تكبيره. ثم دخل إلى القبر فتمدد فيه فلم يسمع له أنين ولا حركة، ثم قال: يا علي! ادخل، يا حسن! ادخل.

فدخلا القبر فلما فرغ ممّا احتاج إليه قال له: يا علي! اخرج. يا حسن! اخرج. فخرجا.

ثم زحف النبي صلى الله عليه وآله حتّى صار عند رأسها ثم قال: يا فاطمة! أنا محمّد سيد ولد آدم ولا فخر، فإن أتاك منكر ونكير فسألاك من ربك فقولى: الله ربّي ومحمّد نبيّ والإسلام ديني والقرآن كتابي وابني إمامي ووليي.

ثم قال: اللهمّ ثبت فاطمة بالقول الثابت.

ثم خرج من قبرها وحثا عليها حثيات، ثم ضرب بيده اليمنى على اليسرى ففضّهما، ثم قال: والذي نفس محمّد بيده! لقد سمعت فاطمة تصفيق يميني على شمالي.

فقام إليه عمّار بن ياسر فقال: فداك أبي وأمي يا رسول الله! لقد صلّيت عليها صلاة لم تصلّ علي أحد قبلها مثل تلك الصلاة؟

۲- ابن عباس می گوید: روزی علی بن ابی طالب علیهما السلام گریه کنان خدمت پیامبر صلی الله علیه وآله رسید و گفت: «أنا لله وأنا إليه راجعون.»

حضرت فرمود: آرام باش علی جان! چه شده؟

علی علیه السلام گفت: ای پیامبر خدا! مادرم از دنیا رفته است.

پیامبر صلی الله علیه وآله گریه کرد و فرمود:

خدا رحمت کند مادرت را، اگر او مادر تو بود، مادر من هم بود؛ این عمامه و پیراهن مرا بگیر و با آن ها کفنش کن و به زن ها بگو غسل او را به خوبی انجام دهند و جنازه اش را (برای نماز و دفن) خارج نکنند تا من بیایم که کار او با من است.

پیامبر صلی الله علیه وآله پس از ساعتی بر جنازه او حاضر شد، بر او نمازی خواند که همانند آن را بر هیچ مرده ای نخوانده بود، پس از آن بر او ۴۰ بار تکبیر گفت. سپس در قبر او وارد شد و در آن آرام و بی صدا، دراز کشید.

بعد از آن پیامبر (خطاب به امیرالمؤمنین علیه السلام و امام حسن علیه السلام) فرمود: ای علی! ای حسن! داخل قبر شوید.

آن دو داخل قبر شدند و پس از انجام آنچه را که لازم بود، پیامبر از آنان خواست که خارج شوند، پس از قبر خارج شدند.

آن گاه پیامبر نزد سر فاطمه (بنت اسد) قرار گرفت و فرمود: ای فاطمه! من محمد آقای فرزندان آدم هستم، هنگامی که دو فرشته نکیر و منکر آمدند و از پروردگارت پرسیدند، پاسخ داده، بگو: الله پروردگار من است، محمد پیامبر من، اسلام دین من، قرآن کتابم و پسر من، امام و ولی من است.

سپس عرض کرد: خدایا! فاطمه را بر گفتار حق ثابت بدار.

آن گاه پیامبر صلی الله علیه وآله از قبر بیرون آمد، چند مشت خاک بر قبر او پاشید و دو دست خود را بر هم زده، تکان داد و فرمود: به خدا قسم که فاطمه صدای دو دست مرا شنید.

عمار یاسر عرض کرد: پدر و مادرم قربانت ای رسول خدا! نمازی بر او خواندید که پیش از او بر کسی نخوانده بودید؟



فقال: يا أبا اليقظان! وأهل ذلك هي منى ولقد كان لها من أبى طالب ولد كثير ولقد كان خيرهم كثيراً وكان خيرنا قليلاً، فكانت تشبعتى وتجعهم وتكسونى وتعريهم وتدهننى وتشعثهم.

قال: فلم كبرت عليها أربعين تكبيره يا رسول الله؟

قال صلى الله عليه وآله: نعم يا عمار! التفت عن يمينى فنظرت إلى أربعين صفّاً من الملائكة، فكبرت لكلّ صفّ تكبيره.

قال: فتمددت فى القبر ولم يسمع لك أنين ولا حركة؟

قال: إنّ الناس يحشرون يوم القيامة عراه فلم أزل أطلب إلى ربّى عزّ وجلّ أن يبعثها ستيره، والذى نفس محمّداً بيده! ما خرجت من قبرها حتّى رأيت مصباحين من نور عند رأسها ومصباحين من نور عند يديها ومصباحين من نور عند رجليها وملكيها الموكّلين بقبرها يستغفران لها إلى أن تقوم الساعة.

٣ - حدّثنا أبى عن سعد، عن البرقى، عن أبيه، عن خلف بن حمّاد، عن أبى الحسن العبدى، عن الأعمش، عن عبايه بن ربيعى، عن عبد الله بن عباس، عن أبيه قال:

قال أبوطالب لرسول الله صلى الله عليه وآله: يا بن أخى! الله أرسلك؟

قال: نعم.

قال: فأرنى آيه. قال: ادع لى تلك الشجره.

فدعاها فأقبلت حتّى سجدت بين يديه، ثمّ انصرفت.

فقال أبوطالب: أشهد أنّك صادق، يا على! صلّ جناح ابن عمّك.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ای عمار! او لایق آن بود، ابوطالب از او فرزندان بسیاری داشت و مال و ثروت آن ها فراوان و مال و ثروت ما کم بود. او مرا سیر می کرد و آن ها را گرسنه نگه می داشت، قبل از آن ها مرا می پوشاند و بهتر از آن ها مرا می آراست.

عرض کرد: ای پیامبر خدا! چرا برای او ۴۰ تکبیر گفتید؟

فرمود: ای عمار! به سمت راست خود نگاه کردم دیدم ۴۰ صف از فرشتگان ایستاده بودند، از این رو برای هر صف، تکبیری گفتم.

عرض کرد: علت دراز کشیدن شما در قبر او بدون این که حرکت و صدایی داشته باشید چه بود؟

فرمود: روز قیامت همه برهنه محشور می شوند، من پیوسته از خدا خواستم او را پوشیده برانگیزاند. و سوگند به خدایی که جان محمد در دست اوست! از قبر بیرون نشدم تا اینکه دیدم چراغ هایی از نور بالای سر، و پیش روی او و پایین پای او روشن شد و دو فرشته موکل بر قبر او شدند که تا روز قیامت برایش آمرزش بجویند. (۱)

۳- ابن عباس از پدرش نقل می کند:

روزی حضرت ابوطالب علیه السلام از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پرسید: ای برادرزاده! آیا حقیقتاً خدا تو را فرستاده است؟ فرمود: آری.

ابوطالب گفت: دلیل و نشانه ای بیاور. آن درخت را فراخوان تا نزد من آید.

پیامبر درخت را فرا خواند، درخت پیش آمد و در برابر حضرت سجده کرد و برگشت.

ابوطالب گفت: گواهی می دهم که به راستی تو راست می گویی.

(و به فرزندش گفت:) ای علی! در جانب پسر عمویت به نماز بایست. (۲)

ص: ۲۷

---

۱- ۱۸. امالی صدوق، مجلس ۵۱، حدیث ۱۴.

۲- ۱۹. امالی صدوق رحمه الله، مجلس ۸۹، حدیث ۱۰.

٤ - حدّثنا ابن مسرور، عن ابن عامر، عن المعلّى، عن البزنطى، عن علي بن جعفر قال: سمعت أبا الحسن موسى بن جعفر عليهما السلام يقول:

بينما رسول الله صلى الله عليه وآله جالس إذ دخل عليه ملك له أربعة وعشرون وجهاً، فقال له رسول الله صلى الله عليه وآله: حبيبي جبرئيل! لم أرك في مثل هذه الصورة؟

فقال الملك: لست بجبرئيل، أنا محمود بعثني الله عزّ وجلّ أن أزوّج النور من النور.

فقال صلى الله عليه وآله: من ممّن؟

قال: فاطمه من علي.

قال: فلمّا ولي الملك إذاً بين كتفيه: «محمّد رسول الله، علي وصيه.»

فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: منذ كم كتب هذا بين كتفيك؟

فقال: من قبل أن يخلق الله عزّ وجلّ آدم باثنين وعشرين ألف عام.

٥ - حدّثنا ابن المتوكل، عن السعدآبادى، عن البرقى، عن عبد العظيم الحسنى، عن الحسن بن عبد الله، عن يونس بن ظبيان قال: قال أبو عبد الله الصادق عليه السلام:

لفاطمعليها السلام تسعة أسماء عند الله عزّ وجلّ: فاطمه والصدّيقه والمباركه والطاهره والزكيه والرضيه والمرضيه والمحدّثه والزهراء.

ثمّ قال: تدرى لأى شىء سمّيت فاطمعليها السلام؟

قلت: أخبرنى يا سيدى.

قال: فطمت من الشرّ.

قال: ثمّ قال: لو لا أنّ أميرالمؤمنين عليه السلام تزوّجها لما كان لها كفو على وجه الأرض إلى يوم القيامة، آدم فمن دونه.

## ازدواج حضرت علی "علیه السلام"

۴ - علی بن جعفر می گوید:

از امام موسی کاظم علیه السلام شنیدم که می فرمود: روزی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نشسته بود که فرشته ای با ۲۴ صورت بر او وارد شد. حضرت فرمود: ای حبیب من! جبرئیل! تا کنون تو را به این صورت ندیده ام.

فرشته عرض کرد: من جبرئیل نیستم، من محمود هستم، خداوند مرا فرستاده که نور را به نور تزویج کنم.

فرمود: چه کسی را به چه کسی؟

عرض کرد: فاطمه را به علی.

فرمود: چون آن فرشته برگشت، میان دو کتفش را دیدم که نوشته بود: محمد، رسول خداست و علی وصی او.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: از چه زمانی این مطلب، میان دو شانه ات نوشته شده است؟

فرشته گفت: ۲۲ هزار سال پیش از آن که خداوند، آدم را خلق کند. (۱)

۵ - حضرت عبدالعظیم حسنی از حسن بن عبدالله از یونس بن ظبیان از امام صادق علیه السلام نقل می کند که حضرتش فرمود:

حضرت فاطمه علیها السلام در پیشگاه خداوند متعال نه اسم دارد: فاطمه، صدیقه، مبارکه، طاهره، زکیه، رضیه، مرضیه، محدّثه، زهرا.

سپس فرمود: آیا می دانی چرا او فاطمه نامیده شده است؟

گفتم: شما بفرمایید، ای آقای من!

فرمود: چون از هر شرّ و بدی دور است.

و آن گاه حضرتش فرمود: اگر امیرالمؤمنین علیه السلام با او ازدواج نکرده بود، در روی زمین تا روز قیامت هیچ همسر و همتایی در میان بنی آدم برای او نبود. (۲)

ص: ۲۹

۱- ۲۰. امالی صدوق رحمه الله مجلس ۸۶، حدیث ۱۹.

۲- ۲۱. امالی صدوق رحمه الله، مجلس ۸۶، حدیث ۱۸.

٦ - أخبرنى على بن حاتم، عن أحمد الهمدانى، عن جعفر بن عبد الله المحمّدى، عن كثير بن عياش، عن أبى الجارود، عن أبى جعفر عليه السلام؛

فى قول الله عزّ وجلّ: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا» (١) الآية.

قال: إنّ رهطاً من اليهود أسلموا؛ منهم عبد الله بن سلام، أسد، ثعلبه، ابن يامين وابن صوريا، فأتوا النبى صلى الله عليه وآله فقالوا: يا نبى الله! إنّ موسى عليه السلام أوصى إلى يوشع بن نون، فمن وصيك؟ يا رسول الله ومن ولينا بعدك؟

فنزلت هذه الآية: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ».

ثمّ قال رسول الله صلى الله عليه وآله: قوموا.

فقاموا فأتوا المسجد، فإذا سائل خارج.

فقال: يا سائل! أما أعطاك أحد شيئاً؟

قال: نعم، هذا الخاتم.

قال: من أعطاكه؟

قال: أعطانيه ذلك الرجل الذى يصلّى.

قال: على أى حال أعطاك؟

قال: كان راكعاً.

فكبر النبى صلى الله عليه وآله وكبر أهل المسجد.

فقال النبى صلى الله عليه وآله: على بن أبى طالب وليكم بعدى.

ص: ٣٠

۶ - امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه شریفه که می فرماید:

«ولی و سرپرست شما فقط خدا و پیامبر او و کسانی که ایمان آوردند... می باشند» فرمود:

عده ای از یهودیان؛ از جمله: عبدالله بن سلام، اسد، ثعلبه، ابن یامین و ابن صوری مسلمان شده، خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسیدند و عرض کردند: ای پیامبر خدا! حضرت موسی علیه السلام، یوشع بن نون را وصی و جانشین خود کرده، وصی و جانشین شما کیست؟ چه کسی پس از شما سرپرست ماست؟

در جواب آن ها، این آیه نازل شد که: «ولی و سرپرست شما فقط خدا و پیامبر او و کسانی که ایمان آوردند می باشند، همان ها که نماز را بر پا داشته و در حال رکوع صدقه می دهند.»

سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: برخیزید (تا به مسجد برویم).

وقتی به مسجد رسیدند دیدند فقیری، از مسجد بیرون می آید، پیامبر صلی الله علیه و آله از او پرسیدند: آیا کسی به تو چیزی نداد؟

عرض کرد: آری، این انگشتری را.

حضرت فرمود: چه کسی آن را به تو داد؟

عرض کرد: این مردی که نماز می خواند.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: در چه حالی انگشتر را به تو داد؟

عرض کرد: در حال رکوع بود.

پیامبر صلی الله علیه و آله تکبیر گفت، و اهل مسجد هم تکبیر گفتند.

آن گاه حضرت فرمود: پس از من، علی بن ابی طالب ولی و سرپرست شماست. (۱)

ص: ۳۱

٧ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الصَّائِغُ الْعَدَلِيُّ، عَنْ عَيْسَى بْنِ مُحَمَّدٍ الْعَلَوِيِّ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ سَلَامِ الْكُوفِيِّ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ عَبْدِ الْوَاحِدِ، عَنْ حَرْبِ بْنِ الْحَسَنِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ صَدْقِهِ، عَنْ أَبِي الْجَارُودِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ «وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ»، (١) قَامَ رَجُلَانِ مِنْ مَجْلِسِهِمَا فَقَالَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ هُوَ التَّوْرَاهُ؟

قال: لا.

قالا: فهو الإنجيل؟

قال: لا.

قالا: فهو القرآن؟

قال: لا.

قال: فأقبل أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام فقال رسول الله صلى الله عليه وآله:

هو هذا، إنه الإمام الذي أحصى الله تبارك وتعالى فيه علم كل شيء .

٨ - حَدَّثَنَا ابْنُ الْمُتَوَكَّلِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْعَطَّارِ، عَنْ ابْنِ عَيْسَى، عَنْ الْقَاسِمِ، عَنْ جَدِّهِ، عَنْ عَمْرِو بْنِ مَغْلَسٍ، عَنْ خَلْفٍ، عَنْ عَطِيَّةِ الْعَوْفِيِّ، عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخَدْرِيِّ قَالَ:

سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ جَلَّ شَأْنُهُ: «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ» (٢).

قال: ذاك وصي أخى سليمان بن داود.

فقلت له: يا رسول الله! فقول الله عز وجل: «قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» (٣)؟

قال: ذاك أخى علي بن أبي طالب عليه السلام.

حضرت علي "عليه السلام" در قرآن

ص: ٣٢

١- ٢٤. سورة يس {٣٦}، الآية ١٢.

٢- ٢٥. سورة النمل: الآية ٤٠.





۷ - امام باقر علیه السلام فرمود:

هنگامی که این آیه بر پیامبر صلی الله علیه وآله نازل شد که «ما همه چیز را در امام مبین ضبط کرده و بر شمرده ایم.» فوراً دو نفر برخاستند و پرسیدند: ای پیامبر خدا! آیا آن تورات است؟

پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: نه.

گفتند: آیا انجیل است؟

پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: نه.

گفتند: آیا قرآن است؟

فرمود: نه.

در همین هنگام، امیر مؤمنان علی علیه السلام از راه رسید؛ پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود: «امام مبین» همین است، که خداوند، علم هر چیزی را در او ضبط و شماره کرده است. (۱)

۸ - ابوسعید خدری می گوید:

از پیامبر خدا صلی الله علیه وآله در باره این آیه که می فرماید: «گفت آن کسی که نزد او مقداری از علم کتاب بود، سؤال کردم.

فرمود: آن شخصی که مقداری علم از کتاب نزدش بود، وصی و جانشین برادرم، سلیمان بن داوود بود.

عرض کردم: ای پیامبر خدا! پس مقصود از این آیه «بگو: گواهی خداوند و گواهی کسی که همه علم به کتاب نزد اوست، بین من و شما کفایت می کند.»

کیست؟

فرمود: منظور از آن، برادرم علی بن ابی طالب علیه السلام است. (۲)

ص: ۳۳

---

۱- ۲۷. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۳۲، حدیث ۵

۲- ۲۸. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۸۳، حدیث ۳

٩ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي بَابُوَيْهٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ، عَنِ الْجَلُودِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَهْلٍ، عَنِ الْخَضِرِيِّ بْنِ أَبِي فَاطِمَةَ الْبَلْخِيِّ، عَنْ وَهَيْبِ بْنِ نَافِعٍ، عَنْ كَادِحٍ، عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ؛

فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ: «سَلَامٌ عَلَى آلِ يَاسِينَ» (١).

قال: ياسين محمد صلى الله عليه وآله ونحن آل ياسين.

\*\*\*

١٠ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ، عَنِ الصَّفَّارِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ الْقَاسَانِيِّ، عَنِ سَلِيمَانَ بْنِ دَاوُدَ الْمَنْقَرِيِّ، عَنِ يَحْيَى بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ، عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ:

فِي قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى:

«وَيَسْتَنْبِئُونَكَ أَحَقُّ هُوَ قُلُّ إِي وَرَبِّي إِنَّهُ لَحَقٌّ» (٢).

قال: يستنبئك يا محمد! أهل مكة عن علي بن أبي طالب عليه السلام إمام هو؟ قل: إِي وَرَبِّي إِنَّهُ لَحَقٌّ.

١١ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ، عَنِ الْجَلُودِيِّ، عَنِ الْمَغِيرَةِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ قَيْسِ بْنِ الرَّبِيعِ وَ مَنْصُورِ بْنِ أَبِي الْأَسْوَدِ، عَنِ الْأَعْمَشِ، عَنِ الْمَنْهَالِ بْنِ عَمْرٍو، عَنِ عِبَادِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

مَا نَزَلَتْ مِنَ الْقُرْآنِ آيَةٌ إِلَّا وَقَدْ عَلِمْتُ أَيْنَ نَزَلَتْ وَفِي مَنْ نَزَلَتْ وَفِي أَيِّ شَيْءٍ نَزَلَتْ وَفِي سَهْلٍ نَزَلَتْ أَوْ فِي جَبَلٍ نَزَلَتْ.

قيل: فما نزل فيك؟

فقال عليه السلام: لولا أنكم سألتموني ما أخبرتكم؛ نزلت في الآية «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» (٣).

فرسول الله صلى الله عليه وآله المنذر وأنا الهادي إلى ما جاء به.

ص: ٣٤

١- ٢٩. سورة الصافات: الآية ١٣٠.

٢- ٣٠. سورة يونس: الآية ٥٣.

٣- ٣١. سورة الرعد، الآية ٧.

۹ - امام صادق علیه السلام: از پدران گرامی اش نقل می کند:

امام علی علیه السلام در تفسیر آیه «سلام بر آل یاسین.» فرمود:

مقصود از یاسین محمدصلی الله علیه وآله است و ما آل یاسین هستیم. (۱)

۱۰ - امام صادق علیه السلام فرمود:

امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه که می فرماید: «(ای پیامبر!) از تو خبر می گیرند که آیا این موضوع حق است؟ بگو: آری، سوگند به پروردگارم! آن حق است.» فرمود:

یعنی ای محمد! اهل مکه از تو خبر می گیرند که آیا علی، امام است؟ بگو: آری، به خدا سوگند او امام و حق است. (۲)

۱۱ - امام علی علیه السلام فرمود: آیه ای از قرآن نازل نشد مگر آن که می دانم کجا نازل شده، درباره چه کسی نازل شده، در چه موضوعی؛ آیا در کوه یا دشت نازل شده است.

عرض شد: درباره خود شما چه آیه ای نازل شده؟

فرمود: اگر نمی پرسیدید، چیزی نمی گفتم (حال که سؤال کردید می گویم) در باره من این آیه نازل شده که: «تو تنها هشدار دهنده ای و برای هر قومی هدایتگری است.» پس پیامبر خداصلی الله علیه وآله، هشدار دهنده است و من هدایتگر به آنچه او آورده است، می باشم. (۳)

ص: ۳۵

---

۱- ۳۲. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۷۲، حدیث ۱.

۲- ۳۳. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۹۶، حدیث ۷.

۳- ۳۴. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۴۶، حدیث ۱۳.

١٢ - حَدَّثَنَا إِبْنُ الْبَرَقِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ، عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدَ بْنَ خَالِدٍ، عَنْ سَهْلِ بْنِ الْمَرْزَبَانَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَنْصُورٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَيْضِ بْنِ الْمُخْتَارِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْبَاقِرِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ:

خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذَاتَ يَوْمٍ وَهُوَ رَاكِبٌ وَخَرَجَ عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ يَمْشِي، فَقَالَ لِي:

يَا أَبَا الْحَسَنِ! إِيمًا أَنْ تَرْكَبَ وَإِيمًا أَنْ تَنْصَرِفَ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَمَرَنِي أَنْ تَرْكَبَ إِذَا رَكَبْتَ، وَتَمْشِيَ إِذَا مَشَيْتَ، وَتَجْلِسَ إِذَا جَلَسْتَ إِلَّا أَنْ يَكُونَ حَدٌّ مِنْ حُدُودِ اللَّهِ لَا يَبْدَأُ لَكَ مِنَ الْقِيَامِ وَالْقَعُودِ فِيهِ، وَمَا أَكْرَمَنِي اللَّهُ بِكَرَامِهِ إِلَّا وَقَدْ أَكْرَمَكَ بِمِثْلِهَا، وَخَصَّنِي بِالنَّبُوءِ وَالرَّسَالَةِ وَجَعَلَكَ وِلِيًّا فِي ذَلِكَ، تَقُومُ فِي حُدُودِهِ وَفِي صَعْبِ أُمُورِهِ.

وَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ نَبِيًّا! مَا آمَنَ بِي مِنْ أَنْكَرِكَ، وَلَا أَقْرَبَ بِي مِنْ جِحْدِكَ، وَلَا آمَنَ بِاللَّهِ مِنْ كُفْرِكَ، وَإِنَّ فَضْلَكَ لِمَنْ فَضَّلِي وَإِنَّ فَضْلِي لَكَ لِفَضْلِ اللَّهِ وَهُوَ قَوْلُ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ: «قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ» (١) فَفَضَلَ اللَّهُ، نَبُوءَهُ نَبِيِّكُمْ، وَرَحْمَتَهُ، وَلَا يَهِيَ عَلَى بَنِي أَبِي طَالِبٍ. فَبِذَلِكَ، قَالَ: بِالنَّبُوءِ وَالْوَلَايَةِ «فَلْيَفْرَحُوا» يَعْنِي: الشِّيْعَةَ. «هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ» يَعْنِي: مُخَالَفَتِهِمْ مِنَ الْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَالِدِ فِي دَارِ الدُّنْيَا.

ص: ٣٦

روزی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سوار بر مرکبی از خانه خارج شد، علی علیه السلام نیز پیاده به راه افتاد، پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود:

ای علی! یا تو هم سوار شو یا برگرد؛ زیرا خدا به من دستور داده که اگر من سواره ام تو هم سواره باشی، اگر من پیاده ام، تو هم پیاده باشی، اگر نشسته ام تو هم بنشین، جز در مواردی که حدی از حدود الهی تو را ناگزیر به نشست و برخاست کند. خدا به من کرامتی نداده مگر این که مانند آن را به تو هم داده است، مرا به پیامبری و رسالت برگزیده و تو را ولی من ساخته که حدود آن را به پا داشته و مشکلات سخت آن را حل کنی.

سوگند به خدایی که محمد را به حق به پیامبری برانگیخته! کسی که تو را انکار کند، به من ایمان نیاورده است و آن که (ولایت) تو را منکر شود، به پیامبری من اقرار نکرده است و آن که کافر به تو باشد، به خدا ایمان نیاورده است. فضل تو از فضل من است و فضل من از فضل خداست و این سخن خداست که می فرماید: «بگو: باید منحصرأً به فضل و رحمت خدا شادمان شوند که آن بهتر است از آنچه اندوخته می کنند» پس مقصود از فضل خدا، نبوت پیامبر شماسست و مقصود از رحمت او، ولایت علی بن ابی طالب است، و مقصود از کسانی که باید شادمان شوند، شیعیان می باشند. و این که فرمود: «آن بهتر است از آنچه اندوخته می کنند» یعنی: از آنچه مخالفین - از اهل و مال و فرزند در دنیا - جمع می کنند.

والله يا على! ما خلقت إلا ليعبد [لتعبد] ربك وليعرف بك معالم الدين ويصلح بك دارس السبيل ولقد ضلّ من ضلّ عنك ولن يهتدى إلى الله عزّ وجلّ من لم يهتد إليك وإلى ولايتك، وهو قول ربّي عزّ وجلّ: «وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى (١)» يعنى إلى ولايتك، ولقد أمرنى ربّي تبارك وتعالى أن أفترض من حقك ما أفترضه من حقّى وإنّ حقك لمفروض على من آمن، ولولاك لم يعرف حزب الله وبك يعرف عدوّ الله، ومن لم يلقه بولايتك لم يلقه بشىء.

ولقد أنزل الله عزّ وجلّ إلى: «يا أيها الرّسول بلّغ ما أنزل إليك من ربّك» (٢) يعنى فى ولايتك يا على «وَإِن لَّمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ» (٣) ولو لم أبلغ ما أمرت به من ولايتك لحبط عملى، ومن لقى الله عزّ وجلّ بغير ولايتك فقد حبط عمله، وعدّ ينجز لى وما أقول إلا قول ربّي تبارك وتعالى وإنّ الذى أقول لمن الله عزّ وجلّ أنزله فيك.

ص: ٣٨

١- ٣٦. سورة طه: الآية ٨٢.

٢- ٣٧. سورة المائدة: الآية ٦٧.

٣- ٣٨. سورة المائدة: الآية ٦٧.

ای علی! به خدا قسم! تو آفریده نشدی مگر برای آن که به وسیله تو خدا عبادت شود، و معالَم دین شناخته گردد و کهنگی راه (خدا) اصلاح شود. گمراه واقعی کسی است که از تو گمراه شد و کسی که به تو و ولایت تو هدایت نشود هرگز راهی به سوی خدا ندارد و این است سخن خداوند که: «و من هر که را توبه کند و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد، سپس هدایت شود، بسیار مورد عفو و آمرزش خود قرار می دهم» یعنی به ولایت تو هدایت شود. به طور حتم خداوند به من فرمان داده که همان حقی که برای من مقّرر شده برای تو مقّرر کنم، حق تو بر هر که به من ایمان آورده واجب است، اگر تو نبودی حزب خدا شناخته نمی شد، به وسیله تو دشمن خدا شناخته می شود و هر که خدا را با ولایت تو، ملاقات نکند، دست خالی او را ملاقات کرده است.

خداوند این آیه را بر من نازل فرمود: «ای پیامبر! آنچه از جانب پروردگارت بر تو نازل شده - یعنی در باره ولایت تو ای علی - ابلاغ کن، و اگر این کار را نکنی در واقع رسالت او را ابلاغ نکرده ای» و اگر آنچه از ولایت تو دستور داشتم ابلاغ نکرده بودم، تمام اعمالم بی اثر و نابود می شد و هر که خدا را بدون ولایت تو ملاقات کند عملش نابود است. این وعده ای است که برای من حتمی است و من هم چیزی جز سخن خدا نمی گویم و آنچه می گویم از جانب خدای متعال است که درباره تو نازل فرموده است. (۱)

ص: ۳۹

١٣ - حدّثنا الحافظ عن محمّد بن القاسم بن زكريا والحسين بن علي السكوني، عن محمّد بن الحسن السكوني، عن صالح بن أبي الأسود، عن أبي المطهر المذارى، عن سلام الجعفي، عن أبي جعفر الباقر عليهما السلام، عن أبي برزه، عن النبي صلى الله عليه وآله قال:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ عَهْدَ إِلَى فِي عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَهْدًا.

قلت: يا ربّ! بينه لى.

قال: اسمع.

قلت: قد سمعت.

قال: إِنَّ عَلِيًّا رَايَهُ الْهَدَى وَإِمَامَ أَوْلِيَائِي وَنُورَ مَنْ أَطَاعَنِي، وَهُوَ الْكَلِمَةُ الَّتِي أَلْزَمْتَهَا الْمُتَّقِينَ، مَنْ أَحَبَّهُ أَحْبَبَنِي وَمَنْ أَطَاعَهُ أَطَاعَنِي.

١٤ - حدّثنا أحمد بن علي بن إبراهيم بن هاشم، عن أبيه، عن جدّه، عن علي بن معبد، عن الحسين بن خالد، عن أبي الحسن علي بن موسى الرضا، عن آبائه، عن أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليهم السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

أخبرني جبرئيل عن الله جلّ جلاله أنّه قال:

علي بن أبي طالب حجّتي على خلقى وديان دينى، أخرج من صلبه أئمة يقومون بأمرى، ويدعون إلى سبيلى، بهم أدفع العذاب عن عبادى وإمائى، وبهم أنزل رحمتى.

١٥ - حدّثنا ابن مسرور، عن ابن عامر، عن عمّه، عن ابن أبي عمير، عن حمزة بن حمران، عن أبيه، عن أبي حمزة، عن علي بن الحسين، عن أبيه، عن أمير المؤمنين عليهم السلام؛

أنّه جاء إليه رجل فقال:

يا أبا الحسن! إنك تدعى أمير المؤمنين، فمن أمرك عليهم؟

قال عليه السلام: الله جلّ جلاله أمّرنى عليهم.



سخنانی از خداوند درباره حضرت علی علیه السلام

۱۳ - امام باقر علیه السلام از پیامبر خدا صلی الله علیه وآله نقل می کند که فرمود:

خداوند متعال درباره علی علیه السلام به من سفارش کرد.

عرض کردم: پروردگار من! توضیح بفرما.

فرمود: گوش فراده.

عرض کردم: آماده ام.

فرمود: به راستی که علی پرچم هدایت و پیشوای دوستان من است. او نور است برای کسی که از من اطاعت کند، همو است کلمه ای که پرهیزکاران بدان ملتزم شوند؛ هر کس او را دوست بدارد مرا دوست داشته و هر کس اطاعتش کند از من اطاعت کرده است. (۱)

۱۴ - امام رضا علیه السلام از پدران بزرگوارش نقل می کند که پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

خداوند به وسیله جبرئیل به من خبر داد و فرمود:

علی بن ابی طالب حجت من بر آفریده هایم و حکم کننده بر طبق دینم می باشد.

از نسل او امامانی بر آورم که به امر من قیام کرده و به راه من فرا خوانند، به برکت آن ها، عذاب را از بندگان و کنیزانم برمی دارم و رحمتم را نازل می نمایم. (۲)

۱۵ - مردی خدمت امام علی علیه السلام آمد و عرض کرد:

به شما امیرالمومنین می گویند، چه کسی شما را امیر مردم قرار داده است؟

فرمود: خداوند مرا امیر بر آن ها قرار داده است.

ص: ۴۱

---

۱- ۴۰. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۷۲، حدیث ۲۳.

۲- ۴۱. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۸۱، حدیث ۷.

فجاء الرجل إلى رسول الله صلى الله عليه وآله فقال: يا رسول الله! أصدق على فيما يقول إن الله أمره على خلقه؟

فغضب النبي صلى الله عليه وآله ثم قال: إنَّ علياً أمير المؤمنين بولايه من الله عزَّ وجلَّ عقدها له فوق عرشه وأشهد على ذلك ملائكته؛ إنَّ علياً خليفه الله وحججه الله وإنه لإمام المسلمين، طاعته مقرونه بطاعه الله، ومعصيته مقرونه بمعصيه الله، فمن جهله فقد جهلني، ومن عرفه فقد عرفني، ومن أنكر إمامته فقد أنكر نبوتي، ومن جحد أمرته فقد جحد رسالتي، ومن دفع فضله فقد تنقصني، ومن قاتله فقد قاتلني، ومن سبه فقد سبني لأنه مني، خلق من طيبتى وهو زوج فاطمه ابنتى وأبو ولدى الحسن والحسين.

ثم قال صلى الله عليه وآله: أنا وعلى وفاطمة والحسن والحسين وتسعه من ولد الحسين حجج الله على خلقه، أعداؤنا أعداء الله، وأولياؤنا أولياء الله.

١٦ - حدثنا الحسين بن محمد بن سعيد الهاشمي، عن فرات بن إبراهيم الكوفي، عن محمد بن زهير، عن الحسين بن علي العبدى، عن محمد بن عبد الواحد الواسطي، عن محمد بن ربيعة، عن إبراهيم بن يزيد، عن عمرو بن دينار، عن طاوس، عن ابن عباس قال:

سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله وهو على المنبر يقول - وقد بلغه عن أناس من قريش إنكار تسميته لعلي أمير المؤمنين - فقال:

معاشر الناس! إنَّ الله عزَّ وجلَّ بعثني إليكم رسولاً وأمرني أن أستخلف عليكم علياً أميراً، ألا فمن كنت نبيه فإنَّ علياً أميره تأمير أمره الله عزَّ وجلَّ عليكم وأمرني أن أعلمكم ذلك لتسمعوا له وتطيعوا، إذا أمركم تأمروا وإذا نهاكم عن أمر تنتهون.

ألا- فلا- يأترون أحد منكم على على عليه السلام فى حياتى ولا- بعد وفاتى، فإنَّ الله تبارك وتعالى أمره عليكم وسماه أمير المؤمنين ولم يسم أحداً من قبله بهذا الاسم.

مرد عرب خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رفت و عرض کرد: آیا علی راست می گوید که خدا او را امیر قرار داده است؟

پیامبر صلی الله علیه و آله خشمگین شد و فرمود: به راستی چنین است که علی به ولایت الهی، امیر بر مردم شده؛ خداوند این ولایت را در آسمان ها منعقد کرده و فرشتگان را بر آن گواه گرفته که: علی، خلیفه و حجت خدا و امام مسلمانان است، اطاعت از او همراه با اطاعت از خداست و نافرمانی از او، همراه با نافرمانی خداست. هر کس او را نشناسد، مرا نشناخته و هر کس او را بشناسد مرا شناخته است، هر کس منکر امامت او شود منکر پیامبری من شده و هر کس امیری او را انکار کند رسالت مرا انکار کرده است. آن که فضیلت او را نفی و دفع کند (فضیلت) مرا کاسته است؛ هر که با او نبرد کند، با من نبرد کرده؛ هر که او را دشنام دهد، مرا دشنام داده؛ زیرا او از من است، از طینت و سرشت من آفریده شده، او همسر فاطمه، دختر من و پدر دو فرزندم، حسن و حسین است.

سپس فرمود: من، علی، فاطمه، حسن، حسین و نه فرزند او، حجت های خدا بر آفریدگان هستیم، دشمنان ما، دشمنان خدا و دوستان ما، دوستان خدایند. (۱)

۱۶ - ابن عباس می گوید:

به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خبر رسید که برخی از قریش، عنوان «امیر المؤمنین» را برای علی علیه السلام انکار می کنند. حضرتش بر فراز منبر رفت و در سخنرانی خود فرمود:

ای مردم! خداوند مرا بر شما پیامبر قرار داده و دستور فرموده که علی را به عنوان امیر شما پس از خودم معرفی کنم. پس آگاه باشید! هر کس من پیامبر او هستم، علی امیر اوست، امارتی که خدا فرمان داده و به من دستور فرموده که شما را از آن آگاه کنم، تا سخن او را به گوش جان بخرید؛ اگر دستور داد، اطاعت کنید و اگر نهی کرد بر حذر باشید.

آگاه باشید! کسی از شما حق ندارد بر علی، امیر باشد، نه در زمان حیات من و نه پس از مرگ من؛ زیرا که خداوند او را بر شما امیر کرده و به عنوان «امیر المؤمنین» لقب داده و هیچ کس پیش از او به آن نام، نامیده نشده است.

ص: ۴۳

وقد أبلغتكم ما أرسلت به إليكم في علي، فمن أطاعني فيه فقد أطاع الله، ومن عصاني فيه فقد عصى الله عز وجل ولا حجه له عند الله عز وجل وكان مصيره إلى ما قال الله عز وجل في كتابه: «وَمَنْ يَعِصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يَدْخُلْهُ نَاراً خَالِداً فِيهَا».

(١)

١٧ - حَدَّثَنَا ماجيلويه، عن محمد العطار، عن سهل بن زياد، عن محمد بن الوليد، عن يونس بن يعقوب، عن سنان بن طريف، عن أبي عبد الله الصادق عليه السلام قال:

قال: إِنَّا أَوْلَ أَهْلِ بَيْتِ نُوهِ اللَّهِ بِأَسْمَائِنَا، إِنَّهُ لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَمَرَ مُنَادِيًا فَنَادَى:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ - ثَلَاثًا -، أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولَ اللَّهِ - ثَلَاثًا - أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حَقًّا - ثَلَاثًا -.

١٨ - حَدَّثَنَا أحمد بن محمد بن يحيى العطار، عن أبيه، عن محمد بن عبد الجبار، عن أحمد الأزدي، عن أبان بن عثمان، عن أبان بن تغلب، عن عكرمه، عن ابن عباس قال:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَخَى بَيْنِي وَبَيْنَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، وَزَوْجَهُ ابْنَتِي مِنْ فَوْقِ سَبْعِ سَمَاوَاتِهِ، وَأَشْهَدُ عَلَى ذَلِكَ مَقْرَبِي مَلَائِكَتَهُ وَجَعَلَهُ لِي وَصِيًّا وَخَلِيفَةً، فَعَلَى مَنِّي وَأَنَا مِنْهُ، مَحَبَّةٌ مَحَبِّي، وَمَبْغُضَةٌ مَبْغُضِي، وَإِنِ الْمَلَائِكَةُ لَتَقْرَبُ إِلَى اللَّهِ بِمَحَبَّتِهِ.

ص: ٤٤

من آنچه دستور داشتم درباره علی گفتم، هر که در این دستور، مرا اطاعت کند خدا را اطاعت کرده و آن که نپذیرد معصیت خدا نموده است و بداند نزد خدا عذری ندارد و سرانجامش همان است که خداوند در قرآن فرموده: «هر که از خدا و پیامبرش نافرمانی کند و از حدودش تجاوز نماید، او را در آتشی وارد می کند که همیشه در آن خواهد ماند.» (۱)

۱۷ - امام صادق علیه السلام فرمود:

ما نخستین خاندانی هستیم که خداوند نام ما را بلند کرده است.

آن گاه که خداوند آسمان ها و زمین را آفرید به فرشته ای دستور داد سه بار اعلان کند:

گواهی می دهم که هیچ معبودی جز خدا نیست.

گواهی می دهم که محمد پیامبر خداست.

گواهی می دهم که علی، به حقیقت امیر مؤمنان است. (۲)

۱۸ - پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

خداوند تبارک و تعالی، از بالای هفت آسمان، بین من و علی برادری قرار داد و دخترم را همسر او کرد و فرشتگان مقرب را بر آن گواه گرفت و او را وصی و خلیفه ام نمود. پس علی علیه السلام از من است و من از علی، دوست او دوست من است و دشمن او، دشمن من؛ به راستی که فرشته ها، به وسیله دوستی او خود را به خدا نزدیک می کنند. (۳)

ص: ۴۵

---

۱- ۴۴. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۶۳، حدیث ۱۱.

۲- ۴۵. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۸۸، حدیث ۴.

۳- ۴۶. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۲۶، حدیث ۶.

١٩ - حَدَّثَنَا ابْنُ سَعِيدٍ الْهَاشِمِيُّ عَنْ فِرَاتٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ ظَهِيرٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَخِي يُونُسَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ النَّهْشَلِيِّ، عَنْ الرِّضَا، عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، عَنْ جَبْرِئِيلَ، عَنْ مِيكَائِيلَ، عَنْ إِسْرَافِيلَ، عَنِ اللَّهِ - جَلَّ جَلَالُهُ - أَنَّهُ قَالَ:

أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا، خَلَقْتُ الْخَلْقَ بِقُدْرَتِي فَاخْتَرْتُ مِنْهُمْ مَنْ شِئْتُ مِنْ أَنْبِيَائِي وَاخْتَرْتُ مِنْ جَمِيعِهِمْ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَبِيبًا وَخَلِيلًا وَصَفِيًّا، فَبَعَثْتُهُ رَسُولًا - إِلَى خَلْقِي وَاصْطَفَيْتُ لَهُ عَلِيًّا فَجَعَلْتُهُ لَهُ أَخًا وَوَصِيًّا وَوَزِيرًا وَمُؤَدِّيًا عَنْهُ مِنْ بَعْدِهِ إِلَى خَلْقِي، وَخَلَيْفَتِي عَلَى عِبَادِي لِيَبِينَ لَهُمْ كِتَابِي وَيَسِيرَ فِيهِمْ بِحُكْمِي.

وَجَعَلْتُهُ الْعِلْمَ الْهَادِي مِنَ الضَّلَالَةِ، وَبَابِي الْهَدَى أَوْتَى مِنْهُ، وَبَيْتِي الْهَدَى مِنْ دَخَلِهِ كَانَ آمِنًا مِنْ نَارِي، وَحَصْنِي الْهَدَى مِنْ لَجَأِ إِلَيْهِ حَصْنِهِ مِنْ مَكْرُوهِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَوَجْهِي الْهَدَى مِنْ تَوَجُّهِ إِلَيْهِ لَمْ أَصْرَفْ وَجْهِي عَنْهُ، وَحِجَّتِي فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ عَلَى جَمِيعٍ مِنْ فِيهِنَّ مِنْ خَلْقِي. لَا - أَقْبَلَ عَمَلٌ مِنْهُمْ إِلَّا بِالْإِقْرَارِ بِوَلَايَتِهِ مَعَ نَبِيِّهِ أَحْمَدَ رَسُولِي وَهُوَ يَدِي الْمَبْسُوطَةُ عَلَى عِبَادِي وَهُوَ النِّعْمَةُ الَّتِي أَنْعَمْتُ بِهَا عَلَى مَنْ أَحْبَبْتُهُ مِنْ عِبَادِي.

فَمَنْ أَحْبَبْتُهُ مِنْ عِبَادِي وَتَوَلَّيْتُهُ، عَزَّفْتُهُ وَوَلَّيْتُهُ وَمَعْرِفْتُهُ وَمَنْ أَبْغَضْتُهُ مِنْ عِبَادِي، أَبْغَضْتُهُ لِأَنْصَرَفَهُ عَنْ مَعْرِفْتِهِ وَوَلَّيْتُهُ.

فَبِعَزَّتِي حَلَفْتُ وَبِجَلَالِي أَقْسَمْتُ أَنَّهُ لَا يَتَوَلَّى عَلِيًّا عَبْدٌ مِنْ عِبَادِي إِلَّا زَحَزَحْتُهُ عَنِ النَّارِ وَأَدْخَلْتُهُ الْجَنَّةَ وَلَا يَبْغِضُهُ عَبْدٌ مِنْ عِبَادِي وَيَعْدِلُ عَنِ وِلَايَتِهِ إِلَّا أَبْغَضْتُهُ وَأَدْخَلْتُهُ النَّارَ وَبئسَ المصير.

٢٠ - حَدَّثَنَا ابْنُ إِدْرِيسَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ الْبَرَقِيِّ، عَنْ ابْنِ مَعْرُوفٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْخَزَّازِ، عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ، عَنِ الصَّادِقِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَتَانِي جَبْرِئِيلُ مِنْ قَبْلِ رَبِّي جَلَّ جَلَالُهُ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ! إِنَّ اللَّهَ - عَزَّ وَجَلَّ - يَقْرُئُكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ لَكَ: بَشِّرْ أَخَاكَ عَلِيًّا بِأَنِّي لَا أَعْذَبُ مَنْ تَوَلَّاهُ وَلَا أَرْحَمُ مَنْ عَادَاهُ.

۱۹ - امام رضا علیه السلام از پدرانش و آن ها از پیامبر خداصلی الله علیه وآله و ایشان از جبرئیل، و او از میکائیل، و او از اسرافیل نقل می کنند، که خداوند فرمود:

منم خدایی که جز من مبعودی نیست، مخلوقات را با قدرت خود آفریدم، از بین آن ها پیامبرانی را برگزیدم و از میان پیامبران نیز محمدصلی الله علیه وآله را به عنوان حبیب و خلیل و صفیّ انتخاب کردم، آن گاه او را به سوی مردم فرستادم و علی را به عنوان برادر و وصیّ و وزیر او قرار دادم تا بعد از محمد، پیام رسان او به مردم و جانشین من باشد و قرآن مرا برای آن ها بیان نماید و حکم مرا در میان آن ها اجرا کند.

من علی را به عنوان نشانه و پرچمی هدایت گر از گمراهی قرار دادم، او دری است که مردم از آن در آیند، او خانه من است که هر که داخل آن شود از آتش دوزخ من در امان باشد، دژ محکم من است که هر کس بدان پناه برد، از بدی دنیا و آخرت محفوظ بماند. او وجه من است که هر کس به او رو کند، از او رو برنگردانم. او حجّت من در آسمان ها و زمین است؛ تنها عمل کسانی را می پذیرم که به ولایت علی و رسالت احمد پیامبرم، اقرار کنند، او دست گشاده من بر بندگان است. او نعمتی است که به هر یک از بندگانم که دوست داشتم دادم.

پس هر کس از بندگانم را که دوست داشتم، دوستی و شناخت علی را نصیب او کردند و هر کدام از بندگانم را که دشمن دارم به خاطر این است که از دوستی و شناخت علی روگردان است.

به عزّت و جلال خودم سوگند خورده ام که هر کس علی را دوست بدارد، او را از دوزخ دور سازم و وارد بهشت نمایم، و هر کس او را دشمن بدارد و از ولایتش روی برگرداند، من با او دشمنی نموده و او را داخل دوزخ نمایم که آنجا بد سرانجامی است. (۱)

۲۰ - امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش نقل می کند که پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود:

جبرئیل از طرف خدای بزرگ، نزد من آمد و گفت: ای محمد! خداوند عزیز به تو سلام می رساند و می فرماید:

برادرت علی را مژده بده که هر که او را دوست بدارد، عذابش نمی کنم و به کسی که با او دشمنی کند، ترحم نمی کنم. (۲)

ص: ۴۷

۱- ۴۷. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۳۹، حدیث ۱۰.

۲- ۴۸. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۱۰، حدیث ۸.

٢١ - حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ الْبَرْقِيُّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدَ بْنَ خَالِدٍ، عَنْ خَلْفِ بْنِ حَمَادٍ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْعَبْدِيِّ، عَنْ الْأَعْمَشِ، عَنْ عَبَايَةَ بْنِ رَبِيعٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ:

أَتَانِي جِبْرَائِيلُ وَهُوَ فَرِحَ مُسْتَبْشِرًا، فَقُلْتُ لَهُ: حَبِيبِي جِبْرَائِيلُ! بِمَا أَنْتَ فِيهِ مِنَ الْفَرَحِ مَا مَنْزِلُهُ أَخِي وَابْنُ عَمِّي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ رَبِّهِ؟

فَقَالَ جِبْرَائِيلُ: يَا مُحَمَّدُ! وَالَّذِي بَعَثَكَ بِالنَّبِيِّهِ وَأَصْطَفَاكَ بِالرَّسَالَةِ! مَا هَبَطْتَ فِي وَقْتِي هَذَا إِلَّا لِهَذَا؛ يَا مُحَمَّدُ! اللَّهُ الْعَلِيُّ الْأَعْلَى يَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ: مُحَمَّدٌ نَبِيٌّ رَحِمْتِي وَعَلَى مَقِيمٌ حَجَّتِي، لَا- أَعَذَّبُ مِنْ وَالَاهِ وَإِنْ عَصَانِي، وَلَا- أَرْحَمُ مِنْ عَادَاهِ وَإِنْ أَطَاعَنِي.

٢٢ - حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ عِيسَى، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مَاجِيلُوِيهِ، عَنْ الْبَرْقِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَانَ السَّلْمِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ:

نَزَلَ جِبْرَائِيلُ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ! السَّلَامُ يَقْرَأُكَ السَّلَامُ وَيَقُولُ: خَلَقْتَ السَّمَاوَاتِ السَّبْعَ وَمَا فِيهِنَّ وَالْأَرْضِينَ السَّبْعَ وَمَنْ عَلَيْهِنَّ وَمَا خَلَقْتَ مَوْضِعًا أَكْبَرَ مِنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، وَلَوْ أَنَّ عَبْدًا دَعَانِي هُنَاكَ مِنْذُ خَلَقْتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ ثُمَّ لَقِينِي جَا حَادِلًا لَوْلَا يَهْ عَلِيٌّ لَأَكْبَبْتَهُ فِي سَقَرٍ.

٢٣ - حَدَّثَنَا إِبْنُ إِدْرِيسَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجُبَّارِ، عَنْ الْأَزْدِيِّ، عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ الْفَضْلِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ ثَابِتِ بْنِ دِينَارٍ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ جَبْرِ، عَنْ إِبْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَوْحَى إِلَيَّ أَنَّهُ جَاعِلٌ لِي مِنْ أُمَّتِي أَخًا وَوَارِثًا وَخَلِيفَةً وَوَصِيًّا.

فَقُلْتُ: يَا رَبِّ! مَنْ هُوَ؟



۲۱ - ابن عباس می گوید: پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود:

روزی جبرئیل با شادی و خرمی نزد من آمد، گفتم: اکنون که با چنین حالی آمدی، بگو بدانم مقام برادرم علی بن ابی طالب نزد پروردگار چگونه است؟

جبرئیل گفت: سوگند به خدا که من هم فقط برای همین موضوع آمده ام. ای محمد! خداوند متعال به تو سلام می رساند و می فرماید: محمد، پیامبر رحمت من است و علی برپا دارنده حجت من؛ دوستانش را عذاب نکنم، هر چند گناهکار باشند و به دشمنانش رحم نکنم، اگر چه از من اطاعت کرده باشند. (۱)

۲۲ - امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش نقل می کند:

جبرئیل بر پیامبر صلی الله علیه وآله نازل شد و گفت: ای محمد! خدا به تو سلام می رساند و می فرماید: در آفرینش هفت آسمان و آنچه در آن است و هفت زمین و آنچه بر آن است، جایی عظیم تر و با شکوه تر از «رکن و مقام» نیافریدم (که در آنجا هر دعایی مستجاب است، با این حال) اگر بنده ای، از ابتدای آفرینش آسمان ها و زمین تا روز مرگش، در آن مکان مرا بخواند امّا منکر ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام باشد دعای او را مستجاب نمی کنم و او را با صورت به آتش می اندازم. (۲)

۲۳ - ابن عباس می گوید:

پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود: خداوند متعال به من وحی کرد که از میان امتم کسی را وارث، جانشین و وصی من قرار می دهد.

عرض کردم: پروردگارم! او کیست؟

فرمود: ای محمد! او امام اُمت تو و حجت من بر آن ها پس از توست.

عرض کردم: پروردگارم! نامش چیست؟

ص: ۴۹

۱- ۴۹. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۹۴، حدیث ۱۰.

۲- ۵۰. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۷۳، حدیث ۱۲.

فأوحى إلى عزّ وجلّ: يا محمد! ذاك من أحبّه ويحبّني، ذاك المجاهد في سبيلي والمقاتل لناكثي عهدي والقاسطين في حكمي والمارقين من ديني، ذاك وليي حقاً، زوج ابنتك وأبو ولدك علي بن أبي طالب عليه السلام.

٢٤ - حدّثنا أبي، عن الحميري، عن ابن عيسى، عن أبيه، عن يونس، عن منصور الصيقل، عن الصادق جعفر بن محمد، عن آبائه عليهم السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

لما أسرى بي إلى السماء عهد إلى ربّي في علي عليه السلام ثلاث كلمات.

فقال: يا محمد!

فقلت: لبيك ربّي.

فقال: إنّ علياً إمام المتّقين وقائد الغرّ المحجّلين ويعسوب المؤمنين.

٢٥ - حدّثنا ماجيلويه، عن محمّد العطار، عن جعفر بن محمّد الكوفي، عن محمّد بن الحسين بن زيد، عن عبد الله بن الفضل، عن الصادق جعفر بن محمد، عن أبيه، عن آبائه عليهم السلام قال:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ليله أسرى بي إلى السماء كلّمني ربّي جلّ جلاله فقال: يا محمد!

فقلت: لبيك ربّي.

فقال: علي حجّتي بعدك على خلقي وإمام أهل طاعتي، من أطاعه أطاعني ومن عصاه عصاني، فانصبه لأمتك يهتدون به بعدك.

٢٦ - حدّثنا محمّد بن أحمد السناني عن محمّد بن أبي عبد الله الأسدي الكوفي، عن النخعي، عن النوفلي، عن علي بن سالم، عن أبيه، عن سعد بن طريف، عن سعيد بن جبیر، عن ابن عباس؛ قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله لعلي عليه السلام:

يا علي! أنت إمام المسلمين، وأمير المؤمنين، وقائد الغرّ المحجّلين، وحجّه الله بعدى على الخلق أجمعين، وسيد الوصيين ووصي سيد التّبيين.

فرمود: ای محمّد! او همان است که دوستش دارم و او هم مرا دوست می‌دارد، همان کسی که در راه من جهاد می‌کند و با پیمان شکنان عهد من، و قاسطان و بیدادگران در فرمان من، و مارقان و بیرون رونندگان از دین من نبرد خواهد نمود، او حقیقتاً ولی من، همسر دختر تو و پدر فرزندان، علی بن ابی طالب علیه السلام است. (۱)

۲۴ - امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش نقل می‌کند که پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود:

هنگامی که به معراج رفتم، پروردگارم درباره علی علیه السلام، سه کلمه سفارش کرد و فرمود: ای محمّد!

گفتم: لَئیک، بله ای پروردگار من!

فرمود: علی، امام پرهیزکاران، پیشوای دست و روسفیدان و سرور و پناه مؤمنان است. (۲)

۲۵ - امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش نقل می‌کند:

پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود: شبی که مرا به معراج بردند پروردگارم فرمود: ای محمّد!

عرض کردم: لَئیک، بله ای پروردگار من!

فرمود: پس از تو علی، حجت من بر آفریدگانم و امام و پیشوای اطاعت کنندگان من است؛ هر کس از او اطاعت کند در واقع از من اطاعت کرده و هر کس نافرمانی اش کند نافرمانی مرا کرده است، پس او را بر امت خود به امامت منصوب کن تا پس از تو به وسیله او هدایت شوند. (۳)

۲۶ - ابن عباس می‌گوید: پیامبرصلی الله علیه وآله به علی علیه السلام فرمود:

ای علی! تو امام مسلمانان و امیرمؤمنان و پیشوای دست و روسفیدانی و پس از من حجت خدا بر همه خلق و سرور اوصیا، و وصی سرور پیامبران هستی.

ص: ۵۱

---

۱- ۵۱. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۸۱، حدیث ۱۷.

۲- ۵۲. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۷۲، حدیث ۱۷.

۳- ۵۳. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۷۲، حدیث ۲۷.

يا على! إنه لَمَّا عرج بي إلى السماء السابعة، ومنها إلى صدره المنتهى، ومنها إلى حجب النور، وأكرمني ربي جل جلاله بمناجاته، قال لي: يا محمد!

قلت: لبيك ربي وسعديك، تباركت وتعاليت.

قال: إنَّ علياً إمام أوليائي، ونور لمن أطاعني، وهو الكلمه التي ألزمتها المتقين، من أطاعه أطاعني، ومن عصاه عصاني.

٢٧ - حدَّثنا ابن الوليد، عن الصفار، عن ابن عيسى، عن محمد بن سنان، عن أبي مالك الحضرمي، عن إسماعيل بن جابر؛

عن أبي جعفر الباقر عليه السلام في حديث طويل يقول فيه:

إنَّ الله تبارك وتعالى لما أسرى نبيه صلى الله عليه وآله قال له:

يا محمد! إنَّه قد انقضت نبوتك وانقطع أكلك، فمن لأمتك من بعدك؟

فقلت: يا رب! إنني قد بلوت خلقك فلم أجد أحداً أطوع لي من علي بن أبي طالب.

فقال عز وجل: ولي يا محمد! فمن لأمتك؟

فقلت: يا رب! إنني قد بلوت خلقك فلم أجد أحداً أشدَّ حباً لي من علي بن أبي طالب.

فقال عز وجل: ولي يا محمد، فأبلغه أنه رايه الهدى وإمام أوليائي ونور لمن أطاعني.

ای علی! چون مرا به آسمان هفتم عروج دادند و از آنجا به سدره المنتهی و از آنجا به حجاب های نور بردند و خداوند مرا به مناجات خویش گرامی داشت، به من فرمود: ای محمد!

پاسخ دادم: لبیک، بله ای پروردگارم، آماده به فرمانم، تو والا مقام و برتری.

خداوند فرمود: به درستی که علی پیشوای دوستان من می باشد و برای هر کس که مرا اطاعت کند نور است و او همان کلمه ای است که پرهیزکاران را همراه او قرار داده ام. هر کس او را اطاعت کند مرا اطاعت کرده است و هر کس از او نافرمانی کند از من نافرمانی کرده است. (۱)

۲۷ - امام باقر علیه السلام در ضمن حدیثی طولانی فرمود:

آن گاه که خداوند متعال، پیامبرش را به معراج برد، به او فرمود:

ای محمد! هنگام پیامبری ات به سر رسیده و عمرت تمام شده است، چه کسی را پس از خودت، برای اُمت رهبر قرار می دهی؟

گفتم: پروردگارا! همه خلق را آزمودم، کسی را مطیع تر از علی بن ابی طالب نسبت به خودم نیافتم.

فرمود: نسبت به من نیز چنین است.

ای محمد! چه کسی را پس از خودت برای اُمت رهبر قرار می دهی؟

گفتم: پروردگارا! به راستی همه خلق را آزمودم، کسی را محبوبتر از علی بن ابی طالب نسبت به خودم نیافتم.

فرمود: و نسبت به من نیز چنین است. پس به او اعلام کن که او پرچم هدایت و پیشوای دوستان من است، او نور و روشنایی برای هر کسی است که مرا اطاعت کند. (۲)

ص: ۵۳

---

۱- ۵۴. امالی صدوق رحمه الله، مجلس ۴۹، حدیث ۱۶.

۲- ۵۵. امالی صدوق رحمه الله، مجلس ۷۲، حدیث ۲۴.

٢٨ - حدّثنا أبي، عن سعد، عن البرقي، عن أبيه، عن خلف بن حمّاد، عن أبي الحسن العبدى، عن الأعمش، عن عبايه بن ربعى، عن عبد الله بن عباس قال:

... فتقدّم رسول الله صلى الله عليه وآله ما شاء الله أن يتقدّم حتّى سمع ما قال الربّ تبارك وتعالى: «أنا المحمود وأنت محمّد، شققت اسمك من اسمى، فمن وصلك وصلته، ومن قطعك بتكته، أنزل إلى عبادى فأخبرهم بكرامتى إياك وأنى لم أبعث نبياً إلا جعلت له وزيراً وأنتك رسولى وأنّ علياً وزيرك.»

فهبط رسول الله صلى الله عليه وآله فكره أن يحدث الناس بشىءٍ كراهيه أن يتهموه، لأنهم كانوا حديثى عهد بالجاهليه.

حتّى مضى لذلك سنّه أيام فأنزل الله تبارك وتعالى: «فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضٌ مَا يُوحى إِلَيْكَ وَضَائِقٌ بِهِ صَدْرُكَ» (١).

فاحتمل رسول الله صلى الله عليه وآله ذلك حتّى كان يوم الثامن فأنزل الله تبارك وتعالى عليه: «يا أَيُّهَا الرُّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ» (٢).

فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: تهديد بعد وعيد، لأمضينّ أمر الله عزّ وجلّ فإنّ يتهمونى ويكذبونى فهو أهون على من أن يعاقبنى العقوبه الموجهه فى الدنيا والآخره.

قال: وسلّم جبرئيل على على بإمره المؤمنين.

فقال على عليه السلام: يا رسول الله! أسمع الكلام ولا أحسّ الرؤيه.

فقال صلى الله عليه وآله: يا على! هذا جبرئيل أتانى من قبل ربّى بتصديق ما وعدنى.

ثمّ أمر رسول الله صلى الله عليه وآله رجلاً فرجلاً من أصحابه حتّى سلّموا عليه بإمره المؤمنين.

١- ٥٦. سورة هود {١١}: الآية ١٢.

٢- ٥٧. سورة المائدة {٥}: الآية ٦٧.

۲۸ - ابن عباس رخداد معراج پیامبر را تعریف می کرد تا بدین جا رسید که پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود:

پروردگار تبارک و تعالی (در آسمان به من) فرمود: من محمود هستم و تو محمد، نام تو را از نام خود گرفتم. پس هر کس به تو پیوست، پیوند او را با خود برقرار سازم و هر کس از تو برید پیوند او را قطع کنم.

به سوی بندگانم برو و آنان را از کرامتی که بر تو داشتم آگاه کن (و نیز به آنان بگو) که من هیچ پیامبری را مبعوث نکردم مگر اینکه برای او وزیری قرار دادم. تو پیامبر من هستی و علی وزیر تو.

آن گاه پیامبر به زمین فرود آمد، ولی به خاطر آن که مبادا مورد تهمت و تکذیب قرار گیرد دوست نداشت (در باره آنچه شنیده بود) به مردم چیزی بگوید؛ چرا که آنان تازه دوران جاهلیت را پشت سر گذاشته بودند.

شش روز از این امر گذشت خداوند این آیه را فرو فرستاد که: «شاید که تو برخی از آنچه که به تو وحی شده ترک کرده و دلتنگ شدی.»

پیامبر خدا صلی الله علیه وآله بار سنگین این آیه را بدوش کشید تا این که در روز هشتم، این آیه نازل شد: «ای رسول! آنچه از جانب پروردگارت به تو رسیده، ابلاغ کن و اگر انجام ندهی در واقع رسالت خود را ابلاغ نکرده ای و خدا تو را از شر مردم حفظ خواهد کرد.»

پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود: ابتدا اخطار داده شدم و اینک تهدید شدم، باید دستور خدا را اجرا کنم که اتهام و تکذیب مردم آسان تر از عذاب و عقوبت خداست.

و جبرئیل با عنوان امیرالمؤمنین به علی علیه السلام سلام کرد.

علی علیه السلام عرض کرد: ای پیامبر خدا! کلامی می شنوم؛ ولی کسی را نمی بینم.

پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: این جبرئیل است که از جانب خدا آمده تا آنچه (را خدا در باره تو) به من وعده داده است، تصدیق کند.

سپس پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمان داد همه، یکی یکی آمدند و با عنوان «امیرالمؤمنین» بر او سلام دادند.

ثم قال: يا بلال! ناد في الناس أن لا يبقى غداً أحد إلا عليل إلا خرج إلى غدیر خم.

فلما كان من الغد خرج رسول الله صلى الله عليه وآله بجماعه أصحابه، فحمد الله وأثنى عليه، ثم قال:

أيها الناس! إن الله تبارك وتعالى أرسلني عليكم برسالة، إنني ضقت بها ذرعا مخافه أن تتهموني وتكذبوني حتى أنزل الله علي وعيدا بعد وعيد؛ فكان تكذيبكم إياي أيسر علي من عقوبه الله إياي. إن الله تبارك وتعالى أسرى بي وأسمعني وقال: يا محمد! أنا المحمود وأنت محمد، شققت اسمك من اسمي، فمن وصلك وصلته ومن قطعك بتكته، أنزل إلي عبادي فأخبرهم بكرامتي إياك وأنتي لم أبعث نبياً إلا جعلت له وزيراً وأنتك رسولي وأنّ علياً وزيرك.

ثم أخذ صلى الله عليه وآله بيدي علي بن أبي طالب عليه السلام فرفعهما حتى نظر الناس إلى بياض إبطيهما ولم يرقبل ذلك، ثم قال:

أيها الناس! إن الله تبارك وتعالى مولاي وأنا مولى المؤمنين، فمن كنت مولاه فعلى مولاه، اللهم وال من والاه، وعاد من عاداه، وانصر من نصره، واخذل من خذله.

فقال الشكّاك والمنافقون والّذين في قلوبهم مرض وزيغ: نبأ إلى الله من مقاتله ليس بحتم ولا نرضى أن يكون علي وزيره، هذه منه عصبية.

فقال سلمان والمقداد وأبوذر وعمار بن ياسر: والله! ما برحنا العرصه

حتى نزلت هذه الآية «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» (١) فكرر رسول الله صلى الله عليه وآله ذلك ثلاثاً.

ثم قال: إن كمال الدين وتمام النعمه ورضى الربّ بإرسالى إليكم بالولاية بعدى لعلى بن أبى طالب، (عليه الصلوه وعليه السلام).

ص: ٥٦



آن گاه به بلال فرمود: اعلان کن که فردا همه - جز افراد بیمار - در غدیر خم جمع شوند.

روز بعد پیامبر صلی الله علیه و آله با گروهی از اصحابش (به غدیر خم) رفت و پس از حمد و ثنای خداوند فرمود:

ای مردم! خداوند مأموریتی به من داده است؛ ولی از ترس این که مرا متهم کنید و تکذیب نمایید، آن را اعلان نکردم، تا این که خداوند دو بار مرا تهدید کرد، دیدم شکیبایی در مقابل تکذیب شما آسان تر از گرفتار شدن به عقوبت خدا است. پروردگار تبارک و تعالی مرا به آسمان برد و فرمود: ای محمد! من محمود هستم و تو محمد. نام تو را از نام خود گرفتم، پس هر کس به تو پیوست، پیوند او را با خود برقرار سازم و هر کس از تو برید پیوند خود را با او قطع کنم. به سوی بندگانم برو و آنان را از کرامتی که بر تو داشتم آگاه کن (و به آنان بگو که) من هیچ پیامبری را مبعوث نکردم، مگر اینکه برای او وزیری قرار دادم. تو پیامبر من هستی و علی وزیر تو.

آن گاه پیامبر صلی الله علیه و آله دست علی علیه السلام را بالا گرفت، به طوری که مردم سفیدی زیر بغل آن دو را دیدند - که پیش از این دیده نشده بود - سپس فرمود:

ای مردم! به راستی که خدا مولای من است و من مولای مؤمنان، هر که من مولای اویم، علی هم مولای اوست، خدایا! دوست او را دوست بدار و دشمن او را دشمن بدار، یاری کننده اش را یاری کن و خوار کن هر که او را تنها گذارد.

شکاکان، منافقان و بیمار دلان گفتند: ما از این سخنان بیزاریم و راضی نیستیم که علی وزیر او باشد، چون این کار را از روی تعصب خویشاوندی انجام داده است.

سلمان، مقداد، ابوذر و عمار گفتند: به خدا قسم! از آن محل بیرون نشده بودیم

تا که این آیه نازل شد: امروز دین شما را برایتان به کمال رساندم و نعمتم را بر شما تمام کردم و اسلام را به عنوان دین شما پسندیدم.

حضرت این آیه را سه بار تکرار کرد، آن گاه فرمود: کمال دین و تمام نعمت و رضایت و خشنودی خداوند به واسطه فرستادن من به سوی شما برای ابلاغ ولایت علی بن ابی طالب بعد از خودم می باشد. (۱)

ص: ۵۷

٢٩ - حدّثنا محمّد بن عمر الحافظ، عن محمّد بن الحسين بن حفص، عن محمّد بن هارون، عن قاسم بن الحسن، عن يحيى بن عبد الحميد، عن قيس بن الربيع، عن أبي هارون، عن أبي سعيد قال:

لَمَّا كَانَ يَوْمَ غَدِيرِ خَمٍّ أَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مُنَادِيًا فَنَادَى: «الصَّلَاةُ جَامِعَةٌ.»

فَأَخَذَ بِيَدِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَالَ: اللَّهُمَّ مَنْ كُنْتَ مَوْلَاهُ فَعَلَى مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادَ مَنْ عَادَاهُ.

فَقَالَ حَسَانُ بْنُ ثَابِتٍ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَقُولُ فِي عَلِيٍّ شِعْرًا؟

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: افْعَلْ.

فَقَالَ:

يُنَادِيهِمْ يَوْمَ الْغَدِيرِ نَبِيَّهُمْ

بِخَمٍّ وَأَكْرَمَ بِالنَّبِيِّ مُنَادِيَا

يَقُولُ: فَمَنْ مَوْلَاكُمْ وَوَلِيكُمْ

فَقَالُوا وَ لَمْ يَبْدُوا هُنَاكَ التَّعَادِيَا

إِلْهَيْكَ مَوْلَانَا وَ أَنْتَ وَلِينَا

وَلَنْ تَجِدَنَّ مَنَا لَكَ الْيَوْمَ الدَّهْرَ [عَاصِيَا

فَقَالَ لَهُ: قُمْ يَا عَلِيُّ! فَإِنِّي

رَضِيْتُكَ مِنْ بَعْدِي إِمَامًا وَ هَادِيَا

وَ كَانَ [فَقَامَ عَلِيُّ أَرْمَدَ الْعَيْنِ يَبْتَغِي

لِعَيْنِهِ مِمَّا يَشْتَكِيهِ مَدَاوِيَا

فَدَاوَاهُ خَيْرَ النَّاسِ مِنْهُ بِرَيْقِهِ بِرَيْقِهِ]

فَبُورِكَ مَرْقِيَا وَ بُورِكَ رَاقِيَا

٣٠ - حدّثنا محمّد بن عمر الحافظ، عن جعفر بن محمّد الحسنى، عن محمّد بن علي بن خلف، عن سهل بن عامر، عن زافر بن سليمان، عن شريك، عن أبي إسحاق قال:

قلت لعلى بن الحسين عليه السلام:

ما معنى قول النبي صلى الله عليه وآله «من كنت مولاه فعلى مولاه»؟

قال: أخبرهم أنه الإمام بعده.

رواياتى پيرامون غدیر

ص: ۵۸

روز غدیر، پیامبر خداصلی الله علیه وآله دستور داد که همه برای نماز جمع شوند، سپس دست علی بن ابی طالب را گرفت و فرمود:

هر که من مولای او هستم، علی مولای اوست. خدایا! دوست بدار، دوستان علی را و دشمن بدار، دشمنان او را.

حسان بن ثابت، شاعر معروف عرض کرد: اجازه می دهید درباره علی، شعری بگویم؟

فرمود: بگو.

گفت: «پیامبرشان در روز غدیرخم آن ها را ندا داد و پیامبر چه ندا دهنده گرامی است.

او می گفت: مولا و ولی شما چه کسی است؟ آنان در حالی که دشمنی شان علنی نبود، پاسخ دادند:

خدای تو مولای ما است و تو ولی ما هستی و هرگز امروز از ما نافرمانی نخواهی دید. پیامبر به علی علیه السلام فرمود: ای علی! به پاخیز که من به پیشوایی و هدایت گری تو پس از خودم راضی و خشنودم.

علی در حالی برخاست که در جستجوی دوايي برای چشم درد خود بود.

پس بهترین مردم، چشمان او را با آب دهان مبارکش مداوا کرد. تبریک بر این طیب و بر این بیمار باد! [\(۱\)](#)

۳۰ - ابواسحاق می گوید: به امام سجادعلیه السلام عرض کردم:

معنای فرمایش پیامبرصلی الله علیه وآله که «هر کس من مولای اویم، علی مولای اوست» چیست؟

امام سجادعلیه السلام فرمود: یعنی پیامبرصلی الله علیه وآله به مردم خبر داد که پس از وی، علی علیه السلام، امام است. [\(۲\)](#)

ص: ۵۹

---

۱- ۶۰. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۸۴، حدیث ۳.

۲- ۶۱. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۲۶، حدیث ۲.

٣١ - حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ سَلْمَةَ الْأَصْبَهَانِيِّ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ الْقَتَادِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ هَاشِمِ بْنِ الْبَرِيدِ، عَنْ أَبِيهِ قَالَ:

سئل زيد بن علي عليه السلام عن قول رسول الله صلى الله عليه وآله؛

«من كنت مولاه فعلى مولاه»؟

قال: نصبه علماً ليعلم به حزب الله عند الفرقة.

٣٢ - حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ السَّكُونِيُّ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرِ بْنِ السَّرِيِّ وَأَبِي نَصْرِ بْنِ مُوسَى، عَنْ عَلِيِّ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ ضَمْرَةَ بْنِ شَوْذَبٍ، عَنْ مَطَرٍ، عَنْ شَهْرِ بْنِ حَوْشَبٍ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ:

من صام يوم ثمانيه عشر من ذى الحجه كتب الله له صيام ستين شهراً وهو يوم غدير خم لما أخذ رسول الله صلى الله عليه وآله بيد علي بن أبي طالب عليه السلام وقال: ألسنت أولى بالمؤمنين؟

قالوا: نعم، يا رسول الله.

قال: من كنت مولاه فعلى مولاه.

فقال له عمر: بخ بخ يا بن أبي طالب! أصبحت مولاي ومولى كل مسلم.

فأنزل الله عز وجل: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ». (١)

٣٣ - حَدَّثَنَا ابْنُ سَعِيدٍ الْهَاشِمِيُّ، عَنْ فِرَاتٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ ظَهِيرٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْفَضْلِ، عَنِ الصَّادِقِ، عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ:

يوم غدير خم أفضل أعياد أمتي وهو اليوم الذي أمرني الله تعالى ذكره فيه بنصب أخى علي بن أبي طالب، علماً لأمتي، يهتدون به من بعدى وهو اليوم الذي أكمل الله فيه الدين وأتم على أمتي فيه النعمه ورضى لهم الإسلام ديناً.

ص: ٦٠

۳۱- از زید، فرزند امام سجّاد علیه السلام در مورد فرمایش پیامبر خداصلی الله علیه وآله که فرمود:

"هر که من مولای اویم، علی مولای اوست" پرسیده شد.

گفت: یعنی پیامبرصلی الله علیه وآله او را نشانه هدایت قرار داد تا هنگام اختلاف و تفرقه، حزب الله به وسیله او مشخص شود.

(۱)

۳۲- ابوهریره می گوید:

هر کس روز عید غدیر را که مصادف با ۱۸ ذیحجه است روزه بگیرد، خداوند ثواب روزه شصت ماه را به او عطا می کند، زیرا در این روز، پیامبر خداصلی الله علیه وآله دست علی بن ابی طالب علیه السلام را گرفت و به مردم فرمود:

آیا من، از مؤمنان، به خودشان سزاوارتر نیستم؟

همگی گفتند: آری، ای پیامبر خدا.

سپس پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود: هر که من مولای او هستم، علی مولای او است.

در این حال عمر گفت: به به، ای پسر ابی طالب! مولای من و مولای همه مسلمانان شدی.

آن گاه خداوند این آیه را نازل فرمود: «امروز دین شما را برایتان به کمال رساندم.» (۲)

۳۳- امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش نقل می کند که پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود:

بهترین عید امت من، عید غدیر خم است، و آن روزی است که خدای تعالی به من فرمان داد، برادرم، علی را به امامت نصب کنم تا مردم پس از من به وسیله او هدایت گردند و آن همان روزی است که خداوند در آن دین را کامل و نعمت را بر امت من تمام کرد و دین اسلام را برای آن ها پسندید.

ص: ۶۱

---

۱- ۶۳. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۲۶، حدیث ۳.

۲- ۶۴. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۱، حدیث ۲.

ثم قال صلى الله عليه وآله: معاشر الناس! إن علياً منى وأنا من علي، خلق من طينتى وهو إمام الخلق بعدى، يبين لهم ما اختلفوا فيه من سنتى و هو أمير المؤمنين وقائد الغر المحجلين ويعسوب المؤمنين وخير الوصيين وزوج سيده نساء العالمين وأبو الأئمة المهديين.

معاشر الناس! من أحب علياً أحبته ومن أبغض علياً أبغضته، ومن وصل علياً وصلته، ومن قطع علياً قطعتة، ومن جفا علياً جفوته، ومن والى علياً واليته، ومن عادى علياً عاديته.

معاشر الناس! أنا مدينه الحكمة وعلى بن أبى طالب بابها ولن تؤتى المدينه إلا من قبل الباب وكذب من زعم أنه يحببنى ويبغض علياً.

معاشر الناس! والذى بعثنى بالنبوه واصطفانى على جميع البريه! ما نصبت علياً علماً لأمتى فى الأرض حتى نوه الله باسمه فى سماواته وأوجب ولايته على ملائكته.

سپس فرمود: ای مردم! بدانید علی از من است و من از علی ام، او از طینت و سرشت من آفریده شده است و پس از من، او امام آفریدگان است و آنچه از سنت من مورد اختلاف باشد بیان می کند؛ او امیرمؤمنان، پیشوای دست و روسفیدان، رهبر و پناه مؤمنان، بهترین جانشینان، همسر سرور بانوان جهان، و پدر امامان هدایتگر است.

ای مردم! هر که علی را دوست بدارد، من دوستش دارم و هر که او را دشمن بدارد من دشمنش دارم. می پیوندم به هر که به علی بیوندد و جدایم از هر که از علی جداست؛ هر که به علی جفا کند من هم به او پاسخ خواهم داد، هر که با او دوستی کند با او دوستی کنم و هر که با علی دشمنی ورزد با او دشمنی ورزم.

ای مردم! من شهر حکمت هستم و علی در آن است و داخل شهر نمی توان شد مگر از در آن. دروغ می گوید هر که گمان دارد مرا دوست می دارد، در حالی که با علی دشمن است.

ای مردم! قسم به خدایی که مرا به پیامبری برانگیخت و بر تمام مردم برتری داد! من علی را در روی زمین به خلافت نصب نکردم مگر این که پیش از من خداوند نامش را در آسمان ها بلند کرده، و ولایتش را بر فرشتگان واجب نموده است. [\(۱\)](#)

ص: ۶۳



## وصايا رسول الله "صلى الله عليه وآله" الأخيره

٣٤ - حدّثنا الحافظ، عن محمّد بن أحمد بن ثابت بن كنانة، عن محمّد بن الحسن بن العباس، عن حسن بن الحسين العرنى، عن عمرو بن ثابت، عن عطاء، عن أبي يحيى، عن ابن عباس قال:

صعد رسول الله صلى الله عليه وآله المنبر فخطب و اجتمع الناس إليه فقال صلى الله عليه وآله:

يا معشر المؤمنين! إنّ الله عزّ وجلّ أوحى إلى أنّى مقبوض و أنّ ابن عمّى علياً مقتول و أنّى أيها النّاس! أخبركم خيراً إن عملتم به سلمتم و إن تركتموه هلكتم.

إنّ ابن عمّى علياً عليه السلام هو أخى و هو وزيرى و هو خليفتى و هو المبلّغ عنى و هو إمام المتّقين، و قائد الغر المحجلين، إن استرشدتموه أرشدكم، و إن تبعتموه نجوتهم، و إن خالفتموه ضللتهم، و إن أطعتموه فالله أطعتم، و إن عصيتموه فالله عصيتم، و إن بايعتموه فالله بايعتم، و إن نكثتم بيعته فبيعه الله نكثتم، إنّ الله عزّ وجلّ أنزل على القرآن و هو الهدى من خالفه ضلّ، و من ابتغى علمه عند غير على هلك.

أيها النّاس! اسمعوا قولى و اعرفوا حق نصيحتى و لا- تخلفونى فى أهل بيتى إلّا- بالهدى أمرتم به من حفظهم، فإنهم حامتى و قرابتى و إخوتى و أولادى، و إنّكم مجموعون و مساءلون عن الثقلين، فانظروا كيف تخلفونى فيهما، إنهم أهل بيتى، فمن آذاهم آذانى و من ظلمهم ظلمنى، و من أذلهم أذلنى، و من أعزهم أعزنى، و من أكرمهم أكرمنى، و من نصرهم نصرنى، و من خذلهم خذلنى، و من طلب الهدى فى غيرهم فقد كذبنى.

## آخرین وصیت های پیامبر "صلی الله علیه وآله"

۳۴- ابن عباس می گوید: روزی پیامبر خداصلی الله علیه وآله بر فراز منبر رفت و در حالی که مردم گرد او جمع شده بودند، شروع به سخنرانی کرد و فرمود:

ای گروه مؤمنان! خداوند عزیز وحی کرده که من قبض روح خواهم شد، و پسر عمویم، علی، به شهادت خواهد رسید و اینک ای مردم! من به شما خبری می دهم که اگر به آن عمل کنید سالم بمانید و اگر ترک کنید هلاک شوید و آن خبر این است:

به راستی که پسر عمویم، علی، برادر، وزیر و جانشین من است، او از طرف من تبلیغ می کند و او امام پرهیزکاران و پیشوای روسفیدان است؛ اگر از او راهنمایی بخواهید ارشادتان کند، اگر پیرو او شوید نجات می یابید و اگر مخالفت او کنید گمراه می شوید؛ اطاعت از او اطاعت از خدا و نافرمانی او، نافرمانی خدا است؛ بیعت با او، بیعت با خدا و نقض عهد او، نقض عهد خداست؛ براستی که خداوند قرآن را بر من نازل فرمود و قرآن همان چیزی است که اگر کسی با آن مخالفت کند، گمراه شود و هر کس دانش قرآن را از غیر راه علی جستجو کند هلاک گردد.

ای مردم! گفتار مرا بشنوید، حق اندرز مرا بشناسید و پس از من نسبت به خاندانم، آن گونه که امر کردم عمل کنید و آنان را حفظ نمایید، زیرا آن ها در حوزه من و خویشان و برادران و فرزندان من هستند. شما حتماً در روز قیامت جمع خواهید شد و از قرآن و عترت من بازپرسی می شوید، پس از من مواظب باشید که با آن ها چگونه رفتار می کنید؛ آنان خاندان من هستند هر کس آزارشان دهد مرا آزار داده، هر کس به آن ها ستم کند به من ستم کرده، هر کس خوارشان کند مرا خوار کرده، هر کس عزیزشان کند مرا عزیز داشته، هر کس آن ها را گرامی دارد مرا گرامی داشته، هر که آن ها را یاری کند مرا یاری کرده، هر که از یاری آن ها دست بردارد از یاری من دست برداشته و هر کس از غیر آن ها هدایت بخواهد مرا تکذیب کرده است.

أيها الناس! اتقوا الله وانظروا ما أنتم قائلون إذا لقيتموه؛ فإنني خصم لمن آذاهم و من كنت خصمه خصمته، أقول قولي هذا و أستغفر الله لي و لكم.

٣٥ - حدّثنا الطالقاني، عن محمّد بن حمدان الصيدلاني، عن محمّد بن مسلم الواسطي، عن محمّد بن هارون، عن خالد الحذاء، عن أبي قلابه، عن عبد الله بن زيد الجرّمي، عن ابن عباس قال:

لَمَّا مرض رسول الله صلى الله عليه وآله وعنده أصحابه، قام إليه عتيار بن ياسر فقال له: فداك أبي وأُمّي! يا رسول الله من يغسلك منّا إذا كان ذلك منك؟

قال صلى الله عليه وآله: ذاك علي بن أبي طالب عليه السلام لأنّه لا يهّم بعضو من أعضائي إلّا أعانته الملائكة علي ذلك.

فقال له: فداك أبي وأُمّي يا رسول الله صلى الله عليه وآله فمن يصلّي عليك منّا إذا كان ذلك منك؟

قال: مه رحمك الله.

ثمّ قال لعلي عليه السلام: يا بن أبي طالب! إذا رأيت روعي قد فارقت جسدي فاغسلني وأنق غسلني وكفني في طمري هذين - أو في بياض مصر وبرد يمان - ولا تغال كفني واحملوني حتّى تضعوني على شفير قبري، فأول من يصلّي علي الجبار جلّ جلاله من فوق عرشه، ثمّ جبرئيل وميكائيل وإسرافيل في جنود من الملائكة لا يحصى عددهم إلّا الله عزّ وجلّ، ثمّ الحافون بالعرش، ثمّ سكّان أهل سماء فسماء، ثمّ جلّ أهل بيتي ونسائي الأقربون فالأقربون، يؤمون إيماء ويسلمون تسليمًا لا تؤذوني [لا يؤذوني] بصوت نادية ولا مزنه.

ای مردم! از خدا بیم داشته باشید و مواظب باشید که هنگام ملاقات خدا چه خواهید گفت. به راستی که من، خصم کسی هستم که آن‌ها را آزار دهد و هر کس من خصم او باشم با او مخاصمه کنم (مغلوب و مقهورش سازم). این گفتار من است که می‌گویم و برای خود و شما از خداوند طلب آمرزش می‌کنم. (۱)

۳۵- ابن عباس در یک حدیث طولانی می‌گوید:

آن‌گاه که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بیمار شد، عده‌ای از یاران، محضرش بودند، عمار برخاست و پرسید: پدر و مادرم فدای شما، ای پیامبر خدا! اگر اتفاقی افتاد، چه کسی شما را غسل می‌دهد؟

حضرت فرمود: آن وظیفه علی علیه السلام است؛ زیرا هر گاه قصد حرکت دادن هر عضوی از اعضا را بکنند، فرشتگان به او کمک می‌کنند.

عرض کرد: پدر و مادرم قربانت! چه کسی بر شما نماز خواهد خواند؟

حضرت فرمود: خدا تو را رحمت کند. خاموش باش.

سپس رو به حضرت علی علیه السلام فرمود: ای علی! چون دیدی روح از بدنم خارج شد، مرا غسل بده و خوب غسل بده و با این دو پارچه کفن کن - یا در پارچه سفید مصر و یا برد یمانی - ولی با پارچه گران مرا کفن نکن. آن‌گاه مرا بردارید و بر لب قبر بگذارید، نخستین کسی که بر من نماز گزارد (۲) خداست، آن‌گاه جبرئیل، میکائیل، اسرافیل و دیگر فرشتگان که شمار آن‌ها را جز خداوند نمی‌داند بر من نماز می‌گزارند. سپس آن‌ها که گرد عرشند و سپس اهل آسمان‌ها و پس از آن‌ها همه خاندانم و همسرانم به ترتیب خویشاوندی (که با من دارند)، اشاره‌ای کنند و سلام دهند. و مرا با شیون و ناله نیازارند.

ص: ۶۷

---

۱- ۶۶. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۱۵، حدیث ۱۱.

۲- ۶۷. ممکن است مراد از صلوه خدا، رحمت خدا باشد. چنان‌که امام موسی بن جعفر علیهما السلام در رابطه با آیه: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَيَّ...» می‌فرماید: صلاه خدا رحمت اوست... «ثواب الأعمال ص ۳۴۷».

... فروى عن ابن عباس أنّ رسول الله صلى الله عليه وآله فى ذلك المرض كان يقول: ادعوا لى حبيبى، فجعل يدعى له رجل بعد رجل، فيعرض عنه، فقيل لفاطمه، امضى إلى على فما نرى رسول الله يريد غير على فبعثت فاطمه إلى على عليه السلام، فلما دخل فتح رسول الله صلى الله عليه وآله عينيه وتهلّل وجهه ثم قال: إلى يا على، إلى يا على!

فما زال يدينه حتّى أخذه بيده وأجلسه عند رأسه، ثمّ أغمى عليه.

فجاء الحسن والحسين عليهما السلام يصيحان ويبيكان حتّى وقعا على رسول الله صلى الله عليه وآله فأراد على عليه السلام أن ينحيهما عنه، فأفاق رسول الله صلى الله عليه وآله، ثمّ قال: يا على دعنى أشمّهما ويشمّانى، وأتزوّد منهما، وبتزوّدان منى، أما إنّهما سيظلمان بعدى ويقتلان ظلماً، فلعن الله على من يظلمهما.

يقول ذلك ثلاثاً.

ثمّ مدّ يده إلى على عليه السلام، فجذبه إليه، حتّى أدخله تحت ثوبه المذى كان عليه، ووضع فاه على فيه، وجعل يناجيه مناجاه طويله حتّى خرجت روحه الطيبه، صلوات الله عليه وآله.

فانسّل على من تحت ثيابه، وقال: أعظم الله أجوركم فى نبيكم، فقد قبضه الله إليه، فارتفعت الأصوات بالضجّه والبكاء.

فقيل لأمير المؤمنين عليه السلام: ما الذى ناجاك به رسول الله صلى الله عليه وآله حين أدخلك تحت ثيابه؟

فقال: علّمنى ألف باب، يفتح لى كلّ باب ألف باب.

... از ابن عباس روایت شده است که رسول خداصلی الله علیه وآله در این بیماری می فرمود: «دوست مرا حاضر کنید.» هر مردی را حاضر می کردند حضرت از او رو می گردانیدند. به فاطمه علیها السلام گفتند برو علی را بیاور. گمان نداریم رسول خداصلی الله علیه وآله کسی جز او را بخواهد. فاطمه دنبال علی علیه السلام فرستاد چون آن حضرت وارد شد رسول خداصلی الله علیه وآله دو چشم گشود و چهره اش باز و درخشان شد. آن گاه علی علیه السلام را نزد خود فرا خواند و دستش را گرفت و او را بالای سر خود نشاند و سپس از هوش رفت.

حسن و حسین علیهما السلام در حالی که شیون و گریه می کردند خود را روی رسول خداصلی الله علیه وآله انداختند. علی علیه السلام خواست آن ها را بلند کند، رسول خداصلی الله علیه وآله به هوش آمد و فرمود: ای علی! کاری به آن ها نداشته باش، بگذار آن ها را ببویم و آنان مرا ببینند، من از آن ها توشه گیرم و آنان از من. آن ها پس از من ستم کشند و به ظلم کشته شوند. لعنت خدا بر کسی که به آن ها ستم کند.

سه بار این را فرمود. پس از آن دست دراز کرد و علی علیه السلام را درون بستر خود کشید و لب به لبش نهاد و با او رازی طولانی گفت، تا جان پاکش در آمد.

پس علی علیه السلام از بستر پیامبر بیرون شد و فرمود: خداوند در صبر بر مرگ پیامبر پاداش شما را بزرگ گرداند که خدا او را به نزد خویش برد. آن گاه آواز شیون و گریه برخاست.

از امیرالمؤمنین علیه السلام پرسیدند، رسول خداصلی الله علیه وآله در بستر خود محرمانه با تو چه گفت؟

فرمود: هزار در علم به من آموخت که از هر در، هزار در برایم گشوده می شود. (۱)

ص: ۶۹

٣٦ - حدّثنا إبن المتوكل، عن الحميري، عن إبن عيسى، عن الحسن بن محبوب، عن مقاتل بن سليمان، عن أبي عبد الله الصادق عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

أنا سيد النبيين ووصي سيد الوصيين أوصيائي ساد الأوصياء.

إنّ آدم عليه السلام سأل الله عزّ وجلّ أن يجعل له وصياً صالحاً.

فأوحى الله عزّ وجلّ إليه: أنّي أكرمت الأنبياء بالنبوّه ثمّ اخترت خلقي وجعلت خيارهم الأوصياء.

ثمّ أوحى الله عزّ وجلّ إليه: يا آدم! أوص إلى شيث، فأوصى آدم إلى شيث وهو هبه الله بن آدم.

وأوصى شيث إلى ابنه شبان وهو ابن نزله الحوراء التي أنزلها الله على آدم من الجنّه فزوجها ابنه شيثاً.

وأوصى شبان إلى مجلث، وأوصى مجلث إلى محوق، وأوصى محوق إلى غميشا [غميشا]، وأوصى غميشا إلى أخنوخ وهو إدريس النبي عليه السلام وأوصى إدريس إلى ناحور ودفعها ناحور إلى نوح النبي عليه السلام وأوصى نوح إلى سام، وأوصى سام إلى عثامر، وأوصى عثامر إلى برعيثاشا [برعيثاشا]، وأوصى برعيثاشا إلى يافث، وأوصى يافث إلى بره، وأوصى بره إلى جفسيه [جفسيه]، وأوصى جفسيه إلى عمران ودفعها عمران إلى إبراهيم خليل الرحمان عليه السلام، وأوصى إبراهيم إلى ابنه إسماعيل وأوصى إسماعيل إلى إسحاق، وأوصى إسحاق إلى يعقوب، وأوصى يعقوب إلى يوسف، وأوصى يوسف إلى بثرىاء، وأوصى بثرىاء إلى شعيب عليه السلام ودفعها شعيب إلى موسى بن عمران وأوصى موسى بن عمران، إلى يوشع بن نون، وأوصى يوشع بن نون إلى داود عليه السلام. وأوصى داود إلى سليمان، وأوصى سليمان إلى آصف بن برخيا، وأوصى آصف بن برخيا إلى زكريا ودفعها زكريا إلى عيسى بن مريم، وأوصى عيسى إلى شمعون بن حمون الصفا، وأوصى شمعون إلى يحيى بن زكريا وأوصى يحيى بن زكريا إلى منذر، وأوصى منذر إلى سليمه، وأوصى سليمه إلى برده.

۳۶ - امام صادق علیه السلام می فرماید: پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود:

من سید پیامبرانم و وصی من، سید اوصیا، و اوصیای من سید همه اوصیا می باشند.

حضرت آدم از خدا خواست که وصی صالح و شایسته ای برای او قرار دهد.

خداوند به او وحی نمود: من پیامبران را با نبوت گرامی داشتم و از بین خلق خود، بهترین آن ها را به عنوان وصی برگزیدم.

آن گاه به او وحی شد که: «شیث را وصی خود قرار ده» پس آدم به شیث که همان هبه الله بن آدم است وصیت نمود.

شیث به پسرش شبان وصیت کرد «شبان پسر نزه حوراء است که خداوند او را از بهشت برای آدم آورد تا او را به شیث تزویج کند.»

شبان به مجلث وصیت کرد، او به محوق، محوق به غثمیشا، او به اخنوع - یعنی ادريس نبی - ادريس به ناحور، او به نوح، نوح به سام، سام به عثامر، عثامر به برعیشا، او به یافت، او به بره، او به جفسیه، او به عمران، او به ابراهیم خلیل، او به اسماعیل، او به اسحاق، او به یعقوب، او به یوسف، او به بثریا، او به شعیب، او به موسی بن عمران، او به یوشع بن نون، او به داوود، او به سلیمان، او به آصف بن برخیا، او به زکریا، او به عیسی بن مریم، او به شمعون بن حمون صفا، او به یحیی بن زکریا، او به منذر، او به سلیمه، و او به برده وصیت کرد.



ثم قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ودفعها إلى برده وأنا أدفعها إليك يا علي! وأنت تدفعها إلى وصيكَ ويدفعها وصيكَ إلى أوصيائك من ولدك واحداً بعد واحد حتى يدفع إلى خير أهل الأرض بعدك.

ولتكفرون بك الأمة ولتختلفن عليك اختلافاً شديداً، الثابت عليك كالمقيم معي، والشاذ عنك في النار، والنار مثوى للكافرين.

سپس پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

و برده هم آن را به من داد، و من آن را به تو می دهم ای علی!

تو نیز آن را به وصی خود می دهی و او به اوصیای از فرزندان، یکی پس از دیگری تا این که به دست بهترین فرد روی زمین برسد.

این اُمت به تو کافر خواهند شد و درباره تو سخت اختلاف می کنند، هر کس در پیروی تو ثابت بماند مانند کسی است که همراه من ثابت قدم بوده و آن که از تو کناره گیری کند جایش در آتش دوزخ است و آتش اقامت گاه کافران است. [\(۱\)](#)

ص: ۷۳

---

۱- ۶۹. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۶۳، حدیث ۳.

٣٧ - حدثنا السكوني عن الحضرمي، عن يحيى الحماني، عن أبو عوانه، عن أبي بلج، عن عمرو بن ميمون، عن ابن عباس قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

على ولي كل مؤمن من بعدى.

٣٨ - حدثنا أحمد بن محمد بن علي بن يحيى، عن أبي بكر بن نافع، عن أمية بن خالد، عن حماد بن سلمه، عن علي بن زيد، عن علي بن الحسين عليه السلام قال: سمعت أبي يحدث عن أبيه أمير المؤمنين علي بن أبي طالب أنه قال: سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول:

يا علي! والذي فلق الحبة وبرأ النسمة! إنك لأفضل الخليفة بعدى.

يا علي! أنت وصيي وإمام أمتي، من أطاعك أطاعني، ومن عصاك عصاني.

٣٩ - حدثنا ابن مسرور، عن ابن عامر، عن عمه، عن ابن أبي عمير، عن سليمان بن مهران، عن الصادق جعفر بن محمد، عن أبيه محمد بن علي، عن أبيه علي بن الحسين، عن أبيه، عن علي بن أبي طالب عليهم السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

يا علي! أنت أخي وأنا أخوك، يا علي! أنت مني وأنا منك، يا علي! أنت وصيي وخليفتي وحججه الله على أمتي بعدى، لقد سعد من تولاك وشقى من عاداك.

٤٠ - حدثنا ابن مسرور، عن محمد الحميري، عن أبيه، عن يعقوب بن يزيد، عن الحسن بن علي بن فضال، عن أبي الحسن علي بن موسى الرضا، عن أبيه، عن آبائه عليهم السلام قال:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

على مني وأنا من علي، قاتل الله من قاتل علياً، لعن الله من خالف علياً. على إمام الخليفة بعدى، من تقدم علي فقد تقدم علي، ومن فارقه فقد فارقتي، ومن آثر عليه فقد آثر علي، أنا سلم لمن سالمه، وحرب لمن حاربه، وولي لمن والاه، وعدو لمن عاداه.

۳۷ - ابن عباس نقل می کند:

پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود: علی پس از من، مولای مؤمنان است. (۱)

۳۸ - امام سجّادعلیه السلام می فرماید:

از پدرم شنیدم که از پدر بزرگوارش علی علیه السلام نقل می فرمود: از پیامبر خداصلی الله علیه وآله شنیدم که فرمود: ای علی! سوگند به خدایی که دانه را شکافت و جانداران را آفرید! به راستی که تو پس از من بهترین مردم هستی.

ای علی! تو وصی من و امام اُمّت من هستی، هر کس از تو اطاعت کند از من اطاعت کرده است و هر که از تو نافرمانی کند، از من نافرمانی کرده است. (۲)

۳۹ - امام صادق از پدران بزرگوارش، از امام علی علیه السلام نقل می کند که پیامبر خداصلی الله علیه وآله به من فرمود:

ای علی! تو برادر من و من برادر توام؛ تو از منی و من از تو هستم. ای علی! تو وصی و خلیفه من می باشی و پس از من حجت خدا بر اُمّت هستی؛ به طور حتم رستگار شد کسی که با تو دوستی ورزید و بدبخت شد آن که با تو دشمنی کرد. (۳)

۴۰ - امام رضاعلیه السلام از پدرانش نقل می فرماید که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود:

علی از من است و من هم از علی هستم، خدا در نبرد است با کسی که با علی نبرد کند و لعنت می کند هر که را مخالف علی باشد.

پس از من علی، امام مردم است، هر که از علی پیشی گیرد از من پیشی گرفته است، و هر که از او جدا شود از من جدا شده؛ من با هر که با او در سازش است در سازش هستم و در نبردم با هر که با او در نبرد است؛ دوستم با دوستان علی، و دشمنم با دشمنان او. (۴)

ص: ۷۵

۱- ۷۰. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۱، حدیث ۳.

۲- ۷۱. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۳، حدیث ۱۰.

۳- ۷۲. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۵۷، حدیث ۱۲.

۴- ۷۳. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۹۴، حدیث ۱۲.

٤١ - حَدَّثَنَا أَبِي، عن المؤدّب، عن أحمد بن علي الأصبهاني، عن إبراهيم بن محمد الثقفي، عن الكوفي، عن سليمان بن عبد الله الهاشمي، عن ابن سنان، عن المفضل، عن جابر الجعفي قال: سمعت جابر بن عبد الله الأنصاري يقول: سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول لعلي بن أبي طالب عليه السلام:

يا علي أنت أخي ووصيي ووارثي وخليفتي على أمتي في حياتي وبعد وفاتي، محبّك محبّي، ومبغضك مبغضى، وعدوك عدوى، ووليّك وليّ.

٤٢ - حَدَّثَنَا أَبِي، عن المؤدّب، عن أحمد بن علي الأصبهاني، عن الثقفي، عن عبد الرحمان بن أبي هاشم، عن يحيى بن الحسين، عن سعد بن طريف، عن الأصبغ بن نباته، عن سلمان الفارسي قال:

سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول:

يا معاشر المهاجرين والأنصار! ألا أدلكم على ما إن تمسكنم به لن تضلّوا بعدى أبداً؟

قالوا: بلى يا رسول الله.

قال: هذا على أخي ووصيي ووزيري ووارثي وخليفتي إمامكم، فأحبّوه لحبّي، وأكرموا لكرامتي، فإنّ جبرئيل أمرني أن أقوله لكم.

٤٣ - حَدَّثَنَا عبد الله بن محمد الصائغ، عن محمد بن عيسى الوسقندي، عن أبيه، عن إبراهيم بن ديزيل، عن الحكم بن سليمان، عن علي بن هاشم، عن مطير بن ميمون، عن أنس يقول: حدّثني سلمان الفارسي رحمه الله؛

أنّ نبي الله صلى الله عليه وآله يقول:

إنّ أخي ووزيري وخير من أخلفه بعدى، علي بن أبي طالب عليه السلام.

٤٤ - حَدَّثَنَا ابن مسرور، عن ابن عامر، عن عمّه، عن الأزدي، عن أبان بن عثمان، عن أبان بن تغلب، عن عكرمه، عن ابن عباس قال:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله لعلي بن أبي طالب عليه السلام ذات يوم وهو في مسجد قباء والأنصار مجتمعون: يا علي! أنت أخي وأنا أخوك.

۴۱ - جابر بن عبدالله انصاری می گوید:

از پیامبر خداصلی الله علیه وآله شنیدم که به علی بن ابی طالب علیه السلام می فرمود:

ای علی! تو برادر، وصی، وارث و خلیفه من بر اُمّیت هستی؛ چه در دوران زندگی من و چه بعد از وفات من؛ دوست تو، دوست من است و دشمن تو، دشمن من؛ بدخواه تو، بدخواه من است و پیرو تو، پیرو من. (۱)

۴۲ - سلمان فارسی رحمه الله گوید: از پیامبر خداصلی الله علیه وآله شنیدم که فرمود:

ای گروه مهاجر و انصار! آیا شما را به چیزی راهنمایی نکنم که اگر بدان چنگ زنید، هرگز پس از من گمراه نخواهید شد؟

گفتند: بفرمایید، ای رسول خدا!

فرمود: این علی که برادر و وصی، و وزیر، و وارث و خلیفه من است، امام شما می باشد. پس او را به خاطر محبت من دوست بدارید و به خاطر من گرامی اش دارید، چرا که این فرمان جبرئیل است که به شما بگویم. (۲)

۴۳ - سلمان فارسی می گوید:

از پیامبر خداصلی الله علیه وآله شنیدم که می فرمود: علی بن ابی طالب، برادر و وزیر من و بهترین کسی است که او را پس از خودم جانشین قرار می دهم. (۳)

۴۴ - ابن عباس می گوید:

روزی پیامبر خداصلی الله علیه وآله در مسجد قباء که گروهی از انصار هم جمع بودند به علی علیه السلام فرمود: ای علی! تو برادر منی و من هم برادر توام.

ص: ۷۷

---

۱- ۷۴. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۲۶، حدیث ۵.

۲- ۷۵. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۷۲، حدیث ۲۱.

۳- ۷۶. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۵۵، حدیث ۵.

يا على! أنت وصيى وخليفتى وإمام أمتى بعدى، والى الله من والاك، وعادى الله من عاداك، وأبغض الله من أبغضك، ونصر الله من نصرك، وخذل الله من خذلك.

يا على! أنت زوج ابنتى وأبو ولدى.

يا على! إنه لما عرج بى السماء عهد إلى ربى فيك ثلاث كلمات، فقال: يا محمدا!

قلت: لبيك ربى وسعديك، تباركت وتعاليت.

فقال: إن علياً إمام المتقين وقائد الغر المحجلين ويعسوب المؤمنين.

٤٥ - حدّثنا العطار، عن أبيه، عن يعقوب بن يزيد، عن ابن أبي عمير، عن سيف بن عميره، عن أشعث بن سوار، عن الأحنف بن قيس، عن أبى ذر الغفارى رحمه الله قال:

كنا ذات يوم عند رسول الله صلى الله عليه وآله فى مسجد قبا ونحن نفر من أصحابه إذ قال: معاشر أصحابى! يدخل عليكم من هذا الباب رجل هو أمير المؤمنين وإمام المسلمين.

قال: فنظروا وكنت فيمن نظر، فإذا نحن بعلى بن أبى طالب عليه السلام قد طلع.

فقام النبى صلى الله عليه وآله فاستقبله وعانقه وقبّل ما بين عينيه وجاء به حتى أجلسه إلى جانبه، ثم أقبل علينا بوجهه الكريم، فقال:

هذا إمامكم من بعدى، طاعته طاعتى، ومعصيته معصيتى، وطاعته طاعة الله ومعصيته معصية الله عزّ وجلّ.

ای علی! تو پس از من، وصی و خلیفه و امام اُمت من هستی، خدا را دوست دارد آن کس که تو را دوست دارد، دشمن خداست آن که دشمن توست، و با خدا بغض دارد هر که با تو بغض دارد. هر که تو را یاری کند خدا را یاری کرده و هر که از یاری تو خودداری کند از یاری خدا سر باز زده است.

ای علی! تو همسر دخترم و پدر فرزندان منی.

ای علی! آن گاه که به معراج رفتم، پروردگارم درباره تو سفارش کرد و فرمود:

ای محمد!

گفتم: لیبک، بله ای خدای من، تو والا مقام و برتری!

فرمود: علی، امام پرهیزکاران و پیشوای دست و روسفیدان و سرور و جلودار مؤمنان است. (۱)

۴۵ - ابوذر غفاری رحمه الله می گوید:

روزی همراه تعدادی از یاران رسول خداصلی الله علیه وآله در مسجد قبا در محضرش بودیم. پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود: ای گروه یارانم! اکنون از این در، کسی وارد می شود که امیرمؤمنان و امام مسلمانان است.

ابوذر گفت: ما همه به آن در نگاه کردیم، ناگاه علی بن ابی طالب علیه السلام نمایان شد.

پیامبرصلی الله علیه وآله برخاست و با استقبال از علی علیه السلام، او را در آغوش کشید، میان دو چشمش را بوسید و او را در کنار خود نشاند. سپس رو به ما کرد و فرمود:

این علی پس از من امام شماست؛ اطاعت از او، اطاعت از من است، نافرمانی او نافرمانی من است، و اطاعت و نافرمانی از من، اطاعت و نافرمانی از خداست. (۲)

ص: ۷۹

---

۱- ۷۷. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۵۶، حدیث ۷.

۲- ۷۸. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۸۰، حدیث ۷.



٤٦ - حدّثنا الطالقاني، عن أحمد الهمداني، عن أحمد بن صالح، عن حكيم بن عبد الرحمان، عن مقاتل بن سليمان، عن الصادق، عن آبائه عليهم السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله لعلي بن أبي طالب عليه السلام:

يا علي! أنت منّي بمنزله هبه الله من آدم، وبمنزله سام من نوح، وبمنزله إسحاق من إبراهيم، وبمنزله هارون من موسى، وبمنزله شمعون من عيسى، إلا أنّه لا نبي بعدى.

يا علي! أنت وصيى وخليفتي، فمن جحد وصيتك وخلافتك فليس منّي ولست منه وأنا خصمه يوم القيامة.

يا علي! أنت أفضل أمتي فضلاً، وأقدمهم سلماً، وأكثرهم علماً، وأوفرهم حلماً، وأشجعهم قلباً، وأسخاهم كفاً.

يا علي! أنت الإمام بعدى والأمير، وأنت الصاحب بعدى والوزير، ومالك في أمتي من نظير.

يا علي! أنت قسيم الجنّة والنار، بمحبّتك يعرف الأبرار من الفجّار، ويميز بين الأشرار والأخيار، وبين المؤمنين والكفّار.

٤٧ - حدّثنا الفامي، عن محمّد الحميري، عن أبيه، عن أيوب بن نوح، عن ابن أبي عمير، عن أبان، عن سعد الكناني، عن الأصغر بن نباته، عن عبد الله بن عباس قال:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله لعلي عليه السلام:

يا علي! أنت خليفتي على أمتي في حياتي وبعد موتي، وأنت منّي كشيث من آدم، وكسام من نوح، وكاسماعيل من إبراهيم، وكيوشع من موسى، وكشمعون من عيسى.

يا علي! أنت وصيى ووارثي وغاسل جسّتي وأنت الذى تواريني في حفرتي وتودّي ديني وتنجز عداتي.

يا علي! أنت أمير المؤمنين وإمام المسلمين، وقائد الغرّ المحجّلين، ويعسوب المتّقين.

۴۶ - امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش نقل می کند که پیامبر خداصلی الله علیه وآله به علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود:

ای علی! تو نسبت به من، همانند هبه الله نسبت به آدم هستی، و مانند سام برای نوح، و اسحاق برای ابراهیم، و هارون برای موسی و شمعون برای عیسی هستی، جز آن که پس از من پیامبری نیست.

ای علی! تو وصی و خلیفه من هستی. پس هر کس این را انکار کند از من نیست و من هم از او نیستم و در روز قیامت دشمن اویم.

ای علی! تو برترین فرد اُمت من از نظر فضل، و پیشگام ترین آن ها از نظر پذیرش اسلام، و دانشمندترین آن ها از نظر دانش، و بردبارترین آن ها از نظر شکیبایی، و شجاع ترین آن ها از نظر قلب و سخاوتمندترین آن ها از نظر کرم و بخشش هستی.

ای علی! تو امام و امیر پس از منی، تو یار و وزیر منی؛ و کسی مانند تو در میان امت من نیست.

ای علی! تو قسمت کننده بهشت و دوزخ هستی. به دوستی تو، نیکان از فاسقان شناخته شوند، و خوبان از بدان، و مؤمنان از کافران جدا شوند. (۱)

۴۷ - ابن عباس می گوید: پیامبر خداصلی الله علیه وآله به علی علیه السلام فرمود:

ای علی! تو خلیفه من بر اُتم در دوران زندگی و پس از مرگ من هستی، تو نسبت به من مانند شیث نسبت به آدم هستی، و مانند سام برای نوح، و اسماعیل برای ابراهیم، و یوشع برای موسی و شمعون برای عیسی هستی.

ای علی! تو وصی و وارث منی، تو مرا غسل می دهی و به خاک می سپاری، تو دین مرا ادا می کنی و به وعده هایم وفا می نمایی.

ای علی! تو امیر مؤمنان، و امام مسلمانان و پیشوای دست و رو سفیدان و پناه پرهیزکاران هستی.

ص: ۸۱

يا على! أنت زوج سيده النساء، فاطمه ابنتى وأبو سبطى الحسن والحسين.

يا على! إنَّ الله تبارك وتعالى جعل ذريه كلِّ نبي من صلبه وجعل ذريتي من صلبك.

يا على! من أحببك ووالاك أحببته وواليته، ومن أبغضك وعاداك أبغضته وعاديته، لأنك منى وأنا منك.

يا على! إنَّ الله طهرنا واصطفانا لم يلتق لنا أبوان على سفاح قط من لدن آدم فلا يحبنا إلا من طابت ولادته.

يا على! أبشر بالشهادة فإنك مظلوم بعدى ومقتول.

فقال على عليه السلام: يا رسول الله وذلك فى سلامه من دينى؟

قال: فى سلامه من دينك، يا على! إنك لن تضلّ ولم تزل، ولولاك لم يعرف حزب الله بعدى.

ای علی! تو شوهر سرور زنان، فاطمه دختر منی و پدر دو نواده ام حسن و حسین هستی.

ای علی! خداوند ذریه هر پیامبری را از نسل خود او قرار داد و ذریه مرا از نسل تو.

ای علی! هر کس دوست و خواهان تو باشد من هم دوست و خواهان او هستم و هر کس با تو کینه و دشمنی داشته باشد من هم با او چنین باشم؛ چون تو از من هستی و من از تو.

ای علی! خداوند ما را پاک نموده و برگزیده است، هیچ یک از پدران و مادران ما از زمان آدم تا کنون آلوده به فساد نشده اند؛ بنابراین، دوست ندارد ما را مگر کسی که حلال زاده است.

ای علی! مژده باد بر تو که شهید می شوی؛ زیرا تو پس از من مظلوم و مقتول می شوی.

در این هنگام علی علیه السلام عرضه داشت: ای رسول خدا! آیا در آن حال، دین من سالم است؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: آری، دین تو سالم باشد. ای علی! تو هرگز گمراه نمی شوی و لغزشی هم در تو نیست، اگر تو نبودی پس از من حزب خدا شناخته نمی شد. (۱)

ص: ۸۳

## ثواب ياد و كتابت، ولايت حضرت ، كشتى نجات

### ثواب ذكر و كتابه و... فضائل على "عليه السلام"

٤٨ - حَدَّثَنَا الطَّالِقَانِي، عَنْ الْجُلُودِيِّ، عَنْ الْجَوْهَرِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِمَارِهِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ الصَّادِقِ، عَنْ آبَائِهِ الصَّادِقِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى جَعَلَ لِأَخِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَضَائِلَ لَا يَحْصِي عَددهَا غَيْرُهُ.

فَمَنْ ذَكَرَ فَضِيلَهُ مِنْ فَضَائِلِهِ مَقْرَأً بِهَا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ وَلَوْ وَافَى الْقِيَامَةَ بِذُنُوبِ الثَّقَلَيْنِ.

وَمَنْ كَتَبَ فَضِيلَهُ مِنْ فَضَائِلِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ لَمْ تَزَلِ الْمَلَائِكَةُ تَسْتَغْفِرُ لَهُ مَا بَقِيَ لَتَلْكَ الْكِتَابَةَ رَسْمًا.

وَمَنْ اسْتَمَعَ إِلَى فَضِيلِهِ مِنْ فَضَائِلِهِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ الذُّنُوبَ الَّتِي اكْتَسَبَهَا بِالِاسْتِمَاعِ.

وَمَنْ نَظَرَ إِلَى كِتَابِهِ فِي فَضَائِلِهِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ الذُّنُوبَ الَّتِي اكْتَسَبَهَا بِالنَّظَرِ.

ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ:

النَّظَرُ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عِبَادَةٌ، وَذِكْرُهُ عِبَادَةٌ، وَلَا يَقْبَلُ إِيمَانُ عَبْدٍ إِلَّا بِوَلَايَتِهِ وَالْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِهِ.

## ثواب بیان و نوشتن و... فضایل حضرت علی "علیه السلام"

۴۸ - امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش نقل می کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

خداوند تبارک و تعالی برای برادرم، علی بن ابی طالب، آن قدر فضیلت قرار داده که شمارش آن را فقط خدا می داند.

هر کس فضیلتی از فضایل او را بازگو کند و به آن اعتراف نماید، خداوند گناهان گذشته و آینده اش را ببامرزد، هر چند به اندازه جنّ و انس گناه کرده باشد.

و هر کس فضیلتی از فضایل علی علیه السلام را بنویسد، تا آن نوشته باقی است، فرشتگان برای او طلب آمرزش می کنند.

و هر که به فضیلتی از فضایل علی علیه السلام گوش دهد، خداوند می آمرزد گناهانی را که به وسیله گوش انجام داده است.

و هر کس به نوشته ای از فضایل علی علیه السلام نگاه کند، خداوند گناهانی را که با چشم انجام داده، می آمرزد.

سپس پیامبر خداصلی الله علیه و آله فرمود:

نگاه کردن به علی علیه السلام و یاد کردن او، عبادت است و ایمان بنده ای پذیرفته نمی شود مگر با ولایت علی علیه السلام و بیزاری از دشمنان او. (۱)

ص: ۸۵

٤٩ - حدّثنا القطان، عن عبد الرحمان بن محمّد الحسيني، عن محمّد بن إبراهيم الفزاري، عن عبد الله بن يحيى الأهوازي، عن علي بن عمرو، عن الحسن بن محمّد بن جمهور، عن علي بن بلال، عن علي بن موسى الرضا، عن موسى بن جعفر، عن جعفر بن محمّد، عن محمّد بن علي، عن علي بن الحسين، عن الحسين بن علي، عن علي بن أبي طالب عليهم السلام عن النبي صلى الله عليه وآله، عن جبرئيل، عن ميكائيل، عن إسرافيل، عن اللوح، عن القلم قال: يقول الله تبارك و تعالي:

«ولايه على بن أبي طالب حصني فمن دخل حصني أمن ناري.»

٥٠ - حدّثنا ابن إدريس، عن أبيه، عن إبراهيم بن هاشم، عن محمّد بن سنان، عن أبي الجارود، عن سعيد بن جبیر، عن ابن عباس قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

ولايه على بن أبي طالب ولايه الله، وحبّه عباده الله، وأتباعه فريضة الله، وأولياؤه أولياء الله، وأعداؤه أعداء الله، وحربه حرب الله، و سلمه سلم الله عزّ وجلّ.

٥١ - حدّثنا السناني، عن الأسدی، عن النخعي، عن النوفلي، عن علي بن سالم، عن أبيه، عن أبان بن عثمان، عن أبان بن تغلب، عن عكرمه، عن ابن عباس قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

قال الله جلّ جلاله:

لو اجتمع الناس كلّهم على ولايه على ما خلقت النار.

٥٢ - حدّثنا أبي، عن سعد بن عبد الله، عن سلمه بن الخطّاب، عن محمّد بن تسنيم الوراق، عن عبد الرحمان بن كثير، عن أبيه، عن الصادق جعفر بن محمّد، عن أبيه، عن آباءه عليهم السلام قال:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله ذات يوم لأصحابه:

معاشر أصحابي! إنّ الله جلّ جلاله يأمركم بولايه على بن أبي طالب عليه السلام و الاقتداء به، فهو وليكم وإمامكم من بعدى، لا تخالفوه فتكفروا، ولا تفارقوه فتضلّوا.

۴۹ - امام رضا علیه السلام از پدراناش، از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله، از جبرئیل، از میکائیل، از اسرافیل، از لوح و قلم نقل می کند:

خدای متعال می فرماید: ولایت علی بن ابی طالب دژ محکم من است، هر کس در این دژ داخل شود، از آتش دوزخ من در امان است. (۱)

۵۰ - ابن عباس می گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

ولایت علی بن ابی طالب، ولایت خداست؛ دوستی اش عبادت او، و پیروی از او فریضه و واجب الهی است. دوستان او، دوستان خدا و دشمنانش، دشمنان خدایند. جنگ با علی، جنگ با خداست و سازش با او، سازش با خداوند متعال است. (۲)

۵۱ - ابن عباس می گوید:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: خدای متعال می فرماید: اگر همه مردم بر ولایت علی علیه السلام متفق می شدند، من دوزخ را نمی آفریدم. (۳)

۵۲ - امام صادق علیه السلام می فرماید:

روزی پیامبر خدا صلی الله علیه وآله به یارانش فرمود:

ای گروه یارانم! به راستی که خداوند متعال به شما دستور می دهد که به ولایت علی چنگ بزنید و از او پیروی کنید؛ زیرا او پس از من ولی و امام شماست، با او مخالفت نکنید که کافر می شوید و از او جدا نشوید که گمراه گردید.

ص: ۸۷

---

۱- ۸۲. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۴۱، حدیث ۹.

۲- ۸۳. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۹، حدیث ۳.

۳- ۸۴. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۹۴، حدیث ۷.



إِنَّ اللَّهَ جَلَّ جلاله جعل علياً علماً بين الإيمان والنفاق، فمن أحبه كان مؤمناً ومن أبغضه كان منافقاً.

إِنَّ اللَّهَ جَلَّ جلاله جعل علياً وصياً ومنار الهدى بعدى، فهو موضع سرى، وعييه علمى، وخليفتى فى أهلى، إلى الله أشكو ظالميه من أمتى من بعدى.

٥٣ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ السَّعْدِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَنَانَ، عَنْ الْمُفْضَلِ بْنِ عَمْرٍو، عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ:

بنى الإسلام على خمس دعائم: على الصلاة والزكاة والصوم والحج وولاية أمير المؤمنين والأئمة من ولده عليهم السلام.

٥٤ - حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى، عَنِ الْأَسَدِيِّ، عَنِ النَّخَعِيِّ، عَنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ الْحَكَمِ، عَنِ عَمْرٍو بْنِ جَبْرِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ:

بعث رسول الله صلى الله عليه وآله علياً إلى اليمن، فانفلت فرس لرجل من أهل اليمن فنفع رجلاً برجله فقتله وأخذه أولياؤه ليقتلوه، فرفعوه إلى علي عليه السلام فأقام صاحب البيه أن الفرس انفلت من داره فنفع الرجل برجله.

فأبطل علي عليه السلام دم الرجل.

فجاء أولياء المقتول من اليمن إلى النبي صلى الله عليه وآله يشكون علياً فيما حكم عليهم، فقالوا: إنَّ علياً ظلمنا وأبطل دم صاحبنا.

فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: إنَّ علياً ليس بظلام ولم يخلق على للظلم وإنَّ الولاية من بعدى لعلى والحكم حكمه والقول قوله، لا يردَّ حكمه وقوله وولايته إلا كافر، ولا يرضى بحكمه وقوله وولايته إلا مؤمن.

فلما سمع اليمانيون قول رسول الله صلى الله عليه وآله فى علي عليه السلام قالوا: يا رسول الله! رضينا بقول علي وحكمه.

فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: هو توبتكم ممّا قلتم.

همانا خداوند، علی را نشانه بین ایمان و نفاق قرار داده، هر که او را دوست بدارد مؤمن است و هر که با او دشمنی کند، منافق است.

به راستی که خداوند، علی را وصی من و چراغ هدایت پس از من قرار داده است، او رازدار و گنجینه علم من و خلیفه و جانشین من است.

من از کسانی از امتم که پس از من به او ستم می کنند، تنها نزد خدا شکوه می برم. (۱)

۵۳ - امام صادق علیه السلام فرمود:

دین اسلام بر پنج پایه استوار شده است: نماز، زکات، روزه، حج و ولایت امیرمؤمنان و امامان از فرزندانش علیهم السلام. (۲)

۵۴ - امام باقر علیه السلام فرمود:

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام را به سوی یمن فرستاد (تا امور آنجا را سامان دهد). در یمن اسب کسی فرار کرد و با زدن لگد، فردی را کشت. خانواده فرد کشته شده، صاحب اسب را گرفتند و خدمت امام علی علیه السلام آورده، از او شکایت کردند.

صاحب اسب دلیل آورد که اسبم فرار کرده و او را کشته است.

بنابراین، علی علیه السلام صاحب اسب را بی گناه دانست.

خانواده مقتول ناراحت شده، خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند و از حکم علی علیه السلام شکایت کرده، گفتند: علی به ما ظلم کرده است.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: علی نه ظالم است و نه برای ظلم آفریده شده. ولایت و سرپرستی بعد از من با اوست، حکم واقعی همان است که او صادر کرده، و سخن همان است که او گفته. جز کافر کسی حکم، قول و ولایت او را رد نمی کند و جز مؤمن کسی به حکم، قول و ولایت او خشنود نمی گردد.

هنگامی که یمنی ها سخن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را در باره علی علیه السلام شنیدند، گفتند: ما به حکم علی علیه السلام راضی شدیم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: این گفته، توبه شما باشد برای آنچه قبلاً گفتید. (۳)

ص: ۸۹

٢-١٦. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ٤٥، حدیث ١٤.

٣-١٧. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ٥٥، حدیث ٧.

٥٥ - حدّثنا أبي، عن سعد بن عبد الله، عن ابن عيسى، عن العباس بن معروف، عن الحسين بن يزيد، عن يعقوبى، عن عيسى بن عبد الله العلوى، عن أبيه، عن أبي جعفر محمّد بن على الباقر عن أبيه، عن جده عليهم السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

من سرّه أن يجوز على الصراط كالريح العاصف ويلج الجنّه بغير حساب فليتولّ وليى ووصيى وصاحبى و خليفتى على أهلى وأمتى على بن أبى طالب، ومن سرّه أن يلج النار فليترك ولايته، فوعزّه ربّى وجلاله إنّه لباب الله الذى لا يؤتى إلاّ منه وإنه الصراط المستقيم وإنّه الذى يسأل الله عن ولايته يوم القيامة.

٥٦ - حدّثنا ماجيلويه، عن عمّه محمّد بن أبى القاسم، عن محمّد بن على القرشى، عن محمّد بن سنان، عن المفصل بن عمر، عن الصادق جعفر بن محمّد، عن أبيه، عن آباءه عليهم السلام قال:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

... فمن أراد منكم أن يتخلّص من هول ذلك اليوم فليتولّ وليى، ليتبع وصيى وخليفتى من بعدى على بن أبى طالب عليه السلام، فإنّه صاحب حوضى، يذود عنه أعداءه ويسقى أولياءه، فمن لم يسق منه لم يزل عطشان ولم يرو أبداً، ومن سقى منه شربه لم يشق ولم يظمأ أبداً.

وإنّ على بن أبى طالب عليه السلام لصاحب لوائى فى الآخرة كما كان صاحب لوائى فى الدنيا وإنه أوّل من يدخل الجنّه، لأنّه يقدمنى ويده لوائى تحته آدم ومن دونه من الأنبياء.

هر که دوست دارد به سرعت باد از پل صراط عبور کند و بدون حساب وارد بهشت شود، باید ولایت ولی، و وصی، و رفیق و خلیفه من بر خاندان و اُمت، علی بن ابی طالب را بپذیرد، و هر که دوست دارد به جهنم برود ولایت علی را ترک کند. به عزت و جلال پروردگارم قسم! او همان باب الهی است که باید همه از آن عبور کنند، او همان صراط مستقیم است؛ و او همان کسی است که خداوند در روز قیامت، از ولایتش می پرسد. (۱)

۵۶ - امام صادق علیه السلام از اجداد بزرگوارش نقل می کند که پیامبر خداصلی الله علیه وآله در ضمن سخنانی فرمود:

... هر کدام از شما که می خواهد از عذاب روز قیامت در امان باشد، باید ولایت ولی من را بپذیرد و تابع وصی و خلیفه پس از من علی بن ابی طالب باشد؛ زیرا او صاحب حوض کوثر است، دشمنانش را از آن دور و دوستانش را سیراب می کند؛ هر که از آن ننوشد همیشه تشنه است و سیراب نشود، و هر کس از آن جرعه ای بنوشد هرگز تشنه نشود.

به راستی که علی در آخرت پرچمدار من خواهد بود، آن سان که در دنیا پرچمدار من است، او نخستین کسی است که وارد بهشت می شود، زیرا در جلوی من و حامل پرچم من است که زیر آن پرچم آدم و سایر پیامبران قرار دارند. (۲)

ص: ۹۱

---

۱- ۸۸. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۴۸، حدیث ۴.

۲- ۸۹. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۴۷، حدیث ۹.

## علي "عليه السلام" سفينه النجاه

٥٧ - حَدَّثَنَا حمزه العلوي، عن علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن علي بن معبد، عن الحسين بن خالد، عن أبي الحسن علي بن موسى الرضا، عن أبيه، عن آبائه عليهم السلام قال:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

أحبُّ أن يركب سفينه النجاه ويستمسك بالعروة الوثقى ويعتصم بحبل الله المتين، فليوال علياً بعدى، وليعاد عدوّه وليأتم بالأئمّه الهداه من ولده، فإنهم خلفائى وأوصيائى و حجج الله على الخلق بعدى وساده أمتى وقاده الأتقياء إلى الجنّه، حزبههم حزبى وحزبى حزب الله وحزب أعدائهم حزب الشيطان.

ص: ٩٢

۵۷ - امام رضا علیه السلام از پدران بزرگوارش علیهم السلام از پیامبر خداصلی الله علیه وآله نقل می کند که حضرتش فرمود:

هر کس دوست دارد بر کشتی نجات سوار شود و به حلقه محکم چنگک بزند و به ریسمان الهی در آویزد، باید علی علیه السلام را دوست بدارد و با دشمن او دشمن باشد، و نیز به امامان از فرزندان او اقتدا کند؛ زیرا آنان، خلیفه و وصی من، و حجت خدا بر مردم و سروران اُمت من هستند، آن ها جلودار پرهیزکاران به سوی بهشت هستند. حزب آن ها، حزب من است و حزب من، حزب خداست و حزب دشمنان آن ها، حزب شیطان است. (۱)

ص: ۹۳

٥٨ - حَدَّثَنَا ماجيلويه، عن عمّه، عن محمّد بن علي الكوفي، عن محمّد بن سنان، عن المفضّل بن عمر، عن جابر بن يزيد، عن سعيد بن المسيب، عن عبد الرحمان بن سمره قال:

قلت: يا رسول الله! أرشدني إلى النجاه.

فقال صلى الله عليه وآله: يا ابن سمره! إذا اختلفت الأهواء وتفرقت الآراء فعليك بعلي بن أبي طالب، فإنه إمام أمتي وخليفتي عليهم من بعدى، وهو الفاروق المذى يميز بين الحقّ والباطل، من سأله أجابه، ومن استرشده أرشده، ومن طلب الحق من عنده وجده، ومن التمس الهدى لديه صادفه، ومن لجأ إليه أمنه، ومن استمسك به نجاه، ومن اقتدى به هداه.

يا ابن سمره! سلم من سلم له ووالاه، وهلك من ردّ عليه وعاداه.

يا ابن سمره! إنّ علياً منى، روحه من روحى وطينته من طينتى، وهو أخى وأنا أخوه، وهو زوج ابنتى فاطمه سيده نساء العالمين، من الأولين والآخرين، وإنّ منه إمامى أمتى وسيدى شباب أهل الجنّة الحسن والحسين وتسعه من ولد الحسين عليه السلام تاسعهم قائم أمتى يملأ الأرض قسطاً وعدلاً كما ملئت جوراً وظلماً.



۵۸ - عبدالرحمان، فرزند سمره می گوید:

به پیامبر خداصلی الله علیه وآله عرض کردم: مرا به سوی نجات راهنمایی فرما.

پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود: ای پسر سمره! آن گاه که رأی ها و نظرها و خواسته ها مختلف شد، تو همواره، طرف علی بن ابی طالب باش؛ زیرا او پس از من، امام اُمّت من و خلیفه من بر شماست، او فاروق است که حق را از باطل جدا کند.

هر کس از او سؤال کند، جوابش دهد؛ و آن که از او راهنمایی بخواهد، ارشادش نماید؛ هر کس نزد او حق را بجوید و هدایت را طلب کند بدان ها می رسد. هر که به او پناه برد، امانش دهد و هر که بدو چنگ زند، نجاتش دهد و آن که به او اقتدا کند به سر منزل مقصود رسد.

ای پسر سمره! هر کس تسلیم علی علیه السلام باشد و او را دوست بدارد، سالم بماند و آن که امر او را رد کند و دشمنش باشد، نابود شود.

ای پسر سمره! به راستی که علی علیه السلام از من است، روح و سرشت او از روح و سرشت من است. او برادر من و من برادر اویم، او همسر دخترم، فاطمه است که برترین زنان جهانیان از آغاز تا پایان است، و از اوست دو امام اُمّت من و آقای جوانان بهشت، حسن و حسین و نه امام از فرزندان حسین علیه السلام که نهمین آن ها قائم امت من است، همو که زمین را از عدل و داد پر کند، چنان که از ظلم و جور پر شده باشد، (همه) از نسل او می باشند. (۱)

ص: ۹۵

٥٩ - حدّثنا أبي، عن المؤدّب، عن أحمد بن علي، عن الثّقفي، عن محمّد بن علي الصرّاف، عن الحسين بن الحسن الأشقر، عن علي بن هاشم، عن أبي رافع، عن محمّد بن أبي بكر، عن عباد بن عبد الله، عن سلمان عن النبي صلى الله عليه وآله قال: أقضى أُمّتي وأعلم أُمّتي بعدى علي.

٦٠ - حدّثنا أبي، عن المؤدّب، عن أحمد بن علي الأصبهاني، عن إبراهيم بن محمّد الثقفي قال: حدّثنا مخول بن إبراهيم قال: حدّثنا عبد الرحمان بن الأسود الشكري، عن محمّد بن عبيد الله، عن سلمان الفارسي رحمه الله قال:

سألت رسول الله صلى الله عليه وآله من وصيك من أمتك فإنّه لم يبعث نبي إلا كان له وصي من أُمّته؟

فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: لم يبين لي بعد.

فمكثت ما شاء الله أن أمكث، ثمّ دخلت المسجد، فناداني رسول الله صلى الله عليه وآله فقال: يا سلمان! سألتني عن وصيي من أُمّتي، فهل تدري من كان وصي موسى من أُمّته؟

فقلت: كان وصيه يوشع بن نون.

فتاه، قال: فهل تدري لم كان أوصى إليه؟

فقلت: الله ورسوله أعلم.

قال: أوصى إليه لأنّه كان أعلم أُمّته بعده، ووصيي وأعلم أُمّتي من بعدى علي بن أبي طالب عليه السلام.

٦١ - حدّثنا ابن موسى، عن ابن زكريا القطّان، عن ابن حبيب، عن عطيه بن اسماعيل، عن أبي عماره محمّد بن أحمد، عن العباس بن يزيد النجراني و إسحاق بن إبراهيم الوراق، معاً عن ضرار بن صرد، عن المعتمر بن سليمان، عن أبيه، عن الحسن، عن أنس بن مالك قال:

قال النبي صلى الله عليه وآله:

علي يبين لأُمّتي ما اختلفوا فيه من بعدى.

## دانش حضرت علی "علیه السلام"

۵۹ - سلمان فارسی می گوید:

پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود:

علی، بهترین قاضی و داور و دانشمندترین مردم پس از من است. (۱)

۶۰ - سلمان فارسی رحمه الله می گوید:

روزی از پیامبر خداصلی الله علیه وآله پرسیدم: وصی شما کیست؟ چون هیچ پیامبری مبعوث نشده مگر این که از اُمت خود وصی داشته است.

رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: هنوز چیزی برای من بیان نشده است.

سلمان می گوید: مدتی گذشت و من سکوت کردم، تا این که روزی داخل مسجد شدم، پیامبرصلی الله علیه وآله مرا صدا زد و فرمود:

ای سلمان! در مورد وصی خودم پرسیدی، آیا می دانی وصی موسی چه کسی بود؟

عرض کردم: یوشع بن نون.

پیامبر صلی الله علیه وآله درنگی کرد و فرمود: می دانی چرا به او وصیت کرد؟

عرض کردم: خدا و رسولش بهتر می دانند.

پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود: چون او، پس از موسی، عالم ترین مردم بود، و وصی من و عالم ترین اُمت من، پس از من

علی بن ابی طالب علیهما السلام است. (۲)

۶۱ - انس بن مالک می گوید: پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود:

علی، آنچه را که امتم پس از من در آن اختلاف کنند، بیان و روشن خواهد کرد. (۳)

ص: ۹۷

۱- ۹۲. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۸۱، حدیث ۲۰.

۲- ۹۳. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۴، حدیث ۱.

۳- ۹۴. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۷۴، حدیث ۶.

٦٢ - حدّثني أبي، عن المؤدّب، عن أحمد بن علي الإصبهاني، عن إبراهيم بن محمد، عن محمّد بن علي الصراف، عن الحسين بن الحسن الأشقر، عن صالح بن أبي الأسود، عن أخيه، عن عبد الله بن الحسن بن الحسن بن علي، عن أبيه، عن جدّه قال:

كان النّبي صلى الله عليه وآله إذا نزل عليه الوحي نهاراً لم يمس حتّى يخبر به علياً وإذا نزل عليه ليلاً لم يصبح حتّى يخبر به علياً.

٦٣ - حدّثنا ابن ناتان، عن علي بن إبراهيم بن هاشم، عن جعفر بن سلمه الأهوازي، عن الثقفى، عن إسماعيل بن بشّار، عن عبد الله بن بلج المصرى، عن إبراهيم بن أبي يحيى المدنى، عن محمّد بن المنكدر قال: سمعت أبا أمامه يقول:

كان علي عليه السلام إذا قال شيئاً لم نشكّ فيه، وذلك أنّا سمعنا رسول الله صلى الله عليه وآله يقول: خازن سرّى بعدى علي عليه السلام.

٦٤ - حدّثنا ابن ناتان، عن علي بن إبراهيم، عن جعفر بن سلمه، عن الثقفى، عن المسعودى، عن يحيى بن سالم العبدى، عن إسرائيل، عن ميسره، عن المنهال بن عمرو، عن زرّ بن حبّيش قال:

مرّ علي عليه السلام على بغله رسول الله صلى الله عليه وآله وسلمان فى ملاء، فقال سلمان رحمه الله: ألا- تقومون تأخذون بحجزته تسألونه؟ فوالذى فلق الحبّه وبرأ النسمه! إنّه لا يخبركم بسرّ نبيكم أحد غيره وإنّه لعالم الأرض وربّانيتها وإليه تسكن، لو فقدتموه لفقدتم العلم وأنكرتم الناس.

روش پیامبر خداصلی الله علیه وآله همواره چنین بود که هر گاه به هنگام روز بر حضرتش وحی می شد (و آیه ای نازل می گشت)، آن را تا شب نشده به علی علیه السلام گزارش می داد، و اگر شب وحی می رسید، تا صبح نشده به علی علیه السلام اطلاع می داد. (۱)

۶۳ - ابا امامه می گوید:

هر چه علی علیه السلام می فرمود، در آن شک و تردید نمی کردیم؛ زیرا از پیامبر خداصلی الله علیه وآله شنیده بودیم که می فرمود:

پس از من، گنجینه دار رازهای من، علی علیه السلام است. (۲)

۶۴ - فرزند حبیب می گوید:

امام علی علیه السلام سوار بر مرکب پیامبرصلی الله علیه وآله از محلی عبور می کرد. سلمان که با گروهی از مردم نشسته بود، به آن ها گفت: آیا بلند نمی شوید که دامنش را بگیرید و از او پرسش کنید؟

به خدا سوگند! هیچ کس جز او نمی تواند شما را از اسرار پیامبرصلی الله علیه وآله آگاه سازد، او عالم زمین و ربانی و پرورش دهنده آن است، زمین به واسطه او آرامش می گیرد، اگر او را از دست بدهید علم را از دست داده اید و نسبت به مردم شناخت پیدا نخواهید کرد. (۳)

ص: ۹۹

---

۱- ۹۵. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۸۱، حدیث ۲۱.

۲- ۹۶. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۸۱، حدیث ۱۸.

۳- ۹۷. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۸۱، حدیث ۱۹.

## علي "عليه السلام" باب مدينه العلم

٦٥ - حدّثنا البرقي، عن أبيه، عن جدّه، عن أبيه محمّد بن خالد، عن غياث بن إبراهيم، عن ثابت بن دينار، عن سعد بن طريف، عن سعيد بن جبير، عن ابن عبّاس قال:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله لعلي بن أبي طالب عليه السلام:

يا علي! أنا مدينه الحكمة وأنت بابها، ولن تؤتى المدينه إلا من قبل الباب، وكذب من زعم أنّه يحبّني ويبغضك لأنك منّي وأنا منك، لحمك من لحمي ودمك من دمي، وروحك من روحي، وسريرتك سريرتي، وعلايتك علانيتي، وأنت إمام أمتي وخليفتي عليها بعدى.

سعد من أطاعك، وشقى من عصاك، وريح من تولّاك، وخسر من عاداك، وفاز من لزمك، وهلك من فارقك.

مثلك ومثل الأئمة من ولدك بعدى مثل سفينه نوح عليه السلام، من ركبها نجا ومن تخلف عنها غرق، ومثلكم مثل النجوم، كلّما غاب نجم طلع نجم إلى يوم القيامة.

٦٦ - حدّثنا ابن الوليد، عن ابن متيل، عن ابن أبي الخطاب، عن محمّد بن سنان، عن أبي الجارود، عن أبي جعفر محمّد بن علي الباقر عليهم السلام قال: سمعت جابر بن عبد الله الأنصاري يقول:

إنّ رسول الله صلى الله عليه وآله كان ذات يوم في منزل أمّ إبراهيم وعنده نفر من أصحابه، إذ أقبل علي بن أبي طالب عليه السلام، فلمّا بصر به النبي صلى الله عليه وآله قال:

يا معشر الناس! أقبل إليكم خير الناس بعدى وهو مولاكم، طاعته مفروضه كطاعتي، ومعصيته محرّمه كمعصيتي.

معاشر الناس! أنا دار الحكمة وعلي مفتاحها، ولن يوصل إلى الدار إلا بالمفتاح.

وكذب من زعم أنّه يحبّني ويبغض علياً.

۶۵ - ابن عباس می گوید: پیامبر خداصلی الله علیه وآله به علی علیه السلام فرمود:

ای علی! من شهر حکمت هستم و تو در آن، و وارد شهر نشوند مگر از در آن.

دروغ می گوید کسی که پندارد مرا دوست دارد و با تو دشمنی می کند، زیرا تو از منی و من از تو، گوشت تو از گوشت من است، خون و جان تو از خون و جان من و نهان و آشکار تو، نهان و آشکار من است، تو امام اُمت و خلیفه پس از من هستی، خوشبخت کسی است که از تو اطاعت کند و بدبخت آن که از تو نافرمانی کند.

دوست تو، رستگار شده و دشمن تو بدبخت گردیده؛ کسی که ملازم تو باشد سود برده و آن که از تو جدا شود، زیان کرده است.

تو و امامان پس از تو، همانند کشتی نوح هستید؛ هر کس بر آن سوار شود، نجات یابد و هر که تخلف ورزد، غرق شود.

مَثَلِ شما تا روز رستاخیر، همچون ستارگان است، هرگاه ستاره ای غروب کند ستاره دیگری طلوع می نماید. (۱)

۶۶ - امام باقرعلیه السلام از قول جابر بن عبدالله انصاری می فرماید:

روزی پیامبر خداصلی الله علیه وآله، در منزل اُمّ ابراهیم بود و تعدادی از یاران هم حاضر بودند، در این هنگام علی بن ابی طالب علیه السلام وارد شد، همین که چشم پیامبرصلی الله علیه وآله به علی علیه السلام افتاد، فرمود:

ای مردم! اکنون بهترین فرد پس از من، پیش شما آمد، او مولای شماست، اطاعت او چون اطاعت من واجب است و نافرمانی او نیز مانند نافرمانی من حرام است.

ای مردم! من خانه حکمت هستم و علی علیه السلام کلید آن و کسی نمی تواند وارد خانه شود مگر به وسیله کلید آن.

و دروغ می گوید آن که گمان می کند مرا دوست دارد، ولی دشمن علی است. (۲)

ص: ۱۰۱

۱- ۹۸. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۴۵، حدیث ۱۸.

۲- ۹۹. أمالی صدوق، مجلس ۵۶، حدیث ۸.

٦٧ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِبرَاهِيمَ اللَّيْثِيُّ، عَنْ أَحْمَدَ الْهَمْدَانِيِّ، عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَوْسُفَ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ حَمَّادٍ، عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرٍ، عَنْ جَابِرٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ:

أنا مدينة الحكمه وهى الجنه، وأنت يا على! بابها، فكيف يهتدى المهتدى إلى الجنه ولا يهتدى إليها إلا من بابها.

ص: ١٠٢



۶۷ - امام باقر علیه السلام از پدر بزرگوارش امام سجاد علیه السلام از امام حسین علیه السلام از امام علی علیه السلام نقل می کند که پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

من شهر حکمت هستم که آن همان بهشت می باشد و تو ای علی در آن هستی و چگونه کسی می تواند وارد بهشت شود جز از در آن. (۱)

ص: ۱۰۳

---

۱- ۱۰۰. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۶۱، حدیث ۱۱.

## في علي "عليه السلام" خصال الأنبياء

٦٨ - حدّثنا ابن الوليد، عن ابن مّثيل، عن ابن أبي الخطّاب، عن محمّد بن سنان، عن جعفر بن سليمان، عن الثمالي، عن سيد العابدين علي بن الحسين عن أبيه عليهما السلام قال:

نظر رسول الله صلى الله عليه وآله ذات يوم إلى علي عليه السلام وقد أقبل وحوله جماعه من أصحابه فقال صلى الله عليه وآله: من أراد أن ينظر إلى يوسف في جماله، وإلى إبراهيم في سخائه، وإلى سليمان في بهجته، وإلى داود في قوّته فلينظر إلى هذا.

٦٩ - حدّثنا أبي، عن إبراهيم بن عمرو، عن الحسن بن إسماعيل القحطبي، عن سعيد بن الحكم بن أبي مريم، عن أبيه، عن الأوزاعي، عن يحيى بن أبي كثير، عن عبد الله بن مرّه، عن سلمه بن قيس قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

علي عليه السلام في السماء السابعة كالشمس بالنهار في الأرض، وفي السماء الدنيا كالقمر بالليل في الأرض، أعطى الله علياً من الفضل جزءاً لو قسّم على أهل الأرض لوسعهم، وأعطاه الله من الفهم جزءاً لو قسّم على أهل الأرض لوسعهم؛

شبهت لينة بلين لوط، وخلقه بخلق يحيى، وزهده بزهد أيوب، وسخاه بسخاء إبراهيم، وبهجته ببهجة سليمان بن داود، وقوّته بقوّه داود؛

له اسم مكتوب على كلّ حجاب في الجنّة، بشّرني به ربّي وكانت له البشارة عندي.

علي عليه السلام محمود عند الحقّ، مزكى عند الملائكة، وخاصّتي وخاصّتي

وظاهرتي ومصباحي وجنتي ورفيقي، آنسني به ربّي، فسأل ربّي أن لا يقبضه قبلي وسألته أن يقبضه شهيداً بعدي؛

أدخلت الجنّة فرأيت حور علي عليه السلام أكثر من ورق الشجر وقصور علي عليه السلام كعدد البشر، علي منّي وأنا من علي عليه السلام، من تولّى علياً، فقد تولّاني، حبّ علي عليه السلام نعمه وأتباعه فضيله، دان به الملائكة وحفّت به الجنّ الصالحون.

## ویژگی همه انبیا "علیهم السلام" در علی جمع است

۶۸ - امام سجاده علیه السلام از پدرش نقل می فرماید:

روزی امام علی علیه السلام به طرف پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله می آمد و گروهی از یاران هم گرداگرد ایشان بودند، رسول خدا صلی الله علیه وآله به علی نگاه کرد و فرمود:

هر کس می خواهد به جمال یوسف، سخاوت ابراهیم، بهجت سلیمان و حکمت داوود بنگرد باید به این علی نگاه کند. (۱)

۶۹ - سلمه بن قیس می گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

علی علیه السلام در آسمان هفتم، همچون خورشید درخشان در روز؛ و در آسمان دنیا، همچون ماه تابان در شب است. خداوند، آن قدر فضیلت و فهم به علی داده است که اگر بر اهل زمین تقسیم شود به همه برسد.

علی علیه السلام به پیامبران الهی شباهت دارد؛ در نرمش به لوط پیامبر، در اخلاق به یحیی، در زهد به ایوب، در سخاوت به ابراهیم، در سُرور و خرمی به سلیمان و در توانایی به داوود علیهم السلام.

نام علی علیه السلام بر همه پرده های بهشت، نگاشته شده است؛ پروردگرم، مرا به وجود او مژده داد و همین مژده من به او بود.

علی علیه السلام در پیشگاه الهی، ستایش شده و نزد فرشتگان منزّه و پاکیزه است، او خاص و خالص من است، نور و ظهور من و بهشت و رفیق من است.

خداوند مرا با او مأنوس کرد؛ بنابراین، از خدا خواستم تا پیش از من نمیرد و بعد از من، مرگ او را شهادت قرار بدهد.

آن گاه که وارد بهشت شدم، حوریان علی علیه السلام را بیش از برگ درختان دیدم و کاخ های او را، به شمار افراد انسان.

علی علیه السلام از من است و من هم از اویم؛ دوست دار او، دوست دار من است.

دوستی علی علیه السلام نعمت است و پیروی از او فضیلت، که این اعتقاد فرشتگان است و صالحین از جن گرداگرد او هستند.

ص: ۱۰۵

لم يمش على الأرض ماش بعدى إلا كان هو أكرم منه عزّاً وفخراً ومنهاجاً، لم يك فظاً عجولاً ولا مسترسلاً لفساد ولا متعنّداً، حملته الأرض فأكرمته، لم يخرج من بطن أنثى بعدى أحد كان أكرم خروجاً منه، ولم ينزل منزلاً إلا كان ميموناً، أنزل الله عليه الحكمة ورداه بالفهم، تجالسه الملائكة ولا- يراها؛ ولو أوحى إلى أحد بعدى لأوحى إليه، فزين الله به المحافل، وأكرم به العساكر، وأخصب به البلاد، وأعزّ به الأجناد، مثله كمثل بيت الله الحرام يزار ولا يزور، ومثله كمثل القمر إذا طلع أضاء الظلمه، ومثله كمثل الشمس إذا طلعت أنارت، وصفه الله في كتابه، ومدحه بآياته، ووصف فيه آثاره وأجرى منازلته، فهو الكريم حياً والشهيد ميتاً.

پس از من، علی علیه السلام عزیزترین، پرافتخارترین و نورانی ترین کسی است که بر زمین گام گذاشته است. او نه خشن و شتابکار است و نه نسبت به فساد، سهل انگار و عنادورز، زمین او را با کرامت حمل می کند.

پس از من، هیچ فرزندی گرامی تر از او متولد نشده است؛ بنابراین بر هر مکانی گام نهد، آنجا را مبارک گرداند. خداوند حکمت را بر او نازل کرده و فهم و دانش بر او پوشانده است، فرشتگان همنشین اویند ولی آن ها را نمی بیند. اگر قرار بود، بعد از من بر کسی وحی شود، حتماً بر او وحی می شد. خداوند به وجود او محفل ها را زینت داده، ارتش ها را گرامی داشته و به شهرها فراوانی و به لشکرها عزت داده است. مَثَل علی علیه السلام مثل کعبه است که همه به زیارت او می روند ولی او به زیارت کسی نمی رود. او همانند ماه، تاریکی را براندازد و چون خورشید، روشن سازد.

خداوند علی علیه السلام را در کتاب خود وصف و با آیاتش او را ستایش کرده، آثارش را توصیف نموده و در منازلش روان ساخته است. پس زندگی او با کرامت و بزرگواری و مرگ او با شهادت است. (۱)

ص: ۱۰۷

٧٠ - حَدَّثَنَا الْعَطَّارُ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ إِبْنِ عَيْسَى، عَنِ الْحُسَيْنِ [الْحَسَنِ] بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرِو الْجَرَجَانِيِّ قَالَ: قَالَ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ:

أَوَّلُ جَمَاعِهِ كَانَتْ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَصَلِّي وَأَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَعَهُ...

٧١ - حَدَّثَنَا أَبِي، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَلِيمَانَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَلِيمَانَ، عَنْ أَبِيهِ سَلِيمَانَ الدَيْلَمِيِّ، عَنْ عَمِيرِ بْنِ الْحَارِثِ، عَنْ عَمْرَانَ بْنِ مِيثَمٍ، عَنْ أَبِي سَخِيلَةَ قَالَ:

أَتَيْتُ أَبَا ذَرٍّ رَحِمَهُ اللَّهُ، فَقُلْتُ: يَا أَبَا ذَرٍّ! إِنِّي قَدْ رَأَيْتُ اخْتِلَافًا [اخْتِلَافًا] فِيمَاذَا تَأْمُرُنِي؟

قال: عليك بهاتين الخصلتين، كتاب الله والشيخ علي بن أبي طالب عليه السلام، فإنني سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول: هذا أول من آمن بي وأول من يصفحني يوم القيامة، وهو الصديق الأكبر، وهو الفاروق الذي يفرق بين الحق والباطل.

٧٢ - حَدَّثَنَا إِبْنُ سَعِيدٍ الْهَاشِمِيُّ، عَنْ فَرَاتٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَعْمَرٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ الرَّمْلِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى، عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ إِسْحَاقَ، عَنْ عَمْرِو بْنِ مَنْصُورٍ، عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبَانَ، عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي كَثِيرٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي هَارُونَ الْعَبْدِيِّ، عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ:

علي بن أبي طالب أقدم أمتي سلماً، وأكثرهم علماً، وأصحهم ديناً، وأفضلهم يقيناً، وأحلهم حلماً، وأسمحهم كفاً، وأشجعهم قلباً، وهو الإمام والخليفة بعدى.

۷۰ - امام صادق علیه السلام فرمود:

نخستین نماز جماعتی که برپا شد این گونه بود که پیامبر خداصلی الله علیه وآله نماز می خواند، و امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام او را همراهی می کرد... (۱)

۷۱ - شخصی به نام ابی سخیله می گوید:

خدا رحمت کند ابوذر را، روزی نزد وی رفتم و گفتم: ای ابوذر! به نظر شما در این اختلافی که پیش آمده است، چه باید کرد؟

ابوذر گفت: بر تو واجب است که همواره ملازم قرآن و این بزرگ مرد، حضرت علی علیه السلام باشی؛ زیرا از پیامبر خداصلی الله علیه وآله شنیدم که می فرمود: علی، نخستین کسی است که به من ایمان آورده و نخستین کسی است که در روز قیامت با من دست خواهد داد، او صدیق اکبر است و او همان فاروقی است که حق را از باطل جدا می کند. (۲)

۷۲ - جابر بن عبدالله انصاری می گوید: پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود:

علی بن ابی طالب، کسی است که پیش از همه مسلمان شده و بیش از همه علم دارد؛ در صحت دین و یقین، برتر از دیگران است و از نظر بردباری، سخاوت و دلاوری و مردم داری سرآمد همه است. و همو پس از من، امام و خلیفه می باشد. (۳)

ص: ۱۰۹

---

۱- ۱۰۳. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۷۶، حدیث ۴.

۲- ۱۰۴. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۳۷، حدیث ۵.

۳- ۱۰۵. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۲، حدیث ۶.

٧٣ - حدّثنا محمّد بن عمر البغدادي، عن التّميمي، عن الرّضا عليه السلام، عن آبائه عليهم السلام، عن علي بن أبي طالب عليهما السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

سدّوا الأبواب الشارعه في المسجد إلّا باب علي.

٧٤ - حدّثنا محمّد بن عمر الحافظ البغدادي، عن أحمد بن موسى، عن خلف بن سالم، عن غندر، عن عوف، عن ميمون بن أبي عبد الله، عن زيد بن أرقم قال:

كان لنفر من أصحاب رسول الله صلى الله عليه وآله أبواب شارعه في المسجد، فقال صلى الله عليه وآله يوماً: سدّوا هذه الأبواب إلّا باب علي.

فتكلّم في ذلك الناس.

قال: فقام رسول الله صلى الله عليه وآله فحمد الله وأثنى عليه ثمّ قال:

أمّا بعد، فإنّي أمرت بسدّ هذه الأبواب غير باب علي، فقال فيه قائلكم وإنّي والله! ما سدّدت شيئاً ولا فتحته ولكنّي أمرت بشيء فاتبعته.



۷۳ - امام رضا علیه السلام از پدران بزرگوارش از امام علی علیه السلام نقل می فرماید که پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

در خانه هایی را که به مسجد باز می شود ببندید، جز در خانه علی را. (۱)

۷۴ - زید بن ارقم می گوید:

درب خانه چندتن از یاران رسول خدا صلی الله علیه وآله به مسجد باز می شد، روزی پیامبر صلی الله علیه وآله فرمان داد: به جز در خانه علی علیه السلام همه درها را ببندید!

در این مورد، بین مردم سخنانی در گرفت؛

پس پیامبر خدا صلی الله علیه وآله برخاست و بعد از حمد و ثنای خدا فرمود:

بدانید! به من فرمان رسیده بود که: همه درها - به جز در خانه علی - بسته شود، برخی از مردم چیزهایی گفته اند؛ ولی به خدا قسم که من از پیش خود، کاری نکردم، بلکه فرمانی دریافت کردم و آن را اطاعت کردم. (۲)

ص: ۱۱۱

---

۱- ۱۰۶. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۵۴، حدیث ۶.

۲- ۱۰۷. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۵۴، حدیث ۴.

٧٥ - حدّثنا أبي، عن المؤدّب، عن أحمد بن علي الأصبهاني، عن الثقفى، عن محمّد بن داود، عن منذر العشراني، عن سعيد بن زيد، عن أبي قتيل [أبي قنبل عن أبي الجارود، عن سعيد بن جبير، عن ابن عبّاس، عن النبي صلى الله عليه وآله قال:

إنّ حلقة باب الجنّة من ياقوته حمراء على صفائح الذهب، فإذا دقّت الحلقة على الصفحة طنّت وقالت: يا علي!

۷۵- ابن عباس می گوید رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمودند:

حلقه در بهشت از یاقوت سرخ است بر صفحه ای از طلا، هر گاه حلقه بر در کوبیده شود، بانگی بر آورد و بگوید: یا علی! [\(۱\)](#)

ص: ۱۱۳

---

۱- ۱۰۸. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۸۶، حدیث ۱۳.

٧٦ - حدّثنا أبي، عن علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن عبد الرحمن بن أبي نجران، عن عاصم بن حميد، عن محمّد بن قيس، عن أبي جعفر الباقر عليه السلام أنّه قال:

واللّٰه! إن كان علي عليه السلام ليأكل أكل العبد ويجلس جلسه العبد، وإن كان ليشتري القميصين السنبلانيين فيخير غلامه خيرهما، ثمّ يلبس الآخر، فإذا جاز أصابعه قطعه، وإذا جاز كعبه حذفه، ولقد ولي خمس سنين ما وضع آجره على آجره، ولا لبنة على لبنة، ولا- أقطع قطعاً، ولا- أورث بيضاء ولا- حمراء وإن كان ليطعم الناس خبز البرّ واللحم وينصرف إلى منزله ويأكل خبز الشعير والزيت والخلّ، وما ورد عليه أمران كلاهما لله رضى إلا أخذ بأشدهما على بدنه.

ولقد أعتق ألف مملوك من كدّ يده تربت فيه يدها وعرق فيه وجهه، وما أطاق عمله أحد من الناس وإن كان ليصلّي في اليوم و الليله ألف ركعه، وإن كان أقرب الناس شبيهاً به علي بن الحسين عليهما السلام وما أطاق عمله أحد من الناس بعده.

وسمع رجل من التابعين أنس بن مالك يقول: نزلت هذه الآية في علي بن أبي طالب عليه السلام «أَمَّنْ هُوَ قَانِثٌ آتَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ». (١)

قال الرجل فأتيت علياً عليه السلام لأنظر إلى عبادته فأشهد بالله لقد أتيت وقت المغرب، فوجدته يصلّي بأصحابه المغرب، فلمّا فرغ منها جلس في التعقيب إلى أن قام إلى عشاء الآخرة. ثمّ دخل منزله فدخلت معه فوجدته طول الليل يصلّي و يقرأ القرآن إلى أن طلع الفجر، ثمّ جدّد وضوءه وخرج إلى المسجد وصلّى بالناس صلاة الفجر، ثمّ جلس في التعقيب إلى أن طلعت الشمس، ثمّ قصده الناس فجعل يختصم إليه رجلان فإذا فرغا قاما واختصم آخران إلى أن قام إلى صلاة الظهر.

ص: ١١٤

۷۶ - محمد بن قیس گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:

به خدا قسم! که خوراک و نشست و برخاست امام علی علیه السلام همانند بندگان بود؛ هر گاه دو پیراهن می خرید، به خدمتکارش می فرمود که بهترینش را تو بردار و خود پیراهن دیگر را می پوشید؛ اگر آستین پیراهن، از انگشتانش بلندتر بود آن را قطع می کرد و نیز اگر پایین آن از مچ پا می گذشت، آن را می برید.

پنج سال حکومت کرد؛ ولی هیچ آجر و خشت خامی را روی هم نهد، جایی را مالک نشد و پول و نقره و طلائی به ارث نگذاشت، بهترین نان گندم و گوشت را به مستمندان می خوراند ولی خود، نان جو و سرکه می خورد.

هر گاه با دو کار خداپسند رو به رو می شد که باید یکی را برگزیند، سخت تر آن ها را برمی گزید.

با دست رنج خود که با خاک آلود شدن دستانش و عرق کردن چهره اش به دست آورده بود، ۱۰۰۰ بنده را آزاد کرد. احدی توان انجام کارهای او را نداشت، در هر شبانه روز هزار رکعت نماز می خواند، اگرچه شبیه ترین مردم به او از این جهت امام سجاد علیه السلام بود، ولی بعد از او کسی توان انجام کار ایشان را نداشت.

مردی از تابعان، از انس بن مالک شنید که می گفت: این آیه در مورد امام علی علیه السلام نازل شده که: «... یا کسی که شب را به قیام و سجده به جهت ترس از آخرت بگذراند و به رحمت پروردگارش امید داشته باشد.»

آن مرد می گوید: پیش علی علیه السلام رفتم تا عبادت او را بنگرم، خدا گواه است هنگام مغرب نزد او رفتم، همراه یارانش مشغول خواندن نماز مغرب بود، سپس مشغول تعقیبات و مستحبات شد. نماز عشاء را نیز خواند و به منزل آمد، من همراه او رفتم، در تمام شب مشغول نماز و قرآن بود تا این که سپیده صبح طلوع کرد، وضو گرفت و به مسجد آمد، نماز صبح را با مردم خواند و تا هنگام طلوع آفتاب مشغول تعقیبات شد؛ آن گاه مردم، دو نفر دو نفر می آمدند و اختلافات خود را مطرح می کردند، جواب می گرفتند و می رفتند این کار تا ظهر ادامه داشت.

قال: فجدد لصلاه الظهر وضوءه، ثم صلى بأصحابه الظهر، ثم قعد في التعقيب إلى أن صلى بهم العصر، ثم أتاه الناس فجعل يقوم رجلاً ويقعد آخران يقضى بينهم ويفتيهم إلى أن غابت الشمس فخرجت وأنا أقول: أشهد بالله أن هذه الآية نزلت فيه.

٧٧ - حدثنا أبي، عن سعد، عن ابن هاشم، عن ابن مرار، عن يونس، عن عبد الله بن سنان، عن أبي حمزة الثمالي، عن الأصمغ بن نباته أنه قال:

كان أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام إذا أتى بالمال أدخله بيت مال المسلمين، ثم جمع المستحقين، ثم ضرب يده في المال فثره يمنه ويسره وهو يقول: يا صفراء! يا بيضاء! لا تغريني، غزى غيري.

هذا جنائ وخياره فيه

إذ كل جان يده إلى فيه

ثم لا- يخرج حتى يفرق ما في بيت مال المسلمين ويؤتي كل ذي حق حقه، ثم يأمر أن يكنس ويرش ثم يصلي فيه ركعتين، ثم يطلق الدنيا ثلاثاً يقول بعد التسليم: يا دنيا! لا تتعرضين لي ولا تتشوقين ولا تغريني فقد طلقتك ثلاثاً لا رجعه لي عليك.

٧٨ - حدثنا الطالقاني، عن محمد بن جرير الطبري، عن الحسن بن محمد، عن محمد بن عبد الرحمان المخزومي، عن محمد بن أبي يعفور، عن موسى بن أبي أيوب التميمي، عن موسى بن المغيرة، عن الضحاک بن مزاحم قال:

ذكر علي عليه السلام عند ابن عباس بعد وفاته فقال:

وا أسفاه! علي أبي الحسن، مضى والله ما غير ولا بدّل ولا قصر ولا جمع ولا منع ولا آثر إلا الله. والله! لقد كانت الدنيا أهون عليه من شمع نعله، ليث في الوغا، بحر في المجالس، حكيم في الحكماء، هيهات! قد مضى إلى الدرجات العلى.

ص: ١١٤

سپس علی علیه السلام برخاست، وضو تازه کرد و نماز ظهر را همراه یارانش خواند، سپس تعقیبات نماز ظهر و پس از آن نماز عصر و باز موقع مراجعه مردم بود که دو نفر دو نفر می آمدند و امام علی علیه السلام بین آن ها قضاوت می کرد تا این که آفتاب غروب کرد و از نزد او خارج شدم. گفتم: خدا را گواه می گیرم که این آیه در مورد علی نازل شده است. (۱)

۷۷ - اصبع بن نباته می گوید:

هنگامی که برای امیرالمؤمنین علیه السلام، مالیات می آوردند، آن را وارد بیت المال (خزانه مسلمانان) کرده، مستحقان را جمع می نمود و پول ها را با دست خود به راست و چپ، پهن می کرد و می فرمود:

ای پول های زرد و سفید! مرا فریب ندهید، بروید دیگری را فریب دهید.

سپس این ضرب المثل را بیان می فرمود: این تمام آن چیزی است که من چیده ام و بهترین چیده های من نیز در میان آن ها است (و خود هیچ از آن ها نخورده ام).

در زمانی که هر کس چیزی چیده، دستش در دهان خودش می باشد.

سپس امام به تقسیم پول ها می پرداخت و از آنجا بیرون نمی رفت تا هر چه در بیت المال بود قسمت می کرد، در آخر، دستور می داد آن محل را جاروب می کردند، آب می پاشیدند، دو رکعت نماز می خواند و دنیا را سه طلاق می داد و پس از نماز می فرمود: ای دنیا! به من دست نینداز، مرا به خود تشویق نکن و فریب نده که من تو را سه طلاق دادم و هیچ راه بازگشتی نیست. (۲)

۷۸ - ضحاک بن مزاحم گوید: بعد از شهادت امام علی علیه السلام نزد ابن عباس اسم آن حضرت برده شد، ابن عباس گفت:

افسوس بر ابوالحسن (امام علی علیه السلام)! به خدا قسم از دنیا رفت، در حالی که نه چیزی را دگرگون ساخت، نه چیزی را عوض کرد، نه از چیزی کاست، نه مالی جمع کرد و نه مانع حق کسی شد و هیچ منظوری هم جز خدا نداشت.

به خدا قسم! دنیا در برابرش از بند کفشی هم بی ارزش تر بود. در نبردها شیر بود، در مجالس دریا بود و در بین حکیمان، حکیم؛ هیئات او (در گذشت و) به درجات بلندی رسید. (۳)

ص: ۱۱۷

۱- ۱۱۰. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۴۷، حدیث ۱۴.

۲- ۱۱۱. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۴۷، حدیث ۱۶.

۳- ۱۱۲. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۶۳، حدیث ۱۲.

٧٩ - حَدَّثَنَا إِبْنُ الْمُتَوَكِّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارِ، عَنْ إِبْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَنَانَ، عَنِ الْمَفْضَلِ بْنِ عَمْرِو، عَنْ يُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ، عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفٍ، عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نَابَتَةَ قَالَ:

دَخَلَ ضَرَّارُ بْنُ زُمْرَةَ النَّهْشَلِيُّ عَلَى مَعَاوِيَةَ بْنِ أَبِي سَفْيَانَ قَالَ لَهُ:

صَفِّ لِي عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ.

قَالَ: أَوْ تَعْفِينِي.

فَقَالَ: لَا، بَلْ صَفِّهِ لِي.

فَقَالَ لَهُ ضَرَّارُ: رَحِمَ اللَّهُ عَلِيًّا، كَانَ وَاللَّهِ فِينَا كَأَحَدِنَا، يَدِينُنَا إِذَا أَتَيْنَاهُ، وَيَجِينُنَا إِذَا سَأَلْنَاهُ، وَيَقْرَبُنَا إِذَا زَرْنَاهُ، لَا يَغْلِقُ لَهُ دُونَنَا بَابٌ وَلَا يَحْجِبُنَا عَنْهُ حَاجِبٌ، وَنَحْنُ وَاللَّهِ مَعَ تَقْرِيبِهِ لَنَا وَقَرْبِهِ مِنَّا لَا نَكَلِّمُهُ لَهَيْبَتِهِ، وَلَا نَبْتَدِيهِ لِعَظَمَتِهِ، فَإِذَا تَبَسَّمَ فَعَنَ مِثْلَ اللَّؤْلُؤِ الْمَنْظُومِ.

فَقَالَ مَعَاوِيَةُ: زِدْنِي مِنْ صَفَّتِهِ.

فَقَالَ ضَرَّارُ: رَحِمَ اللَّهُ عَلِيًّا، كَانَ وَاللَّهِ طَوِيلَ السَّهَادِ، قَلِيلَ الرِّقَادِ، يَتْلُو كِتَابَ اللَّهِ آتَاءَ اللَّيْلِ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ وَيَجُودُ لِلَّهِ بِمَهْجَتِهِ، وَيَبُوءُ إِلَيْهِ بِعَبْرَتِهِ، لَا تَغْلِقُ لَهُ السُّتُورُ وَلَا يَدْخُرُ عَنَّا الْبُدُورُ، وَلَا يَسْتَلِينُ الْإِتْكَاءَ وَلَا يَسْتَخْشِنُ الْجَفَاءَ، وَلَوْ رَأَيْتَهُ إِذْ مَثَّلَ فِي مَحْرَابِهِ، وَقَدْ أَرَخَى اللَّيْلَ سَدُولَهُ، وَغَارَتْ نَجُومُهُ، وَهُوَ قَابِضٌ عَلَى لِحْيَتِهِ، يَتَمَلَّمُ تَمَلَّمِ السَّلِيمِ، وَيَبْكِي بِكَاءِ الْحَزِينِ وَهُوَ يَقُولُ:

«يَا دُنْيَا! إِلَى تَعَرَّضْتُ، أَمْ إِلَى تَشَوَّقْتُ؟ هَيْهَاتَ، هَيْهَاتَ! لَا حَاجَةَ لِي فِيكَ، أَبْنَتُكَ ثَلَاثًا لَا رَجْعَةَ لِي عَلَيْكَ، ثُمَّ وَاهْ وَاهْ! لِبَعْدِ السَّفَرِ، وَقَلِّهِ الزَّادَ، وَخَشُونَهُ الطَّرِيقَ»

قَالَ: فَبَكَى مَعَاوِيَةَ وَقَالَ:

حَسْبُكَ يَا ضَرَّارُ، كَذَلِكَ كَانَ وَاللَّهِ عَلِيًّا، رَحِمَ اللَّهُ أَبَا الْحَسَنِ.

ص: ١١٨



ضرار بن ضمیره به مجلس معاویه داخل شد، معاویه به ضرار بن ضمیره گفت: علی بن ابی طالب را برای من توصیف کن.

ضرار گفت: اگر می شود مرا معاف بدار.

معاویه گفت: خیر، حتماً باید توصیف نمایی.

ضرار گفت: خدا علی را رحمت کند، سوگند به خدا! او مانند یکی از ما و بین ما زندگی می کرد، ما را به خود نزدیک می نمود، به پرسش ما جواب می داد، در خانه اش باز بود و نگهبانی نداشت.

سوگند به خدا! با این همه که او به ما و ما به او نزدیک بودیم ولی هیبت و ابهت او نمی گذاشت با او سخن آغاز کنیم، هنگام لبخند دندان های همچون مروارید او هویدا می شد.

معاویه گفت: باز هم بگو!

ضرار گفت: خدا علی را رحمت کند، خوابش کم و بیداری اش بسیار بود، بیشتر اوقات قرآن می خواند، جان خود را به خدا سپرده، در آستان او اشک می ریخت،

خود را از مردم پنهان نکرد و کیسه های زر نیندوخت، نه بر وابستگان نرمی داشت، نه بر جفاکاران بدخویی، اگر شب ها او را می دیدی، در محراب عبادت ایستاده، دست به ریش خود گرفته، چون مار گزیده بر خود می پیچید و می گریست و می فرمود:

ای دنیا! آیا خودت را به رخ من می کشی؟ یا می خواهی مرا مشتاق کنی؟ هیهات، هیهات! مطمئن باش که من نیازی به تو ندارم و تو را چنان سه طلاقه کردم که راه بازگشت ندارد.

سپس می فرمود: آه آه! از دوری راه، کمی توشه و سختی سفر قیامت.

معاویه گریه کرد و گفت:

کافی است ای ضرار! آری علی چنین بود، خدا او را رحمت کند. (۱)

٨٠ - حَدَّثَنَا الصَّائغُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْعَبَّاسِ بْنِ بِسَامٍ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ خَالِدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ قَالَ: حَدَّثَنَا سُؤَيْدُ بْنُ عَزِيزِ الدَّمَشَقِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ لَهِيْعِهِ، عَنْ إِبْنِ قَنْبَلٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ قَالَ:

إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ دَفَعَ الرَّايَةَ يَوْمَ خَيْبَرَ إِلَى رَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِهِ فَرَجَعَ مِنْهَزِمًا، فَدَفَعَهَا إِلَى آخِرِ فَرَجِعٍ يَجِبْنَ أَصْحَابَهُ وَيَجِبُنُونَهُ قَدْ رَدَّ الرَّايَةَ مِنْهَزِمًا.

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «لَأَعْطِيَنَّ الرَّايَةَ غَدًا رَجُلًا يُحِبُّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيُحِبُّهُ اللَّهُ وَرَسُولَهُ، لَا يَرْجِعُ حَتَّى يَفْتَحَ اللَّهُ عَلَى يَدَيْهِ.»

فَلَمَّا أَصْبَحَ قَالَ: ادْعُوا إِلَيَّ عَلِيًّا.

فَقِيلَ لَهُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ هُوَ رَمِدٌ.

فَقَالَ: ادْعُوهُ.

فَلَمَّا جَاءَ تَفَلَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي عَيْنَيْهِ وَقَالَ: اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنْهُ الْحَزَّ وَالْبُرْدَ.

ثُمَّ دَفَعَ الرَّايَةَ إِلَيْهِ وَمَضَى، فَمَا رَجَعَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَّا بِفَتْحِ خَيْبَرَ.

ثُمَّ قَالَ: إِنَّهُ لَمَيَّا دَنَا مِنَ الْغَمُوصِ أَقْبَلَ أَعْدَاءَ اللَّهِ مِنَ الْيَهُودِ يَرْمُونَهُ بِالنَّبْلِ وَالْحِجَارِ فَحَمَلَهُ عَلَيْهِمْ عَلَى عَلَيْهِ السَّلَامِ حَتَّى دَنَا مِنَ الْبَابِ، فَثَنَى رِجْلَهُ، ثُمَّ نَزَلَ مَغْضَبًا إِلَى أَصْلِ عَتَبَةِ الْبَابِ فَاقْتَلَعَهُ، ثُمَّ رَمَى بِهِ خَلْفَ ظَهْرِهِ أَرْبَعِينَ ذِرَاعًا.

قَالَ ابْنُ عَمْرٍو: مَا عَجَبْنَا مِنْ فَتْحِ اللَّهِ خَيْبَرَ عَلَى يَدَيْ عَلِيٍّ وَلَكِنَّا عَجَبْنَا مِنْ قَلْعِهِ الْبَابَ وَرَمِيهِ خَلْفَهُ أَرْبَعِينَ ذِرَاعًا، وَلَقَدْ تَكَلَّفَ حَمْلَهُ أَرْبَعُونَ رَجُلًا فَمَا أَطَاقُوهُ. فَأَخْبَرَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِذَلِكَ، فَقَالَ:

وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ! لَقَدْ أَعَانَهُ عَلَيْهِ أَرْبَعُونَ مَلَكًا.

۸۰ - عبدالله بن عمرو بن عاص می گوید:

در جنگ خیبر، پیامبر خداصلی الله علیه وآله پرچم را به یکی از افراد داد، ولی او گریزان برگشت؛ پرچم را به شخص دیگری داد، او هم در حالی برگشت که یارانش را می ترسانید و آن ها هم او را ترسو می خواندند که با پرچم شکست خورده فرار کرده است.

پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود: فردا پرچم را به کسی بدهم که خدا و رسولش او را دوست دارند و او نیز خدا و رسولش را دوست دارد، او از جنگ برنگردد مگر با پیروزی.

صبح که شد فرمود: به علی بگویید بیاید.

به پیامبرصلی الله علیه وآله گفته شد: علی چشمش درد می کند.

فرمود: او را بخوانید تا بیاید.

وقتی علی علیه السلام آمد، پیامبر آب دهان مبارکش را به چشم او مالید و فرمود: خدایا! او را از گرما و سرما حفظ کن.

سپس پرچم را به دست او داد.

علی علیه السلام رفت و نزد پیامبرصلی الله علیه وآله باز نگشت مگر با گشودن قلعه خیبر.

راوی گوید: وقتی علی علیه السلام به قلعه غموص نزدیک شد، یهودیان او را با تیر و سنگ می زدند؛ ولی او هم چنان پیش می رفت. وقتی به در قلعه رسید با حالت خشمناک خود را از اسب به پایین انداخت، با دست خود درب خیبر را از جا کند و آن را ۴۰ ذراع به پشت سر خود پرتاب کرد.

ابن عمرو گوید: ما از پیروزی علی علیه السلام تعجب نکردیم، تعجب ما از این بود که چطور درب قلعه را یک تنه از جا کند و آن را ۴۰ ذراع به پشت سر انداخت با این که ۴۰ مرد هم نمی توانستند آن را جابه جا کنند. پیامبرصلی الله علیه وآله از راز آن خبر داد و فرمود: به خدا قسم! که ۴۰ فرشته در کندن درب به او کمک کردند. (۱)

ص: ۱۲۱

٨١ - حدّثنا ابن إدريس، عن أبيه، عن البرقي، عن أبيه، عن خلف بن حماد، عن أبي الحسن العبدى، عن سليمان بن مهران، عن أبي إسحاق، عن عمرو بن حبشى، عن الحسين بن على بن أبى طالب عليهم السلام قال:

ما قدمت رايه قوتل تحتها أميرالمؤمنين عليه السلام إلا نكسها الله تبارك وتعالى وغلب أصحابها وانقلبوا صاغرين، وما ضرب أميرالمؤمنين عليه السلام بسيفه ذى الفقار أحداً فنجا، وكان إذا قاتل [قاتل] جبرئيل عن يمينه وميكائيل عن يساره وملك الموت بين يديه.

ص: ١٢٢

۸۱ - عمرو بن حبشی می گوید: امام حسین علیه السلام فرمود:

هیچ پرچمی به جنگ امیرالمؤمنین علیه السلام نیامد جز این که خدا سرنگونش می ساخت و افرادش شکست خورده، با خواری برمی گشتند. امیرالمؤمنین علیه السلام شمشیر ذوالفقارش را به کسی نَزَد که نجات یافته باشد. و هرگاه امیرالمؤمنین علیه السلام می جنگید، جبرئیل سمت راستش، میکائیل سمت چپ آن حضرت و ملک الموت برابزش بودند. (۱)

ص: ۱۲۳

---

۱- ۱۱۵. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۷۷، حدیث ۹.

## نبذه من كرامات علي "عليه السلام"

٨٢ - حَدَّثَنَا ماجيلويه، عن علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن أبي الصلت الهروي، عن محمّد بن يوسف الفريابي، عن سفيان، عن الأوزاعي، عن يحيى بن أبي كثير، عن حبيب بن الجهم قال:

لَمَّا رحل بنا علي بن أبي طالب عليه السلام إلى بلاد صَفِّين، نزل بقرية يقال لها: «صندودا»، ثم أمرنا فعبّرنا عنها، ثم عرس بنا في أرض بلقع فقام إليه مالك بن الحارث الأشتر فقال: يا أمير المؤمنين! أتنزل الناس على غير ماء؟

فقال عليه السلام: يا مالك! إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ سيسقينا في هذا المكان ماء أعذب من الشهد وألين من الزبد الزلال، وأبرد من الثلج، وأصفى من الياقوت.

فتعجبنا ولا عجب من قول أمير المؤمنين عليه السلام.

ثم أقبل يجر رداءه ويده سيفه حتى وقف على أرض بلقع، فقال: يا مالك! احترف أنت وأصحابك.

فقال مالك: و احترفنا فإذا نحن بصخره سوداء عظيمه فيها حلقة تبرق كاللجين، فقال لنا: رموها، فرمناها بأجمعنا ونحن مائه رجل فلم نستطع أن نزيلها عن موضعها.

فدنا أمير المؤمنين عليه السلام رافعاً يده إلى السماء يدعو وهو يقول: «طاب طاب مريا عالم طيبو ثابوثة شتميا كوبا حاحانو ثاتوديثا برحوثا، آمين آمين، ربّ العالمين، ربّ موسى وهارون»

ثم اجتذبتها فرماها عن العين أربعين ذراعاً، قال مالك بن الحارث الأشتر: فظهر لنا ماء أعذب من الشهد وأبرد من الثلج وأصفى من الياقوت. فشربنا و سقينا ثم ردّ الصخره وأمرنا أن نحثوا عليها التراب.

ثم ارتحل و سرنا فما سرنا إلا غير بعيد قال: من منكم يعرف موضع العين؟

فقلنا: كلنا يا أمير المؤمنين!

۸۲ - حیب بن جهم می گوید:

هنگامی که به همراه امام علی علیه السلام به طرف صفین می رفتیم، حضرتش در روستایی به نام «صندودا» مستقر شد، سپس دستور داد از روستا عبور کنیم تا این که در بیابانی بدون آب فرود آمدیم. مالک اشتر عرض کرد: ای امیرالمؤمنین! ما را در محل بی آبی مستقر می کنی؟

امام فرمود: ای مالک! به طور حتم، خدای متعال ما را از آبی بهره مند کند که از شهد عسل شیرین تر و از کره صاف نرم تر، و از برف خنک تر باشد.

ما تعجب کردیم. از طرفی هم می دانستیم که گفتار امام تعجب ندارد.

سپس امام، رداء از دوش برداشت و در حالی که شمشیر به دست گرفته بود، قطعه زمین خشک و بی گیاه را نشان داد و فرمود:

ای مالک! به کمک همراهانت، اینجا را بکنید.

مالک می گوید: محل مورد نظر را کندیدم، ولی به یک سنگ سیاه بزرگی برخورد کردیم. امام علیه السلام فرمود: آن سنگ را بردارید.

ما که صد نفر بودیم، هر چه کردیم نتوانستیم آن را تکان بدهیم.

امام علی علیه السلام نزدیک آمد، دست ها را به آسمان بلند کرده، مشغول دعا شد و عرض کرد:

«طاب طاب مریا عالم طیو ثابوئه شتمیاکو با حاحانو ثا تودینا بر حوثا، اجابت کن، اجابت کن، ای پروردگار جهانیان، ای خدای موسی و هارون!»

سپس آن سنگ را کشید و از جای خود درآورده، چهل ذراع به دور انداخت.

مالک می گوید: ناگاه چشمه آبی نمایان شد که از عسل شیرین تر، از برف خنک تر و از یاقوت صاف تر بود. از آن آب برداشتیم و نوشیدیم، آن گاه امام علیه السلام سنگ را بر جای خود نهاد و به ما فرمان داد، با خاک آن را بپوشانیم.

سپس از آن محل حرکت کردیم. هنوز فاصله زیادی از آنجا دور نشده بودیم که امام علیه السلام فرمود: چه کسی از شما جای آن چشمه را می داند؟

فرجعنا، فطلبنا العين فخفى مكانها علينا أشدّ خفاء، فظننا أنّ أمير المؤمنين عليه السلام قد رهقه العطش، فأومأنا بأطرافنا فإذا نحن بصومعه راهب فدنونا منها فإذا نحن براهب قد سقطت حاجباه على عينيه من الكبر. فقلنا: يا راهب! عندك ماء نسقي منه صاحبنا؟

قال: عندي ماء قد استعذبتّه منذ يومين. فأنزل إلينا ماء مرّاً خشناً.

فقلنا: هذا قد استعذبه منذ يومين! فكيف ولو شربت من الماء الذي سقانا منه صاحبنا؟ وحدّثنا بالأمر.

فقال: صاحبكم هذا نبى؟

قلنا: لا ولكنه وصّى نبى.

فتزل إلينا بعد وحشته منّا وقال: انطلقوا بى إلى صاحبكم.

فانطلقنا به فلمّا بصر به أمير المؤمنين عليه السلام قال عليه السلام: شمعون؟

قال الراهب: نعم، شمعون، هذا اسم سمّنتى به أمّى ما اطّلع عليه أحد إلاّ الله تبارك وتعالى، ثمّ أنت، فكيف عرفته فأتمّ حتّى أتمّه لك.

قال عليه السلام: وما تشاء يا شمعون؟

قال: هذا العين واسمه.

قال: هذا العين راحوما وهو من الجنّه، شرب منه ثلاثمائه وثلاثه عشر وصياً وأنا آخر الوصيين شربت منه.

قال الراهب: هكذا وجدت فى جميع كتب الإنجيل وأنا أشهد أن لا إله إلاّ الله وأنّ محمّداً رسول الله وأنّك وصى محمّداً صلى الله عليه وآله.



گفتیم: ای امیرمؤمنان! همه ما می دانیم. برگشتیم که جای آن را پیدا کنیم، اما هرچه جست و جو کردیم اثری از آن نیافتیم. ما فکر کردیم امام علیه السلام تشنه است. بنابراین، به جست و جوی آب رفتیم، کلبه راهبی نمایان شد، نزدیک رفتیم. راهبی دیدیم که از پیری زیاد، ابروهای بلندش، چشمانش را پوشانده بود. گفتیم: ای راهب! آیا با خود آبی داری تا مولایمان را سیراب کنیم؟

گفت: آری، آبی است که دو روز زحمت کشیدم تا آن را گوارا کردم؛ آن گاه آب تلخ و بد مزه ای آورد.

گفتیم: با این که دو روز وقت خود را برای شیرین کردن آن صرف کرده ای، هنوز به این تلخی است؟ کاش تو هم از آن آبی که مولای ما به ما داد می نوشیدی. سپس داستان چشمه را برایش بازگو کردیم.

راهب گفت: آیا مولای شما پیامبر است؟

گفتیم: نه، وصی پیامبر است.

باین که در ابتدا از ما وحشت داشت نزدیک تر آمد و گفت: مرا پیش مولای خود ببرید.

همین که او را پیش امام علی علیه السلام آوردیم، امام فرمود: تو شمعون هستی؟

گفت: آری، این نام را مادرم بر من گذاشته و کسی جز خدا از آن خبر نداشت، تو از کجا دانستی؟ اکنون نشانه امامت خود را تکمیل کن، تا من هم ایمانم را به تو تکمیل کنم.

امام علیه السلام فرمود: ای شمعون! چه می خواهی؟

راهب گفت: داستان چشمه و نام آن را.

فرمود: اسم آن «راحوما» و از بهشت است، ۳۱۳ وصی از آن نوشیده اند و من آخرین وصی بودم که از آن نوشیدم.

راهب گفت: این ها که گفתי همان است که در کتاب های انجیل خوانده ام، اینک گواهی می دهم که خدایی جز خدای یگانه نیست و محمد فرستاده اوست و تو وصی محمد می باشی.

ثم رحل أمير المؤمنين عليه السلام والراهب يقدمه، حتى نزل صفين ونزل معه

بعاندين [بعابدين] والتقى الصفان، فكان أول من أصابته الشهادة الراهب.

فنزول أمير المؤمنين عليه السلام وعينه تهملان وهو يقول: المرء مع من أحب، الراهب معنا يوم القيامة رفيقي في الجنة.

٨٣ - حدثنا أبي رحمه الله عن علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن أبي هدبه قال:

رأيت أنس بن مالك معصوباً بعصابه فسألته عنها فقال:

هي دعوه علي بن أبي طالب عليه السلام.

فقلت له: وكيف يكون ذلك؟

فقال: كنت خادماً لرسول الله صلى الله عليه وآله فأهدى إلى رسول الله صلى الله عليه وآله طائر مشوى؛ فقال: «اللهم ائتني بأحب خلقك إليك وإلى، يأكل معي من هذا الطائر.»

فجاء علي عليه السلام فقلت له: رسول الله صلى الله عليه وآله عنك مشغول، وأحببت أن يكون رجلاً من قومي.

فرفع رسول الله صلى الله عليه وآله يده الثانية، فقال: اللهم ائتني بأحب خلقك إليك وإلى، يأكل معي من هذا الطائر. فجاء علي عليه السلام فقلت: رسول الله صلى الله عليه وآله عنك مشغول، وأحببت أن يكون رجلاً من قومي. فرفع رسول الله صلى الله عليه وآله يده الثالثة، فقال: اللهم ائتني بأحب خلقك إليك وإلى، يأكل معي من هذا الطائر. فجاء علي عليه السلام فقلت: رسول الله صلى الله عليه وآله عنك مشغول وأحببت أن يكون رجلاً من قومي. فرفع علي عليه السلام صوته فقال: وما يشغل رسول الله صلى الله عليه وآله عني؟

فسمعه رسول الله صلى الله عليه وآله فقال: يا أنس! من هذا؟

فقلت: علي بن أبي طالب عليه السلام. قال: ائذن له.

فلما دخل، قال له: يا علي! إنني قد دعوت الله عز وجل ثلاث مرات أن يأتيني بأحب خلقه إليه وإلى، يأكل معي من هذا الطائر، ولو لم تجئني في الثالثة لدعوت الله باسمك أن يأتيني بك.

از آن پس راهب از یاران امام علی علیه السلام شد و همراه ایشان در جنگ صفین شرکت کرد، دو لشکر مبارزه را شروع کردند و او نخستین نفر از یاران امام بود که به شهادت رسید.

امام بر بالین راهب حاضر شد و در حالی که، اشک از دیدگانش سرازیر بود فرمود: هر کسی با همان محشور می شود که او را دوست دارد، این راهب در بهشت، رفیق و همراه من است. (۱)

۸۳ - ابو هدبه می گوید:

انس بن مالک را دیدم که دستمالی به سرش پیچیده بود، از علت آن پرسیدم، گفت: بر اثر نفرین علی بن ابی طالب علیه السلام است.

گفتم: برای چه نفرین کرد؟

انس گفت: من خادم پیامبر صلی الله علیه و آله بودم، روزی مرغ بریانی برای آن حضرت هدیه آوردند، پیامبر دعا کرد: خدایا! محبوب ترین فرد نزد خود و من را بفرست تا در خوردن این مرغ شریک شود.

دیدم علی علیه السلام سر رسید، به او گفتم: پیامبر کاری دارد (و با این گفته، او را راه ندادم) و دوست داشتم کسی از قوم خودم بیاید تا این افتخار نصیب ما شود.

پیامبر دوباره همان دعا را تکرار کرد، باز علی علیه السلام آمد؛ ولی من او را راه ندادم. برای بار سوم پیامبر دعا کرد، علی علیه السلام به پشت در آمد، می خواستم او را برگردانم، گفتم: پیامبر کار دارد، ولی علی علیه السلام با صدای بلند گفت: چه کاری پیامبر را از من باز داشته است؟

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله صدا را شنید و فرمود: ای انس! این شخص کیست؟

گفتم: علی بن ابی طالب است.

فرمود: اجازه بده وارد شود.

چون علی وارد شد، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ای علی! من سه بار به درگاه خدا دعا کردم که محبوب ترین خلقش را بفرستد تا با من از این مرغ بریان بخورد، اگر در نوبت سوم نمی آمدی، آمدن تو را با ذکر نامت از خداوند درخواست می کردم.

ص: ۱۲۹

فقال على عليه السلام: يا رسول الله! إني قد جئت ثلاث مرّات، كلّ ذلك يردني أنس ويقول: رسول الله عنك مشغول.

فقال لي رسول الله صلى الله عليه وآله: يا أنس! ما حملك على هذا؟

فقلت: يا رسول الله! سمعت الدعوه فأحببت أن يكون رجلاً من قومي.

فلما كان يوم الدار استشهدني على عليه السلام فكتمته فقلت: إنني نسيته.

فرفع على عليه السلام يده إلى السماء، فقال:

اللهم ارم أنساً بوضح لا يستره من الناس.

ثم كشف العصابه عن رأسه، فقال: هذه دعوه على، هذه دعوه على.

٨٤ - حدّثنا ابن المتوكّل، عن السعد آبادي، عن البرقي، عن أبيه عن محمّد بن سنان، عن المفضّل بن عمر، عن أبي الجارود، عن جابر بن يزيد الجعفي، عن جابر بن عبد الله الأنصاري قال:

خطبنا أمير المؤمنين على بن أبي طالب عليه السلام فحمد الله وأثنى عليه، ثم قال: أيها الناس! إن قدّام منبركم هذا أربعة رهط من أصحاب محمّد صلى الله عليه وآله منهم أنس بن مالك والبراء بن عازب الأنصاري والأشعث بن قيس الكندي وخالد بن يزيد البجلي، ثم أقبل بوجهه على أنس بن مالك فقال: يا أنس! إن كنت سمعت من رسول الله صلى الله عليه وآله يقول:

«من كنت مولاه فعلى [فهذا على عليه السلام] مولاه»، ثم لم تشهد لي اليوم بالولاية فلا أمتك الله حتّى يبتليك ببرص لا تغطيه العمامه.

وأما أنت يا أشعث! فإن كنت سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله وهو يقول: «من كنت مولاه، فهذا على مولاه، اللهم وال من والاه، وعاد من عاداه» ثم لم تشهد لي اليوم بالولاية فلا أمتك الله حتّى يذهب بكريمتیک.

وأما أنت يا خالد بن يزيد! إن كنت سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول: «من كنت مولاه فهذا على مولاه، اللهم وال من والاه وعاد من عاداه» ثم لم تشهد لي اليوم بالولاية فلا أمتك الله إلاّ ميتة جاهليه.

علی علیه السلام گفت: ای پیامبر خدا! این بار سوم است که آمدم، ولی در هر بار، انس مرا برمی گرداند.

پیامبر صلی الله علیه و آله به من فرمود: ای انس! چرا علی را برمی گرداندی؟

عرض کردم: دوست داشتم این افتخار نصیب مردی از قوم من شود.

پس از مدتی، هنگام اختلاف در خلافت، علی علیه السلام مرا خواست که بر این مطلب گواهی دهم، ولی من آن را کتمان کرده، گفتم: فراموش کرده ام.

علی علیه السلام دست به آسمان برداشت و گفت:

خدایا! انس را به یک پیسی دچار کن که نتواند آن را از مردم بپوشاند.

انس دستمال را برداشت و گفت: این است نفرین علی علیه السلام این است نفرین علی علیه السلام. (۱)

۸۴ - جابر بن عبدالله انصاری می گوید:

امام علی علیه السلام در ضمن یک سخنرانی برای ما فرمود:

ای مردم! در جمع شما چهار نفر از بزرگان اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله حاضر هستند: انس بن مالک، براء بن عازب انصاری، اشعث بن قیس کنندی، و خالد بن یزید بجلی.

سپس رو کرد به انس بن مالک و فرمود: ای انس! اگر از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدی که فرمود: «هر که من مولای اویم، علی [این علی مولای اوست» و امروز گواهی ندهی، خدا تو را گرفتار نوعی پیسی کند که نتوانی با عمامه ات آن را بپوشانی.

اما تو ای اشعث! اگر از پیامبر خدا شنیدی که فرمود: «هر که من مولای اویم علی مولای اوست، خدایا! دوست او را دوست بدار و دشمنش را دشمن باش» و امروز گواهی ندهی، به مرگ نرسی مگر این که خدا تو را کور کند.

و تو ای خالد! اگر این سخنان را از پیامبر شنیدی و حال گواهی ندهی، خدا تو را به مرگ جاهلیت بمیراند.

ص: ۱۳۱

وأما أنت يا براء بن عازب! إن كنت سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول «من كنت مولاه فهذا علي مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه» ثم لم تشهد لي اليوم بالولايه فلا أمتك الله إلا حيث هاجرت منه.

قال جابر بن عبد الله الأنصاري: والله! لقد رأيت أنس بن مالك وقد ابتلى ببرص يغطيه بالعمامه فما تستره. ولقد رأيت الأشعث بن قيس وقد ذهبت كريمته وهو يقول: الحمد لله العدى جعل دعاء أمير المؤمنين علي بن أبي طالب علي بالعمى في الدنيا ولم يدع علي بالعذاب في الآخرة فأعذب. فأما خالد بن يزيد فإنه مات فأراد أهله أن يدفنوه وحفر له في منزله فدفن، فسمعت بذلك كنده فجاءت بالخييل والإبل فعقرتها علي باب منزله، فمات ميتة جاهليه. وأما البراء بن عازب فإنه ولاه معاويه اليمن فمات بها ومنها كان هاجر.

ص: ١٣٢

و تو ای براء بن عازب! اگر این مطالب را شنیده ای و امروز به ولایت من گواهی ندهی از آنجا که آمدی و هجرت کردی به همان جا برگردی و در آنجا بمیری.

جابر بن عبدالله قسم می خورد و می گفت: انس بن مالک را دیدم که گرفتار پیسی شده، بطوری که نمی تواند آن را زیر عمامه خود پنهان کند. اشعث را دیدم که کور شده بود و می گفت: خدا را شکر که امیرالمومنین فقط برای دنیای من نفرین کرد نه بر آخرت من که عذاب شوم. و خالد نیز مرگش فرا رسید، خانواده اش او را در منزل به خاک سپردند؛ ولی اهل کنده خبردار شدند و آمدند به رسم جاهلیت برایش مراسم گرفتند، و براء بن عازب را معاویه فرماندار یمن کرد و در همان جا مُرد، در حالی که او از آنجا هجرت کرده بود. (۱)

ص: ۱۳۳

---

۱- ۱۱۸. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۲۶، حدیث ۱.

٨٥ - حَدَّثَنَا مَا جِيلُوِيَه، عَنْ عَمَّه، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِي الكُوفِي، عَنْ عَامِرِ بْنِ كَثِيرٍ، عَنْ أَبِي الْجَارُودِ، عَنْ ثَابِتِ بْنِ أَبِي صَفِيَه، عَنْ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ عَلِي بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ سَيِّدِ الشَّهَدَاءِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِي، عَنْ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِي بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، عَنْ سَيِّدِ النَّبِيِّينَ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَرَضَ عَلَيْكُمْ طَاعَتِي، وَنَهَاكُمُ عَنْ مَعْصِيَتِي، وَأَوْجَبَ عَلَيْكُمْ اتِّبَاعَ أَمْرِي، وَفَرَضَ عَلَيْكُمْ مِنْ طَاعَةِ عَلِي بَعْدِي مَا فَرَضَهُ مِنْ طَاعَتِي، وَنَهَاكُمُ مِنْ مَعْصِيَتِهِ عَمَّا نَهَاكُمُ عَنْهُ مِنْ مَعْصِيَتِي.

وجعله أخى ووزيرى ووصيى ووارثى وهو منى و أنا منه، حبه إيمان وبغضه كفر، ومحبه محبى، ومبغضه مبغضى، وهو مولى من أنا مولاه، وأنا مولى كل مسلم ومسلمه، وأنا وإياه أبوا هذه الأمة.

٨٦ - حَدَّثَنَا مَا جِيلُوِيَه، عَنْ عَمَّه، عَنْ الكُوفِي، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَنَانٍ، عَنْ الْمُفَضَّلِ بْنِ عَمْرِو، عَنْ ثَابِتِ بْنِ أَبِي صَفِيَه، عَنْ سَعِيدِ بْنِ جَبْرِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ:

معاشر الناس! من أحسن من الله قِيلاً وأصدق من الله حديثاً؟

معاشر الناس! إِنَّ رَبَّكُمْ جَلَّ جَلَالُهُ أَمَرَنِي أَنْ أَقِيمَ لَكُمْ عَلِيّاً عَلِماً وَإِمَاماً وَخَلِيفَةً وَوَصِيّاً وَأَنْ أَتَّخِذَهُ أَخاً وَوَزِيْرًا.

معاشر الناس! إِنَّ عَلِيّاً بَابُ الْهُدَى بَعْدِي، وَالِدَاعِي إِلَى رَبِّي، وَهُوَ صَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ». (١)

ص: ١٣٤



## فضیلت های متعدد حضرت علی "علیه السلام"

۸۵ - امام سجاده علیه السلام از پدر بزرگوارش امام حسین علیه السلام از حضرت علی علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نقل می کند که فرمود:

به راستی که خداوند متعال، اطاعت مرا بر شما لازم فرموده و از نافرمانی من شما را باز داشته است و پیروی از امر مرا بر شما واجب ساخته است.

پس از من نیز، اطاعت علی را بر شما واجب کرده، چنان که اطاعت مرا واجب کرده بود، و شما را از نافرمانی او باز داشته، آن سان که از نافرمانی من باز داشته بود.

خداوند علی علیه السلام را برادر، وصی، وزیر و وارث من قرار داده است.

او از من است و من از اویم. دوستی علی، ایمان و دشمنی با او، کفر است. دوستدار او، دوستدار من و دشمن او، دشمن من است.

او مولای هر کسی است که من مولای اویم و من هم مولای هر مرد و زن مسلمان هستم، من و علی دو پدر این امت می باشیم. (۱)

۸۶ - ابن عباس می گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

ای مردم! چه سخنی بهتر از سخن خدا و چه کسی راست گوتر از خداست؟

ای مردم! به راستی که خدای بزرگ، به من امر کرد که علی علیه السلام را، به عنوان پرچم هدایت، امام (بر شما)، و جانشین و وصی خودم اعلام کنم و او را برادر و وزیر خود قرار دهم.

ای مردم! علی بعد از من باب هدایت و دعوت کننده به سوی پروردگار است. و او صالح (و نیکوکار) مؤمنان است. و کیست نیکو سخن تر از آن که (مردم را) به سوی خدا دعوت کند و عمل صالح انجام دهد و بگوید همانا من از مسلمانانم؟

ص: ۱۳۵

معاشر الناس! إِنَّ عَلِيًّا مَنِّي، ولده ولدي، وهو زوج حبيتي، أمره أمري، ونهيه نهيي.

معاشر الناس! عليكم بطاعته واجتناب معصيته، فَإِنَّ طَاعَتَهُ طَاعَتِي، وَمَعْصِيَتُهُ مَعْصِيَتِي.

معاشر الناس! إِنَّ عَلِيًّا صَدِّيقُ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَفَارُوقُهَا وَمُحَدِّثُهَا، إِنَّهُ هَارُونَهَا وَيُوشِعُهَا وَأَصْفُهَا وَشَمْعُونُهَا، إِنَّهُ بَابُ حَطَّتْهَا وَسَفِينُهُ نَجَاتُهَا، إِنَّهُ طَالُوتُهَا وَذُو قَرْنِيهَا.

معاشر الناس! إِنَّهُ مَحْنَةُ الْوَرِيِّ، وَالْحِجَّةُ الْعَظْمَى، وَالْآيَةُ الْكُبْرَى، وَإِمَامُ أَهْلِ الدُّنْيَا، وَالْعُرْوَةُ الْوَثْقَى.

معاشر الناس! إِنَّ عَلِيًّا مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَهُ وَعَلَى لِسَانِهِ.

معاشر الناس! إِنَّ عَلِيًّا قَسِيمُ النَّارِ لَا يَدْخُلُ النَّارَ وَلِيٌّ لَهُ، وَلَا يَنْجُو مِنْهَا عَدُوٌّ لَهُ، إِنَّهُ قَسِيمُ الْجَنَّةِ لَا يَدْخُلُهَا عَدُوٌّ لَهُ وَلَا يَزْحَزِحُ عَنْهُ وَلِيٌّ لَهُ.

معاشر أصحابي! قد نصحت لكم وبلغتكم رساله ربّي ولكن لا تحبّون الناصحين (١) أقول قولي هذا وأستغفر الله لي ولكم.

٨٧ - حَدَّثَنَا أَبِي، عَنِ الْمُؤَدَّبِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ الْأَصْبَهَانِيِّ، عَنِ الثَّقَفِيِّ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ الْحَسَنِ، عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى الْعَبْسِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ السَّلْمِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَقِيلٍ، عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ أَنَّهُ قَالَ: لَقَدْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ:

إِنَّ فِي عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ خِصَالًا لَوْ كَانَتْ وَاحِدَةً مِنْهَا فِي جَمِيعِ النَّاسِ لَاكْتَفَوْا بِهَا فَضْلًا.

ص: ١٣٦

ای مردم! به راستی، علی از من است، فرزندان من و همو همسر حبیبه من فاطمه است. فرمانش، فرمان من و نهی او، نهی من است.

ای مردم! بر شما لازم است از او اطاعت کنید و نافرمانی اش نکنید؛ زیرا اطاعت از او اطاعت از من و نافرمانی از وی، نافرمانی از من است.

ای مردم! بدانید که علی، صدیق این اُمت و فاروق آن و محدّث آن است. و همو هارون و یوشع و آصف و شمعون این اُمت است، او باب حطّه (آمزش)، کشتی نجات و همچین طالوت و ذوالقرنین این اُمت است.

ای مردم! علی وسیله آزمایش بشر، حجت عظمی و نشانه کبرای خداست، او پیشوای مردم دنیا و ریسمان محکم خداست.

ای مردم! به راستی که علی با حق است و حق نیز با علی و بر زبان او است.

ای مردم! همانا علی تقسیم کننده جهنّم است، هیچ یک از دوستانش داخل جهنّم نمی شوند و هیچ یک از دشمنانش از آتش دوزخ رهایی نمی یابند، او تقسیم کننده بهشت است، هیچ یک از دشمنانش داخل بهشت نمی شوند و هیچ یک از دوستان او از بهشت دور نمی گردند.

ای گروه یارانم! «به طور حتم من شما را نصیحت کردم و پیام پروردگارم را رساندم، اگرچه شما ناصحان را دوست نمی دارید»، این سخن من است که می گویم، و برای خودم و شما آمزش می خواهم. (۱)

۸۷ - جابر بن عبدالله انصاری می گوید: از پیامبر خداصلی الله علیه وآله شنیدم که فرمود:

علی علیه السلام ویژگی هایی دارد که اگر یکی از آن ها به تمام مردم داده شود برایشان کافی است. و آن امتیازات، عبارتند از: فرمایش پیامبرصلی الله علیه وآله در باره او:

ص: ۱۳۷

وقوله صلى الله عليه وآله: من كنت مولاه فعلى مولاه؛

وقوله صلى الله عليه وآله: على عليه السلام منى كهارون من موسى؛

وقوله صلى الله عليه وآله: على عليه السلام منى وأنا منه؛

وقوله صلى الله عليه وآله: على عليه السلام منى كنفسى، طاعته طاعتى، ومعصيته معصيتى؛

وقوله صلى الله عليه وآله: حرب على عليه السلام حرب الله وسلم على عليه السلام سلم الله؛

وقوله صلى الله عليه وآله: ولى على عليه السلام ولى الله وعدو على عدو الله؛

وقوله صلى الله عليه وآله: على عليه السلام حجه الله وخليفته على عباده؛

وقوله صلى الله عليه وآله: حب على عليه السلام إيمان وبغضه كفر؛

وقوله صلى الله عليه وآله: حزب على عليه السلام حزب الله وحزب أعدائه حزب الشيطان؛

وقوله صلى الله عليه وآله: على عليه السلام مع الحق والحق معه لا يفترقان حتى يردا على الحوض؛

وقوله صلى الله عليه وآله: على عليه السلام قسيم الجنة والنار؛

وقوله صلى الله عليه وآله: من فارق علياً عليه السلام فقد فارقنى، ومن فارقنى فقد فارق الله عزوجل؛

وقوله صلى الله عليه وآله: شيعه على عليه السلام هم الفائزون يوم القيامة.

٨٨ - حدّثنا القطّان، عن عبد الرحمان بن أبى حاتم، عن هارون بن إسحاق، عن عبده بن سليمان، عن كامل بن العلاء، عن حبيب بن أبى ثابت، عن سعيد بن جبير، عن عبد الله بن عباس قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله لعلى بن أبى طالب عليه السلام:

يا على! أنت صاحب حوضى، وصاحب لوائى، ومنجز عداتى، وحبيب قلبى، ووارث علمى، وأنت مستودع موارىث الأنبياء، وأنت أمين الله فى أرضه، وأنت حجه الله على بريته، وأنت ركن الإيمان، وأنت مصباح الدجى، وأنت منار الهدى، وأنت العلم المرفوع لأهل الدنيا، من تبعك نجا، ومن تخلف عنك هلك.

«هر که من مولای اویم، علی مولای او است.»

و «علی نسبت به من، چون هارون نسبت به موسی است.»

و «علی از من است و من از علی.»

و «علی نسبت به من، چون جان من است، اطاعت از او، اطاعت از من و نافرمانی از او، نافرمانی از من است.»

و «جنگ با علی، جنگ با خداست و سازش با علی، سازش با خدا است.»

و «دوست علی، دوست خداست و دشمن او، دشمن خدا است.»

و «علی حجت و خلیفه خدا بر بندگان است.»

و «دوستی علی، نشانه ایمان و دشمنی با او، نشانه کفر است.»

و «حزب علی حزب خداست و حزب دشمنان او، حزب شیطان است.»

و «علی با حق است، همان طور که حق با علی است و این دو از هم جدا نشوند تا این که بر کنار حوض کوثر به من ملحق شوند.»

و «علی قسمت کننده بهشت و دوزخ است.»

و «هر کس از علی جدا شود از من جدا شده و هر کس از من جدا شود، از خدا جدا شده است.»

و «فقط شیعیان علی، رستگاران روز قیامت هستند.» (۱)

۸۸ - ابن عباس می گوید:

پیامبر خداصلی الله علیه وآله به علی علیه السلام فرمود:

ای علی! تو صاحب حوض کوثر و پرچمدار منی و وعده های مرا برآورده می کنی. تو دوست صمیمی من و وارث دانش من و امانت دار میراث پیامبرانی، تو امین خدا در زمین و حجت او بر مردم هستی، رکن ایمان و چراغ هدایت در تاریکی ها تو هستی، تو نشانه برافراشته شده برای اهل دنیا می باشی، هر کس از تو پیروی کند، نجات یابد و هر کس از تو تخلف ورزد نابود شود.

١-١٢٣. أمالي صدوق رحمه الله، مجلس ٢٠، حديث ١.

وأنت الطريق الواضح، وأنت الصراط المستقيم، وأنت قائد الغر المحجلين، وأنت يعسوب المؤمنين، وأنت مولى من أنا مولاه وأنا مولى كل مؤمن ومؤمنة، لا يحبك إلا طاهر الولاده، ولا يبغضك إلا خبيث الولاده.

وما عرج بي ربّي عزّ وجلّ إلى السماء قطّ وكلمنى ربّي إلا قال لى: «يا محمّد! اقرأ علياً منى السلام وعرفه أنه إمام أوليائى ونور أهل طاعتى.»

فهنيئاً لك يا على! هذه الكرامه.

٨٩ - حدّثنا محمّد بن إبراهيم بن إسحاق رضى الله عنه، عن محمّد بن جرير الطبرى، عن أحمد بن رشيد، عن سعيد بن خيثم خيثم، عن سعد، عن الحسن البصرى

أنّه بلغه أنّ زاعماً يزعم أنّه ينتقص علياً عليه السلام، فقام فى أصحابه يوماً فقال:

لقد هممت أن أغلق بابى ثمّ لا- أخرج من بيتى حتّى يأتينى أجلى، بلغنى أنّ زاعماً منكم يزعم أنّى أنتقص خير الناس بعد نبينا صلى الله عليه وآله و أنيسه وجليسه والمفرّج للكرب عنه عند الزلازل، والقاتل للأقران يوم التنازل، لقد فارقكم رجل قرأ القرآن فوقّره، وأخذ العلم فوقّره، وحاز البأس فاستعمله فى طاعه ربّه، صابراً على مضض الحرب، شاكراً عند اللأواء والكرب.

فعمل بكتاب ربّه ونصح لنبيه وابن عمّه وأخيه، آخاه دون أصحابه وجعل عنده سرّه، وجاهد عنه صغيراً وقاتل معه كبيراً، يقتل الأقران، وينازل الفرسان دون دين الله حتّى وضعت الحرب أوزارها، متمسكاً بعهد نبيه لا يصدّه صادّ، ولا يمالى عليه مضادّ، ثمّ مضى النبى صلى الله عليه وآله وهو عنه راض.

تو راه روشن و صراط مستقیم هستی، پیشوای دست و روسفیدان و سرور و رهبر مؤمنان می باشی، تو مولای هر کسی هستی که من مولای او هستم و من مولای تمام مؤمنانم، دوست ندارد تو را مگر پاک زاده و با تو دشمنی نمی ورزد مگر ناپاک و حرامزاده.

پروردگرم هیچ گاه مرا به آسمان بالا نبرد و با من سخن نگفت، مگر این که فرمود:

«ای محمد! سلام مرا به علی برسان و به او خبر ده که امام دوستان من و نور اهل طاعت من است.»

پس گوارا باد بر تو این کرامت، ای علی! (۱)

۸۹ - سعید بن خثیم از قول سعد می گوید: حسن بصری شنید که برخی گمان می کنند او به علی علیه السلام خرده و ایراد می گیرد. روزی در بین یاران خود ایستاد و گفت:

تصمیم گرفته بودم که (از شدت ناراحتی) تا آخر عمر از خانه بیرون نیایم و با کسی کاری نداشته باشم، شنیده ام یکی از شما مرا متهم کرده که من به کسی خرده می گیرم که پس از پیامبر صلی الله علیه و آله بهترین مردم بود، انیس و همنشین او بود، هنگام گرفتاری از او رفع گرفتاری می کرد، در جنگ ها هم نبردان خود را از پای در می آورد.

بی تردید مردی از میان شما رفت که قرآن را با احترام قرائت می کرد، علم وافر داشت و جنگاوری اش را در طاعت پروردگارش به کار می بست، در سختی های جنگ شکیبا بود و در ناملایمات زندگی شکر گزار.

به کتاب خدا عمل کرد و خیر خواه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پسر عمو و برادرش بود؛ پیامبر صلی الله علیه و آله نیز از بین همه یارانش او را به عنوان برادر برگزید و اسرارش را به او سپرد؛ از کوچکی به همراه او جهاد می کرد و در بزرگ سالی به همراهش نبرد می نمود. به خاطر دین خدا تا انتهای جنگ، پهلوانان را می کشت و با یکه سواران مبارزه می کرد. متمسک به سفارش پیامبرش بود و هیچ چیزی مانع او نمی شد و مخالفی بر او چیره نمی گشت. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در حالی که از او راضی بود رحلت فرمود.

ص: ۱۴۱



أعلم المسلمين علماً، وأفهمهم فهماً، وأقدمهم في الإسلام، لا- نظير له في مناقبه، ولا- شبيه له في ضرائبه، فظلفت نفسه عن الشهوات، وعمل لله في الغفلات، وأسبغ الطهور في السبرات، وخشع لله في الصلوات، وقطع نفسه عن اللذات، مشمراً عن ساق، طيب الأخلاق، كريم الأعراق، أتبع سنن نبيه واقتفى آثار وليه. فكيف أقول فيه ما يوبقني وما أحد أعلمه يجد فيه مقالاً فكفوا عنا الأذى وتجنبوا طريق الردى.

٩٠ - حدثنا ابن موسى، عن ابن زكريا، عن ابن حبيب، عن عبد الرحيم بن علي الجبلي، عن الحسن بن نصر [نصر] الخزاز، عن عمر بن طلحة، عن أسباط بن نصر، عن سماك بن حرب، عن سعيد بن جبیر قال:

أتيت عبد الله بن عباس، فقلت له: يا بن عم رسول الله! إنني جئتك أسألك عن علي بن أبي طالب واختلاف الناس فيه؟

فقال ابن عباس: يا بن جبیر! جئتني تسألني عن خير خلق الله من الأُمّة بعد محمّد نبي الله صلى الله عليه وآله، جئتني تسألني عن رجل كانت له ثلاثة آلاف منقبة في ليله واحده وهي ليله القربة؟

يا بن جبیر! جئتني تسألني عن وصي رسول الله صلى الله عليه وآله ووزيره و خليفته وصاحب حوضه ولوائه وشفاعته؟

واللهي نفس ابن عباس بيده! لو كانت بحار الدنيا مداداً، والأشجار أقلاماً، وأهلها كتاباً فكتبوا مناقب علي بن أبي طالب عليه السلام وفضائله من يوم خلق الله عزّ وجلّ الدنيا إلى أن يفنيها، ما بلغوا معشار ما آتاه الله تبارك وتعالى.

علی، عالم ترین، فهیم ترین و پیشگام ترین مسلمانان بود، و در مناقب و فضایل همانند نداشت، خود را از شهوات باز گرفت و در اوقات غفلت دیگران، او برای خدا کار می کرد. هنگام سرما، طهارت کامل انجام می داد و در نماز خاشع بود، به لذت جویی نپرداخت، خوش اخلاقی را همت خود قرار داد، نیاکانش بزرگوار بودند و پیرو روش های پیامبر، و دنباله روی ولی خود بود.

چگونه درباره چنین کسی چیزی بگویم که موجب نابودی ام شود و کسی را هم نمی شناسم که جرأت بدگویی از او را داشته باشد. بس کنید، ما را آزار ندهید و خود را از گمراهی و نابودی دور نگه دارید. (۱)

۹۰ - سعید بن جبیر می گوید:

پیش ابن عباس رفتم تا در مورد علی بن ابی طالب و اختلاف مردم درباره او پرسش کنم.

ابن عباس گفت: ای پسر جبیر! آمدی در مورد بهترین خلق خدا پس از پیامبر بررسی؟ آمدی در مورد کسی تحقیق کنی که فقط در یک شب که آن ليله القربه است (۲)، سه هزار منقبت داشت؟

ای پسر جبیر! آمدی درباره وصی پیامبر و وزیر و خلیفه او و صاحب حوض کوثر و پرچمدار رسول خدا صلی الله علیه و آله و صاحب شفاعت او بررسی؟

به خدایی که جان ابن عباس در اختیار اوست! اگر همه دریاها مرکب شود و همه درختان قلم و همه خلق خدا نویسنده شوند و از روزی که خداوند، جهان را آفریده تا پایان دنیا مشغول نوشتن شوند، یک دهم فضایل و مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام را هم نمی توانند بنویسند. (۳)

ص: ۱۴۳

---

۱- ۱۲۵. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۶۷، حدیث ۱.

۲- ۱۲۶. قربه به معنی ظرفی است که با آن آب می آورند و منظور از ليله القربه، شبی است که امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام، در جنگ بدر برای آوردن آب رفته بودند و سه هزار فرشته بر آن حضرت سلام کردند. رجوع شود به بحار الأنوار: ج ۴۰ ص ۸.

۳- ۱۲۷. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۸۲، حدیث ۱۵.

٩١ - حَدَّثَنَا مَا جِيلُوِيَه، عَنْ عَمَّه، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَنَانَ، عَنِ الْمُفَضَّلِ، عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ، عَنْ أَبِي الزَّبِيرِ الْمَكِّيِّ، عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ:

قال النبي صلى الله عليه وآله:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى اصْطَفَانِي وَاخْتَارَنِي وَجَعَلَنِي رَسُولًا وَأَنْزَلَ عَلَيَّ سَيِّدَ الْكُتُبِ.

فقلت: إلهي! وسيدي! إنك أرسلت موسى إلى فرعون فسألك أن تجعل معه أخاه هارون وزيراً، تشدّ به عضده وتصدق به قوله وإنني أسألك يا سيدي! وإلهي! أن تجعل لي من أهلي وزيراً، تشدّ به عضدي، فجعل الله لي علياً وزيراً وأخاً وجعل الشجاعه في قلبه وألبسه الهيبة على عدوّه. وهو أوّل من آمن بي وصدّقني وأوّل من وّحد الله معي، وإنني سألت ذلك ربّي عزّ وجلّ فأعطانيه.

فهو سيّد الأوصياء، اللّحوق به سعاده، والموت في طاعته شهاده، واسمه في التوراه مقرون إلى اسمي، وزوجته الصديقه الكبرى ابنتي، وابناه سيّد شباب أهل الجنّه ابناي.

وهو وهما والأئمّه بعدهم حجج الله على خلقه بعد النبيين، وهم أبواب العلم في أمّتي، من تبعهم نجا من النار، ومن اقتدى بهم هدى إلى صراط مستقيم، لم يهب الله عزّ وجلّ محبّتهم لعبد إلاّ أدخله الله الجنّه.

ص: ١٤٤

به راستی که خداوند، مرا برگزید و به عنوان رسول قرار داد و برترین کتاب را بر من نازل فرمود.

پس از آن عرض کردم: خدایا! مولای من! آن گاه که موسی را به سوی فرعون فرستادی، از تو درخواست کرد، برادرش هارون را وزیر او قرار دهی، تا کمک او باشد و او را تصدیق کند، خدایا! من هم از تو می خواهم کسی را از خاندانم، به عنوان کمک من قرار بدهی تا وزیر من باشد.

پس خداوند، علی علیه السلام را به عنوان وزیر و برادر من قرار داد، شجاعت را در قلبش قرار داد و هیبتش را در دل دشمن انداخت.

علی نخستین کسی است که به من ایمان آورد، مرا تصدیق کرد و همراه من، خدای یگانه را پرستید، من آن را از خدا خواستم و خدا هم او را به من عطا فرمود.

پس او سید اوصیا است، پیوستن به او، سعادت است و مرگ در راه او شهادت. نام علی در تورات، در کنار نام من است و همسر او، صدیقه کبری، دختر من است، دو پسر او که آقای جوانان اهل بهشت هستند، پسران منند.

بعد از پیامبران، علی و دو پسر او و امامان پس از آن ها، حجت های خدا بر مردم هستند، آنان درهای علم در میان اُمت من هستند. هر کس از آن ها پیروی کند از آتش نجات یافته و آن که به ایشان اقتدا کند به راه راست هدایت شده است. خدای بزرگ، دوستی آن ها را به بنده ای نبخشیده، جز این که او را داخل بهشت خواهد کرد. (۱)

ص: ۱۴۵

٩٢ - حَدَّثَنَا الْحَافِظُ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يَزِيدَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ ثَوَابٍ، عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ مَنْصُورٍ، عَنْ كَادِحِ الْبَجَلِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ لَهِيْعِهِ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ - يَعْنِي ابْنَ زِيَادٍ -، عَنْ سَلْمَةَ بْنِ يَسَارٍ، عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ:

لَمَّا قَدِمَ عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَيَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِفَتْحِ خَيْبَرَ، قَالَ لِي رَسُولَ اللَّهِ:

لَوْلَا أَن تَقُولَ فِيكَ طَوَائِفٌ مِنْ أُمَّتِي مَا قَالَتِ النَّصَارَى لِلْمَسِيحِ عَيْسَى بْنِ مَرْيَمَ لَقَلَّتْ فِيكَ الْيَوْمَ قَوْلًا لَا تَمَرُّ بِمَلَاءٍ إِلَّا أَخَذُوا التُّرَابَ مِنْ تَحْتِ رِجْلَيْكَ وَمِنْ فَضْلِ طَهُورِكَ يَسْتَشْفُونَ بِهِ، وَلَكِنْ حَسْبُكَ أَنْ تَكُونَ مِنِّي وَأَنَا مِنْكَ، تَرْتَنِي وَأُرْتُكَ، وَأَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي وَأَنْتَ تَبْرِيءٌ ذِمَّتِي، وَتَقَاتِلْ عَلَيَّ سُنَّتِي، وَأَنْتَ غَدَاً عَلَيَّ الْحَوْضُ خَلِيفَتِي، وَأَنْتَ أَوَّلُ مَنْ يَرِدُ عَلَيَّ الْحَوْضُ، وَأَنْتَ أَوَّلُ مَنْ يَكْسِي مَعِيَ، وَأَنْتَ أَوَّلُ دَاخِلِ الْجَنَّةِ مِنْ أُمَّتِي، وَأَنْ شِيعَتِكَ عَلَيَّ مِنْ نُورِ مَبِيضِهِ وَجُوهِهِمْ حَوْلِي، أَشْفَعُ لَهُمْ وَيَكُونُوا غَدَاً فِي الْجَنَّةِ جِيرَانِي، وَأَنْ حَرْبِكَ حَرْبِي، وَسَلْمُكَ سَلْمِي، وَأَنْ سَرَّكَ سَرِّي وَعَلَانِيَتِكَ عَلَانِيَتِي، وَأَنْ سَرِيرَةَ صَدْرِكَ كَسْرِيرَتِي، وَأَنْ وَلَدَكَ وَلَدِي.

وَأَنْتَ تَنْجِزُ عِدَاتِي، وَأَنْ الْحَقُّ مَعَكَ، وَأَنْ الْحَقُّ عَلَيَّ لِسَانِكَ وَقَلْبِكَ وَبَيْنَ عَيْنَيْكَ، الْإِيمَانُ مَخَالِطُ لِحْمِكَ وَدَمِكَ كَمَا خَالِطُ لِحْمِي وَدَمِي، وَأَنْهُ لَنْ يَرِدَ عَلَيَّ الْحَوْضُ مَبْغُضٌ لَكَ وَلَنْ يَغِيبَ عَنْهُ مَحَبَّةٌ لَكَ حَتَّى يَرِدَ الْحَوْضَ مَعَكَ.

قَالَ فَخَرَّ عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَاجِدًا، ثُمَّ قَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْعَمَ عَلَيَّ بِالْإِسْلَامِ وَعَلَّمَنِي الْقُرْآنَ وَحَبَّبَنِي إِلَى خَيْرِ الْبَرِيَّةِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَسَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ إِحْسَانًا مِنْهُ وَفَضْلًا مِنْهُ عَلَيَّ.

قَالَ: فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَوْلَا أَنْتَ لَمْ يَعْرِفِ الْمُؤْمِنُونَ بَعْدِي.

هنگامی که امام علی علیه السلام مژده فتح خیبر را برای پیامبر خداصلی الله علیه وآله آورد، حضرت به او فرمود: اگر برخی از امت من، در مورد تو سخنانی را نمی گفتند آن گونه که نصاری دربارہ عیسی چنین گفتند، در باره تو چیزهایی می گفتم که مردم خاک زیر پایت و زیادی آب وضویت را به عنوان شفا می گرفتند، با این حال همین برای تو کافی است که: تو از منی و من از توام؛ تو، وارث منی و من هم وارث تو؛ تو نسبت به من به منزله هارون هستی نسبت به موسی، جز این که بعد از من پیامبری نیست. دین مرا تو ادا می کنی، به روش من جنگ می کنی و فردای قیامت بر حوض کوثر خلیفه من می باشی.

تو نخستین کسی هستی که سر حوض کوثر بر من وارد می شوی. اولین کسی هستی که همراه من جامه بر تن می کنی، اولین کسی هستی که از اُمّت من وارد بهشت می شوی؛ شیعیان تو بر منبرهایی از نور و با روی سفید، گرداگرد من باشند و من هم آن ها را شفاعت می کنم و آنان همسایه های من در بهشتند. جنگ و صلح با تو، جنگ و صلح با من است، راز و سرّ تو، راز و سرّ من است؛ آشکار تو آشکار من و فرزندان تو، فرزندان من هستند.

این تویی که به وعده های من عمل می کنی، همیشه حق با تو بوده و بر زبان تو جاری و در قلب و چشم توست. ایمان با گوشت و خون تو آمیخته است؛ همان گونه که با گوشت و خون من آمیخته است؛ و هرگز دشمن تو بر حوض کوثر نرسد و دوست تو نیز از آن غایب نمی شود تا این که به همراه تو وارد آن شود.

جابر می گوید: در این هنگام علی علیه السلام بر سجده افتاد و گفت: حمد خدا را که نعمت مسلمانی به من داد، مرا قرآن آموخت و به فضل و احسان خودش مرا محبوب بهترین مردم، آخرین پیامبر و آقای پیامبران قرار داد.

جابر می گوید: آن گاه پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود:

ای علی! اگر تو نبودی، پس از من مؤمنان شناخته نمی شدند. (۱)

ص: ۱۴۷

٩٣ - حَدَّثَنَا مَا جِيلُوِيَه، عَنْ عَمَّه، عَنْ الْكُوفِيِّ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَثْمَانَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَرَاتِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْبَاقِرِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

إِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَلِيفَةُ اللَّهِ وَخَلِيفَتِي وَحُجَّةُ اللَّهِ وَحُجَّتِي وَبَابُ اللَّهِ وَبَابِي، وَصَفَى اللَّهُ وَصَفِيَّ، وَحَبِيبُ اللَّهِ وَحَبِيبِي، وَخَلِيلُ اللَّهِ وَخَلِيلِي، وَسَيْفُ اللَّهِ وَسَيْفِي.

وهو أخى وصاحبى ووزيرى ووصيى، محبته محبتي، ومبغضه مبغضى، ووليه وليى، وعدوه عدوى، وحربه حربى، وسلمه سلمى، وقوله قولى، وأمره أمرى، وزوجته ابنتى، وولده ولدى، وهو سيد الوصيين، وخير أمتى أجمعين.

٩٤ - حَدَّثَنَا حَمَزَةُ الْعُلَوِيُّ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَعْبُدٍ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ خَالِدٍ،

عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

يا علي! أنت أخي و وزيرى و صاحب لوائى فى الدنيا و الآخرة و أنت صاحب حوضى، من أحببك أحببني و من أبغضك أبغضني.

٩٥ - حَدَّثَنَا الْهَمْدَانِيُّ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ سَلْمَةَ، عَنْ الثَّقَفِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَلِيٍّ [مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ]، عَنْ الْعَبَّاسِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ الْأَسْوَدِ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ مَسْعُودٍ، عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

أحب أهل بيتى إلى وأفضل من أترك بعدى على بن أبى طالب عليه السلام.

۹۳ - امام باقر از پدران‌ش علیهم‌السلام نقل می‌کند که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

علی بن ابی طالب، خلیفه خدا و خلیفه من است، او حجت خدا و حجت من است، او دروازه (شناخت) خدا و من است، برگزیده خدا و من است، حبيب خدا و حبيب من است. رفيق خدا و رفيق من است و شمشير خدا و شمشير من است.

علی برادر، یار، وزیر و وصی من است، دوست او دوست من است و دشمن او، دشمن من؛ جنگ با او، جنگ با من است و سازش با او، سازش با من؛ سخن او، سخن من است و فرمانش، فرمان من؛ همسر او، دخترم فاطمه است و فرزندان او فرزندان منند؛ او آقای اوصیا و بهترین فرد اُمت من است. (۱)

۹۴ - امام رضا علیه‌السلام از پدران گرامش نقل می‌کند که پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

ای علی! تو در دنیا و آخرت برادر، وزیر و پرچمدار من هستی؛

تو صاحب حوض کوثری؛ هر که تو را دوست دارد مرا دوست داشته و آن که تو را دشمن دارد، با من دشمنی کرده است. (۲)

۹۵ - ابن مسعود از قول امام علی علیه‌السلام نقل می‌کند که فرمود: پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند:

محبوب‌ترین فرد خاندانم و برترین کسی که پس از خودم به جا می‌گذارم، علی بن ابی طالب است. (۳)

ص: ۱۴۹

---

۱- ۱۳۰. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۳۶، حدیث ۱۷.

۲- ۱۳۱. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۱۴، حدیث ۱۱.

۳- ۱۳۲. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۷۲، حدیث ۱۹.



٩٦ - حَدَّثَنَا الهمداني، عن علي بن إبراهيم، عن جعفر بن سلمه، عن الثقفى، عن الحكم بن سليمان، عن علي بن هاشم، عن عمرو بن حريث الأشجعي، عن بردعه بن عبد الرحمان، عن أبي الخليل، عن سلمان رحمه الله قال:

دخلت على رسول الله صلى الله عليه وآله عند الموت، فقال:

علي بن أبي طالب أفضل من تركت بعدى.

٩٧ - حَدَّثَنَا الحسين بن أحمد بن إدريس، عن أبيه، عن محمد بن أحمد بن يحيى بن عمران الأشعري، عن إبراهيم بن هاشم، عن عمرو بن عثمان، عن محمد بن عذافر، عن أبي حمزه، عن علي بن الحزور، عن القاسم، عن أبي سعيد قال:

أت فاطمعليها السلام النبي صلى الله عليه وآله فذكرت عنده ضعف الحال.

فقال لها: أما تدرين ما منزله علي عليه السلام عندي، كفاني أمرى وهو ابن اثنتى عشره سنه وضرب بين يدي بالسيف وهو ابن ست عشره سنه، وقتل الأبطال وهو ابن تسع عشره سنه، وفرج همومى وهو ابن عشرين سنه، ورفع باب خير وهو ابن اثنتين وعشرين سنه كامله، وكان لا يرفعه خمسون رجلاً.

قال: فأشرق لون فاطمعليها السلام ولم تقر قدماها حتى أتت علياً عليه السلام فأخبرته.

فقال: كيف لو حدثتك بفضل الله علي كله.

٩٨ - حَدَّثَنَا ابن الوليد، عن محمد بن أبي القاسم، عن محمد بن علي الصيرفي، عن محمد بن سنان، عن المفضل بن عمر؛

عن أبي عبد الله الصادق، عن أبيه عن جده عليهم السلام قال:

بلغ أم سلمه زوجة النبي صلى الله عليه وآله، أن مولى لها يتنقص [يتنقص] علياً ويتناوله، فأرسلت إليه. فلما أن صار إليها قالت له: يا بنى! بلغنى أنك تتنقص [تتنقص] علياً وتتناوله.

قال لها: نعم يا أمه.

۹۶ - سلمان فارسی می گوید: هنگام رحلت پیامبر خداصلی الله علیه وآله، خدمتش رسیدم، فرمود:

علی بن ابی طالب بهترین کسی است که پس از خود به جا می گذارم. (۱)

۹۷ - أبو سعید می گوید:

روزی فاطمه علیها السلام نزد پیامبرصلی الله علیه وآله آمد و اظهار کسالت کرد.

پیامبرصلی الله علیه وآله به او فرمود: مگر نمی دانی علی علیه السلام چه مقامی نزد من دارد؟

۱۲ ساله بود که کارهای مرا اداره می کرد، در ۱۶ سالگی برابرم شمشیر می زد و ۱۹ ساله بود که پهلوان ها را کشت. در ۲۰ سالگی هم و غم مرا برطرف می کرد. ۲۲ ساله بود که در خیبر را از جا کند، دری که ۵۰ مرد هم نمی توانستند آن را جابه جا کنند.

در این هنگام چهره فاطمه علیها السلام از شادی برافروخت و آرام و قرار نداشت تا نزد علی علیه السلام برگشت و به او گزارش داد.

علی علیه السلام در جوابش فرمود: پس اگر همه فضایی را که خدا به من داده برایت بازگو کنم، چه حالی پیدا می کنی؟ (۲)

۹۸ - امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش و از جدّ والا مقامش نقل می فرماید:

روزی به اُمّ سلمه، همسر پیامبرصلی الله علیه وآله خبر رسید که یکی از نزدیکانش از علی علیه السلام بدگویی می کند، او را خواست و گفت: آیا این خبر صحت دارد؟

گفت: بله مادر!

ص: ۱۵۱

---

۱- ۱۳۳. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۷۲، حدیث ۲۰.

۲- ۱۳۴. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۶۲، حدیث ۱۳.

قالت: اقعدي، ثكلتك أمك! حتى أحدثك بحديث سمعته من رسول الله صلى الله عليه وآله، ثم اختر لنفسك، إنا كنا عند رسول الله صلى الله عليه وآله تسع نسوة وكانت ليلتي ويومي من رسول الله صلى الله عليه وآله فدخل النبي صلى الله عليه وآله وهو متهلل أصابعه في أصابع علي عليه السلام واضعاً يده عليه، فقال:

يا أم سلمة! اخرجي من البيت أخليه لنا.

فخرجت وأقبلا يتناجيان، أسمع الكلام وما أدري ما يقولان، حتى إذا قلت: قد انتصف النهار فأتيت الباب، فقلت: أدخل يا رسول الله؟

قال: لا. فكبوت كبوه شديده، مخافه أن يكون ردني من سخطه [سخطه] أو نزل في شيء من السماء، ثم لم ألبث أن أتيت الباب الثانيه، فقلت: أدخل يا رسول الله؟ قال: لا. فكبوت كبوه أشد من الأولى، ثم لم ألبث حتى أتيت الباب الثالثه، فقلت: أدخل يا رسول الله؟

فقال: أدخل يا أم سلمة.

فدخلت وعلي عليه السلام جاث بين يديه وهو يقول: فداك أبي وأمي يا رسول الله! إذا كان كذا وكذا فما تأمرني؟

قال: آمرك بالصبر.

ثم أعاد عليه القول الثانيه، فأمره بالصبر، فأعاد عليه القول الثالثه.

فقال له: يا علي، يا أخي! إذا كان ذاك منهم فسل سيفك، وضعه علي عاتقك واضرب به قدماً قدماً حتى تلقاني وسيفك شاهر يقطر من دمائهم.

ثم التفت صلى الله عليه وآله إلي، فقال لي: واللّه! ما هذه الكبأه يا أم سلمة!

قلت: للذي كان من ردك لي يا رسول الله!

فقال لي: واللّه! ما رددتك من موجهه وإنك لعلي خير من الله ورسوله، لكن أتيتني وجبرئيل عن يميني وعلي عن يساري وجبرئيل يخبرني بالأحداث التي تكون من بعدي وأمرني أن أوصي بذلك علياً.

اُم سلمه گفت: مادرت به عزایت بگریید! چه کار زشتی کردی! بنشین تا آنچه از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیده ام برایت بگویم، پس در کارت تجدید نظر کن.

ما تَه زن، همسران پیامبر بودیم، در یک شب و روزی که نوبت من بود، پیامبر صلی الله علیه و آله در حالی که دست در دست علی علیه السلام داشت، وارد خانه من شد و فرمود: از اطاق بیرون شو و ما را تنها بگذار.

من خارج شدم و آن ها مشغول صحبت شدند. از بیرون فقط همه آن ها را می شنیدم، ولی نمی فهمیدم که چه می گویند. نصف روز گذشت، آمدم پشت در، اجازه ورود گرفتم، ولی اجازه نفرمود. ترسیدم شاید از من ناراحت شده یا آیه ای در مورد من نازل شده است. مدتی درنگ کردم، دوباره اجازه خواستم، باز فرمود: نه.

بیشتر ترسیدم و ناراحت شدم. برای بار سوم در زدم.

فرمود: وارد شو.

وارد شدم، علی علیه السلام دو زانو برابر پیامبر صلی الله علیه و آله نشسته بود و عرض می کرد: پدر و مادرم قربان شما! اگر چنین و چنان شد، چه دستوری می فرماید؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: دستور صبر است.

دوباره پرسید، فرمود: صبر.

در مرتبه سوم، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ای علی، ای برادرم! اگر چنین کردند شمشیر بردار، آن قدر بزن و پیش برو تا در حالی که خون از شمشیرت می چکد، به دیدار من بیایی.

سپس رو به من فرمود: ای ام سلمه! چرا افسرده ای؟

عرض کردم: ترسیدم از من ناراحت شده ای.

فرمود: به خدا سوگند! من تو را از روی خشم و ناراحتی بیرون ننمودم؛ چرا که تو در نظر خدا و رسولش نیکویی، ولی هنگامی که تو آمدی، جبرئیل سمت راست من بود و علی علیه السلام در سمت چپ، جبرئیل گزارش پیشامدهای پس از مرا می داد و سفارش می کرد که آن ها را به علی علیه السلام وصیت کنم.

يا أم سلمة! اسمعى واشهدى، هذا على بن أبى طالب عليه السلام أخى فى الدنيا وأخى فى الآخرة.

يا أم سلمة! اسمعى واشهدى، هذا على بن أبى طالب وزيرى فى الدنيا ووزيرى فى الآخرة.

يا أم سلمة! اسمعى واشهدى، هذا على بن أبى طالب حامل لوائى فى الدنيا وحامل لوائى غداً فى القيامة.

يا أم سلمة! اسمعى واشهدى، هذا على بن أبى طالب وصيى وخليفتى من بعدى وقاضى عداتى والذائد عن حوضى.

يا أم سلمة! اسمعى اشهدى، هذا على بن أبى طالب سيد المسلمين، وإمام المتقين، وقائد الغر المحجلين، وقاتل الناكثين والقاسطين والمارقين.

قلت: يا رسول الله من الناكثون؟

قال: الذين يبايعونه بالمدينة وينكثون بالبصرة.

قلت: من القاسطون؟

قال: معاويه وأصحابه من أهل الشام.

قلت: من المارقون؟

قال: أصحاب النهروان.

فقال مولى أم سلمة: فزجت عنى فزج الله عنك. والله! لا سببت عليك أبداً.

ای اُم سلمه! بشنو و گواه باش که این علی بن ابی طالب برادر من است در دنیا و آخرت.

ای اُم سلمه! بشنو و گواه باش که این علی بن ابی طالب وزیر من در دنیا و آخرت است.

ای اُم سلمه! بشنو و گواه باش که این علی، پرچمدار من است در دنیا و فردای قیامت.

ای اُم سلمه! بشنو و گواه باش که این علی، وصی و خلیفه من است، به وعده های من عمل می نماید و ناهلان را از حوض کوثر دور می کند.

ای اُم سلمه! بشنو و گواه باش که این علی، آقای مسلمانان، امام پرهیزکاران، پیشوای دست و روسفیدان و کشنده ناکثان و قاسطان و مارقان است.

عرض کردم: ای پیامبر خدا! ناکثان چه کسانی هستند؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: آن ها که در مدینه بیعت کنند و در بصره بیعت شکنی نمایند.

گفتم: قاسطان کیانند؟

فرمود: معاویه و اصحاب شامی او.

گفتم: مارقان چه کسانی هستند؟

فرمود: اصحاب نهروان.

در این هنگام شخصی که از امام علی علیه السلام بدگویی کرده بود، گفت:

عقده دلم را گشودی، خدا در کار تو گشایش قرار دهد. به خدا قسم! دیگر هرگز از علی علیه السلام بدگویی نمی کنم. (۱)

ص: ۱۵۵

٩٩ - حدّثنا محمّد بن عمر الحافظ البغدادي، عن الحسن بن عبد الله بن محمّد التميمي، عن أبيه، عن الرضا، عن آباءه عليهم السلام قال:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

خُلقت أنا وعلى من نور واحد.

١٠٠ - حدّثنا الورّاق، عن علي بن محمّد بن عنبسه، عن دارم، عن الرّضا عليه السلام، عن آباءه عليهم السلام: عن النبي صلى الله عليه وآله قال:

خلق الله عزّ وجلّ مائة ألف نبي وأربعة وعشرين ألف نبي؛ أنا أكرمهم على الله ولا فخر.

و خلق الله عزّ وجلّ مائة ألف وصي وأربعة وعشرين ألف وصي فعلى أكرمهم على الله وأفضلهم.

١٠١ - حدّثنا أبي، عن محمّد بن يحيى العطار، عن الحسين بن إسحاق التاجر قال: حدّثنا علي بن مهران، عن الحسن بن سعيد، عن الحسين بن علوان، عن زياد بن المنذر، عن بدر بن عبد الله، عن أنس بن مالك قال:

سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول:

يدخل عليكم من هذا الباب خير الأوصياء وسيد الشهداء و أدنى الناس منزله من الأنبياء.

فدخل علي بن أبي طالب عليه السلام فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: وما لي لا أقول هذا يا أبا الحسن! وأنت صاحب حوضي والموفى بدمّتي والمؤدّي عنّي ديني.

## فضایلی دیگر از حضرت علی "علیه السلام"

۹۹ - پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود:

من و علی از یک نور آفریده شدیم. (۱)

۱۰۰ - امام رضا از پدران بزرگوارش و از پیامبرصلی الله علیه وآله نقل می کند که فرمود:

خداوند یک صد و بیست و چهار هزار پیغمبر آفرید که من گرامی ترین آن ها نزد خدایم، ومن بر این فخر و مباهات نمی کنم.

و خداوند یکصد و بیست و چهار هزار وصی آفرید که علی علیه السلام در پیشگاه خدا برتر و گرامی تر از همه آن هاست. (۲)

۱۰۱ - انس فرزند مالک می گوید: از پیامبر خداصلی الله علیه وآله شنیدم که فرمود:

اکنون بهترین اوصیا، آقا و سرور شهیدان و کسی که نزدیک ترین مقام را به پیامبران دارد، از این در وارد می شود.

آن گاه علی بن ابی طالب علیه السلام از در وارد شد. پیامبر فرمود: ای ابا الحسن! چرا چنین نگوییم؟ حق همین است که گفتم؛ چون تو صاحب حوض کوثر هستی، تو وفا کننده عهد و پیمان من و پرداخت کننده دین من هستی. (۳)

ص: ۱۵۷

---

۱- ۱۳۶. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۴۱، حدیث ۱۰.

۲- ۱۳۷. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۴۱، حدیث ۱۱.

۳- ۱۳۸. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۳۷، حدیث ۱۰.



١٠٢ - حَدَّثَنَا الهمداني رحمه الله، عن علي بن إبراهيم بن هاشم، عن جعفر بن سلمه، عن الثقفى، عن أحمد بن عمران، عن الحسن بن عبد الله، عن خالد بن عيسى الأنصارى، عن عبد الرحمان بن أبي ليلي رفعه قال:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

الصدّيقون ثلاثه: حبيب النجار، مؤمن آل ياسين الّذى يقول «اتَّبِعُوا الْمُزْسَلِينَ اتَّبِعُوا مَنْ لَا يَشِيءُ لَكُمْ أَجْرًا وَهُمْ مُهْتَدُونَ» (١) وحزقيل، مؤمن آل فرعون، وعلى بن أبى طالب عليه السلام وهو أفضلهم.

١٠٣ - حَدَّثَنَا الطالقاني، عن الحسن بن علي العدوى، عن الحسين بن أحمد الطفاوى، عن قيس بن الربيع، عن سعد الخفاف، عن عطيه العوفى، عن مخدوج بن زيد الدهلى؛

أَنَّ رسول الله صلى الله عليه وآله آخى بين المسلمين ثم قال:

يا على! أنت أخى وأنت منى بمنزله هارون من موسى غير أنه لا نبي بعدى.

أما علمت يا على! أنه أول من يدعى به يوم القيامة يدعى بى، فأقوم عن يمين العرش فأكسى حله خضراء من حلل الجنّة ثم يدعى بأبينا إبراهيم عليه السلام، فيقوم عن يمين العرش فى ظلّه فيكسى حله خضراء من حلل الجنّة، ثم يدعى بالنبيين بعضهم على أثر بعض فيقومون سماطين عن يمين العرش فى ظلّه ويكسون حللاً خضراء من حلل الجنّة؟

ألا وإني أخبرك يا على! أن أمتى أول الأمم يحاسبون يوم القيامة.

ثم أبشرك يا على! أن أول من يدعى يوم القيامة يدعى بك، هذا لقرابتك منى ومنزلتك عندى، فيدفع إليك لوائى وهو لواء الحمد،... مكتوب عليها ثلاثه أسطر:

الأول: بسم الله الرحمن الرحيم.

والآخر: الحمد لله رب العالمين.

ص: ١٥٨

صدیقان سه نفرند: حبیب نجار، مؤمن آل یاسین، همان که می گوید: «از فرستادگان خدا پیروی کنید، همانان که از شما مزدی درخواست نمی کنند و خود هدایت شده اند» و حزقیل، مؤمن آل فرعون و علی بن ابی طالب علیه السلام، و او از همه اینان برتر است. (۱)

۱۰۳ - مخدوج بن زید ذهلی یکی از یاران پیامبر خداصلی الله علیه وآله می گوید:

پیامبر صلی الله علیه وآله، میان مسلمانان پیمان برادری بست؛ آن گاه به علی علیه السلام فرمود:

ای علی! تو نیز برادر من هستی. تو برای من، مثل هارون برای موسی می باشی، جز این که پس از من پیامبری نمی آید.

ای علی! آیا نمی دانی من نخستین کسی هستم که روز قیامت فراخوانده می شوم، آن گاه در سمت راست عرش می ایستم در حالی که لباس سبزی از لباس های بهشتی بر تن دارم. پس از آن پدرمان، ابراهیم، و سپس سایر پیامبران را یکی پس از دیگری صدا می کنند و در دو صف، در کنار عرش می ایستند؟

ای علی! آگاه باش که اُمت من، نخستین اُمتی است که به حساب آن ها رسیدگی می شود و مزده باد بر تو ای علی! که تو نخستین کسی هستی که فراخوانده می شوی و این به جهت نزدیکی و مقامی است که پیش من داری.

سپس پرچم مرا - که پرچم حمد است - به تو می دهند...

بر این پرچم سه سطر نوشته شده:

سطر اول: بسم الله الرحمن الرحيم.

سطر دوم: الحمد لله رب العالمين.

ص: ۱۵۹

والثالث: لا إله إلا الله، محمد رسول الله.

... فتسير باللواء والحسن عن يمينك والحسين عن يسارك حتى تقف بيني وبين إبراهيم في ظل العرش، فتكسى حله خضراء من حلل الجنة. ثم ينادى مناد من عند العرش:

نعم الأب أبوك إبراهيم، ونعم الأخ أخوك علي...

١٠٤ - حدثنا الحسن بن محمّد بن يحيى العلوي، عن جدّه يحيى بن الحسن، عن إبراهيم بن علي والحسن بن يحيى معاً، عن نصر بن مزاحم، عن أبي خالد، عن زيد بن علي، عن آبائه عليهم السلام

عن علي عليه السلام قال:

كان لي عشر من رسول الله صلى الله عليه وآله لم يعطهن أحد قبلي ولا يعطاهن أحد بعدي.

قال صلى الله عليه وآله لي: يا علي! أنت أخي في الدنيا وأخي في الآخرة، أنت أقرب الناس منّي موقفاً يوم القيامة، ومنزلي ومنزلك في الجنة متواجهان كمنزل الأخوين، وأنت الوصي، وأنت الولي، وأنت الوزير، عدوك عدوي وعدوي عدو الله ووليّك وليي ووليي ولي الله عزّ وجلّ.

١٠٥ - حدثنا الطالقاني، عن إسماعيل بن إبراهيم الحلواني، عن أحمد بن منصور، عن هديبه بن عبد الوهاب، عن سعد بن عبد الحميد، عن عبد الله بن زياد اليماني، عن عكرمه بن عمار، عن إسحاق بن عبد الله بن أبي طلحة، عن انس بن مالك قال:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

نحن بنو عبد المطلب سادة أهل الجنة: رسول الله وحمزه سيد الشهداء

وجعفر ذوالجناحين وعلي وفاطمة والحسن والحسين والمهدي.

١٠٦ - حدثنا ابن المغيرة، عن جدّه الحسن بن علي، عن جدّه عبد الله بن المغيرة، عن إسماعيل بن مسلم السكوني، عن الصادق جعفر بن محمد، عن أبيه، عن آبائه عليهم السلام قال:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

أحبّ إخواني إلى علي بن أبي طالب عليه السلام وأحبّ أعمامي إلى حمزه.

سَطْر سَوِّم: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ.

... در حالی که حسن علیه السلام سمت راست تو و حسین علیه السلام در سمت چپ توست، پرچم را می آوری تا این که بین من و ابراهیم علیه السلام، در سایه عرش می ایستی، تو نیز لباس سبزی از لباس های بهشتی بر تن می کنی. سپس از جانب عرش صدا زنند که:

«چه پدر خوبی است پدرت ابراهیم و چه برادر خوبی است برادرت علی.» (۱)

۱۰۴ - حضرت امام علی علیه السلام می فرماید:

پیامبر خداصلی الله علیه وآله، ده چیز به من داد که به هیچ کس، نه پیش از من و نه پس از من داده نشده و آن ده چیز این است که فرمود:

ای علی! تو در دنیا و آخرت، برادر من هستی. جایگاه تو در قیامت از همه مردم به من نزدیک تر است. منزل من و تو در بهشت همانند منزل دو برادر رو به روی هم هستند. تو وصی، ولی و وزیر هستی. دشمن تو، دشمن من است و دشمن من، دشمن خداست. دوست تو، دوست من است و دوست من، دوست خداست. (۲)

۱۰۵ - انس بن مالک می گوید: پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود:

ما فرزندان عبدالمطلب، آقایان اهل بهشت هستیم؛ یعنی رسول خدا، حمزه، سیدالشهداء، جعفر طیار (که دو بال در بهشت دارد)، علی، فاطمه، حسن، حسین و مهدی علیهم السلام. (۳)

۱۰۶ - امام صادق علیه السلام از پدرانش و ایشان از پیامبر خداصلی الله علیه وآله نقل می کند که فرمود:

محبوب ترین برادرانم، علی بن ابی طالب و بهترین عموهایم حمزه است. (۴)

ص: ۱۶۱

۱- ۱۴۱. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۵۲، حدیث ۱۳.

۲- ۱۴۲. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۱۸، حدیث ۸.

۳- ۱۴۳. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۷۲، حدیث ۱۵.

۴- ۱۴۴. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۸۲، حدیث ۷.

## مناقب علي "عليه السلام" في كلام له

١٠٧ - حَدَّثَنَا الطالقاني عن الهمداني، عن المنذر بن محمد، عن جعفر بن سليمان، عن عبد الله بن الفضل، عن سعد بن طريف، عن الأصبع بن نباته، قال:

قال أمير المؤمنين عليه السلام في بعض خطبه:

أيها الناس! اسمعوا قولي واعقلوه عني، فإنّ الفراق قريب، أنا إمام البريه، ووصي خير الخليقه، زوج سيده نساء هذه الأئمه، وأبو العتره الطاهره والأئمه الهاديه.

أنا أخو رسول الله ووصيه ووليه ووزيره وصاحبه وصفيه وحيبيه وخيله.

أنا أمير المؤمنين، وقائد الغر المحجلين وسيد الوصيين، حربى حرب الله، وسلمى سلم الله، وطاعتي طاعه الله، وولايتي ولايه الله، وشيعتي أولياء الله، وأنصاري أنصار الله.

والله الذي خلقني ولم أك شيئاً! لقد علم المستحفظون من أصحاب رسول الله محمد صلى الله عليه وآله أنّ الناكثين والقاسطين والمارقين ملعونون على لسان النبي صلى الله عليه وآله الأُمى «وَقَدْ خَابَ مَنْ افْتَرَى . (١)»

١٠٨ - حَدَّثَنَا أَبِي عن سعد بن عبد الله، عن الهيثم بن أبي مسروق النهدي، عن الحسين بن علوان، عن عمرو بن ثابت، عن أبيه، عن سعد بن طريف، عن الأصبع بن نباته، قال:

قال أمير المؤمنين عليه السلام ذات يوم على منبر الكوفه:

أنا سيد الوصيين، ووصي سيد النبيين، أنا إمام المسلمين، وقائد المتقين، وولي المؤمنين، وزوج سيده نساء العالمين، أنا المتختم باليمين، والمعترف للجبين، أنا الذي هاجرت الهجرتين، وبايعت البيعتين، أنا صاحب بدر وحنين، أنا الضارب بالسيفين، والحامل على فرسين، أنا وارث علم الأولين، وحجّه الله على العالمين بعد الأنبياء ومحمد بن عبد الله صلى الله عليه وآله خاتم النبيين. أهل موالاتي مرحومون، وأهل عداوتي ملعونون، ولقد كان حبيبي رسول الله صلى الله عليه وآله كثيراً ما يقول لي: يا علي! حبك تقوى وإيمان، وبغضك كفر ونفاق وأنا بيت الحكمة وأنت مفتاحه، وكذب من زعم أنّه يحبني ويغضك.

ص: ١٦٢

۱۰۷ - اصبح ابن نباته می گوید: امام علی علیه السلام در یکی از خطبه هایش فرمود:

ای مردم! سخن مرا بشنوید و آن را بفهمید که جدایی نزدیک است.

من امام خلق و وصی بهترین مردم هستم. همسر بانوی زنان این اُمت و پدر عترت طاهره و امامان هدایتگر می باشم.

من برادر، وصی، ولی، وزیر، همراه، برگزیده، دوست و رفیق رسول خدا هستم.

من امیرمؤمنان و پیشوای دست و روسفیدان و سرور اوصیاء هستم؛ جنگ با من جنگ با خداست و صلح با من صلح با خداست، اطاعت از من، اطاعت از خدا و ولایت من، ولایت خداست؛ پیروان من، دوستان خدایند و یاران من، یاران خدا.

سوگند به آن که مرا آفرید - آن گاه که هیچ نبودم - به طور حتم یاران رسول خداصلی الله علیه و آله می دانند که آن حضرت، پیمان شکنان، ستمگران و از دین بیرون رفتگان را لعنت فرموده است و به طور حتم نومید شد آن کس که دروغ بست. (۱)

۱۰۸ - امیرالمؤمنین علیه السلام روزی بر بالای منبر کوفه فرمود:

منم سرور اوصیاء و وصی سرور پیامبران. منم امام مسلمانان و پیشوای پرهیزکاران و ولی مؤمنان و همسر سرور زنان جهانیان، منم که انگشتر به دست راست کنم و پیشانی بر خاک نهم. منم که دو بار هجرت کردم و دو بار بیعت نمودم. منم جنگاور بدر و حنین و ضربت زنده با دو شمشیر و سوار شونده بر دو اسب. بعد از پیامبران و خاتم آن ها، محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله وارث علم اولین و حجت خدا بر عالمین من هستم. دوستدارانم مورد رحمت و دشمنانم مورد لعنت می باشند. حبیب رسول خدا بسیار می فرمود: «ای علی! دوستی با تو تقوی و ایمان است و دشمنی با تو کفر و نفاق است. من خانه حکمتم و تو کلید آنی. دروغگو است کسی که گمان برد مرا دوست دارد و حال آن که کینه تو را در دل دارد.» (۲)

ص: ۱۶۳

۱- ۱۴۶. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۸۸، حدیث ۹.

۲- ۱۴۷. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۷، حدیث ۲.

١٠٩ - حدّثنا الحافظ، عن أحمد بن عبد العزيز بن الجعد، عن عبد الرحمان بن صالح، عن شعيب بن راشد، عن جابر، عن أبي جعفر عليه السلام قال:

قام على عليه السلام يخطب الناس بصفّين يوم جمعه وذلك قبل الهرير بخمسه أيام، فقال:

الحمد لله على نعمه الفاضله...

وقد عهد إلى رسول الله صلى الله عليه وآله عهداً لن أخرج عنه وقد حضركم عدوكم وقد عرفتم من رئيسهم يدعوهم إلى باطل وابن عمّ نبيكم صلى الله عليه وآله بين أظهركم يدعوكم إلى طاعه ربكم والعمل بسنه نبيكم، ولا سواء من صلّى قبل كلّ ذكر لم يسبقني بالصلاه غير نبي الله.

وأنا والله! من أهل بدر، والله! إنكم لعلى الحق وإنّ القوم لعلى الباطل، فلا يصبر القوم على باطلهم ويجمعوا عليه وتتفرّقوا عن حقكم، «قاتلوهم يعدّ بهم الله بأيديكم» (١)، فإن لم تفعلوا ليعذبهم الله بأيدي غيركم.

فأجابه أصحابه، فقالوا: يا أمير المؤمنين! انهض إلى القوم إذا شئت فوالله! ما نبغى بك بدلاً، نموت معك ونحيا معك.

فقال لهم مجيباً لهم: والذى نفسى بيده! ينظر إلى رسول الله صلى الله عليه وآله وأنا أضرب قدامه بسيفى، فقال: «لا سيف إلا ذو الفقار ولا فتى إلا على» ثم قال لى: يا على! أنت منى بمنزله هارون من موسى غير أنّه لا نبى بعدى وحياتك يا على! وموتك معى، فوالله! ما كذبت ولا ضللت ولا ضلّ بى ولا نسيت ما عهد إلى إنى إذا لنسى وإنى لعلى بينه من ربى بينها لنبيه صلى الله عليه وآله فبينها إلى وإنى لعلى الطريق الواضح، ألقطه لقطاً.

ص: ١٦٤

امام علی علیه السلام در جنگ صفین، در روز جمعه، پنج روز پیش از لیله الیهیر (۱) خطبه مفصلی ایراد کرد تا بدین جا رسید که فرمود:

... پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با من عهدی نموده که هرگز از آن خارج نشوم.

دشمن در مقابل شما صف آرایی کرده و می داند که رئیس آن ها که آنان را به سوی باطل فرا می خواند چه کسی است. و پسر عموی پیامبرتان، بین شماست و شما را به اطاعت خدا و عمل به سنت پیامبرش دعوت می کند. کسی که پیش از همه نماز خوان بوده و جز پیامبر کسی بر او پیشی نگرفته است، با دیگران برابر نیست.

به خدا قسم! من از اهل بدر هستم، به خدا قسم! شما بر حقیق و دشمن شما بر باطل، با این حال آن ها متحد هستند و شما متفرق، «با آن ها نبرد کنید تا خدا آن ها را به دست شما عذاب کند.» اگر شما انجام ندهید خدا به دست دیگران آن ها را عذاب خواهد کرد.

یارانش گفتند: ای امیرمؤمنان! هر گاه خواستی حرکت کن و فرمان جهاد بده، به خدا قسم! ما جز تو کسی را نخواهیم، با تو زنده ایم و با تو می میریم.

امام علی علیه السلام در جوابشان فرمود: قسم به خدایی که جانم به دست اوست! در برابر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شمشیر می زدم، فرمود: «شمشیری جز ذوالفقار و جوانمردی جز علی نیست.» سپس فرمود: «ای علی! تو نسبت به من، مانند هارون نسبت به موسی هستی جز این که پس از من پیامبری نیست. ای علی! زندگی و مرگ تو با من است.»

به خدا قسم، نه دروغ می گویم و نه به من دروغ گفته شده است، نه گمراهم و نه مرا به گمراهی برده اند، سفارشی هم که به من شده فراموش نکرده ام، از جانب پروردگارم دلیل روشن دارم؛ همان که خداوند به پیامبرش سفارش فرمود و او هم برایم بیان نموده. من به راهی گام می نهم که قدم به قدم آن را می شناسم.

ص: ۱۶۵

---

۱- ۱۴۹. در جنگ صفین درگیری شدیدی بین طرفین اتفاق افتاد. این درگیری که به مدت دو روز و یک شب ادامه داشت، موجب در هم شکسته شدن لشکر معاویه گردید. آن شب به لیله الیهیر معروف است.



ثم نهض إلى القوم يوم الخميس فاقتتلوا من حين طلعت الشمس حتى غاب الشفق، ما كانت صلاة القوم يومئذ إلا تكبيراً عند مواقيت الصلاة، فقتل على عليه السلام يومئذ بيده خمسمائه وستة نفر من جماعه القوم، فأصبح أهل الشام ينادون: يا علي! اتق الله في البقيه ورفعوا المصاحف على أطراف القنا!!

١١٠ - حدثنا السناني، عن الأسدي، عن البرمكي، عن عبد الله بن أحمد، عن القاسم بن سليمان، عن ثابت بن أبي صفيه، عن سعيد بن علاق، عن أبي سعيد عقيصا، عن سيد الشهداء الحسين بن علي بن أبي طالب، عن سيد الأوصياء أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام قال:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

يا علي! أنت أخي و أنا أخوك، أنا المصطفى للنبوّه و أنت المجتبي للإمامه، و أنا صاحب التنزيل و أنت صاحب التأويل، و أنا و أنت أبوا هذه الأمه.

يا علي! أنت وصيي و خليفتي و وزيرى و وارثى و أبو ولدى، شيعتك شيعتى، وأنصارك أنصارى و أولياؤك أوليائى و أعداؤك أعدائى.

يا علي! أنت صاحبى على الحوض غداً و أنت صاحبى فى المقام المحمود، و أنت صاحب لوائى فى الآخره كما أنت صاحب لوائى فى الدنيا.

لقد سعد من تولّاك، وشقى من عاداك، وإن الملائكه لتقرب إلى الله تقدره بمرحبتك و ولايتك.

والله! إن أهل مودّتك فى السماء لأكثر منهم فى الأرض.

يا علي! أنت أمين أمتى و حجه الله عليها بعدى؛ قولك قولى، وأمرك أمرى، وطاعتك طاعتى، وزجرك زجرى، ونهيك نهى، ومعصيتك معصيتى، و حزبك حزبى، و حزبى حزب الله «وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ». (١)

ص: ١٦٦

آن گاه روز پنج شنبه حضرتش علیه السلام آماده نبرد شد و لشکر نبرد را آغاز کردند، در یک روز از طلوع آفتاب تا ناپدید شدن سرخی آفتاب، مشغول جنگ بودند و در آن روز نمازهای آن ها فقط تکبیر بود. در آن روز، امام علی علیه السلام ۵۰۶ نفر از دشمن را کشت، فردایش اهل شام فریاد زدند: ای علی! دیگر بس است، در مورد بقیه افراد از خدا بترس (!! سبیس با نیرنگ، قرآن ها را سرنیزه ها کردند. (۱)

۱۱۰ - امام حسین علیه السلام از پدر بزرگوارش امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل می کند که فرمود: پیامبر خداصلی الله علیه وآله به من فرمود:

ای علی! تو برادر من و من برادر توام، من برای پیامبری برگزیده شدم و تو برای امامت، من صاحب تنزیل هستم و تو صاحب تأویل، من و تو، دو پدر این امت هستیم.

ای علی! تو وصی و خلیفه و وزیر و وارث من هستی، تو پدر فرزندان من می باشی، شیعیان تو شیعیان من می باشند؛ یاران تو یاران من، دوستان تو دوستان من و دشمنان تو دشمنان منند.

ای علی! تو در روز رستاخیز، بر سر حوض کوثر، همراه من و در مقام محمود پیش من هستی، تو در جهان آخرت پرچمدار من خواهی بود، آن سان که در دنیا پرچمدار منی.

به طور حتم سعادت مند گشت کسی که با تو دوستی کند، و آن که با تو دشمنی ورزد بدبخت شد. فرشتگان آسمان با دوستی و ولایت تو، به خدا تقرّب می جویند.

به خدا قسم! که دوستان تو در آسمان بیشتر از دوستانت در زمین هستند.

ای علی! پس از من، تو امین امت من و حجت خدا بر آن هایی، سخن تو سخن من، و امر تو امر من است و اطاعت از تو اطاعت از من است و نهی تو نهی من و نافرمانی تو نافرمانی از من است. حزب تو حزب من، و حزب من، حزب خداست. «و هر کس که ولایت و دوستی با خدا و پیامبر او و افراد با ایمان را بپذیرد، پیروز است؛ زیرا حزب خدا قطعاً پیروز است.» (۲)

ص: ۱۶۷

---

۱- ۱۵۱. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۶۳، حدیث ۱۰.

۲- ۱۵۲. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۵۳، حدیث ۱۳.

١١١ - حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ عَيْسَى الْقَمِي، عَنْ إِبْنِ مَاجِيلُوِيَه، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ خَلْفِ بْنِ حَمَادٍ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْعَبْدِيِّ، عَنْ سَلِيمَانَ بْنِ مَهْرَانَ، عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ آبَائِهِ، عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

يا علي! أنت أخي ووارثي ووصيي وخليفتي في أهلي وأمتي، في حياتي وبعد مماتي، محبّك محبّي ومبغضك مبغضى.

يا علي! أنا وأنت أبوا هذه الأمة.

يا علي! أنا وأنت والأئمّة من ولدك سادته في الدنيا وملوك في الآخرة، من عرفنا فقد عرف الله، ومن أنكرنا فقد أنكر الله عزّ وجلّ.

١١٢ - حَدَّثَنَا الْوَرَّاقُ، عَنْ سَعْدِ، عَنِ النَّهْدِيِّ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلْوَانَ، عَنْ عَمْرٍو بْنِ خَالِدٍ، عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفٍ، عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نَبَاتِهِ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول:

أنا سيد ولد آدم وأنت يا علي! والأئمّة من بعدك سادته أمتي؛ من أحببنا فقد أحبّ الله، ومن أبغضنا فقد أبغض الله، ومن والانا فقد والى الله، ومن عادانا فقد عادى الله، ومن أطاعنا فقد أطاع الله، ومن عصانا فقد عصى الله.

١١٣ - حَدَّثَنَا الْقَطَّانُ، عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ الْفَضْلِ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ هَارُونَ، عَنْ عَزْرَةَ الْقَطَّانِ، عَنْ مَسْعُودِ الْخَلَّادِيِّ، عَنْ تَلِيدٍ، عَنْ أَبِي الْحَجَّافِ، عَنْ أَبِي إِدْرِيسَ، عَنْ مُجَاهِدٍ، عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله لى:

يا علي! من فارقك فقد فارقتى، ومن فارقتى فقد فارق الله عزّ وجلّ.

۱۱۱ - امام صادق علیه السلام از پدرانیش و از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نقل می کند که به امام علی علیه السلام فرمود:

ای علی! تو برادر، وارث، وصی و خلیفه منی، در خاندانم و در اُمتم، در زمان حیاتم و پس از مرگم؛ دوست تو، دوست من است و دشمن تو دشمن من.

ای علی! من و تو، دو پدر این اُمت هستیم.

ای علی! من و تو و امامان از فرزندان تو، سروران دنیا و پادشاهان آخرت می باشیم؛ هر که ما را شناخت، در واقع خدا را شناخته و هر که منکر ما شود، در واقع منکر خدا شده است. (۱)

۱۱۲ - امام علی علیه السلام می فرماید: از پیامبر خداصلی الله علیه وآله شنیدم که فرمود:

من سید و آقای فرزندان آدم هستم و تو ای علی! و امامان بعد از تو، آقایان اُمت من هستید، هر کس ما را دوست بدارد، خدا را دوست داشته و آن که بر ما کینه ورزد، بر خدا کینه ورزیده است. هر که ولایت ما را بپذیرد، به ولایت خدا در آمده، و هر که با ما دشمنی کند با خدا دشمنی کرده است. هر که از ما اطاعت کند، اطاعت خدا کرده و هر که از ما نافرمانی کند، نافرمانی خدا را کرده است. (۲)

۱۱۳ - مجاهد از امام علی علیه السلام نقل می کند که فرمود: پیامبر صلی الله علیه وآله به من فرمود:

ای علی! هر کس از تو جدا شود از من جدا شده و هر کس از من جدا شود از خداوند متعال جدا شده است. (۳)

ص: ۱۶۹

---

۱- ۱۵۳. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۹۴، حدیث ۶.

۲- ۱۵۴. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۷۲، حدیث ۱۶.

۳- ۱۵۵. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۸۲، حدیث ۸.

١١٤ - حَدَّثَنَا الْقَطَّانُ، عَنْ ابْنِ زَكَرِيَّا الْقَطَّانِ، عَنْ ابْنِ حَبِيبٍ، عَنْ ابْنِ بَهْلُولٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ صَالِحٍ، عَنْ أَبِي عَوَانَةَ، عَنْ أَبِي بَشْرٍ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ جَبْرِ،

عَنْ عَائِشَةَ، قَالَتْ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ:

أَنَا سَيِّدُ الْأَوْلِيَانِ وَالْآخِرِينَ وَعَلَى بَنِي أَبِي طَالِبٍ سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ وَهُوَ أَخِي وَوَارِثِي وَخَلِيفَتِي عَلَى أُمَّتِي، وَلَا يَتَهُ فَرِيضُهُ وَأَتْبَاعُهُ فَضِيلُهُ وَمُحِبَّتُهُ إِلَى اللَّهِ وَسَيْلُهُ، فَحُزْبُهُ حِزْبُ اللَّهِ، وَشِيعَتُهُ أَنْصَارُ اللَّهِ وَأَوْلِيَاؤُهُ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ وَأَعْدَاؤُهُ أَعْدَاءُ اللَّهِ وَهُوَ إِمَامُ الْمُسْلِمِينَ وَمَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَمِيرِهِمْ بَعْدِي.

١١٥ - حَدَّثَنَا يَعْقُوبُ بْنُ يُونُسَ الْفَقِيه، عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُحَمَّدِ الصَّفَّارِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُبَيْدِ بْنِ عَتَبَةَ الْكِنْدِيِّ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ شَرِيكٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ الْأَعْمَشِ، عَنْ عَطَاءٍ قَالَ:

سَأَلْتُ عَائِشَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

فَقَالَتْ: ذَاكَ [ذَلِكَ] خَيْرُ الْبَشَرِ وَلَا يَشْكُ فِيهِ إِلَّا كَافِرٌ.

١١٦ - حَدَّثَنَا الْحَافِظُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ رَفِيعٍ، عَنْ أَبِي غَسَّانِ الْمَسْمَعِيِّ، عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ الصَّبَّاحِ قَالَ: حَدَّثَنَا عِمْرَانُ بْنُ جَرِيرٍ، عَنْ الْحَسَنِ قَالَ: قَالَ عَمْرٌو:

إِنِّي لَا أَرَى فِي الْقَوْمِ أَحَدًا أَحْرَى أَنْ يَحْمِلَهُمْ عَلَى كِتَابِ اللَّهِ وَسُنَّةِ نَبِيِّهِ مِنْهُ، يَعْنِي عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

١١٧ - حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ يَحْيَى بْنِ ضَرِيرِيسَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي عَوَانَةَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْلَمَةَ الْقَعْنَبِيِّ قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ لَهِيْعَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ ابْنِ عَرُوهِ بْنِ الزَّبِيرِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ قَالَ:

وَقَعَ رَجُلٌ فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ بِمَحْضَرٍ مِنْ عَمْرِو بْنِ الْخَطَّابِ.

فَقَالَ لَهُ عَمْرٌو: تَعْرِفُ صَاحِبَ هَذَا الْقَبْرِ؟ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الْمَطْلَبِ، وَعَلَى بَنِي أَبِي طَالِبٍ بْنِ عَبْدِ الْمَطْلَبِ، لَا تَذْكُرُنَّ عَلِيًّا إِلَّا بِخَيْرٍ، فَإِنَّكَ إِنْ تَنَقَّصْتَهُ آذَيْتَ هَذَا فِي قَبْرِهِ.

۱۱۴ - عایشه می گوید: از پیامبر خداصلی الله علیه وآله شنیدم که فرمود:

من، آقا و سرور اولین و آخرین هستم و علی بن ابی طالب سرور اوصیاست؛ او برادر، وارث و جانشین من بر اُمت است؛ ولایت او واجب و پیروی از او مایه فضیلت و برتری است، و محبت او وسیله نزدیکی به خداست.

حزب او حزب خدا و شیعیان او یاران خدا، دوستانش دوستان خدا و دشمنانش دشمنان خدایند؛ علی پس از من، امام مسلمانان، مولی و امیر مؤمنان است. (۱)

۱۱۵ - عطاء می گوید: از عایشه راجع به علی بن ابی طالب علیه السلام پرسیدم.

گفت: او، برترین بشر است و کسی جز کافر در او شک نمی کند. (۲)

۱۱۶ - عمران بن جریر از حسن نقل می کند که گوید: عمر گفت:

در بین همه مردم کسی را شایسته تر از علی بن ابی طالب برای وادار کردن مردم به اطاعت از کتاب خدا و سنت پیامبرش نمی بینم. (۳)

۱۱۷ - عروه فرزند زبیر از جدش نقل می کند:

مردی در حضور عمر بن خطاب، از علی علیه السلام بدگویی می کرد.

عمر به آن مرد گفت: آیا صاحب این قبر را می شناسی؟

او محمّد فرزند عبدالله، فرزند عبدالمطلب است و علی نیز پسر ابوطالب فرزند عبدالمطلب است، پس علی را جز به نیکی یاد مکن، زیرا اگر بدگویی او کنی موجب آزار و اذیت صاحب این قبر می شوی. (۴)

ص: ۱۷۱

۱- ۱۵۶. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۸۵، حدیث ۲۵.

۲- ۱۵۷. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۱۸، حدیث ۳.

۳- ۱۵۸. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۷۲، حدیث ۲۵.

۴- ۱۵۹. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۶۱، حدیث ۱۲.

١١٨ - حدّثنا أبي، عن المؤدّب، عن أحمد الأصبهاني، عن الثقفى، عن قتيبه بن سعيد، عن حمّاد بن زيد، عن عبد الرحمان السراج، عن نافع، عن عبد الله بن عمر قال:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله لعلى بن أبى طالب عليه السلام:

إذا كان يوم القيامة يؤتى بك يا على! على نجيب من نور وعلى رأسك تاج قد أضاء نوره وكاد يخطف أبصار أهل الموقف، فيأتى النداء من عند الله جلّ جلاله: أين خليفه محمّد رسول الله صلى الله عليه وآله؟

فتقول: ها أنا ذا.

قال: فينادى المنادى: يا على! أدخل من أحبّك الجنّة، ومن عاداك النار، فأنت قسيم الجنّة، وأنت قسيم النار.

١١٩ - حدّثنا أبي، عن المؤدّب، عن أحمد بن على، عن الثقفى، عن قتيبه بن سعيد، عن حمّاد بن زيد، عن عبد الرحمن بن السراج، عن نافع، عن ابن عمر قال:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

من فضّل أحداً من أصحابى على على عليه السلام فقد كفر.

ص: ١٧٢

۱۱۸ - عبدالله بن عمر می گوید:

پیامبر خدا صلی الله علیه وآله به علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود:

ای علی! آن گاه که قیامت بر پا شود تو را سوار بر اسبی نجیب از جنس نور بیاورند، نور تاج سرت چنان درخشان است که چشم اهل محشر را خیره می کند، در این حال از جانب خدا ندا می رسد:

کجاست خلیفه محمد، پیامبر خدا؟

و تو می گویی: من اینجا هستم.

سپس منادی اعلان می کند: ای علی! دوستانت را به بهشت ببر و دشمنانت را به دوزخ، چرا که تو تقسیم کننده بهشت و دوزخ هستی. (۱)

۱۱۹ - نافع از قول فرزند عمر می گوید:

پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود: هر کس، یکی از یاران مرا بر علی علیه السلام برتری دهد به طور حتم کافر است. (۲)

ص: ۱۷۳

---

۱- ۱۶۰. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۵۷، حدیث ۱۴.

۲- ۱۶۱. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۹۴، حدیث ۴.



## حب علي "عليه السلام" وبغضه

١٢٠ - حدّثنا علي بن محمّد بن الحسن القزويني، عن محمّد بن عبد الله بن عامر، عن عصام بن يوسف، عن محمّد بن أيوب الكلابي، عن عمرو بن سليمان، عن زيد بن ثابت قال:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

من أحبّ علياً في حياته وبعد موته كتب الله عزّ وجلّ له من الأمن والإيمان ما طلعت عليه شمس وغربت، ومن أبغضه في حياته وبعد موته مات موته جاهليه وحوسب بما عمل.

١٢١ - حدّثنا محمّد بن علي رحمه الله عن عمه، عن محمّد بن علي الكوفي، عن محمّد بن سنان، عن زياد بن المنذر، عن سعيد بن جبير، عن ابن عبّاس قال:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

المخالف علي بن أبي طالب عليه السلام بعدى كافر، والمشرك به مشرك، والمحبّ له مؤمن، والمبغض له منافق، والمقتفى لأثره لاحق، والمحارب له مارق، والراذ عليه زاهق.

علي، نور الله في بلاده وحجّته على عباده.

علي، سيف الله على أعدائه، ووارث علم أنبيائه.

علي كلمه الله العليا، وكلمه أعدائه السفلى. (١)

علي سيد الأوصياء، ووصي سيد الأنبياء.

علي، أمير المؤمنين وقائد الغرّ المحجّلين وإمام المسلمين، لا يقبل الله الإيمان إلاّ بولايته وطاعته.

ص: ١٧٤

## دوستی و دشمنی با حضرت علی "علیه السلام"

۱۲۰ - زید بن ثابت می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

هر کسی علی علیه السلام را در زندگی او و پس از مرگش دوست بدارد خداوند به او امان و ایمن بدهد تا آنجا که آفتاب بتابد و غروب نماید و هر کس او را دشمن بدارد، به مرگ جاهلیت بمیرد و به آنچه انجام داده محاسبه شود. (۱)

۱۲۱ - ابن عباس می گوید که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

پس از من، هر که با علی بن ابی طالب علیه السلام مخالفت کند، کافر است. کسی که شریک برای او قرار دهد مشرک است. دوست علی، مؤمن است و دشمن او، منافق. هر کس از او پیروی کند، به حق خواهد رسید و هر که با او جنگ کند از دین خارج می شود. و آن که امر او را رد کند نابود می گردد.

علی علیه السلام نور خدا در زمین و حجت خدا بر بندگان است.

علی علیه السلام شمشیر خداست بر سر دشمنان و اوست وارث علم پیامبران.

علی علیه السلام کلمه بلند مرتبه خدا است و کلمه دشمنان او، در پست ترین مرتبه است.

علی علیه السلام آقای اوصیا و وصی آقای پیامبران است.

علی علیه السلام امیر و مولای مؤمنان، جلودار دست و روسفیدان و امام مسلمانان است، خداوند ایمن کسی را جز با ولایت و اطاعت او نمی پذیرد. (۲)

ص: ۱۷۵

---

۱- ۱۶۳. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۸۵، حدیث ۲۷.

۲- ۱۶۴. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۳، حدیث ۶.

١٢٢ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ، عَنْ يَوْسُفَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ زِيَادٍ وَعَلَى بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ سِيَارٍ، عَنْ أَبِيهِمَا، عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْعَسْكَرِيِّ، عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله لبعض أصحابه ذات يوم:

يا عبد الله! أحب في الله، وأبغض في الله، ووال في الله، وعاد في الله؛ فإنه لا تنال ولا يه الله إلا بذلك ولا يجد رجل طعم الإيمان وإن كثرت صلواته وصيامه حتى يكون كذلك، وقد صارت مؤاخاه الناس يومكم هذا أكثرها في الدنيا، عليها يتوآدون وعليها يتباغضون وذلك لا يغنى عنهم من الله شيئاً.

فقال له: وكيف لى أن أعلم أنى قد واليت وعاديت فى الله عزوجل؟ فمن ولى الله عزوجل حتى أواليه ومن عدوه حتى أعاديه؟

فأشار له رسول الله صلى الله عليه وآله إلى على عليه السلام فقال: أ ترى هذا؟

فقال: بلى.

قال: ولى هذا ولى الله، فواله، وعدو هذا عدو الله، فعاده، وال ولى هذا ولو أنه قاتل أبىك وولدك، وعاد عدو هذا ولو أنه أبوك وولدك.

١٢٣ - حَدَّثَنَا ابْنُ الْمُتَوَكَّلِ، عَنِ السَّعْدِ ابْنِ أَبِي دَاوُدَ، عَنِ الْبَرْقِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ، عَنْ أَبِي الْجَارُودِ زِيَادِ بْنِ الْمُنْذَرِ، عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ الْوَلِيدِ، عَنْ شَيْخٍ مِنْ ثَمَالِهِ قَالَ:

دخلت على امرأه من تميم، عجوز كبيره وهى تحدت الناس فقلت لها: يرحمك الله! حدثنى فى بعض فضائل أمير المؤمنين على عليه السلام.

قالت: أحدثك وهذا شيخ كما ترى بين يدي نائم.

فقلت لها: ومن هذا؟

فقلت: أبو الحمراء، خادم رسول الله صلى الله عليه وآله.

۱۲۲ - پیامبر خداصلی الله علیه وآله به یکی از یاران خود فرمود:

ای بنده خدا! دوستی و دشمنی ات برای خدا باشد و مهر و غضبت نیز برای خدا؛ زیرا که به ولایت خدا نمی رسی، جز با این کار.

هیچ کس مزه ایمان را درک نمی کند هر چند نماز و روزه اش زیاد باشد مگر این که چنین باشد، ولی در این روزگار، اکثر مردم بر اساس دنیا، دوستی و دشمنی می کنند در حالی که این، برایشان هیچ سودی از جانب خدا ندارد.

آن شخص به پیامبر صلی الله علیه وآله عرض کرد: معیار دوستی و دشمنی در راه خدا چیست؟ دوست خدا کیست، تا با او دوستی کنم؟ و دشمن خدا کیست تا دشمن او باشم؟

پیامبر خداصلی الله علیه وآله در حالی که به علی علیه السلام اشاره می کرد فرمود: آیا این مرد را می بینی؟

عرض کرد: آری.

حضرت فرمودند: دوست او، دوست خداست؛ پس با او دوستی کن. دشمن او، دشمن خداست، پس با او دشمن باش. دوست او را دوست بدار، هر چند قاتل پدر و فرزندت باشد، و دشمن او را دشمن بدار، هر چند پدر یا فرزندت باشد. (۱)

۱۲۳ - شخصی از طایفه ثماله می گوید:

پیرزنی فرتوت از قبیله تمیم را دیدم که برای مردم حدیث می گفت، به او گفتم: خدایت رحمت کند! حدیثی از فضایل امیرالمؤمنین برایم بازگو.

گفت: چگونه من حدیث بگویم در حالی که می بینی این پیرمرد در این جا خوابیده است.

گفتم: این مرد کیست؟

گفت: ابو حمراء، خادم پیامبر خداصلی الله علیه وآله است.

ص: ۱۷۷

فجلست إليه، فلما سمع حسي استوى جالساً، فقال: مه؟

فقلت: رحمك الله! حدثني بما رأيت من رسول الله صلى الله عليه وآله، يصنع بعلي عليه السلام، فإن الله يسألك عنه.

فقال: على الخير وقعت، أما ما رأيت النبي صلى الله عليه وآله يصنعه بعلي عليه السلام، فإنه قال لي ذات يوم: يا أبا الحمراء! انطلق فادع لي مائة من العرب وخمسين رجلاً من العجم وثلاثين رجلاً من القبط وعشرين رجلاً من الحبشه. فأتيت بهم، فقام رسول الله صلى الله عليه وآله فصّف العرب، ثم صّف العجم خلف العرب وصف القبط خلف العجم، وصف الحبشه خلف القبط، ثم قام فحمد الله وأثنى عليه ومجد الله بتمجيد لم يسمع الخلائق بمثله، ثم قال:

يا معشر العرب والعجم والقبط والحبشه! أقررتم بشهاده أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له وأن محمداً عبده ورسوله؟ فقالوا: نعم.

فقال: اللهم اشهد - حتى قالها ثلاثاً - فقال في الثالثة: أقررتم بشهاده أن لا إله إلا الله وأنى محمداً عبده ورسوله وأن علي بن أبي طالب أمير المؤمنين وولي أمرهم من بعدى؟ فقالوا: اللهم نعم.

فقال: اللهم اشهد، حتى قالها ثلاثاً.

ثم قال لعلي عليه السلام: يا أبا الحسن! انطلق فائتني بصحيفه ودواه.

فدفعها إلى علي بن أبي طالب وقال: اكتب.

فقال: وما أكتب؟

قال: اكتب «بسم الله الرحمن الرحيم، هذا ما أقرت به العرب والعجم والقبط والحبشه؛ أقروا بشهاده أن لا إله إلا الله وأن محمداً عبده ورسوله وأن علي بن أبي طالب أمير المؤمنين وولي أمرهم من بعدى.»

ثم ختم الصحيفه ودفعها إلى علي عليه السلام فما رأيتها إلى الساعة.

نزد او نشستم، متوجه حضور من شد برخاست و نشست، پرسید چه خبر است؟

گفتم: خدا تو را رحمت کند! حدیثی از نحوه برخورد پیامبر صلی الله علیه و آله با علی علیه السلام برای من بگو که خدا هم از تو بازپرسی خواهد کرد.

گفت: خوب جایی آمدی، من اطلاعات زیادی دارم.

یک روز پیامبر صلی الله علیه و آله به من فرمود: برو ۱۰۰ نفر عرب، ۵۰ نفر عجم، ۳۰ نفر قبلی و ۲۰ نفر حبشی را نزد من حاضر کن.

من چنین کردم، آن حضرت عرب، عجم، قبلی و حبشی را به ترتیب در صفوف جداگانه مرتب کرد، سپس برخاست و حمد و ستایش خدا نمود و چنان تمجید حق کرد که مردم مانند آن را نشنیده بودند. آن گاه فرمود:

ای گروه عرب و عجم و قبلی و حبشی! آیا اعتراف دارید که: خدایی جز خدای یگانه نیست، شریکی ندارد و محمد بنده و فرستاده اوست؟

گفتند: آری.

پیامبر سه مرتبه فرمود: خدایا گواه باش و در مرتبه سوم فرمود: آیا اعتراف دارید که خدا یکی است، محمد بنده و پیامبر خدا و علی بن ابی طالب، امیر مؤمنان و ولی امر آنان پس از من است؟

گفتند: آری

پیامبر صلی الله علیه و آله سه مرتبه فرمود: خدایا شاهد باش.

سپس به علی علیه السلام فرمود: برو کاغذ و قلم بیاور.

پیامبر صلی الله علیه و آله کاغذ و قلم را به علی داد و فرمود: بنویس.

علی علیه السلام گفت: چه بنویسم؟

فرمود: بنویس «به نام خداوند بخشنده مهربان، این است اعتراف عرب، عجم، قبلی و حبشی که خدایی جز خدای یگانه نیست، شریکی ندارد و محمد بنده اوست و علی بن ابی طالب، امیر مؤمنان و ولی امر آن ها پس از من است.»

پیامبر آن نامه را مهر کرد و به علی علیه السلام سپرد و من آن را تا حالا ندیدم.

فقلت: رحمك الله! زدني.

فقال: نعم، خرج علينا رسول الله صلى الله عليه وآله يوم عرفه وهو آخذ بيد علي عليه السلام فقال: يا معشر الخلائق! إن الله تبارك وتعالى باهى بكم فى هذا اليوم ليغفر لكم عامه، ثم التفت إلى علي عليه السلام فقال له: وغفر لك يا علي خاصه.

وقال: يا علي! ادن مني.

فدنا منه، فقال: إن السعيد حق السعيد من أحبك وأطاعك؛ وإن الشقى كل الشقى من عاداك ونصب لك وأبغضك.

يا علي! كذب من زعم أنه يحبني ويبغضك.

يا علي! من حاربك فقد حاربنى ومن حاربنى فقد حارب الله عز وجل.

يا علي! من أبغضك فقد أبغضنى، ومن أبغضنى فقد أبغض الله، وأتعمس الله جده و أدخله نار جهنم.

ص: ١٨٠

گفتم: ای ابو حمراء! باز هم بگو.

خادم پیامبر صلی الله علیه وآله گفت: روز عرفه، پیامبر خدا صلی الله علیه وآله بر ما وارد شد و در حالی که دست علی علیه السلام را به دست داشت، فرمود:

ای مردم! به راستی که خداوند امروز به شما مباحثات می کند که همه شما را بیامرزد.

سپس رو به علی علیه السلام کرد و فرمود: خداوند تو را مورد مغفرت ویژه قرار داد.

سپس فرمود: ای علی! نزدیک من بیا.

علی علیه السلام نزدیک رفت.

پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: سعادت مند واقعی کسی است که تو را دوست بدارد و اطاعتت کند و همه بدبختی ها از آن کسی است که تو را دشمن دارد و مقابل تو بایستد و کینه ات را داشته باشد.

ای علی! دروغ می گوید کسی که گمان دارد دوست من است و با تو دشمنی می کند.

ای علی! هر که با تو بجنگد با من جنگیده و هر که با من بجنگد با خدا جنگیده است.

ای علی! دشمن تو، دشمن من است و دشمن من، دشمن خداست، خداوند چنین کسی را بخت برگشته گردانده و به دوزخ می برد. (۱)

ص: ۱۸۱



## منكر على "عليه السلام"

١٢٤ - حدّثنا محمّد بن عمر الحافظ البغدادي، عن أبو محمّد الحسن بن عبد الله بن محمّد بن علي بن العباس الرازي، عن أبي عبد الله بن محمّد بن علي بن العباس بن هارون التميمي، عن آباءه عليهم السلام عن علي بن أبي طالب عليهما السلام قال:

قال النبي صلى الله عليه وآله:

أنت خير البشر ولا يشكّ فيك إلاّ كافر.

١٢٥ - حدّثنا أبي، عن علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن إبراهيم بن رجاء، عن أحمد بن يزيد [حماد بن يزيد] عن أبان، عن ابن عباس، أو عن أبان بن ثابت، عن أنس بن مالك قال:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

من ناصب علياً حارب الله، ومن شكّ في علي فهو كافر.

١٢٦ - حدّثنا يعقوب بن يوسف، عن عبد الرحمان الخيطي، عن أحمد بن يحيى الأزدي، عن حسن بن حسين العرنى، عن إبراهيم بن يوسف، عن شريك، عن منصور، عن ربعي، عن حذيفه:

أنّه سئل عن علي عليه السلام؛

فقال: ذاك [ذلك] خير البشر ولا يشكّ فيه إلاّ منافق.

## منکر حضرت علی "علیه السلام"

۱۲۴ - امام هشتم از پدران بزرگوارش از علی بن ابی طالب علیهم السلام نقل می کند که پیامبر صلی الله علیه وآله به من فرمود:

تو برترین بشری و کسی، جز کافر، در مورد تو شک و تردید نمی کند. (۱)

۱۲۵ - انس بن مالک می گوید: رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمودند:

هر کس با علی علیه السلام دشمنی کند، با خدا در جنگ است و هر کس در مورد علی علیه السلام شک کند، کافر است.

(۲)

۱۲۶ - ربیع می گوید:

از حذیفه در باره علی بن ابی طالب علیه السلام سؤال شد، گفت:

او برترین بشر است و کسی جز منافق در او شک نمی کند. (۳)

ص: ۱۸۳

---

۱- ۱۶۷. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۱۸، حدیث ۷.

۲- ۱۶۸. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۹۶، حدیث ۶.

۳- ۱۶۹. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۱۸، حدیث ۴.

١٢٧ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الصَّائِغُ، عَنْ عَيْسَى بْنِ مُحَمَّدٍ الْعُلُوِي، عَنْ أَبِي عَوَانَةَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَلِيمَانَ بْنِ بَزِيْعٍ، عَنْ إِسْمَاعِيلِ بْنِ أَبِي بَانَ، عَنْ سَلَامِ بْنِ أَبِي عَمْرَةَ الْخِرَاسَانِيِّ، عَنْ مَعْرُوفِ بْنِ خَرْبُوذِ الْمَكِّي، عَنْ أَبِي الطَّفِيلِ عَامِرِ بْنِ وَائِلَةَ، عَنْ حَذِيفَةَ بْنِ أَسِيدِ الْغِفَارِيِّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ:

يَا حَذِيفَةَ! إِنَّ حُجَّةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ [عَلَيْكَ بَعْدِي عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، الْكُفْرُ بِهِ كُفْرٌ بِاللَّهِ، وَالشِّرْكُ بِهِ شِرْكٌ بِاللَّهِ، وَالشُّكُّ فِيهِ شُكٌّ فِي اللَّهِ، وَاللَّحَادُ فِيهِ الْحَادُ فِي اللَّهِ، وَالْإِنْكَارُ لَهُ الْإِنْكَارُ لِلَّهِ، وَالْإِيمَانُ بِهِ الْإِيمَانُ بِاللَّهِ، لِأَنَّهُ أَخُو رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَوَصِيهِ وَإِمَامُ أُمَّتِهِ وَمَوْلَاهُمْ، وَهُوَ حَبْلُ اللَّهِ الْمَتِينِ، وَعُرْوَتُهُ الْوَثْقَى الَّتِي لَا تَنْفَصِمُ لَهَا، وَسَيَهْلِكُ فِيهِ إِثْنَانٌ وَلَا ذَنْبَ لَهُ: مُحِبٌّ غَالٍ وَمَقْصُرٌ.

يَا حَذِيفَةَ! لَا تَفَارِقَنَّ عَلِيًّا فَتَفَارِقَنِي، وَلَا تَخَالَفَنَّ عَلِيًّا فَتَخَالَفَنِي، إِنَّ عَلِيًّا مَنِّي وَأَنَا مِنْهُ، مَنْ أَسْخَطَهُ فَقَدْ أَسْخَطَنِي، وَمَنْ أَرْضَاهُ فَقَدْ أَرْضَانِي.

١٢٨ - حَدَّثَنَا الطَّالِقَانِيُّ، عَنْ أَحْمَدِ الْهَمْدَانِيِّ، عَنِ الْمُنْذَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ فَضْلِ، عَنْ ثَابِتِ بْنِ دِينَارٍ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ جَبْرِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ:

مَنْ أَنْكَرَ إِمَامَهُ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعْدِي كَانَ كَمَنْ أَنْكَرَ نَبِيَّتِي فِي حَيَاتِي، وَمَنْ أَنْكَرَ نَبِيَّتِي كَانَ كَمَنْ أَنْكَرَ رَبِّيهِ رَبَّهُ عَزَّ وَجَلَّ.

١٢٩ - حَدَّثَنَا أَبِي، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ رَجَاءٍ، عَنْ وَكَيْعٍ، عَنْ شَرِيكَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَقِيلٍ، عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ:

مَنْ فَضَّلَ أَحَدًا مِنْ أَصْحَابِي عَلِيًّا عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَدْ كَفَرَ.

۱۲۷ - حذیفه پسر اسید غفاری می گوید: پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود:

ای حذیفه! به راستی که علی بن ابی طالب پس از من، حجت خدا بر شماست. کفر به او، کفر به خدا و شرک به او، شرک به خداست؛ شک در او، شک در خدا، و الحاد و انکار او، الحاد و انکار خداست و ایمان به او، ایمان به خداست؛ چون او برادر و وصی رسول خدا و امام اُمت پیامبر و مولای آن هاست؛ او ریسمان محکم الهی است که هرگز گسیخته نخواهد شد. و به زودی دو گروه به خاطر او نابود شوند: یکی دوستی که در باره او زیاده روی و غلو کند و دیگر کسی که در حق او کوتاهی نماید.

ای حذیفه! هیچ گاه از علی علیه السلام جدا نشو که از من جدا می شوی، با او مخالفت نکن که مخالف من می شوی؛ علی علیه السلام از من است و من از علی؛ هر کس او را به خشم آورد، مرا به خشم آورده و هر کس او را خشنود کند مرا خشنود کرده است. (۱)

۱۲۸ - ابن عباس می گوید: پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود:

هر کس پس از من، امامت علی علیه السلام را انکار کند، همانند کسی است که در دوران زندگی من، پیامبری مرا انکار کرده است، و هر کس منکر پیامبری من باشد همانند کسی است که خدایی پروردگارش را منکر شده است. (۲)

۱۲۹ - جابر بن عبدالله انصاری می گوید: پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمودند:

هر کس یکی از یاران مرا بر علی علیه السلام برتری بدهد به طور حتم کفر ورزیده است. (۳)

ص: ۱۸۵

---

۱- ۱۷۰. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۳۶، حدیث ۲.

۲- ۱۷۱. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۹۴، حدیث ۵.

۳- ۱۷۲. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۹۶، حدیث ۵.

١٣٠ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ الصَّيْرَفِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْعَبَّاسِ، عَنْ أَبِي الْخَيْرِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يُونُسَ الْبَصْرِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يُونُسَ وَأَبِي الْخَيْرِ، مَعًا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى، عَنْ أَبِي بَكِيرِ النَّخَعِيِّ، عَنْ شَرِيكَ، عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ، عَنْ أَبِي وَاثِلَ، عَنْ حَازِمِ بْنِ الْيَمَانِيِّ:

عن النبي صلى الله عليه وآله أنه قال:

علي بن أبي طالب خير البشر ومن أبي فقد كفر.

١٣١ - حَدَّثَنَا إِبْنُ الْمُتَوَكَّلِ، عَنْ مُحَمَّدِ الْعَطَّارِ، عَنْ الْأَشْعَرِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ السَّنْدِيِّ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ فَضِيلِ بْنِ عَثْمَانَ، عَنْ أَبِي الزَّبِيرِ الْمَكِّيِّ قَالَ:

رَأَيْتُ جَابِرًا مُتَوَكِّنًا عَلَى عَصَاهُ وَهُوَ يَدُورُ فِي سَكَّكَ الْأَنْصَارِ وَمَجَالِسِهِمْ وَهُوَ يَقُولُ:

علي خير البشر، فمن أبي فقد كفر.

يا معشر الأنصار! أدّبوا أولادكم على حبّ علي عليه السلام، فمن أبي فانظروا في شأن أمه.

١٣٢ - حَدَّثَنَا أَبِي، عَنْ الْمُؤَدَّبِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيِّ الْأَصْبَهَانِيِّ، عَنْ الثَّقَفِيِّ، عَنْ قَتَيْبَةَ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ عَمْرٍو بْنِ غَزْوَانَ، عَنْ أَبِي مُسْلِمٍ قَالَ:

خَرَجْتُ مَعَ الْحَسَنِ الْبَصْرِيِّ وَأَنْسَ بْنَ مَالِكٍ، حَتَّى أَتَيْنَا بَابَ أُمِّ سَلْمَةَ فَفَعَدَ أَنْسَ عَلَى الْبَابِ وَدَخَلْتُ مَعَ الْحَسَنِ الْبَصْرِيِّ، فَسَمِعْتُ الْحَسَنَ وَهُوَ يَقُولُ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّاهُ وَرَحِمَهُ اللَّهُ وَبَرَكَاتِهِ.

فَقَالَتْ لَهُ: وَعَلَيْكَ السَّلَامُ، مَنْ أَنْتَ يَا بَنِي؟

فَقَالَ: أَنَا الْحَسَنُ الْبَصْرِيُّ.

فَقَالَتْ: فِيمَا جِئْتَ يَا حَسَنُ؟

۱۳۰ - حذیفه می گوید: پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود:

علی بن ابی طالب برترین بشر است و هر کس این را انکار کند بی تردید کافر است. (۱)

۱۳۱ - ابازبیر مکی گوید:

جابر بن عبدالله انصاری را در حالی که بر عصا تکیه داده بود دیدم که در محله و محافل انصار می گشت و می گفت:

علی علیه السلام برترین بشر است و هر کس انکار کند بی تردید کافر است.

ای گروه انصار! فرزندان خود را بر دوستی علی بن ابی طالب علیه السلام پرورش دهید. پس هر کس انکار کرد، ببینید

مادرش چه کاره است! (در پاکی مادر او شک کنید). (۲)

۱۳۲ - ابو مسلم می گوید:

همراه حسن بصری و انس بن مالک می رفتیم تا این که به خانه اُم سلمه رسیدیم، انس جلوی درب نشست و من همراه حسن وارد خانه شدیم.

حسن گفت: سلام مادر جان! درود و رحمت خدا بر تو باد.

اُم سلمه جواب سلام را داد و گفت: تو کیستی پسر م؟

گفت: حسن بصری هستم.

اُم سلمه گفت: برای چه آمده ای؟

ص: ۱۸۷

---

۱- ۱۷۳. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۱۸، حدیث ۵.

۲- ۱۷۴. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۱۸، حدیث ۶.

فقال لها: جئت لتحدّثيني بحديث سمعته أذناك من رسول الله صلى الله عليه وآله في علي بن أبي طالب عليه السلام.

فقلت أم سلمة: والله! لأحدّثتك بحديث سمعته من رسول الله صلى الله عليه وآله وإلا فصمتا، ورأته عيناى وإلا فعميتا، ووعاه قلبي، وإلا فطبع الله عليه، وأخرس لساني إن لم أكن.

سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول لعلي بن أبي طالب عليه السلام:

يا علي! ما من عبد لقي الله يوم يلقاه جاحداً لولايتهك إلا لقي بعباده صنم - أو وثن -.

قال: فسمعت الحسن البصرى وهو يقول: الله أكبر أشهد أنّ علياً مولاى ومولى المؤمنين.

فلما خرج قال له أنس بن مالك: ما لى أراك تكبر؟

قال: سألت أمنا أم سلمة أن تحدّثنى بحديث سمعته من رسول الله صلى الله عليه وآله في علي عليه السلام فقالت لى كذا وكذا، فقلت: الله أكبر، أشهد أنّ علياً مولاى ومولى كل مؤمن.

قال: فسمعت عند ذلك أنس بن مالك وهو يقول: أشهد على رسول الله صلى الله عليه وآله أنه قال هذه المقالة ثلاث مرّات أو أربع مرّات.»

١٣٣ - حدّثنا ابن موسى، عن الأسدى، عن الفزارى، عن عباد بن يعقوب، عن منصور بن أبي نويره، عن أبي بكر بن عياش، عن قرن أبي سليمان الضبى قال:

أرسل على بن أبي طالب أمير المؤمنين عليه السلام إلى لييد العطاردى بعض شرطه، فمروا به على مسجد سماك، فقام إليه نعيم بن دجاجة الأسدى، فحال بينهم وبينه، فأرسل أمير المؤمنين عليه السلام إلى نعيم فجىء به.

قال: فرفع أمير المؤمنين عليه السلام شيئاً ليضربه.

فقال نعيم: والله، إنّ صحبتك لذلل وإنّ خلافتك لكفر.

فقال أمير المؤمنين عليه السلام: وتعلم ذلك؟

قال: نعم..

قال عليه السلام: خلوه.

گفت: آمده ام تا حدیثی را که با گوش هایت از پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد علی علیه السلام شنیده ای برایم بگویی.

اُم سلمه گفت: به خدا قسم! برای تو حدیثی بگویم که با گوش خود شنیده ام، با چشم خود دیده ام و قلبم آن را حفظ کرده است، اگر دروغ گفتم خدا گوشم را کر، چشمم را کور و دلم را مهر کند، لال بشوم اگر از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله چنین شنیده باشم. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود:

«ای علی! هر بنده ای که ولایت تو را منکر شود، روزی که خدا را ملاقات می کند همانند بت پرستان، ملاقات خواهد کرد.

در این هنگام، حسن بصری گفت: «اللّه اکبر»، گواهی می دهم که علی علیه السلام، مولای من و مولای همه مؤمنان است.

وقتی از خانه بیرون آمدیم، انس بن مالک به حسن گفت:

برای چه تکبیر گفتی؟

حسن گفت: از مادرمان، اُم سلمه خواستم، حدیثی را که از پیامبر صلی الله علیه و آله درباره علی علیه السلام شنیده بگوید و او این حدیث را بیان کرد و من تکبیر گفتم و گواهی به ولایت علی علیه السلام دادم.

ابو مسلم می گوید: شنیدم که انس بن مالک گفت: من نیز گواهی می دهم که این مطلب را سه - یا چهار - مرتبه از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیده ام. (۱)

۱۳۳ - ابوسلیمان ضبی می گوید:

امام علی علیه السلام چند نفر از مأموران خود را برای دستگیری لیبید عطاردی فرستاد، او را در مسجد سماک یافتند، هنگامی که می خواستند او را دستگیر کنند، نعیم بن دجانه اسدی به حمایت از او برخاست و مانع شد.

امیرالمؤمنین علیه السلام دستور داد، نعیم را احضار کردند.

ابو سلیمان می گوید: امام علی علیه السلام خواست او را تنبیه کند.

نعیم گفت: به خدا قسم که همراهی با شما خواری دارد و مخالفت با شما کفر است.

امام علی علیه السلام فرمود: واقعاً این را اعتقاد داری؟

عرض کرد: آری.

امام فرمود: او را رها کنید. (۲)



---

١-١٧٥. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ٥١، حديث ١٥.

٢-١٧٦. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ٥٨، حديث ٥.

## عقوبه سبّ علي "عليه السلام"

١٣٤ - حدّثنا القَطّان، عن العَبّاس بن الفضل، عن علي بن الفرات الأصبهاني، عن أحمد بن محمّد البصري، عن جندل بن والت، عن علي بن حمّاد، عن سعيد، عن ابن عبّاس:

أنّه مرّ بمجلس من مجالس قريش وهم يسبّون علي بن أبي طالب عليه السلام، فقال لقائده: ما يقول هؤلاء؟

قال: يسبّون علياً!!

قال: قربني إليهم، فلمّا أن وقف عليهم قال: أيكم السابّ لله؟

قالوا: سبحان الله! ومن يسبّ الله فقد أشرك بالله.

قال: فأيكم السابّ رسول الله صلى الله عليه وآله؟

قالوا: ومن يسبّ رسول الله فقد كفر.

قال: فأيكم السابّ علي بن أبي طالب عليه السلام؟

قالوا: قد كان ذلك.

قال: فأشهد بالله وأشهد لله لقد سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول:

من سبّ علياً فقد سبّني ومن سبّني فقد سبّ الله عزّ وجلّ.

ثمّ مضى، فقال لقائده: فهل قالوا شيئاً حين قلت لهم ما قلت؟

قال: ما قالوا شيئاً.

قال: كيف رأيت وجوههم؟

قال:

نظروا إليك بأعين محمّرة

نظر التيوس إلى شفار الجازر

۱۳۴ - سعید می گوید:

ابن عبّاس به همراه شخصی، از کنار عدّه ای از قریش که در حال دشنام دادن به علی بن ابی طالب علیه السلام بودند، می گذشت. از همراه خود پرسید:

این ها چه می گویند؟

پاسخ داد: به علی دشنام می دهند!

گفت: مرا نزدیک آن ها ببر. وقتی نزدیک آن ها قرار گرفت، پرسید:

کدام یک از شما به خدا دشنام می داد؟

گفتند: سبحان الله! دشنام به خدا موجب شرک است.

گفت: کدام یک به رسول خداصلی الله علیه وآله دشنام می داد؟

باز گفتند: سبحان الله! دشنام به پیامبر خداصلی الله علیه وآله موجب کفر است.

سپس گفت: کدام یک به علی بن ابی طالب دشنام می داد؟

گفتند: چنین بود. (و به او دشنام داده می شد).

ابن عبّاس گفت: خدا را گواه می گیرم و برای او شهادت می دهم که از پیامبرصلی الله علیه وآله شنیدم، که می فرمود: هر کس علی علیه السلام را دشنام دهد مرا دشنام داده و هر کس مرا دشنام دهد خدا را دشنام داده است.

سپس از آنان فاصله گرفت و از همراه خود پرسید: عکس العمل آن ها نسبت به سخنان من چه بود؟

پاسخ داد: چیزی نگفتند.

پرسید: صورت‌هایشان چگونه بود؟

پاسخ داد: چشمان آن ها مانند گوسفندی که به چاقوی قصاب نگاه می کند، سرخ شده بود.

قال: زدنى فداك أبوك.

قال:

خزر الحواجب ناكسو رقابهم أذقانهم

نظر الدليل إلى العزيز القاهر

قال: زدنى فداك أبوك.

قال: ما عندى غير هذا.

قال: لكن عندى:

أحياؤهم خزى على أمواتهم

والميتون فضيحه للغابر.

ص: ١٩٢

ابن عباس گفت: باز هم بگو.

گفت: ابروهای آن‌ها درهم و گردنشان به زیر افتاده، مانند شخصی ذلیل در برابر بزرگی قدرتمند.

ابن عباس گفت: بیشتر بگو.

گفت: غیر از آنچه گفتم چیزی نمی‌دانم.

ابن عباس گفت: ولی من می‌دانم زنده‌های آن‌ها موجب ننگ مرده‌هایشان هستند و مرده‌هایشان، موجب رسوایی بازماندگان. [\(۱\)](#)

ص: ۱۹۳

---

۱- ۱۷۷. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۲۱، حدیث ۲.

## طيب ولاده محبّ علي "عليه السلام"

١٣٥ - حدّثنا أبي و محمّد بن الحسن معاً، عن سعد، عن البرقي، عن عبد الرحمان الكوفي ويعقوب بن يزيد الأنباري معاً، عن عبد الله بن محمّد الغفاري، عن الحسين بن زيد، عن الصادق، عن آبائه عليهم السلام قال:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

من أحبنا أهل البيت فليحمد الله على أوّل النعم.

قيل: وما أوّل النعم؟

قال: طيب الولاده؛ ولا يحبنا إلا من طابت ولادته.

١٣٦ - حدّثنا ابن ناتان، عن علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن أبي زياد النهدي، عن عبيد الله بن صالح، عن زيد بن علي، عن أبيه، عن جدّه، عن أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليهم السلام قال:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

يا علي! من أحبني وأحبك وأحب الأئمّه من ولدك فليحمد الله على طيب مولده، فإنّه لا يحبنا إلا من طابت ولادته ولا يبغضنا إلا من خبث ولادته.

## حلال زادگی دوست دار حضرت علی "علیه السلام"

۱۳۵ - امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش نقل می کند که پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود:

هر کس ما، اهل بیت، را دوست بدارد، خدا را بر نخستین نعمت، حمد کند.

عرض شد: نخستین نعمت کدام است؟

فرمود: حلال زادگی؛ چون ما را کسی جز حلال زاده دوست ندارد. (۱)

۱۳۶ - امام سجّادعلیه السلام از پدر بزرگوارش، از جدّش امیرالمؤمنین علیه السلام، نقل می کند:

پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود:

ای علی! هر که من و تو و امامان از اولاد تو را دوست دارد، خدا را بر حلال زادگی خودش ستایش کند؛ زیرا دوست نمی دارد ما را مگر حلال زاده و دشمن نمی دارد ما را مگر حرام زاده. (۲)

ص: ۱۹۵

---

۱- ۱۷۸. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۷۲، حدیث ۱۲.

۲- ۱۷۹. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۷۲، حدیث ۱۴.

## نبذه من فضائل شيعه علي "عليه السلام"

١٣٧ - حدّثنا ابن ناتانه، عن علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن الريان بن الصلت، عن أبي الحسن علي بن موسى الرضا، عن أبيه، عن آباءه عليهم السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

شيعه علي هم الفائزون يوم القيامة.

١٣٨ - حدّثنا المؤدّب، عن أحمد بن يحيى بن زكريا القطان، عن بكر بن عبد الله بن حبيب، عن محمد بن عبيد الله، عن علي بن الحكم، عن هشام، عن أبي حمزه الثمالي، عن أبي جعفر محمد بن علي الباقر، عن آباءه عليهم السلام قال:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله لعلي عليه السلام:

يا علي! ما ثبت حبك في قلب امرئ مؤمن فزلت به قدمه على الصراط إلاّ ثبتت له قدم حتى يدخله الله عزّ وجلّ بحبّك الجنّة.

١٣٩ - حدّثنا أبي، عن أحمد بن إدريس، عن إبراهيم بن هاشم، عن الحسن بن محبوب، عن علي بن رثاب، عن موسى بن بكر، عن أبي الحسن موسى بن جعفر، عن أبيه، عن آباءه عليهم السلام قال:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

لا تستخفّوا بفقراء شيعه علي وعترته من بعده، فإنّ الرجل منهم ليشفع في مثل ربيعه ومضر.



## گوشه ای از فضائل شیعیان حضرت علی "علیه السلام"

۱۳۷ - امام رضا از پدران بزرگوارش علیهم السلام نقل می کند که پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود:

شیعیان علی، رستگاران روز رستاخیز هستند. (۱)

۱۳۸ - امام باقر از پدران بزرگوارش علیهم السلام نقل می کند که پیامبر خدا صلی الله علیه وآله به علی علیه السلام فرمود:

ای علی! چنین نیست که محبت تو در دل مؤمنی جای گیرد و قدمش بر صراط بلغزد، بلکه قدمش ثابت بماند، تا خداوند متعال او را به سبب دوستی تو داخل بهشت کند. (۲)

۱۳۹ - امام کاظم از پدران گرامش علیهم السلام نقل می کند که پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

فقیران از شیعیان علی علیه السلام و خاندانش را پس از او سبک نشمارید؛ زیرا که هر کدام از آن ها می توانند قبیله ای، مثل قبیله ربیع و مضر را شفاعت کنند. (۳)

ص: ۱۹۷

---

۱- ۱۸۰. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۵۷، حدیث ۱۳.

۲- ۱۸۱. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۸۵، حدیث ۲۸.

۳- ۱۸۲. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۵۰، حدیث ۱۶.

١٤٠ - حدّثنا أبي، عن سعد بن عبد الله، عن يعقوب بن يزيد، عن محمّد بن أبي عمير، عن حمزه بن حرمان، عن حرمان بن أعين، عن أبي حمزه الثمالي، عن علي بن الحسين عليه السلام قال:

قال سلمان الفارسي:

كنت ذات يوم جالساً عند رسول الله صلى الله عليه وآله، إذ أقبل علي بن أبي طالب عليه السلام، فقال له: أ لا أبشرك يا علي؟

قال: بلى يا رسول الله!

قال: هذا حبيبي جبرئيل يخبرني عن الله جلّ جلاله أنّه قد أعطى محبيك وشيعتك سبع خصال: الرفق عند الموت، والأنس عند الوحشه، والنور عند الظلمه، والأمن عند الفزع، والقسط عند الميزان، والجواز على الصراط، ودخول الجنّه قبل سائر الناس من الأمم بثمانين عاماً.

١٤١ - حدّثنا ابن موسى، عن ابن زكريا القطنان، عن ابن حبيب، عن عمر بن عبد الله، عن الحسن بن الحسين بن العاصم، عن عيسى بن عبد الله العلوي، عن أبيه، عن جده، عن علي عليه السلام قال:

حدّثني سلمان الخير رضي الله عنه فقال: يا أبا الحسن! قلّما أقبلت أنت وأنا عند رسول الله صلى الله عليه وآله إلا قال: يا سلمان! هذا وحزبه هم المفلحون يوم القيامة.

ص: ١٩٨

۱۴۰ - سلمان فارسی می گوید:

روزی در محضر پیامبر خداصلی الله علیه وآله بودم که امام علی علیه السلام نیز وارد شد، پیامبرصلی الله علیه وآله به او فرمود:  
ای علی! آیا مژده ای به تو ندهم؟

گفت: بفرمایید ای رسول خدا!

فرمود: دوستم جبرئیل، از طرف خدا به من خبر داد که به دوستان و شیعیان تو هفت ویژگی داده شده:

(۱) راحتی هنگام مرگ.

(۲) انس در هنگام وحشت.

(۳) نورانیت در تاریکی.

(۴) آسودگی و آرامش در زمان هراس.

(۵) عدالت و دادگری در وقت میزان.

(۶) عبور از صراط.

(۷) ورود به بهشت، ۸۰ سال زودتر از اُمت های دیگر. (۱)

۱۴۱ - امام علی علیه السلام از قول سلمان می فرماید:

سلمان به من گفت: ای علی، ای ابوالحسن! کمتر اتفاق می افتاد که تو بیایی و من نزد پیامبر خداصلی الله علیه وآله باشم مگر این که می فرمود:

ای سلمان! این مرد و حزب او همان رستگاران روز رستاخیز هستند. (۲)

ص: ۱۹۹

---

۱- ۱۸۳. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۵۴، حدیث ۱۵.

۲- ۱۸۴. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۷۴، حدیث ۵.

١٤٢ - حَدَّثَنَا الْقَطَّانُ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْحَسَنِيِّ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَيْسَى الْعَجَلِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ، عَنِ الْعِزْرَمِيِّ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَاتِمٍ، عَنْ شَرِيكَ، عَنْ سَالِمِ الْأَفْطُسِيِّ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ جَبْرِ، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله لعلي عليه السلام:

يا علي! شيعتك هم الفائزون يوم القيامة، فمن أهان واحداً منهم فقد أهانك، ومن أهانك فقد أهانتني، ومن أهانتني أدخله الله نار جهنم خالداً فيها وبئس المصير.

يا علي! أنت مني وأنا منك، روحك من روحي، وطينتكم من طينتي، وشيعتك خلقوا من فضل طينتنا، فمن أحبهم فقد أحبنا، ومن أبغضهم فقد أبغضنا، ومن عاداهم فقد عادانا، ومن ودّهم فقد ودّنا.

يا علي! إن شيعتك مغفور لهم على ما كان فيهم من ذنوب وعيوب.

يا علي! أنا الشفيح لشيعتك غداً إذا قمت المقام المحمود، فبشرهم بذلك.

يا علي! شيعتك شيعه الله، وأنصارك أنصار الله، وأولياؤك أولياء الله، وحزبك حزب الله.

يا علي! سعد من تولّاك، وشقى من عاداك.

يا علي! لك كنز في الجنّة وأنت ذو قرنيها.

١٤٣ - حَدَّثَنَا الطَّالِقَانِيُّ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ الْعَبْدِيِّ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمَّارِ الْجَارُودِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَبِي الْجَارُودِ، عَنْ أَبِي الْهَيْثَمِ، عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

إن الله تبارك وتعالى يبعث أناساً وجوههم من نور، على كراسي من نور، عليهم ثياب من نور، في ظلّ العرش، بمنزله الأنبياء، وليسوا بالأنبياء

۱۴۲ - ابن عباس می گوید: پیامبر خداصلی الله علیه وآله به علی علیه السلام فرمود:

ای علی! شیعیان تو رستگاران روز قیامتند، هر کس به یکی از شیعیان تو اهانت کند به تو اهانت کرده، و اهانت به تو اهانت به من است، و هر کس به من اهانت کند، خداوند او را به آتش دوزخ افکنده، برای همیشه در آن بماند و چه بد سرانجامی است!

ای علی! تو از منی و من از تو هستم، روح تو از روح من و سرشت تو از سرشت من است، شیعیان تو نیز از فرزونی سرشت ما آفریده شدند، هر که آن ها را دوست بدارد، ما را دوست داشته و هر که با آن ها دشمنی کند با ما دشمنی کرده و هر که به آن ها مهر ورزد به ما مهر ورزیده است.

ای علی! عیب ها و گناهان شیعیان تو بخشیده شده است.

ای علی! من شفیع شیعیان توام، آن گاه که در مقام محمود بایستم، پس این مژده را به آن ها بده.

ای علی! شیعه تو، شیعه خداست و یاران تو، یاران خدا هستند؛ دوستان تو، دوستان خدا و حزب تو، حزب خداست.

ای علی! سعادت مند کسی است که تو را دوست بدارد و بدبخت، آن که تو را دشمن بدارد.

ای علی! برای تو در بهشت، گنجی است. و تو ذوالقرنین آن هستی. (۱)

۱۴۳ - انس بن مالک می گوید: پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود:

به راستی خداوند متعال انسان هایی را مبعوث کند که دارای چهره های نورانی بوده و لباس هایی از نور به تن دارند، آنان بر جایگاه های نورانی و در سایه عرش

ص: ۲۰۱

---

۱- ۱۸۵. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۴، حدیث ۸. در باره این بخش از روایت توضیحات متعددی داده شده است؛ از آن جمله در «معانی الأخبار» (شیخ صدوق رحمه الله) چاپ جامعه مدرسین، ۱۳۶۱ ص ۲۰۶ و نیز «المجازات النبویه» (سید رضی رحمه الله) صفحه ۸۷.

ويزنله الشهداء، وليسوا بالشهداء.

فقال رجل: أنا منهم يا رسول الله؟

قال: لا.

قال آخر: أنا منهم يا رسول الله؟

قال: لا.

قيل: من هم يا رسول الله؟

قال: فوضع يده على رأس علي عليه السلام وقال: هذا وشيعته.

١٤٤ - حدثنا محمد بن الحسن، عن الحسين بن الحسن بن أبان، عن الحسين بن سعيد، عن محمد بن أبي عمير، عن علي بن أبي حمزة، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله الصادق عليه السلام قال:

خرجت أنا وأبي عليه السلام حتى إذا كنا بين القبر والمنبر، إذا هو بأناس من الشيعة، فسلم عليهم، فردوا عليه السلام، ثم قال:

إني والله! لأحب ربيكم وأرواحكم فأعينوني على ذلك بورع واجتهاد، واعلموا أنّ ولايتنا لا تنال إلا بالعمل والاجتهاد، من ائتم منكم بعد فليعمل بعمله.

أنتم شيعة الله وأنتم أنصار الله، وأنتم السابقون الأولون والسابقون الآخرون، السابقون في الدنيا إلى ولايتنا، السابقون في الآخرة إلى الجنة وقد ضمنا لكم الجنة بضمنا الله وضمنا رسوله، ما على درجات الجنة أحد أكثر أزواجاً منكم، فتنافسوا في فضائل الدرجات.

أنتم الطيبون ونساءكم الطيبات، كلّ مؤمنة حوراء عيناء وكل مؤمن صديق، ولقد قال أمير المؤمنين عليه السلام لقنبر:

ص: ٢٠٢

مستقر شوند؛ پیامبر نیستند ولی مقام پیامبران را دارند، شهید نیستند ولی مقام شهیدان را دارند.

شخصی عرض کرد: ای پیامبر خدا! آیا من جزء آن ها هستم؟

فرمود: نه.

شخص دیگری سؤال کرد، حضرت فرمود: نه.

عرض شد: آن ها چه کسانی اند؟

پیامبر صلی الله علیه و آله دست بر سر علی علیه السلام نهاد و فرمود:

این مرد و پیروان او. (۱)

۱۴۴ - ابا بصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

همراه پدرم به مسجد النبی رفتیم بین منبر و قبر مطهر، عده ای از شیعیان جمع بودند، سلام کردیم و جواب دادند؛ پدرم، امام باقر علیه السلام فرمود:

من بوی شما و روح و جان شما را دوست می دارم، پس شما هم با تقوی و کوشش خود در این راه، مرا کمک کنید و بدانید که ولایت ما هم فقط با کار و کوشش به دست می آید. شما پیرو هر کس که بشوید، باید مانند او رفتار کند.

شما شیعه خدا، یاران خدا و از پیشی گیرندگان در دنیا و آخرت هستید، در دنیا به ولایت ما پیشی گرفته اید و در آخرت به سوی بهشت پیشی می گیرید. ما بهشت را برای شما به ضمانت خدا و رسول، ضمانت کردیم؛ حوریان شما در بهشت بیش از دیگران هستند. پس بکوشید تا به درجات بالاتری از بهشت نایل شوید.

شما پاک هستید همچنان که همسران شما پاکند، هر زن مؤمنی یک حوریه بهشتی است و هر مرد مؤمنی یک صدیق.

به راستی که امیرمؤمنان علی علیه السلام به قنبر فرمود:

ص: ۲۰۳

يا قنبر! أبشر وبشر واستبشر، فلقد مات رسول الله صلى الله عليه وآله وهو على أُمَّته ساخط إلا الشيعه.

ألا وإن ش لكل شىء عروه وعروه الإسلام الشيعه.

ألا وإن لكل شىء دعامه ودعامه الإسلام الشيعه.

ألا وإن لكل شىء شرفاً وشرف الإسلام الشيعه.

ألا وإن لكل شىء سيداً وسيد المجالس مجالس الشيعه.

ألا وإن لكل شىء إماماً وإمام الأرض أرض يسكنها الشيعه.

والله! لو لا ما فى الأرض منكم لما أنعم الله على أهل خلافكم ولا أصابوا الطيبات ما لهم فى الدنيا والآخرة من نصيب، كل ناصب وإن تعبد واجتهد، فمنسوب إلى هذه الآية: «عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ \* تَصِلي نَاراً حَامِيَةً \* تُسِقى مِنْ عَيْنِ آئِنِهِ \* لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيحٍ \* لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ» (١) كل ناصب مجتهد فعمله هباء.

شيعتنا ينظرون بنور الله عز وجل، ومن خالفهم يتقلب [ينقلب] بسخط الله.

والله! ما من عبد من شيعتنا ينام إلا أصدع الله عز وجل بروحه إلى السماء؛ فإن كان قد أتى عليه أجله جعله فى كنوز رحمته وفى رياض جنته وفى ظل عرشه، وإن كان أجله متأخراً عنه بعث به مع أمينه من الملائكة ليؤديه إلى الجسد العذى خرج منه ليسكن فيه.

والله! إن حججكم وعمياركم لخاصه الله، وإن فقراءكم لأهل الغناء، وإن أغنياءكم لأهل القنوع، وإنكم كلكم لأهل دعوه الله وأهل إجابته.

ص: ٢٠٤



ای قنبر! مژده باد بر تو و مژده بده و خرسند باش که پیامبر هنگام رحلت، از اُمّتش ناراحت بود جز از شیعه.

آگاه باش! که هر چیزی دستگیره ای دارد و دستگیره اسلام شیعه است.

آگاه باش! که برای هر چیزی ستونی است و ستون اسلام شیعه است.

آگاه باش! که هر چیزی کنگره ای دارد، کنگره اسلام شیعه است.

آگاه باش! که برای هر چیزی سروری است و سرور مجالس، مجالس شیعه است.

آگاه باش! که برای هر چیزی امام و پیشوایی است و امام زمین، زمینی است که شیعیان در آنجا ساکن می باشند.

به خدا سوگند! اگر شیعیان ما نبودند خداوند به مخالفان ما نعمت نمی داد و به آنچه در دنیا رسیده اند نایل نمی شدند و در آخرت نیز بهره ای ندارند، هر ناصبی گرچه عبادت کند و کوشش فراوان نماید مشمول این آیات سوره غاشیه است که: «کار و تلاش می کنند اما جایگاهشان در آتش است و از چشمه داغ و جوشان می نوشند، خوراکشان ضریع است که نه چاق کند نه گرسنگی را زایل نماید.» هر ناصب و دشمن شما هر چند بسیار کوشا باشد، کارش بر باد است.

شیعیان ما با نور خدا می نگرند و مخالفان آن ها در خشم خدا می غلطند.

به خدا سوگند! هر کدام از شیعیان ما که می خوابد، خدا روحش را به آسمان بالا می برد، اگر مرگش فرا رسیده باشد آن را در گنجینه رحمت و باغ های بهشت و سایه غرش خویش قرار می دهد و گرنه، آن را با فرشته امین برمی گرداند تا به بدنش ملحق شود.

به خدا سوگند! حاجیان و عمره کنندگان شما از خاصان الهی هستند. فقیران شما، بی نیاز و توانگران شما، با قناعت دمسازند، شما همه، اهل دعوت خدا و اهل اجابت او هستید. (۱)

ص: ۲۰۵

١٤٥ - حدّثنا ماجيلويه، عن أبيه، عن البرقي، عن أبيه، عن خالد بن حماد الأسدي، عن أبي الحسن العبدى، عن الأعمش، عن سالم بن أبي الجعد قال:

سئل جابر بن عبد الله الأنصارى عن على بن أبى طالب عليه السلام.

فقال: ذاك خير خلق الله من الأولين والآخرين ما خلا النبيين والمرسلين، إنّ الله عزّ وجلّ لم يخلق خلقاً بعد النبيين والمرسلين أكرم عليه من على بن أبى طالب عليه السلام والأئمّة من ولده بعده.

قلت: فما تقول فيمن يبغضه وينتقصه؟

فقال: لا يبغضه إلاّ كافر ولا ينتقصه إلاّ منافق.

قلت: فما تقول فيمن يتولّاه ويتولّى الأئمّة من ولده بعده؟

فقال: إنّ شيعة على والأئمّة من ولده هم الفائزون الآمنون يوم القيامة.

ثمّ قال: ما ترون لو أنّ رجلاً خرج، يدعو الناس إلى ضلاله، من كان أقرب الناس منه؟

قالوا: شيعته وأنصاره.

قال: فلو أنّ رجلاً خرج، يدعو الناس إلى هدى من كان أقرب الناس منه؟

قالوا: شيعته وأنصاره.

قال: فكذلك على بن أبى طالب عليه السلام، بيده لواء الحمد يوم القيامة أقرب الناس منه شيعته وأنصاره.

۱۴۵ - از جابر بن عبدالله انصاری در مورد امام علی علیه السلام پرسیدند، جواب داد:

او بهترین خلق اولین و آخرین - جز پیامبران - است، خداوند پس از پیامبران، شخصی گرامی تر از علی و امامان پس از او نیافریده است.

راوی حدیث می گوید: به جابر گفتم:

چگونه است حال کسی که او را دشمن دارد و کوچک شمارد؟

جابر گفت: با علی دشمنی نمی کند مگر کافر، و او را کوچک نمی شمرد مگر منافق.

گفتم: در باره دوستان او و دوستان ائمه پس از او چه می گویی؟

گفت: شیعیان علی و ائمه علیهم السلام پس از او، رستگارانند و روز قیامت در امن و امان خواهند بود.

آن گاه جابر سؤال کرد: به نظر شما کسی که خروج کند و مردم را به گمراهی بخواند، چه کسانی از مردم به او نزدیک ترند؟

(حاضران) گفتند: پیروان و یارانش.

پرسید: اگر کسی قیام و دعوت به حق کند، چه کسانی از مردم به او نزدیک ترند؟

گفتند: پیروان و یارانش.

جابر گفت: پس علی بن ابی طالب نیز این گونه است، در روز رستاخیز پرچم حمد را به دست دارد و نزدیک ترین مردم به او، شیعیان و یاران او هستند. (۱)

ص: ۲۰۷

## شفاعه على "عليه السلام"

١٤٦ - حدّثنا المؤدّب، عن الأسدي، عن النخعي، عن النوفلي، عن علي بن أبي حمزه، عن أبيه، عن الصادق جعفر بن محمّد، عن أبيه، عن آبائه، عن علي عليهم السلام قال:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

إذا كان يوم القيامة يؤتى بك يا علي! على عجله [ناقه] من نور و على رأسك تاج له أربعة أركان، على كلّ ركن ثلاثة أسطر: لا إله إلاّ الله، محمّد رسول الله، على ولي الله.

وتعطى مفاتيح الجنّة، ثمّ يوضع لك كرسي يعرف بكرسي الكرامه فتقعد عليه، ثمّ يجمع لك الأولون والآخرون في صعيد واحد، فتأمر بشيعتك إلى الجنّة وبأعدائك إلى النار، فأنت قسيم الجنّة، وأنت قسيم النار، ولقد فاز من تولاك، وخسر من عاداك، فأنت في ذلك اليوم أمين الله وحجه الله الواضحه.

١٤٧ - حدّثنا ابن المتوكل، عن محمّد العطار، عن الأشعري، عن سلمه بن الخطاب، عن الحسين بن سعيد الأزدي، عن إسحاق بن إبراهيم، عن عبد الله بن صباح، عن أبي بصير،

عن أبي عبد الله الصادق عليه السلام قال:

إذا كان يوم القيامة جمع الله الأولين والآخرين في صعيد واحد، فتغشاهم ظلمه شديده، فيضجّون إلى ربّهم ويقولون: يا ربّ اكشف عنّا هذه الظلمه.

قال: فيقبل قوم يمشى النور بين أيديهم قد أضآء أرض القيامة.

فيقول أهل الجمع: هؤلاء أنبياء الله؟

۱۴۶ - امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش نقل می کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود:

ای علی! چون روز قیامت شود، تو را سوار بر درشکه ای (ناقه ای) از نور می آورند؛ بر سرت تاجی است که چهار رکن دارد و بر هر رکنی، سه سطر نوشته شده است: لا اله الا الله، محمد رسول الله، علی ولی الله.

کلیدهای بهشت را به تو بدهند و بر تخت کرامت بنشانند، آن گاه تمام پیشینیان و پسینیان، بر یک پهنا بر گرد تو جمع شوند و تو دستور می دهی که شیعیان را به بهشت و دشمنان را به دوزخ ببرند؛ چرا که تو قسمت کننده بهشت و دوزخ هستی. رستگار شد آن که ولایت تو را پذیرفت و زیان کرد آن که دشمن تو شد. ای علی! تو در آن روز، امین خدا و حجت آشکار الهی هستی. (۱)

۱۴۷ - ابا بصیر می گوید: امام صادق علیه السلام می فرماید:

آن گاه که قیامت برپا شود، خداوند خلق پیشینیان و پسینیان را در یک جا گرد آورد، تاریکی شدیدی همه را فرا گیرد و به پروردگار خود ناله کنند که:

پروردگارا! این تاریکی را از ما برطرف فرما.

در این هنگام، عده ای وارد می شوند که با نور خود، صحرای قیامت را روشن می کنند.

حاضران می گویند: اینان پیامبران خدا هستند؟

ص: ۲۰۹

فيجيئهم النداء من عند الله: ما هؤلاء بأنبياء.

فيقول أهل الجمع: هؤلاء ملائكة؟

فيجيئهم النداء من عند الله: ما هؤلاء بملائكة.

فيقول أهل الجمع: هؤلاء شهداء؟

فيجيئهم النداء من عند الله: ما هؤلاء بشهداء.

فيقولون: من هم؟

فيجيئهم النداء: يا أهل الجمع سلوهم من أنتم؟

فيقول أهل الجمع: من أنتم؟

فيقولون: نحن العلويون، نحن ذرية محمّد رسول الله صلى الله عليه وآله، نحن أولاد علي ولي الله. نحن المخصوصون بكرامه الله، نحن الآمنون المطمئنون.

فيجيئهم النداء من عند الله عزّ وجلّ: اشفعوا

في محبيكم و أهل مودّتكم وشيعتكم.

فيشفعون فيشفعون.

از جانب خدا ندا می رسد که: خیر پیامبر نیستند.

می گویند: این ها فرشته اند؟

ندا می رسد: فرشته هم نیستند.

در مرتبه سوم می گویند: این ها شهیدان هستند؟

ندا می رسد: خیر شهید هم نیستند.

می پرسند: پس چه کسانی اند؟

ندا می رسد: از خود آن ها پرسید.

از آنان می پرسند: شما کیستید؟

پاسخ می دهند: ما علویون و ذریه و فرزندان محمّد پیامبر خداصلی الله علیه وآله هستیم، ما فرزندان علی ولی خدا هستیم، کرامت خدا مخصوص ماست و ما در آسایش و اطمینان هستیم.

از جانب خداوند به آن ها ندا می رسد که: دوستان و شیعیان خود را شفاعت کنید.

پس آن ها شفاعت می کنند و شفاعت آن ها پذیرفته می شود. (۱)

ص: ۲۱۱

---

۱- ۱۹۱. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۴۷، حدیث ۱۸.

## لزوم الموالاه لأولياء على "عليه السلام"

١٤٨ - حدّثنا ابن المتوكّل، عن الأسدی، عن النخعی، عن النوفلی، عن علی بن سالم، عن أبيه، عن ثابت بن أبي صفیه، عن

سعيد بن جبیر، عن ابن عباس قال:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

من سرّه أن يجمع الله له الخير كلّه فليوال علياً بعدى وليوال أولياءه وليعاد أعداءه.

ص: ٢١٢



## لزوم دوستی با دوستان امیرالمؤمنین "علیه السلام"

۱۴۸ - ابن عباس می گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

هر که خرسند می شود که خداوند همه خوبی ها را برایش فراهم کند، بایستی پس از من، از علی پیروی کند و دوستانش را دوست بدارد و با دشمنان او دشمن باشد. (۱)

ص: ۲۱۳

---

۱- ۱۹۲. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۷۲، حدیث ۷.

## اخبار النبي بما يجرى على أهل بيته "عليهم السلام"

١٤٩ - حدّثنا ابن موسى، عن الأسدي، عن النخعي، عن النوفلي، عن الحسن بن علي بن أبي حمزه، عن أبيه، عن سعيد بن جبير، عن ابن عباس قال:

إنّ رسول الله صلى الله عليه وآله كان جالساً ذات يوم إذ أقبل الحسن عليه السلام فلما رآه بكى. ثم قال: إلى إلى يا بني! فما زال يديه حتى أجلسه على فخذه اليمنى.

ثم أقبل الحسين عليه السلام فلما رآه بكى، ثم قال: إلى إلى يا بني! فما زال يديه حتى أجلسه على فخذه اليسرى. ثم أقبلت فاطمة عليها السلام فلما رآها بكى، ثم قال: إلى إلى يا بنيه! فأجلسها بين يديه. ثم أقبل أمير المؤمنين عليه السلام فلما رآه بكى، ثم قال: إلى إلى يا أخي! فما زال يديه حتى أجلسه إلى جنبه الأيمن.

فقال له أصحابه: يا رسول الله! ما ترى واحداً من هؤلاء إلاّ بكيت أو ما فيهم من تسرّ برؤيته؟

فقال صلى الله عليه وآله: والذى بعثني بالنبوّه واصطفاني على جميع البريه! إنّي وإياهم لأكرم الخلق على الله عزّوجلّ، وما على وجه الأرض نسمة أحبّ إليّ منهم.

أمّا علي بن أبي طالب عليه السلام فإنّه أخى وشقيقى، وصاحب الأمر بعدى، وصاحب لوائى فى الدنيا والآخرة، وصاحب حوضى وشفاعتى، وهو مولى كلّ مسلم، وإمام كل مؤمن، وقائد كلّ تقى، وهو وصيى وخليفتى على أهلى وأمتى فى حياتى وبعد موتى، محبّه محبّى، ومبغضه مبغضى، وبولايته صارت أمتى مرحومه، وبعداوته صارت المخالفه له منها ملعونه.

وإنّى بكيت حين أقبل لأنّى ذكرت غدر الأمّه به بعدى، حتى إنّه ليزال

عن مقعدى وقد جعله الله له بعدى، ثم لا يزال الأمر به حتى يضرب على قرنه ضربه تخضب منها لحيته فى أفضل الشهور، «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ» (١)...

ص: ٢١٤

روزی خدمت پیامبر خداصلی الله علیه وآله نشستیم بودیم، که امام حسن علیه السلام وارد شد، پیامبرصلی الله علیه وآله تا او را دید گریه کرد و فرمود: بیا پسر! بیا عزیزم! وی نزدیک آمد و حضرت او را بر زانوی راست نشانید.

سپس امام حسین علیه السلام آمد، پیامبر گریه کرد و فرمود: بیا پسر! بیا عزیزم! پیامبر او را بر زانوی چپ خود نشانید. لحظه ای بعد فاطمه زهراعلیها السلام آمد همان جریان تکرار شد و حضرت او را برابر خود نشانید و در آخر امیرالمومنین علیه السلام آمد پیامبر پس از گریه کردن، او را نزد خود طلبید و در سمت راست خود قرار داد.

یاران رسول خداصلی الله علیه وآله عرض کردند: هر کدام که آمدند گریستی؟ آیا بین آن ها کسی نبود که از دیدنش خوشحال شوی؟

پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود: قسم به خدایی که مرا به پیامبری برانگیخت و بر همه مردم برتری داد، من و این ها گرامی ترین خلق خداییم و روی زمین هم کسی نیست که نزد من محبوب تر از این ها باشد.

خصوصیات علی، این است که او برادر، همکار و صاحب امر پس از من است، او پرچم دار من در دنیا و آخرت است؛ صاحب حوض و شفاعت من است، مولای مسلمانان، امام مؤمنان و پیشوای پرهیزکاران است، او وصی و خلیفه من بر خاندان و اُمت من است؛ چه در زندگی و چه در پس از مرگ من؛ دوست او دوست من و دشمن او دشمن من است؛ به ولایت او اُمت من رحمت می شوند و با مخالفت او، ملعون.

اما گریه من به این علت بود که یادم آمد از نیرنگی که اُمت با او می کنند، او را

از جایگاه من که خدا برای او قرار داده است بر می دارند. این درگیری و گرفتاری ادامه دارد تا آنجا که وی را با شمشیر خواهند زد و در بهترین ماه، یعنی ماه رمضان که ماه نزول قرآن برای هدایت مردم، و برای تمییز حق از باطل است، محاسن او از خون سرش رنگین خواهد شد... (۱)

## نبذه من فضائل أهل البيت "عليهم السلام"

١٥٠ - حدّثنا الهمداني، عن علي بن إبراهيم، عن جعفر بن سلمه الأهوازي، عن إبراهيم بن محمّد الثقفي، عن إبراهيم بن موسى، عن أبي قتاده، عن عبد الرحمان بن العلاء الحضرمي، عن سعيد بن مسيب، عن ابن عباس قال:

إنّ رسول الله صلى الله عليه وآله كان جالساً ذات يوم وعنده علي وفاطمة والحسن والحسين عليهم السلام فقال:

اللّهم إنّك تعلم أنّ هؤلاء أهل بيتي وأكرم الناس علي، فأحبّ من أحبّهم، وأبغض من أبغضهم، ووال من والاهم، وعاد من عاداهم، وأعن من أعانهم، واجعلهم مطهّرين من كلّ رجس، معصومين من كلّ ذنب، وأيدهم بروح القدس منك.

ثمّ قال صلى الله عليه وآله: يا علي! أنت إمام أمّتي وخليفتي عليها بعدى، أنت قائد المؤمنين إلى الجنّة وكأني أنظر إلى ابنتي فاطمة عليها السلام قد أقبلت يوم القيامة على نجيب من نور، عن يمينها سبعون ألف ملك وعن يسارها سبعون ألف ملك وبين يديها سبعون ألف ملك وخلفها سبعون ألف ملك، تقود مؤمنات أمّتي إلى الجنّة.

فأيما امرأه صلّت في اليوم والليله خمس صلوات وصامت شهر رمضان وحجّت بيت الله الحرام وزكّت مالها وأطاعت زوجها ووالت علياً بعدى دخلت الجنّة بشفاعه ابنتي فاطمه وإنّها لسيدة نساء العالمين.

فقليل: يا رسول الله! أهى سيده لساء عالمها؟

فقال صلى الله عليه وآله: ذاك لمريم بنت عمران، فأما ابنتي فاطمه، فهى سيده نساء العالمين من الأولين والآخرين، وإنّها لتقوم فى محرابها فيسلّم عليها

۱۵۰ - ابن عباس می گوید:

روزی پیامبر خداصلی الله علیه وآله نشسته بود و علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام هم نزد ایشان بودند، حضرتش فرمود:

خدایا! تو می دانی که اینان اهل بیت من و گرامی ترین مردم نزد من هستند، دوستان آن ها را دوست مدار و دشمن آن ها را دشمن باش، کمک نما هر که آن ها را یاری می کند و آن ها را از هر پلیدی پاک و از هر گناهی محفوظ دار و توسط روح القدس آن ها را تأیید فرما!

آن گاه فرمود: ای علی! تو امام امت من و جانشین من پس از من بر آن ها هستی، تو رهبر مؤمنان به سوی بهشت می باشی.

گویا دخترم، فاطمه علیها السلام را می نگرم که بر اسبی از نور سوار است، و در حالی که از طرف راستش هفتاد هزار فرشته و از جانب چپ، هفتاد هزار فرشته و از پیش رو هفتاد هزار فرشته و از پشت سرش هفتاد هزار فرشته او را همراهی می کنند، زنان مؤمن امّتم را به بهشت رهبری می کند.

هر زنی که در شبانه روز، پنج نوبت نماز بخواند، ماه رمضان را روزه بگیرد، حج واجب خانه خدا را به جا آورد، زکات مالش را پردازد و از همسرش اطاعت کند و پس از من پیرو علی علیه السلام باشد، با شفاعت دخترم، فاطمه علیها السلام داخل بهشت می شود، زیرا که او بانوی زنان جهانیان است.

عرض شد: ای پیامبر خدا! آیا او بانوی زنان عالم خود است؟

فرمود: او مریم علیها السلام - دختر عمران - است که بانوی زنان عالم خود بود، ولی دخترم فاطمه، بانوی زنان جهانیان از اولین تا آخرین است؛ فاطمه کسی است

سبعون ألف ملك من الملائكة المقرّبين وينادونها بما نادت به الملائكة مريم فيقولون:

يا فاطمه! إنّ الله اصطفاك وطهرك واصطفاك على نساء العالمين.

ثمّ التفت إلى علي عليه السلام فقال:

يا علي! إنّ فاطمه بضعة منّي وهى نور عيني وثمره فؤادى يسوءنى ما ساءها ويسرنى ما سرّها، وإنّها أوّل من يلحقنى من أهل بيتى، فأحسن إليها بعدى وأمّا الحسن والحسين فهما ابناى وريحانتاى وهما سيدا شباب أهل الجنّة فليكرمك عليك كسمعك وبصرك.

ثمّ رفع صلى الله عليه وآله يده إلى السماء، فقال: اللهمّ إنى أشهدك أنى محبّ لمن أحبهم، ومبغض لمن أبغضهم، وسلم لمن سالمهم، وحرب لمن حاربهم، وعدوّ لمن عاداهم وولى لمن والاهم.

١٥١ - حدّثنا أبى، عن المؤدّب، عن الأصبهاني، عن الثقفى، عن مخول بن إبراهيم، عن عبد الجبار بن العيّاس، عن عمّار أبى معاوية، عن عمره ابنه أفعى، قالت: سمعت أمّ سلمة رحمته الله تقول:

نزلت هذه الآية فى بيتى «إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا». (١)

قالت: وفى البيت سبعة: رسول الله صلى الله عليه وآله وجبرئيل وميكائيل وعلى وفاطمة والحسن والحسين.

قالت: وأنا على الباب.

فقلت: يا رسول الله! ألسنت من أهل البيت؟

قال صلى الله عليه وآله: «إنك من أزواج النبى» وما قال إنك من أهل البيت.

ص: ٢١٨

که چون در محراب عبادت بایستد، هفتاد هزار فرشته مقرب به او سلام دهند و همان ندایی را که به مریم کردند به او نیز می کنند و می گویند:

ای فاطمه! خدا تو را برگزید و پاک کرد و بر همه زنان جهانیان برتری داد.

سپس رو به علی علیه السلام کرد و فرمود: ای علی! فاطمه پاره تن من و نور دیده و میوه دل من است، هر چه او را ناراحت کند مرا ناراحت کرده، هر چه او را شاد کند مرا شاد کرده. فاطمه، اولین کسی است که از اهل بیت، به من می رسد، پس به او خوبی کن.

امّا حسن و حسین دو گل و دو فرزند من هستند و هر دو، آقای جوانان بهشت می باشند. پس مثل گوش و چشم آن ها را گرامی دار.

سپس دست به آسمان بلند کرد و گفت:

خدایا! گواه باش که من دوستدار دوستان آن ها و دشمن دشمنان آن هایم. در صلح هستم با هر که با آن ها در صلح باشد و در جنگ هستم با هر که با آن ها در جنگ باشد. (۱)

۱۵۱- اُمّ سلمه، همسر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می گوید:

این آیه در خانه من نازل شد که: «همانا خداوند اراده فرموده پلیدی را از شما خاندان دور بدارد و شما را کاملاً پاک و پاکیزه گرداند.»

آن هنگام هفت نفر در خانه بودند: پیامبر، جبرئیل، میکائیل، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام. من هم بر در خانه بودم.

گفتم: ای پیامبر خدا! آیا من از اهل بیت نیستم؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: تو همسر پیامبر هستی، و نفرمود از اهل بیت هستی. (۲)

ص: ۲۱۹

---

۱- ۱۹۶. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۷۳، حدیث ۱۸.

۲- ۱۹۷. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۷۲، حدیث ۴.

١٥٢ - حدّثنا علي بن الفضل، عن أحمد بن محمّد بن سليمان، عن محمّد بن علي بن خلف، عن حسين الأشقر، عن عمرو بن أبي المقدام، عن أبيه، عن سعيد بن جبير، عن ابن عباس قال:

سألت النبي صلى الله عليه وآله عن الكلمات التي تلقى آدم من ربه فتاب عليه.

قال صلى الله عليه وآله: سأله بحقّ محمّد وعلي وفاطمة والحسن والحسين إلّا تبت علي، فتاب عليه.

١٥٣ - حدّثنا أبي رحمه الله، عن ابن عامر، عن المعلّى، عن جعفر بن سليمان، عن عبد الله بن الحكم، عن أبيه، عن سعيد بن جبير، عن ابن عباس قال:

قال النبي صلى الله عليه وآله:

إنّ علياً وصيى وخليفتى وزوجته فاطمه سيده نساء العالمين ابنتى والحسن والحسين سيديا شباب أهل الجنّة ولدائى، من الاهم فقد والانى، ومن عاداهم فقد عادانى، ومن ناواهم فقد ناوانى، ومن جفاهم فقد جفانى، ومن برّهم فقد برّنى، وصل الله من وصلهم، وقطع من قطعهم، ونصر من نصرهم، وأعان من أعانهم، وخذل من خذلهم.

اللهمّ من كان له من أنبيائك ورسلك ثقل وأهل بيت، فعلى وفاطمة والحسن والحسين أهل بيتى وثقلى، أذهب عنهم الرجس وطهرهم تطهيراً.

١٥٤ - حدّثنا القطّان، عن العباس بن الفضل، عن أبي ذرعه، عن عثمان بن محمّد بن أبي شيبة، عن عبد الله بن نمير، عن الحارث بن حصيره، عن زيد بن وهب، عن ابن عباس، قال:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

ولايتى وولايتى أهل بيتى أمان من النار.



از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدم: کلماتی را که آدم علیه السلام از پروردگارش دریافت کرد و به واسطه آن ها خداوند، توبه اش را قبول کرد، چه بود؟

حضرت فرمود: او از خدا درخواست کرد که به حق محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام، توبه ام را بپذیرد.

خدا، هم توبه اش را قبول فرمود. (۱)

۱۵۳ - ابن عباس می گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

به راستی که علی وصی و خلیفه من است؛ همسرش فاطمه، بانوی زنان جهانیان، دختر من است؛ حسن و حسین، آقای جوانان بهشت، پسران من هستند. هر که آن ها را دوست بدارد مرا دوست داشته، هر که آن ها را دشمن بدارد مرا دشمن داشته و هر که آن ها را دور کند مرا دور کرده است، جفای به آن ها، جفای به من و نیکی به آن ها، نیکی به من است؛ خدا می پیوندد به هر که به آن ها پیوندد و قطع رابطه می کند با هر کس که با آن ها قطع رابطه کند، خدا یاری می کند یاری کنندگان آن ها را و خوار می کند خوار کنندگان آن ها را.

خدایا! هر کدام از پیامبرانت، اهل بیت و خاندانی داشتند؛ علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام نیز اهل بیت و خاندان من هستند، پلیدی را از آن ها دور کن و آن ها را پاک و پاکیزه نما. (۲)

۱۵۴ - ابن عباس می گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

ولایت من و ولایت اهل بیت من، موجب امان از آتش دوزخ است. (۳)

ص: ۲۲۱

۱- ۱۹۸. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۱۸، حدیث ۲.

۲- ۱۹۹. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۷۲، حدیث ۶.

۳- ۲۰۰. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۷۲، حدیث ۸.

١٥٥ - حدّثنا ابن مسرور، عن ابن عامر، عن عمه، عن الأزدى، عن أبان بن عثمان، عن أبان بن تغلب، عن عكرمه، عن ابن عباس قال:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

من سرّه أن يحيا حياتي ويموت ميتتي، ويدخل جنّه عدن منزلي، ويتمسك قضيباً غرسه ربّي عزّ وجلّ، ثم قال له: كن فيكون؛ فليتولّ علي بن أبي طالب ولياً تمّ بالأوصياء من ولده، فإنهم عترتي، خلقوا من طينتي، إلى الله أشكو أعداءهم من أمتي المنكرين لفضلهم القاطعين فيهم صلتى وأيم الله! لتقتلنّ ابني بعدى الحسين لا أنالهم الله شفاعتي.

١٥٦ - حدّثنا أبي، عن سعد، عن ابن أبي الخطّاب، عن علي بن أسباط، عن علي بن أبي حمزه، عن أبي بصير، عن الصادق جعفر بن محمّد عليهما السلام أنّه قال:

يا أبا بصير! نحن شجرة العلم، ونحن أهل بيت النبي، وفي دارنا مهبط جبرئيل، ونحن خزّان علم الله، ونحن معادن وحى الله، من تبعنا نجا، ومن تخلف عنّا هلك، حقّاً على الله عزّ وجلّ.

١٥٧ - حدّثنا أبي رحمه الله، عن أحمد بن إدريس، عن ابن يزيد، عن ابن أبي عمير، عن محمّد القبطي قال: قال الصادق جعفر بن محمّد عليهما السلام:

أغفل الناس قول رسول الله صلى الله عليه وآله في علي بن أبي طالب عليه السلام يوم مشربه أمّ إبراهيم، كما أغفلوا قوله فيه يوم غدیر خم؛ إنّ رسول الله صلى الله عليه وآله كان في مشربه أمّ إبراهيم وعنده أصحابه، إذ جاء علي عليه السلام فلم يفرجوا له، فلمّا رأهم لا يفرجون له قال:

۱۵۵ - ابن عباس می گوید: پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود:

هر که دوست دارد، زندگی و مرگش همانند زندگی و مرگ من باشد؛ و وارد خانه من، در بهشت عدن گردد و به نهالی چنگ زند که پروردگارم آن را کاشته و به آن فرموده: ایجاد شو! پس (به امر خدا) ایجاد شد؛ پس بایستی دوست دار علی بن ابی طالب باشد و از اوصیای از فرزندانش پیروی کند؛ زیرا آن ها عترت من بوده، از گل من آفریده شده اند. من به خدا شکایت می کنم، از دشمنان خاندانم که منکر فضل آن ها شوند و با آن ها قطع رابطه کنند.

به خدا قسم! که پس از من، فرزندانم حسین را بکشند، و خداوند نیز آن ها را از شفاعت من محروم کند. (۱)

۱۵۶ - امام صادق علیه السلام به یکی از یارانش فرمود:

ای ابا بصیر! ما درخت دانش و خاندان پیامبرصلی الله علیه وآله هستیم، در خانه ما، جبرئیل فرود می آمد، خزانه دار علم خدا و معادن وحی الهی ماییم، هر کس از ما پیروی کند نجات یافته و آن که از ما نافرمانی کند، نابود شود، این حقّ خداوند است. (۲)

۱۵۷ - امام صادق علیه السلام فرمود:

مردم فرمایش پیامبر خداصلی الله علیه وآله را درباره امام علی علیه السلام در روز مشربه امّ ابراهیم از یاد بردند، چنان که روز غدیر خم را فراموش کردند. پیامبرصلی الله علیه وآله به همراه برخی از یاران خود، در مشربه امّ ابراهیم بودند که علی علیه السلام وارد شد، کسی برای علی علیه السلام، جا باز نکرد، چون پیامبرصلی الله علیه وآله چنین دید، فرمود:

ص: ۲۲۳

---

۱- ۲۰۱. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۹، حدیث ۱۱.

۲- ۲۰۲. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۵۰، حدیث ۱۵.

يا معشر الناس! هذا أهل بيتي تستخفون بهم وأنا حي بين ظهرانيكم، أما والله! لئن غبت عنكم فإن الله لا يغيب عنكم، إن الروح والراحه والبشر والبشاره لمن ائتم بعلي وتولاه وسلم له وللأوصياء من ولده حقاً على أن أدخلهم في شفاعتي، لأنهم أتباعي، فمن تبعني فإنه مني سته جرت في من إبراهيم لأني من إبراهيم وإبراهيم مني وفضلي له فضل وفضله فضلي وأنا أفضل منه، تصديق ذلك قول ربي: «ذُرِّيَّةَ بَعْضِهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ». (١)

وكان رسول الله صلى الله عليه وآله وثنت رجله في مشربه أم إبراهيم حتى عاده الناس.

١٥٨ - حدثنا أحمد بن محمد بن الصقر، عن محمد بن أيوب، عن إبراهيم بن موسى، عن هشام بن يوسف، عن عبد الله بن سليمان، عن محمد بن علي بن عبد الله بن عباس، عن أبيه، عن ابن عباس قال:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

أحبوا الله لما يغذوكم به من نعمه، وأحبوني لحب الله عز وجل وأحبوا أهل بيتي لحبي.

١٥٩ - حدثنا أحمد بن زياد، عن علي بن إبراهيم، عن جعفر بن سلمه، عن إبراهيم بن محمد الثقفي، عن عثمان بن أبي شيبة و محرز بن هشام، قالوا: حدثنا مطلب بن زياد، عن ليث بن أبي سليم قال:

أتى النبي صلى الله عليه وآله علي وفاطمة والحسن والحسين عليهم السلام كلهم يقول: أنا أحب إلى رسول الله صلى الله عليه وآله.

فأخذ صلى الله عليه وآله فاطمه مئياً يلي بطنه وعلياً مئياً يلي ظهره والحسن عن يمينه والحسين عن يساره، ثم قال: أنتم مني وأنا منكم.

ص: ٢٢٤

ای مردم! این اهل بیت مرا سبک می شمارید، در حالی که من هنوز در میان شما زندگی می کنم. قسم به خدا! اگر من از شما پنهان شوم خدا از شما پنهان نیست. بدانید که روح و راحتی، خوشی و بشارت، برای کسی است که به علی علیه السلام اقتدا کند و او را دوست بدارد، تسلیم او و امامان از فرزندان او باشد، هر کس چنین کند بر من لازم است که از او شفاعت کنم، زیرا آن ها پیروان من هستند و هر که از من پیروی کند از من است.

این روشی است که از ابراهیم خلیل علیه السلام به من رسیده، چون من از ابراهیم هستم و او هم از من؛ فضل من، فضل اوست و فضل او، فضل من. با این حال من افضل از او هستم، گواه آن آیه ای است که می فرماید: «دودمانی که برخی از برخی دیگر (وهمانند یکدیگرند) و خدا شنوا وداناست.»

این ماجرا در زمانی اتفاق افتاد که پای پیامبر خداصلی الله علیه و آله در مشربه امّ ابراهیم آسیب دیده بود، به طوری که مردم به عیادت حضرتش می رفتند. (۱)

۱۵۸ - ابن عباس می گوید: پیامبر خداصلی الله علیه و آله فرمود:

خداوند را به خاطر نعمت هایش دوست بدارید؛ مرا به خاطر دوستی خدا، دوست بدارید و خاندانم را به خاطر دوستی من، دوست بدارید. (۲)

۱۵۹ - لیث بن ابا سلیم می گوید:

روزی علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام خدمت پیامبرصلی الله علیه و آله آمده و هر کدام می گفت: من نزد رسول خداصلی الله علیه و آله محبوب ترم.

پیامبرصلی الله علیه و آله، حضرت فاطمه علیها السلام را پیش روی خود و علی علیه السلام را پشت سر خود، و حسن علیه السلام را سمت راست و حسین علیه السلام را سمت چپ خود قرار داد، سپس فرمود: شما از من هستید و من از شمایم. (۳)

ص: ۲۲۵

---

۱- ۲۰۴. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۲۳، حدیث ۱۰.

۲- ۲۰۵. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۵۸، حدیث ۶.

۳- ۲۰۶. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۴، حدیث ۲.

١٦٠ - حدثنا أبي عن المؤدّب، عن أحمد بن علي الإصبهاني، عن الثقفى، عن اسماعيل ابن ابان، عن عبد الله بن خراش، عن العوام بن الحوشب، عن التميمى قال:

دخلت على عائشه فحدثتنا أنّها رأت رسول الله صلى الله عليه وآله دعا علياً وفاطمه والحسن والحسين عليهم السلام فقال:

اللهم هؤلاء أهل بيتي، فاذهب عنهم الرجس وطهرهم تطهيراً.

١٦١ - حدثنا أبي، عن سعد بن عبد الله، عن ابن عيسى، عن البجلي، عن جعفر بن محمد بن سماعة، عن عبد الله بن مسكان، عن الحكم بن الصلت، عن أبي جعفر محمد بن علي، عن آبائه عليهم السلام قال:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

خذوا بحجزه هذا الأنزع - يعنى علياً - فإنه الصديق الأكبر وهو الفاروق يفرق بين الحق والباطل؛ من أحبه هداه الله، ومن أبغضه أبغضه الله، ومن تخلف عنه محقه الله، ومنه سبوا أمتى الحسن والحسين وهما ابناى ومن الحسين أئمه الهدى، أعطاهم الله علمى وفهمى، فتولّوهم ولا- تتخذوا وليجه من دونهم فيحلّ عليكم غضب من ربكم، ومن يحلّل عليه غضب من ربه فقد هوى، وما الحياه الدنيا إلا متاع الغرور.

١٦٢ - حدثنا ابن شاذويه المؤدّب، عن محمد الحميرى، عن أبيه، عن ابن عيسى، عن محمد بن سنان، عن محمد بن عبد الله بن زراره، عن عيسى بن عبد الله الهاشمى، عن أبيه، عن جده، عن عمر بن أبى سلمه، عن أمه أم سلمه رحمه الله قالت:

سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول:

على بن أبى طالب والأئمه من ولده بعدى ساداه أهل الأرض وقاده الغرّ المحجلين يوم القيامة.

پیامبر خداصلی الله علیه وآله را دیدم که علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام را پیش خود فرا خواند و گفت:

پروردگارا! اینان اهل بیت من هستند، پلیدی را از آن ها ببر و آن ها را پاک و پاکیزه کن. (۱)

۱۶۱ - رسول خداصلی الله علیه وآله فرمودند:

دامن علی را بگیرد که او هم صدیق اکبر است و هم فاروق، یعنی حق را از باطل جدا می کند. هر کس علی را دوست بدارد خدا او را هدایت می کند و هر که او را دشمن دارد مورد غضب خدا قرار گیرد، و هر که از او تخلف کند خدا نابودش نماید.

دو سبط اُمت من - حسن و حسین علیهما السلام - از نسل اویند، آن ها فرزندان من هستند. و از نسل حسین علیه السلام امامان بر حق و رهبران الهی هستند که خداوند علم و فهم مرا به آن ها داده است. پس آن ها را دوست بدارید و جز آن ها پناهگاهی نگیرید. اگر چنین نکنید، خشمی از پروردگارتان شما را فرا گیرد و هر که مورد خشم و غضب پروردگارش قرار گیرد به طور حتم نابود می گردد و زندگی دنیا چیزی جز کالای فریبنده نیست. (۲)

۱۶۲ - اُم سلمه، همسر پیامبر می گوید: رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

علی بن ابی طالب و امامان از فرزندان من، پس از من، سروران اهل زمین، و پیشوای دست و روسفیدان در روز قیامت می باشند. (۳)

ص: ۲۲۷

۱- ۲۰۷. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۷۲، حدیث ۵.

۲- ۲۰۸. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۹۶، حدیث ۸.

۳- ۲۰۹. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۸۵، حدیث ۲۴.

١٦٣ - حدّثنا ابن إدريس، عن أبيه، عن الحسين بن عبيد الله، عن محمّد بن عبد الله، عن محمّد بن الفضيل، عن أبي حمزه، قال:

سمعت أبا جعفر الباقر عليه السلام يقول:

أوحى الله عزّ وجلّ إلى محمّد صلى الله عليه وآله: يا محمّد! إنني خلقتك ولم تك شيئاً ونفخت فيك من روحي كرامه مني أكرمتك بها حتى أوجبت لك الطاعة على خلقي جميعاً، فمن أطاعك فقد أطاعني، ومن عصاك فقد عصاني، وأوجبت ذلك في علي وفي نسله من اختصت منهم لنفسي.

١٦٤ - حدّثنا علي بن محمّد بن موسى، عن أحمد بن يحيى بن زكريا القطّان، عن بكر بن عبد الله بن حبيب، عن تميم بن بهلول، عن إسماعيل بن أبان، عن سلام بن أبي عمر، عن معروف بن خربوذ، عن أبي الطفيل، عن الحسن بن علي بن أبي طالب عليهم السلام قال:

سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول:

أنا سيد النبيين وعلي بن أبي طالب سيد الوصيين والحسن والحسين سيدا شباب أهل الجنّة والأئمّة بعدهما سادات المتقين، ولينا ولي الله، وعدونا عدو الله، وطاعتنا طاعة الله، ومعصيتنا معصية الله عزّ وجلّ.



خداوند به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وحی فرمود: ای محمد! زمانی هیچ نبودی و من تو را آفریدم، از روح خود در تو دمیدم و گرامی ات داشتم، تا این که اطاعت از تو را بر همه آفریدگانم واجب کردم. پس هر که از تو اطاعت کند، از من اطاعت کرده و هر که از تو نافرمانی کند، از من نافرمانی کرده و همه این ها را در علی و امامان از نسل او نهادم، همان کسانی که مخصوص خودم قرارشان دادم. (۱)

۱۶۴ - امام حسن علیه السلام می فرماید: از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود:

من آقای پیامبرانم، علی بن ابی طالب آقای اوصیاء است، حسن و حسین آقای جوانان اهل بهشت هستند و امامان پس از آن ها، آقای پرهیزکاران می باشند. دوست ما دوست خداست و دشمن ما دشمن خدا. اطاعت از ما، اطاعت از خداست و نافرمانی از ما، نافرمانی خدا. (۲)

ص: ۲۲۹

---

۱- ۲۱۰. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۸۸، حدیث ۵.

۲- ۲۱۱. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۸۲، حدیث ۱۶.

١٦٥ - حدّثنا أبى رحمة الله، عن سعد، عن ابن عيسى، عن الحسين بن سعيد، عن حمّاد بن عيسى، عن إبراهيم بن عمر اليماني، عن أبى الطفيل، عن أبى جعفر محمّد بن على الباقر، عن آباءه عليهم السلام قال:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله لأمير المؤمنين عليه السلام:

اكتب ما أملى عليك.

فقال: يا نبى الله! أتخاف على النسيان؟

قال صلى الله عليه وآله: لست أخاف عليك النسيان وقد دعوت الله لك أن يحفظك ولا ينسيك، ولكن اكتب لشركائك.

قال: قلت: ومن شركائي يا نبى الله؟

قال: الأئمّه من ولدك، بهم تسقى أمتى الغيث، وبهم يستجاب دعاؤهم، وبهم يصرف الله عنهم البلاء، وبهم ينزل الرحمه من السماء، وهذا أولهم وأومى بيده إلى الحسن بن على عليه السلام ثم أومى بيده إلى الحسين عليه السلام ثم قال: الأئمّه من ولده.

١٦٦ - حدّثنا ابن الوليد، عن ابن أبان، عن الحسين بن سعيد، عن محمّد بن الحسين الكنانى، عن جدّه، عن أبى عبد الله الصادق عليه السلام قال:

إنّ الله عزّ وجلّ أنزل على نبيه صلى الله عليه وآله كتاباً قبل أن يأتيه الموت، فقال:

يا محمّد! هذا الكتاب وصيتك إلى النّجيب من أهلّك.

فقال: ومن النّجيب من أهلى يا جبرئيل؟

فقال: على بن أبى طالب.

و كان على الكتاب خواتيم من ذهب، فدفعه النبى إلى على عليه السلام وأمره أن يفكّ خاتماً منها ويعمل بما فيه، ففكّ عليه السلام خاتماً وعمل بما فيه، ثمّ دفعه إلى ابنه الحسن عليه السلام ففكّ خاتماً وعمل بما فيه، ثمّ دفعه إلى الحسين عليه السلام ففكّ خاتماً فوجد فيه: أن اخرج بقوم إلى الشهاده فلا شهاده لهم إلّا معك واشتر نفسك لله عزّ وجلّ، ففعل.

۱۶۵ - امام باقر از پدرانش علیهم السلام نقل می کند که پیامبر خدا صلی الله علیه وآله به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

آنچه برایت می گویم بنویس.

حضرت علی علیه السلام عرض کرد: ای رسول خدا! می ترسی فراموش کنم؟

فرمود: خیر، تو فراموشی نداری، چون از خدا خواسته ام که تو را حافظه بدهد و از فراموشی باز دارد، ولی بنویس تا برای همکارانت بماند.

علی علیه السلام می فرماید: عرض کردم: همکارانم چه کسانی هستند؟

فرمود: امامان از فرزندان، همان ها که به واسطه ایشان، اُمّت از باران سیراب گردند، دعایشان مستجاب شود و خدا، بلا را از آن ها دور کند و رحمت از آسمان نازل شود. و در حالی که به امام حسن علیه السلام اشاره می کرد، فرمود: این نخستین نفر آن هاست، آن گاه به امام حسین علیه السلام اشاره کرد و فرمود: امامان از فرزندان او هستند. (۱)

۱۶۶ - امام صادق علیه السلام فرمود:

خداوند متعال، پیش از رحلت پیامبر صلی الله علیه وآله توسط جبرئیل نامه ای براو نازل کرد و فرمود:

ای محمد! این نامه، وصیت تو برای نجیب از خاندان توست.

گفت: ای جبرئیل! نجیب خاندانم کیست؟

جواب داد: علی بن ابی طالب.

بر آن نامه، مهرهایی از طلا زده شده بود، پیامبر صلی الله علیه وآله نامه را به علی علیه السلام داد و فرمود: یکی از آن مهرها را بردار و هر چه در آن نوشته، عمل کن. امام علی علیه السلام چنین کرد، و سپس آن را به امام حسن علیه السلام داد و ایشان نیز یک مهر از آن را برداشت و به آنچه در آن بود عمل کرد و سپس آن را به امام حسین علیه السلام داد. ایشان مهری را برداشت، در آن نوشته بود: با گروهی برای شهادت حرکت کن که آن ها جز به همراه تو به شهادت نرسند، تو نیز جانان را به خدا بفروش. آن حضرت نیز آن را انجام داد.

ص: ۲۳۱

ثم دفعه إلى علي بن الحسين عليه السلام ففكّ خاتماً فوجد فيه: اصمت والزم منزلك واعبد ربك حتى يأتيك اليقين، ففعل.

ثم دفعه إلى محمد بن علي عليه السلام ففكّ خاتماً فوجد فيه: حدّث الناس وأفتهم ولا تخافنّ إلا الله فإنه لا سبيل لأحد عليك، ثم دفعه إلى ففككت خاتماً فوجدت فيه: حدّث الناس وأفتهم وانشر علوم أهل بيتك وصدّق آباءك من الصالحين ولا تخافنّ أحداً إلا الله، أنت في حرز وأمان، ففعلت.

ثم أدفعه إلى موسى بن جعفر وكذلك يدفعه موسى إلى الذي من بعده ثم كذلك أبداً إلى قيام المهدي «عجل الله تعالى فرجه.»

سپس نامه را به امام سجّاد علیه السلام داد، آن حضرت مهری از آن را برداشت، در آن آمده بود: سکوت کن، گوشه منزل خود بنشین و عبادت خدا کن تا هنگام مرگ تو فرا رسد، آن حضرت چنین کرد.

آن گاه آن را به امام باقر علیه السلام داد، او نیز مهری از آن برداشت که در آن آمده بود: برای مردم حدیث بگو، احکام خدا را بیان کن، از احدی جز خدا ترس که هیچ کس نمی تواند بر تو مسلط شود. آن حضرت چنین کرد.

سپس نامه را به من داد، من آن را باز کردم، چنین نوشته بود: برای مردم حدیث بگو، احکام خدا را بیان نما، علوم اهل بیت را منتشر کن، گفتار پدران را تصدیق کن و از احدی جز خدا ترس، چرا که تو در پناه و امان هستی. من نیز به آن عمل کردم.

من بعد از این نامه را به فرزندم امام کاظم می دهم و ایشان نیز به فرزندانش، تا قیام مهدی «عجل الله تعالی فرجه» (۱)

ص: ۲۳۳

## الخلفاء بعد النبي صلى الله عليه وآله اثنا عشر

١٦٧ - حَدَّثَنَا الْفَامِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ ابْنِ يَزِيدِ الْأَنْبَارِيِّ، عَنْ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ إِسْمَاعِيلِ بْنِ الْفَضْلِ الْهَاشِمِيِّ، عَنْ الصَّادِقِ، عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

قُلْتُ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَخْبِرْنِي بِعَدَدِ الْأَئِمَّةِ بَعْدَكَ.

فَقَالَ: يَا عَلِيُّ! هُمْ اثْنَا عَشَرَ، أَوْلَهُمْ أَنْتَ وَآخِرُهُمُ الْقَائِمُ.

١٦٨ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجُبَّارِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادِ الْأَرْدِيِّ، عَنْ أَبَانَ بْنِ عَثْمَانَ، عَنْ ثَابِتِ بْنِ دِينَارٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ:

الْأَئِمَّةُ مِنْ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ: أَوْلَهُمْ أَنْتَ يَا عَلِيُّ! وَآخِرُهُمُ الْقَائِمُ الَّذِي يَفْتَحُ اللَّهُ - تَعَالَى ذِكْرُهُ - عَلَى يَدَيْهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا.

١٦٩ - حَدَّثَنَا الْقَطَانُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى بْنِ خَلْفِ بْنِ يَزِيدٍ، عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْحَنْظَلِيِّ، عَنْ يَحْيَى بْنِ يَحْيَى، عَنْ هِشَامِ، عَنْ مَجَالِدٍ، عَنِ الشَّعْبِيِّ، عَنْ مَسْرُوقٍ قَالَ:

بَيْنَا نَحْنُ عِنْدَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ نَعْرُضُ مَصَاحِفَنَا عَلَيْهِ، إِذْ يَقُولُ لَهُ فَتَى شَابٍ: هَلْ عَهْدٌ إِلَيْكُمْ نَبِيِّكُمْ كَمَا يَكُونُ مِنْ بَعْدِهِ خَلِيفَهُ؟

قَالَ: إِنَّكَ لِحَدِيثِ السَّنِّ وَإِنَّ هَذَا شَيْءٌ مَا سَأَلْتَنِي عَنْهُ أَحَدٌ قَبْلَكَ، نَعَمْ عَهْدٌ إِلَيْنَا نَبِينَا أَنَّهُ يَكُونُ بَعْدَهُ اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً بَعْدَهُ نَقَبَاءُ بَنِي إِسْرَائِيلَ.

## جانشینان پیامبر "صلی الله علیه وآله" دوازده نفرند

۱۶۷ - امام علی علیه السلام می فرماید:

از رسول خداصلی الله علیه وآله در مورد تعداد ائمه بعد از ایشان سؤال کردم.

فرمود:

ای علی! آن ها دوازده نفرند، نخستین آن ها تویی و آخرین فرد آنان قائم است. (۱)

۱۶۸ - امام سجّادعلیه السلام از پدر بزرگوارش، از جدّ والا-مقامش امیرمؤمنان علی علیه السلام نقل می کند که پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود:

امامان پس از من ۱۲ نفرند؛ نخستین آن ها تویی ای علی! و آخر آن ها همان قائمی است که خداوند متعال به دست او مشرق و مغرب زمین را فتح می کند. (۲)

۱۶۹ - مسروق می گوید:

با عبدالله مسعود، مشغول مقابله قرآن هایمان بودیم که جوانی آمد و از او پرسید: آیا پیامبرصلی الله علیه وآله شما فرموده است که پس از وی چند نفر خلیفه می شوند؟ عبدالله گفت: تو تازه جوان هستی، با این حال، کسی تا کنون این مطلب را از من نپرسیده. آری پیامبر ماصلی الله علیه وآله به ما اعلام نموده است که پس از وی ۱۲ نفر خلیفه به عدد نقیبان بنی اسرائیل باشند. (۳)

ص: ۲۳۵

---

۱- ۲۱۴. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۹۱، حدیث ۱۰.

۲- ۲۱۵. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۲۳، حدیث ۹.

۳- ۲۱۶. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۵۱، حدیث ۴ و روایات متعدد دیگر در این زمینه.

١٧٠ - حَدَّثَنَا الْقَطَانُ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عَبْدِ النَّيْسَابُورِيِّ، عَنْ هَارُونَ بْنِ إِسْحَاقَ قَالَ: حَدَّثَنَا عَمِّي إِبْرَاهِيمَ بْنَ مُحَمَّدٍ، عَنْ زِيَادِ بْنِ عِلَاقَةَ وَ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ عَمِيرٍ، عَنْ جَابِرِ بْنِ سَمْرَةَ قَالَ:

كُنْتُ مَعَ أَبِي عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَسَمِعْتَهُ يَقُولُ: يَكُونُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أَمِيرًا، ثُمَّ أَخْفَى صَوْتَهُ.

فَقُلْتُ لِأَبِي: مَا الَّذِي أَخْفَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؟

قَالَ: قَالَ: كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ.

ص: ٢٣٦



۱۷۰ - جابر پسر سمره می گوید:

همراه پدرم خدمت پیامبر صلی الله علیه وآله بودیم، شنیدم که حضرتش فرمود:

«پس از من ۱۲ نفر امیر می باشند.» سپس صدایش را پایین آورد و آهسته چیزی فرمود.

به پدرم گفتم: چه فرمود؟

پدرم گفت: پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: همه آن ها از قریش هستند. [\(۱\)](#)

ص: ۲۳۷

---

۱- ۲۱۷. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۵۱، حدیث ۸.



## فهرست آیات

اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ اتَّبِعُوا مَنْ لَا يَسْئَلُكُمْ أَجْرًا يس/ ٢٢/ ١٧٢

الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ مائده/ ٣/ ٦٢ و ٦٦

أَمْنَ هُوَ قَانِتٌ آتَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا زمر/ ٩/ ١٢٦

إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ رعد/ ٣٧٧

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مائده/ ٥٥/ ٣٣

إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ احزاب/ ٣٣/ ٢٣٢

ذُرِّيَّةَ بَعْضِهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ آل عمران/ ٣٤/ ٢٣٨

سَلَامٌ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ صافات/ ١٣٠/ ٣٧

شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ بقره/ ٥٨/ ٢٢٨

عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ \* تَصَلِي نَارًا حَامِيَةً غاشيه/ ٣/ ٢١٨

فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضَ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَضَائِقٌ بِهِ صَدْرُكَ هود/ ١٢/ ٦٠

قَاتِلُوهُمْ يَعَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ توبه/ ١٤/ ١٧٨

قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ نمل/ ٤٠/ ٣٥

قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا يونس/ ٥٨/ ٣٩

قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ رعد/ ٤٣/ ٣٥

وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغَتْ رِسَالَتَهُ مائده/ ٦٧/ ٤١

وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا طه/ ٨٢/ ٤١

وَقَدْ خَابَ مَنْ افْتَرَى طه/ ٦١/ ١٧٦

وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ يس/ ١٢/ ٣٥

وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ فَصَلَتْ/ ٣٣ ١٤٨

وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ مَائِدَه/ ٥٦ ١٨٠

وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ نِساء/ ١٤ ٤٨

وَيَسْتَنْبِئُونَكَ أَحَقُّ هُوَ قَوْلٌ إِي وَرَبِّي إِنَّهُ لَحَقُّ يونس/ ٥٣ ٣٧

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ مَائِدَه/ ٦٧ ٤١ و ٦٠

ص: ٢٣٩

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹





مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

